ژوندون

LIBRARY OF CONGRESS
6
APR 4 - 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

شنبه ۱۱ حوت ۱۳۵۸
اول مارچ ۱۹۸۰

15521/0271yoo

شمارهٔ (۵۰)
سال (۳۱)

عشق، ازدواج وتشکیل خانواده

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب‌دموکراتیك خلق افـــغانستان ،رئیس شورای‌انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کـــراتیـك‌افغانستان ،هنگامیکه بایکی از زارعان کشور مصافحه می‌نمایند.

اختصار وقایع مهم

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیك خلـــق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمـــوکـــراتیك افغانستان شب۲حوت‌در ضیافت مجللی‌اشتراك کردند که‌به مناسبت شصت ودومین سالگرد تاسیس اردوی سرخ ورهایی‌بخش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در سفارت کبرای آن کشور مقیم کابل برگزار گردید .

دراین ضیافت اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم عده از اعضای بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلـــق افغانستان‌و اعضای هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان ، بعضی‌از اعضای شورای وزیران وکدر های برجسته حزبی ، قوماندانان و صاحب منصبان قطعات مختلف قوای مسلح افغانستان ، مامورین عالیرتبه دولتی وسفرای کبار وآتشه های نظامی کشور های دوست مقیم کابل اشتراك ورزیده بودند .

***

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر- میدهد که از طرف ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان پیام تبریکیه به مناسبت انتخاب جلالتماب‌ادوارد بابوویچ‌بحیث صدراعظم جمهوری مردم پولند عنوانی موصوف به وارسا صادر شده است .

* * *

مدیریت اطلاعات‌وزارت امورخارجه خبرمیدهد ازطرف ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم‌جمهوری‌دموکراتیك افغانستان تیلگرام تبریکیه بمناسبت‌روزملی کویت عنوانی شیخ جابر الاحمد الصباح امیر آن کشور به کویت مخابره گردیده است .

* * *

نخستین کنفرانس‌زراعتی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان ساعت ده ونیم قبل از ظهر ۷ حوت بابیانیه انقلابی ببرك كارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان در قصر دلکشا (ارگ)افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح‌این کنفرانس اعضای بوروی سیاسی و اعضای کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلـق افغانستان اعضای‌شورای‌انقلابی وشورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان نیـز اشتراك ورزیده بودند .

* * *

شصت ویکمین سالگرد بر قراری روابط دوستانه وحسن‌همجواری‌بین‌جمهوری دموکراتیك افغانستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی بعداز ظهر ۸حوت طی محفل باشکوهی از طرف انجمن دوستی افغان‌وشوروی‌تجلیل گردید .

درین محفل بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان‌برخی ازاعضای شورای وزیران ،مامورین‌عالیرتبه‌دولتی واعضای انجمن دوستی افغان وشوروی، سفیر کبیراتحاد شوروی ،سفرای کشور های سوسیالیستی‌و شارژدافیر سفارت‌کبرای‌جمهوریت سوسیالستی ویتنام اشتراك ورزیده بودند .

***

طبق‌اطلاع واصله ازمسکودکتوراناهیتا راتب- زاد عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ووزیر تعلیم وتربیه قبل از ظهر ده حوت باپروکوفیف وزیر تعلیم وتربیه اتحاد جماهیر شوروی در مسکو ملاقات نمود .

* * *

دگرمن محمد اسلم وطنجار وزیر مخابرات ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۸ حوت در دفتر کارش با جلالتماب لی چونگ‌ریم سفیرکبیر جمهوریت مردم کوریا ملاقات تعارفی نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه صحبت بعمل آمد .

عبدالمجید سر بلند وزیر اطلاعات و کلتور ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۸حوت در دفتر کارش باجلالتماب ستویان رادو سلاووف سفیر کبیر جمهوریت مردم‌بلغاریامقیم کابل مـلاقات‌تعارفی نمود .

طی این ملاقات پیرامون‌موضوعات مورد علاقه کلتوری میان جمهوری دموکراتیك افغانستان وجمهوریت مردم بلغاریا تبادل افکار صورت گرفت .

***

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر- میدهد شاه محمد دوست‌وزیرامور خـــارجـه ساعت ۱۰ قبـل از ظهـر ۹ حوت در دفتـــر کارش باجلالتماب‌الهادی عمرالحریك سفیرکبیر جماهیر یه اشتراکیه مردم عربی لیبیا در کابل ملاقات تعارفی بعمل آورد .

***

اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به پیشگاه خلق صلح‌جو وآزاد افغانستان به‌خلق های منطقه وجهان به‌تمام نیرو های ملی‌ومترقی جهان وبه تمام ملل ودول صلح‌جوی جهان به‌صراحت وبیانگ رسا اعلام میدارد که امپریالیزم خونین امریکا دراتحاد نامقدس با امپریالیزم انگلیس و شوونیزم فتنه‌گر چین وبا استفاده ازپایگاه وقوای ارتجاعی پاکستان ومنطقه ومتحدین اسرائیلی خود بصورت‌علنی وخاینانه آشکارا ومسلحانه بصورت جنگ اعلام ناشده درقلمرو مستقل افغانستان ازجمله باصدور گروه‌های مسلحانه اجیر ومزدور در شهرکابل دست‌به‌تحریکات‌وتخریبات،مداخلات وتجاوزات وکشتار دسته جمعی مردم صلح‌جوی افغانستان زده ومی‌زنند.

طبق آخرین اطلاع موثق شبکه های سی،آی،ای یعنی سازمان جاسوسی مرکزی امریکا خرابکاران وجاسوسان پاکستانی و امریکایی با انبار اسلحه اسناد، میکروفون‌ها،تیپ‌ها، فوتوها واسعار فراوان دالرامریکایی کلدار پاکستانی ، مارك آلمانی وپوندانگلیسی یکجا با افراد مزدور درنقاط مختلف شهرکابل از جمله در جمیل هوتل، هوتل‌های متروپول پارك ونیشنل و چندین نقطه دیگر شهر دستگیر و مراکز تجمع و تفنگداران آدمکش شان سرکوب گرفتار شده‌است. که‌ازطریق وسایل ارتباط جمعی ومحاکمهٔ انقلابی به پیشگاه مردم‌ارائه خواهد شد.

به‌جهانیان اعلام می‌گردد که‌به اتکاء به خداوند عظیم الشان خلق قهرمان دولت‌حکومت قوای امنیتی ومسلح آزادی بخش جمهوری دموکراتیك افغانستان وتمام نیروهای ملی و ترقی خواه وطنپرست یکتن‌واحد دریك جبهه وسیع ملی پدروطن تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان این حزب قهرمانان و شهیدان وطن فشرده وشجاع چون کوه استوار ومحکم در برابر هرگونه مداخلات وتجاوزات‌وتحریکات دشمنان خارجی وداخلی افغانستان به خاطر دفاع پرتوان از شرف وناموس وطن به خاطر دفاع ازحق زندگی وآزادی فرزندان،خواهران مادران، برادران وپدران خود بخاطر دفاع بی‌امان از استقلال ، حاکمیت وتمامیت‌سرزمین ووطن مقدس مان افغانستان به‌خاطر تامین‌امنیت وآزادی مردم وایجاد شرایط صلح آمیز درکشور ومنطقه چون اجداد ونیاکان شهید وغازیان کشور که‌طی سه جنگ آزادی‌بخش ملی درس عبرت عظیم تاریخی به‌اشغالگران انگریز داده اند درین راه حق وحقیقت در مبارزه عادلانه خود بی‌ترس وبی‌هراس به پیش می‌روند.

هموطنان ،مردم جهان!

عزم راسخ وایمان شکست ناپذیر داریم که‌انقلاب ثور انقلاب‌ملی‌ودموکراتیك ضدارتجاع وضد امپریالیزم پیکار آزادی بخش خلق افغانستان پیکار عادلانه ضد امپریالیزم جهان خوار امریکا وانگلیس ضد ارتجاع سیاه پاکستان وضد شوونیزم چین ودیگر چا کران آنها بصورت قطع‌وبحکم‌تاریخ‌به‌پیروزی نهایی میرسد، ولی تمام عواقب ناشی از جنگ‌تجاوز کارانه وغیر عادلانه ضد حقوق‌بشری، ضد صلح وضد آرامی درافغانستان و منطقه بعهدهٔ قوای ارتجاعی وامپریالستی وجنگ طلب یعنی بعهده امپریالیزم خونخوار امریکا صهیو نیزم وشوونیزم جنگ انداز چین به‌خصوص دروجود ارتجاع سیاه ومتجاوز پاکستان بوده وخواهد بود.

هموطنان عذابدیده مردم شرافتمند جهان آیامیدانید که‌دشمنان ددمنش وبیرحم‌افغانستان چرا باتمام اعمال رذیلانه ووحشیانه خود علیه افغانستان قهرمان وانقلابی ،علیه دست آوردهای انقلاب ثور بخصوص علیه مرحله‌نوین انقلاب ثور به‌تحریکات وتجاوزات تخریبات و مداخلات درامور داخلی مادست میزنند، بدین جهت که‌حزب واحد دموکراتیك خلق‌افغانستان ودولت وحکومت جمهوری دموکراتیك‌افغانستان توطئه خاینانه سی، آی، ای امپریالیزم‌امریکا ومتحدین آن ازجمله عمال وباندددمنش امین راناکام وسرنگون ساخت صلح و آزادی دموکراسی وترقی عدالت وانسانیت برا دری وبرابری رابرای مردم ووطن مان افغانستان‌اعلام داشت. پایه های اساسی وحدت حزب قوای مسلح وخلق سراسر افغانستان را استحکام بخشید وازدست آوردهای انقلاب‌ثور واز وطن آزاد ومحبوب مان افغانستان بزرگ قهرمانانه وفداکارانه دفاع نموده ومی‌نماید.

بگذار یك باردیگر دشمنان خلق ووطن مان افغانستان یعنی ارتجاع وامپریالیزم از پایگاه پاکستان که‌خلق های شریف آنرابالای انبار باروت قرار داده اند آزمایش کنندودرس عبرت دیگری را ازسرزمین افغانهابیاموزند.

به‌قوای ارتجاع منطقه وجهان اخطار داده میشود که افغانستان قهرمان وانقلابی تنها نیست عظیم ترین قدرت آزادی بخش جهان این پاسبان شکست ناپذیر صلح وآزادی‌وترقی جهان راباخود دارد وهمیشه خواهد داشت.

دست های سیاه وخونین ارتجاع پاکستان، امپریالیزم امریکا وشوونیزم چین ازسرزمین افغانها کوتاه.

اعلامیه وزارت امور داخله ومقامات امنیتی

هموطنان عزیز و شرافتمند :

از صبح روز ۳ حوت عمال واجیران خارجی گماشتگان انگریز، امریکا، پاکستان وچین دست به فعالیت اخلال گرانه ، تحریك آمیز وتخریبی علنی‌بر علیه‌آزادی ، امنیت وآرامش مردم کابل زده اند .

به خاطر رعایت حقوق دموکراتیك وموازین حقوق بشر دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان سعی نمود تا از هر نوع اعمال و اقدامات اخلالگرانه وتخریبی آنها جلو گیری بعمل آورد .

ولی این‌اجیران خاین‌به مصالح ملی کشور ما دست به چپاول وغارت ملکیت های شخصی ودولتی زدند ، دکانها را غارت و وسایل ترانسپورتی را آتش زدند ، از قتل اطفال ، زنان ومردان وهموطنان بیگناه و رنجدیده‌ما دریغ نکردند وشما همشهریان عزیز شهر کابل درین دو روز شاهد فجایع این دشمنان وطن بودید .

بدین جهت وزارت امور داخله جمهوری دموکراتیك افغانستان و قوای امنیتی غرض حفظ امنیت جان ومال همشهریان محترم‌وظیفه خود میداند تادر شهر کابل حالت نظامی را اعلام داشته تا مرتکبین این جنایات را به شدید ترین جزای اعمال شان برساند .

بدین جهت اعلام می گردد که :

اول ـ غرض تامین امنیت قیود شب گردی ازساعت هشت‌شب الی ساعت چهار وسی‌صبح جدا مراعات گردد .

دوم ـ تمام همشهریان کابل که کارت حمل سلاح با خود ندارند سلاح شانرا در ظرف ۲٤ ساعت به ماموریت های سمتی خارندوی شهر کابل تحویل دهند .

سوم ـ اجتماعات بیشتر از چهار تن‌بصورت قطع ممنوع است .

چهارم ـ پخش هرنوع افواهات و شایعات واعمال ضد دولتی وحکومتی جدا ممنوع‌است.

کسانیکه مخالف مقررات نظامی در شهر کابل عمل نماید به زود ترین فرصت به محاکمه نظامی وانقلابی کشانیده خواهد شد وبشدید ترین جزای حالت نظامی محکوم خواهند گردید .

هموطنان شریف !

در حالیکه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان از هر حیث بر اوضاع کاملامسلط است ونیرو وتوان مقابله با هر نوع تحریکات وتجاوز را دارد .

به کسانیکه آرامش وصلح وطن ما را تهدید نمایند متوجه باشند که به هیچ‌صورت نمی توانند با چنین اعمال خود زندگی صلح آمیز همشهریان عزیز مارا بیشتر ازاین‌مختل سازند .

گزارش منابع‌داخلی‌وخارجی‌این تحریکات مستند ومشهود بعدا به‌اطلاع هموطنان عزیز سانیده خواهد شد .

همشهریان شریف شهر کابل!

باآرامش خاطر بر زندگی روز مره تان بپردازید دشمنان سو گند خورده شما حتما با شکست ننگین مواجه می‌شوند .

دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان در دفاع وخدمت شماست و دشمنان داخلی و خارجی شما نیز بعداز مرحله نوین انقلاب‌ثور از گام های وطن پرستانه یی که به خاطر آرامش، آزادی، سعادت ورفاه شما برمیدارد،در هراسند.

ببرك كارمل منشی‌عمومی کمیتهٔ مر کـزی‌حزب دموکراتیك خـلـق افغانستان ، رئیس‌شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك‌افغانستان هنگام ایراد بیانیهٔ شان درمراسم افتتاح کنفرانس زراعتی کشور درتـالار قصر دلکشا.

متن کامل بیانیه ببرك کارمل

خلق قهرمان ماشجاعانه لکه سیاه ننگ امین و امینی ها را از دامن پاك و مقدس خود زدودند

متن بیا نیه ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب‌دمو کـرا تیـك خلق افغا نستان ، ر ئیس شورای انقلا بی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغـا نستـان‌در محفل‌افتتاح نخستین‌کنفرانس زراعتی جمهوری د موکرا تیك افغا نستان :

بسم الله الرحمن الرحیم

نمایندگان محترم‌دهقانان ،زمینداران ماموران زراعت و اصلاحـات ارضی روحانیون وطندوست ، دوستان عزیز ورفقای گرامی !

اقدام پیروز مند شش‌جدی که انقلاب شکوهمند ثور را وارد مرحله نوین‌از پروسه تکامل خود نمود با کمك و پشتیبانی‌تمام نیرو های ملی ،ترقیخواه ودموکراتیك و قوای مسلح قهرمـان جمهوری دموکراتیك افغانستان تـحت رهبری حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان درفش پیروزی حقیقت انقلاب ثور را سرخرو و سر بلند بر فـراز کشور محبوب ما دوباره‌به اهتزاز درآورد،پرده های ظلمت و سیه روزی را از هم درید دست هـای خـایـن‌بوطن، جباران‌و خونخواران را از جان و مال مـردم ستمدیده و بلاکشیده افغانستان کوتاه ساخت .

خلق زحمتکش و مسلمان ما مجال تنفس و زندگی‌یافتند ، هزاران انسان نجیب ووطنپرست از سلولهای باستیل پلچرخی این مکتب ننگ وعبرت امین سفاك به کانون پر محبت و عطوفـت خانواده های خود برگشتند وآه وناله عزیز ان شانرا به شادی و سرورمبدل ساختند .

مرحله نوین انقلاب ثور کشور و توده های وسیع مردم زحمتکش مارا ازپرتگاه نیستی نجات داد و برای‌تمام نیرو های دموکراتیك و ترقیخواه اعم‌از کارگران ،دهقانان ،روحانیون، کسبه کاران، دانشمندان،روشنفکران،ماموران سرمایه داران ملی و تمام زحمتکشان کشور درهای سعادت راکشودشجاعانه و انقلابی شرایط وحدت و همبستگی آنها رادر جبهه وسیع ملی پدروطن مهیا ساخت دیگر هرفردافغان با اعتماد آگاهانه و شجاعانه دریك صف واحددر راه اعمار افغانستان آباد مقتدر ومترقی گام برمیدارد دیگر ارواح شیطانی کلبه دهقانان وکاشانه وطنپرستان را نمی آزارد ، دیگرماشین‌شکنجه های‌مظلومان درهم شکست ،آدمکشان و باند های مزدور به دادگاه خلق سپرده مـی شوند، چنانیکه پیداست همین که در نقطه از جهان جنبش مترقی به پیروزی میرسد و نیرو های صلح ،آزادی و ترقی اجتماعی قوت بیشتر کسب می‌کند وجامعه وارد مرحله پیشرفته تری از تکامل خود می گردد امپریالیزم ددمنش امریکا و متحدین آن بر گلیم ماتـم نشسته و نوحه سر میدهند . همین‌که انقلاب ملی و دموکراتیك ما بنابرحکم تاریخ و خواست‌بالفعل مردم افغانستان عزیز وارد مرحله نوینی ازتکامل خود گردید پلانهای‌شوم کارتر رئیس‌جمهور امریکا نقش برآب شد وطشت رسوایی مزدور وفادارش ، این امین نا امین،از بام افتید آنا مستر کارتر مسلمان‌شدو بحیث مدافع اسلام بر مرگ امین این قاتل صدها هزار مسلمان شرافتمند هموطن ما شروع به گریستن نمود،آیا مضحك نیست اگر کارتر واقعا هوا- خواه مسلمانان و اسلامیت است، پس نمی دانیم چراعلیه منافع‌خلق‌مسلمان ومستضعف ایران خصومت ورزیدودر راه انقلاب اسلامی‌ایران که رژیم منفور ومستبد پهلوی این دشمن خلق ایران رابرانداخت توطئه می چیند و اکنون باوارد نمودن فشار های ضد بشری اقتصادی و سیاسی بر آنها از هروسیله پلید استفاده می کند تا انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی ایران را سرکـوب نماید .

آیا این امپریالیزم امریکا نیست که معاهده منفور کمپ دیوید را بین بیگین وسادات عملی ساخته‌وحقوق حقه اعراب بخصوص خلق مبارز فلسطین را زیرپا نموده و به ارسال کشتی های جنگی‌و تاسیس پایگاه‌های نظامی در شرق‌میانه وخلیج فـارس امنیـت کشور هـای

مسلمان منطقه را تهدید می نماید معلوم است که چنین است .

هموطنان ما آگاه اندکه در جریان مرحله نوین انقلاب ثور بخصوص در روز های اخیر امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی صهیونیزم و مائویزم با استفاده از ارتجاع پاکستان‌و بابهانه قرار دادن خاینانه به اصطلاح،مداخله اتحاد شوروی‌درامور داخلی‌افغانستان، تبلیغات افترا آمیزتجاوزات و تحریکات رذیلانه راعلیه افغانستان قهرمان و انقلابی ، آزاد و مستقل راه انداخته‌اند تاازاین طریق نه تنها صلح و امنیت‌را درمنطقه استقلال ملی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان را مواجه‌به تهدید و خطر جدی و مهلک‌سازند بلکه وخامت اوضاع بین المللی راکه بعداز جلسه سران ناتو در واشنگتن در ماه ثور ۱۳۵۷ تشدید یافت به نقطه‌نهایی خود رسانند .

تبلیغات افترا آمیز ضد شوروی‌وضد افغانستان درکشورمااز طرف‌امپریالیزم بین المللی بعدا میراث خوارامپریالیزم انگلیس این محافل حاکم مرتجع و نظامیگرو تجاوز گر پاکستان ، البته‌نه ازطرف خلقهای صلحجو و مسلمان پاکستان ، پدیده تازه نیست بلکه‌بعد ازانقلاب اکتوبر استقلال افغانستان و انقلاب ثور بود که بوجود آمده اند،اما ارتجاع بین المللی امکانات خودرا با اشتباه فاحش و بصورت جنون آمیزو هستریك ارزیابی می کند ، زیرا در دورانی زندگی می کنیم که تناسب‌قوای جهانی دیگر هرگز به نفع امپریالیزم‌و ارتجاع از جمله دشمنان مر تجع افغا نستان نیست، بلکه به‌حکم‌قانون تکامل جوامع بشری به نفع نیرو های صلح ، استقلال ملی ، آزادی خلقهاو ترقی اجتماعی از جمله افغانستان انقلابی وقهرمان که نیروهای انقلابی و متر قی جهان پیشا پیش‌آن بزرگترین قدرت انسانی جهانی یعنی اتحاد شوروی بصورت قاطع و تزلزل ناپذیر درپهلوی‌خلق‌قهرمان افغانستان قرار دارد می باشد، اشك تمساحیکه دشمنان ددمنش استقلال و آزادی افغانستان بخاطر به‌اصطلاح‌خطر کمك اتحاد شوروی به افغانستان ، می‌ریزد بیانگر سیاست مزورانه منافقت آمیز جنگ‌طلبانه و تجاوز گرانه آنان است خطر واقعی در منطقه ناشی از سیاست ماجراجویانه و غیر مسوولانه ارتجاع امریکا ،چین،پاکستان ،مصر واسرائیل وغیره است‌که‌بخصوص با ایجادپایگاه های تجاوز کارانه وصدور عسکرمزدور ازپاکستان به سر زمین افغانها صورت می‌گیرد ،موج تبلیغات‌دروغین‌و خصمانه علیه افغانستان و اتحاد شوروی از سیاست تشدید مسابقه تسلیحاتی و وخامت اوضاع بین المللی و دامن‌زدن به‌جنگ سرد وایجاد موانع دردیتانت تحمیل نصب راکت های جدید کروزو پرشنگ در اروپا بوسیله امپریالیزم امریکا توقف تصویب موافقتنامه سالت ۲ ازطرف رئیس‌جمهور کارتر جداناپذیر است .

بیشر می وخشونت‌ارتجاع و امپریا- لیزم درموج تبلیغا تی لجام گسیخته‌اش وسیاست تحریك آمیز علیه افغانستان واتحاد شوروی‌ازجمله‌درمنطقه مابازتاب بحران عمیق سرمایه داری و تلاش مذبوحانه امریکای امپریالیست برای تحمیل سر کردگی اش بالای اردوگاه ارتجاع بین المللی از جمله ارتجاع پاکستان و چین می باشد که خودرادر خدمت آن قرار داده است.

به همه گان‌معلوم است که قبل از مر حلهٔ نوین انقلاب ثور در نتیجه سیا ست امپر یا لیستی و سیا ست ماجراجویانه‌تروریستی‌وتوسعه طلبانه ا سرا ئیل تو طئه خا ینانه کمپ دیوید بوسیلهٔ سادات و صهیو نیست های اسرا ئیل علیه حقوق ملی‌خلق فلسطین و سایر خلقهای‌مبارز عرب پشتیبانی امریکا ،شرق میانه به‌یکی از گرمترین‌مراکز تشنج و جنگ مبدل گردیده است ، ارتجاع و امپر یالیزم در زیر شعار درو غین به اصطلاح (خطر شوروی) تمام وسایل خا ینانه را بکار اندا خته است تا پیکار های عادلانه خلقهای عرب ،ایران افغا نستان ،پاکستان وآسیای جنوب شر قی راکه در برابر منافع جهانی امپر یا لیزم امریکا سد واقع می شود سر کوب کند حزب و دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان توجهٔ نیرو های صلح جوی جهان رابه این‌نکته معطوف میدارد که قبل‌ازمرحله نوین انقلاب ثور یکصدو ده هزار عسکر ضر بتی امریکا که به اساس اعتراف خود شان میتوا ند در شرق‌میانه یا هر جای دیگر پیاده شود انتقا لات قوای نظامی امریکا در بحر هند و خلیج فارس و تهد یدات مبنی بر محا صره انحصا ری و حتی مدا خله مستقیم نظا می در ا یران پایگاه های‌نظامی‌دیگو گارسیا وسایر پا یگاه ها در بحر هند ،ترکیه و عمان ،صومالی و سایر کشور های منطقه بخصوص در پا کستان و همسنگر شدن شوو نیزم‌چین با آن همه بیانگر سیاست جنگ طلبا نه ار تجاع امپر یالیستی بوده ومیباشدکه امروز با تمام بی شر می و هو چی گری افغا نستان قهر مان و انقلابی را تحت‌به اصطلاح «خطر شو روی» در منطقه مورد تجاوز قرارمیدهد در حا لیکه هدف نقشه‌خائنانه امپر یا لیزم ایجاد پایگاه های تجاوز کا رانه جدید وانعقاد پیما نهای سیاسی و نظامی میبا شد ،ولی امپر یا لیزم و ار تجاع بین المللی برای پنهان کردن این دسا یس شوروی صلحجو را متهم به پیاده کردن این‌سیاست میکند و خودسرانه قرار داد دوستی همجواری و همکا ری بین جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان و اتحاد شوروی و همچنان اعلا میه های طرف افغان و شوروی را مبنی بر

عودت قطعات محدود نظا می اتحاد شو روی از افغا نستان به مجرد یکه مدا خلات و تجا وزات مستقیم و غیر مستقیم نظا می و تهد یدات خارجی بر وطن مقد س ما افغا نستان عزیز متوقف شود خا ینانه نا دیده میگیرد و تبلیغات فتنه گرانه جعلی و مسموم کننده را علیه اتحاد شوروی که‌گو یا از افغا نستان به بحر هند پیشروی میکند و استقلال ایران را تهدید میکند براه می‌اندازد .

لعنت ابدی به منا فقان و درو غگو یان باد .

واقعیت اینست که امپر یا لیستهای امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه‌و رهبران چین سخت درزدو بند اند تا در راه انقلاب ملی و دمو کرا تیك ضد فیو دالی و ضد ا مپر یا لیستی خلق افغا نستان سنگ اندازی کنند ، شهر ها ، دهات مکاتب ، و مساجد را باآتش بکشند، زنان ، اطفال و پیر مردان مان را وحشیانه به قتل بر سانند و دست آورد های انقلاب ثور را از میان بر دارند .

مردم غیور ما در جهاد مقدس خویش علیه‌امپریالیزم، ار تجا ع و سا یر دشمنان افغا نستان قهر مان و انقلابی تنها نبوده و نیست

دوست عنعنوی ملی خلق افغا نستان اتحاد شو روی وارد و گاه صلح جنبشهای رهایی بخش ملی ، جنبش های کار گری جهانی و دیگر

نیرو های متر قی جهان از نبرد عادلانه و جا نبا زانه مردم ا فغا نستان پشتیبا نی همه جانبه مینما یند و ازکمك های بزرگ و سا زنده خود دریغ نمی ورزند . مردم ما تنها نیست بشر یت مترقی با ماست .

دو ستان عزیز و رفقای گرامی !

خلق قهر مان افغا نستان شجا عانه لکه سیاه ننگ‌امین و امینیها را از دامن پاك و مقدس خود زدو دند ، اما بحرا نهای اجتماعی و

اقتصا دی که این جوا سیس به سلسلهٔ سیاست های‌نادری بد ستور اربابان خودبرکشور بلاکشیده ما تحمیل کرده اند هنوز هم گر یبا نگیر مردم

مستضعف ماست ، این چا کران امر یکایی وانگلیسی ساطور بدست علیه تمام سر مایه های ملی ، کلتو ری دینی ، مذهبی و سنن عالی

لطفاً ورق بزنید

ملی ما تمام آنچه که بـــرای مردم ما گرا نبها بوده است، دستبرد زده اند تا کشور را به پر تگاه نیستی سوق‌دهند. اما مردم ، حزب و دو لـــت دمو کرا تیك ما دریك سنگـر فشرده مصمم اند تا به تمام این بحرا نهای اجتماعـــی اقتصادی ، فر هنگی ،کلتوری سیاسی و خرا بکار یهای که ازین گروه های وحشی بارث مانده است ، مبارزه و جهـاد کند ، تا بنیان یك افغا نستان مترقی ،شکو همند و سربلند را پایه گذاری نما ید. امین‌و امینیها و آد مکشان صـــادر شده از خارج ، اقتصادکشور را لگد مال نموده و وضـــع زرا عت در کشور رقتبار تـر گردیده ، ما لداری بطـــرف نیستی سوق داده می شد و دهقا نان و مالداران روز تـا روز ور شکسته تر میشد ند، نگاه مختصری بر او ضـــاع ۱۳۵۸ بیانگر روشن ایـــن مدعا ست .

باید گفت که بنا بـــر تخر یبات دشمن در برابـــر اصلا حات ار ضی ونبودن‌یك پلان موثر علمی و عملـــی زراعتی، نر سیدن به موقـع تخمهای اصلاح شده و کود- کیمیا وی به زارعین ، عـــدم وجود تبلیغا ت موثـــر و تشو یقی زارعین در قسمت زرع نبا تات ، فرار یکتعداد زیاد زحمتکشا ن از ظلم وبی عدا لتیها ، ترور و د هشت با ندیست ها بصد ها هزار جریب زمین بدون زرع باقی مانده که در نتیجه این عوامل در سال ۱۳۵۸ - از جملـه نزده میلیون جریب ز مین‌که برای زرع آماده بود، هفـــده اعشاریه پنج میلیون جریـــب زمین زرع گردید که تفاوت هشت فیصد را نشان می‌دهد همچنان مقدار تو لیدات‌بایست شش ا عشاریه پنج میلیون‌تن میبود در حالیکه با تنقیص ۹ فیصد به پنج اعشاریه نـــه میلیون تن رسید ، بصو رت مختص در قسمت تو لیـــد پخته و لبلبو که از نبا تـات عمده صنعتی کشور مـــا محسوب می شوند از یکصدو شصت هزار تن پخته ویکصد هزار تن لبلبو ی پیش بینـی شده به تر تیب یکصد وپنج و هفتاد هزار تن پخته ولبلبو تو لید گردید که‌به تر تیـب تنقیص سی و چهار اعشاریه چهار فیصد را نشان می‌دهد.

ا ر قام بالاو ظا یف‌مشخصی را در برابر حزب ، دو لت‌و مردم افغا نستان قرار مید هد تا با طر ح پلا نهای علمی، عملی و انقلابی برای رفع‌عقب ماندگی ها اقدا مات عاجـل روی دست گرفته شود ،روی این ضرو رت بود که دو لـت در زمینه های فوق طرح های عاجل را پیاده کرد که‌ازجمله در بخش زراعت تقو یة بنیة اقتصا دی زارعین پخته کارو لبلبو کار و برای بلند بردن سطح تو لیدا ت پخته ولبلبو تصمیم گر فته شد تا درسال ۱۳۵۹و سا لهای بعـــد ۲۰ فیصد تزئید در قیمت خریـد پخته و ۳۰ فیصد تزئیـد در قیمت خرید لبلبو ، ا لبته‌وبه تفکیك سورت پخته و فیصدی مواد قندی لبلبو به مقا یسة قیم‌سال ۱۳۵۸ صورت گرفت.

همچنان دو لت برای کمك برای زارعین قیمت کـود- کیمیا وی یوریا را از یـك خریطه (۵۰۰) افغانی به یـك خریطه (۴۰۰) ا فغا نی‌پا یین آورد .

همچنان حکو مت تضمیـن نمود تا مقدار لازم گنـدم را برای خو راکة پخته کاران و لبلبو کا رانیکه خود به‌کشت گندم اقدام نورزند ،به‌قیمت های ارزان در اختیار آنـــان بگذارد .

همچنان دو لت جمهـو ری دمو کرا تیك افغانستان برای رشد سکتور زراعت پروگرام عاجل برای سال آینـــده رو یدست دارد که به یـاری خداوند متعال تطبیق ایـــن پرو گرام و ضع زراعت رادر کشور بهبود خواهد بخشید.

امید وار هستیم با تطبیق پلانهای علما تنظیم شده‌کشور را ازین وضع فلاکت بارنجات بخشیم و در آینده قریـــب افغا نستان در صف سایـر کشور های پیشر فته قـرار گیرد .

مطابق خط مشی دو لـــت جمهو ری دمو کرا تیك افغا- نستان . منا سبات فر تـوت فیو دالی و ما قبل فیو دالی را باید طرد نمود و مناسبات عادلانه و انسانی را مطابق‌به مقتضیا ت عصر جا نشیـــن بی‌عدالتی هانمود وزحمتکشان کشور را از قید اسـارت آزاد سا خت سیستم عصـــری زراعت و مالداری را جانشین سیستم کهنه و قرون‌وسطایی نمود ، پایه های نظام‌اجتماعی اقتصادی عادلانه و ثمـــر بخش را هر چه بیشتـــر استحکام بخشید وحدت طبقة دورا نساز کار گر و دهقان‌را نیرو مند تر نمود و ایـــن همبستگی را با سا یـــر زحمتکشان تعمیم ، تحکیم و تعمیق نمود و در جهت اعمار افغا نستان آباد ، آزاد،مترقی سر بلند و شگوفان بسیـــج کرد و در رشد و توزیـــع عادلانة عواید زراعتی بـــذل مساعی نمود .

حجم تولیدات زراعتـی را باید بلند برد ، تا غذای کافی و متنوع برای نفـــوس روز افزون کشور تهیه گردد ،باید مواد خام زراعتی مـــورد ضرورت کارخانه ها، فابریکه ها و مو سسات داخلی کشور مهیا شود و با بلند بـــردن حجم تو لیدات زراعتی قابل صدور ، اسعار خارجی بیشتر بکشور جذب گردد .

برای بلند بردن سطـــح زندگی ، رفاه و آرامی مردم شریف کشور سعی ومجاهدت به عمل می آید تا اولاد وطن ما از فقر و بدبختی بیسوادی و بیماری که دامنگیر شـــان است، هر چه زودتر نجـات یابند .

باید ازمنابع طبیعی زراعتی مثل جنگلات علفچر هـــا و منابع آبی و غیره به منظـور سر سبزی و آبادی و ایجـاد یك اقتصاد نیرو مند استفاده معقول و درست صورت گیرد فار مهای دولتی تا سیـس گردند ، کو پرا تیفهای جدید زراعتی بوجود آیند و آنچـه داریم اصلاح و انکشاف کیفی نمایند با در نظر داشـــت شرایط حاکم در کشور بـــه منظور رشد اقتصا دی وکمك به دهقا نان ، ما لـداران و زمیندا ران کشور ، پروگرام های عملی، علمی و عا جـل برای سال ۱۳۵۹ رو یدست گرفته شده است . که ایـن پروگرام به کمك و همکـاری دهقا نان ،زارعان و ما لداران کشور، اعضا و ار گان هـای حزبی ، فار مهای دو لتـی،و کو پرا تیف ها در عمل‌پیاده خواهد شد که در نتیجه‌تولید حبوبات ۱۳ فیصد تو لیـد نبا تات ۳۶ فیصد و دیگـر تو لیدات زراعتی بطور نسبی نظربه سال ۱۳۵۸ از د یـاد خواهد یافت .

خدمات و تر نری تقویـت

می‌گردد، مجا دله به مو قع‌علیه امراض حیوانی و نباتی ،تهیه تخم ، کود کیمیا وی و ماشین آلات زراعتی بسود دهقا نان بسط و تو سعه می یابد .

برای حفا ظت و احیای علفچر ها و جنگلات که سر مایه ملی کشوز محسوب می شود سروی و مطا لعات لازم به عمل خواهد آمد و برای تاسیس فابریکه تولید خو را که حیوا نی در بغلان و سایر مناطق کشوز تدابیر لازم اتخاذ میگردد .

جهت تحقق پرو گرام مطرو حه طی سال ۱۳۵۹ از مسا عدتهای پر ارج مالی و تخنیکی کشور های دوست، بخصو ص اتحاد شو روی، استفا ده به عمل می آید، کشور برادر اتحاد شوروی علاوه از کمکها یی که طی سا لیان گذشته به بیش از (۱۵۰) پروژه خرد و بزرگ اعم از سا ختمان سرکها،بند و ا نهار ، زرا عت و آبیا ری تولید انرژی برق . مو سسات علمی و فنی ، تفحصات نفت وگاز، منازل رها یشی، سیلو ها و شفا خانه ها و فابریکه های مختلف و غیره نموده‌و مینماید در سال ۱۳۵۹ معاونت های آتی را طور رایگان در اختیار جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان می گذارد :

۱ـ ده هزار تن کود کیمیا وی .

۲ـ پنج هزار تن تخم بذری اصلاح شده گندم .

۳ـ دو هزار تن تخم بذری اصلاح شده پخته .

٤ـ هفت استیشن میکانیزه زراعتی .

همچنان در آینده نز دیك اتحاد شو روی ، کمکهای بزرگ و مثمری در بخش زراعت و آبیاری در سا حات سا ختمان و فعال نمودن پو لیکلینك های حیوا نی لابرا توار های امراض‌زراعتی استیشنهای میکا نیزه تو لید کود کیمیا وی و اعمار بند و انهار بالای رود کو کچه و غیره مینماید .

برای اینکه زمینداران محترم به اساس خطا به ۱۰ دلو اینجا نب در خرید و فروش تملیك ،ترکه ، وسایر انتقالات و اجاره زمین دست آزاد دا شته با شند . هدا یت داده شده است‌تااز طرف‌اداره اصلا حات ارضی در زمینه تسهیلات لا ز م‌فرا هم گردد. زمیندا را نیکه کمتر ازده جریب زمین درجه اول و معادل آن دارند میتو انند چند جریب زمین دیگر را نیز رایگان بدست آرند ،تاساحه زمیندا ری شان به ده جریب زمین درجه‌اول برسد ، آنعده زمیندا رانیکه بیشتر از ده جریب زمین درجه اول و یا معادل آ ن دا رند می توا نند اضافه جر یبی خود راتااندازه ایکه ساحه زمینداری شان بیشتر از ۳۰ جریب‌درجه **اول یا معادل آن نرسد به نرخ فی جریب زمین درجه‌اول یا معادل آن عادلانه خریداری کنند .**

به اساس احصا ئیه های موجود تو لیدات زراعتی و حیوانی در فی واحد کمتر از نصف اندازه ایست که باید باشد .

باید گفت که با معر فی تکنا لوژی عصری و اصلاح نمودن سیستم ز میندا ری و آبیاری به شکل عادلانه و عصری آن میتوان امکا نات بلند بردن حجم تو لیدات سالانهٔ زراعت را در طی دو پلان پنجسا له چند مرتبه بلند برد .

توقع میرود تا متخصصین ما موران ، مو سسات‌زراعتی دهقا نان ، زمینداران و ما لداران شریف کشور در فضای همکاری همه جانبه برای رشد و انکشاف سریع اقتصاد ضعیف مملکت شانه به شانه هم به پیش بروند، یك دیگر را کمك کنند برای عناصر ضد انقلاب ، رهز نان آد مکشان ، خرا بکاران و مفسد ین ا جا زه ند هند تا سر ما یه ملی مارا با ز یچه اهداف شوم و پلید خود سازند .

دو لت جمهو ری دموکراـ تیك افغا نستان تلاش میورزد تا جائی که ا مکا نا ت برایش اجازه بدهد برای زارعین محترم کمك و مسا عدت‌نماید طوریکه قبلا هم گفته ا یم تکرار مینما ئیم که حکومت شما بقدر لازم تخمهای‌اصلاح شده درجه اول گندم و پنبه و مقدار کافی کود در دسترس داشته که همین اکنون توزیع آن عملا صورت میگیرد همچنان طبق وعده ترا کتور و ماشین آلات زراعتی در دسترس دهقا نان ،زمینداران و کو پرا تیف ها میگذاریم و در صورت ضرو رت جدی کمك های پولی در اختیار دهقا نان عزیز و زحمتکش خو یش خوا هیم گذاشت .

حالا که خدا وند با فضل‌و کرم خو د بر فبا ری ها ی فرا وان را نصیب کشور ما ساخت بر ماست تا از این نعمت خداو ندی استفا ده درست کنیم و با توجه جدی به کشت و کار خود بپردازیم خوب کشت کنیم ، تا خوب درو نمائیم .

امید وارم تا شا ملین نخستین کنفرا نس زرا عتی جمهو ری دمو کرا تیك افغاـ نستان ، با تحلیل وبررسی علمی با پیشنها دات سالم و خلاق خود بتوا نند راه های بهتر و سالمی را برای رشد تو لیدات زراعتی و تطبیق سیا ست دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان بیابند و پلا نهای عملی منظم و علمی را بدین منظور طرح نمایند .

در پایان از اعضای محترم کنفر ا نس ز ر ا عتی خوا هشمندم ز ما نیکه کنفرا نس به پایان میرسد و دو باره به ولایات خو یش بر میگر دند سلا مهای گرم‌و صمیما نه اینجا نب را برای فرد فرد از همو طنان شریف بر سانند و برای شان بگویند و اطمینان کامل بدهند که حزب و دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان از مردم و در خد مت مردم است وبه اتکای خدا وند بزرگ‌و اراده شکست نا پذیر مردم‌ما در زود ترین زمان ممکن آخرین د شمنان صلح و امنیت کشور ، آخرین د شمنان استقلال ، حاکمیت و تمامیت سر زمین مقدس افغا نستان ازریشه محو ونابود میگردد ،

پیروز باد وحدت و اتحاد نیرو های ملی ومتر قی‌درجبهه ملی پدر وطن ! سر سبز آباد و شگوفان باد کشور ما افغا نستان ،

به‌پیش در راه تار و مار آخرین بقا یای آ دمکشان خرا بکا ران و مز دوران اجیر سیاه‌پا کستانی، امپر یالیست های امریکا یی،شوو نیستهای چین و مر تجعین مصری و اسرا ئیلی این دشمنان خلق های زحمتکش مسلمان جهان!

به پیش در راه ایجاد شرایط مصئون کار صلح‌آمیز آزادی ، دمو کراسی و ترقی اجتماعی .

و من الله توفیق

بر ادران و خو اهران ! وحدت وانضباط انقلا بی را در میان
ود تحکیم بخشید ،فعالیتهای خرابکارا ه آدمکشان، رهزنان
رور یستها ، و طنفروشان و سز دوران ا مپریالیزم راخنثی و
ا کام سازید».
«ببرک کارمل»

شنبه ۱۱ حـوت ۱۳۸۵ ، اول مارچ ۱۹۸۰

امپریالیزم جهانی دشمن صلح و آرامش

همشیهر یان شرا فتمند ما روز
وم و سوم حوت شا هد فا جعـه
سف انگیز و جنا یتبار ی بودندکه
مال ارتجا ع و نو کران زرخریـد
مپر یالیزم با طر حریزی پـلان
سوم طرا حا ن هستی سـوز
خلقها که در راس آن امپریالیز م
جنایت کار امریکا قرار دارد بـرپا
نمودند .

آنها برای اینکه باداران آشوبگر وفتنه انگیز شانرا متقا عـد سا خته باشند که در ایجـاد دهشت افکنی دستور العمل های آنها رابه حیث تعلیم یافتگا ن زراد خا نـه امپریالیز م مو بمو میتوانند عمـل کنند دست به چنین تحریکـا ت جنو ن آمیز و جنایت بار ز دند . اطفا ل معصوم و مرد م بیگناه ر ابه گلو له بستند ، اپار تمان هاومنازل را به آتش کشیدند ، اموا لمرد م را به تاراج بردند و از هیچگو نه قساو ت وو حشی گر ی دریـغ نورز یدند .

این اخلا لگرا ن ، زندگی آرا م ومطمئن همشهریا ن کابل‌را که تازه دوره نقا هت خونکار ی های امیـن خونریز را پشت سر میگذاشتندبار دیگرمختل وپرآشوب‌نمودندولی این تحریکا ت تفتین آمیز شا ن بزود ترین فر صت با جوا ب دندان شکن قوای مسلح جمهور ی دموکراتیك افغانستا ن ، قوا ی امنیتـی ، جوانا ن رزمنده‌حزب دموکرا تیـك خلق افغانستا ن وپشتیبا نی بیدریغ همشهریان ماسر کو ب و خنثـی گردید .

این جنایت پیشگان رو سیـاه ارتجا ع داخلی که از ارتجـا ع بین المللی منشا گر فته و ریشه کثیف شا ن از منبع آلود ه ونا پاك امپریالیز م جها نی آب میخو رد با دستیار ی یکعد ه‌ازاخلا لگـرا ن پاکستا نی که خلق شریف ما چهره های کثیف آنها را در تلویز یو ن ومطبو عا ت کشور مشا هده‌نمودند میخوا ستند تا با استـفا د ه ا ز احساسا ت پاك مذهبی مرد م و حتی اطفال معصوم ، اغرا ض شـوم‌و غیر انسا نی شانرا بر آورد ه سازند وبه منطق سخیف و خیا ل با طل شان با ردیگر افغانستا ن عزیز را برای امپریالیز م امریکا دو دسته تقدیم نمایند !

چنانکه با از بین بر دن رژیـم امان الله خان به انگریز هـا ی استعمار گر تسلیم نمودند ، و لی نمیدانند که جها ن امروز جها ن دیروز نیست و نیرو های بر توا ن صلح و عدالت نیرو مند ترگردید ه واستعمار گرا ن را از سکوی یـکه تاز ی بزیر انداخته و هر گز نمـی گذ ارند که فضا ی صلح و آرا مش جهانی را تیره و تار سازند .

این فریب کارا ن شیطا ن صفت که با استفاد ه از ریش هـای سا ختگی و فیته های تا یپ شد ه میخوا ستند خود را در انظـا ر مرد م بحیث وار ثان اصلی دین مبین اسلام جلوه دهند ، حتی از داشتن ریشهای‌واقعی‌ننگ داشتندپس‌چطور ادعا ی مسلما ن بود ن را می نمایند ودیگرا ن را بحکم تکفیر میگیرند؟

این ساده لو حا ن بی مرو ت‌نمی دانند که این سا خته کار ی ها نه تنها جا یی را نمیگیرد بلکه هنو ز هم خشم مرد م را بر می انگیزد و خاطرا ت تلخ گذ شته را دو بار ه در اذ هان شا ن ز نده میسا زد ، زیرا مرد م مابخا طر دارند کـه همین انگریز ها ی فریب کار کـه امروز مزدو رانش رابا آرا یشـ وپیرایشس مختص بخود شا ن‌مامور دهشت افگنی میسا زند . سا لها پیشس شیطا ن ها ی بز رگ شانرا با ریشها و چهر ه ها ی نا مقد س در لباس مرد م جاز دند و حتی‌د ر مسا جد به اما مت گماشته و دین مقدس مارا بباد استهزا گرفتنـد که از جمله میتوا ن اما مت انگر یز نا مسلمان را در مسجد پل خشتی که داستا ن آن زبانزد خا ص وعام است بحیث مثالی از صد ها مثال زد .

اکنو ن که باز هم منا فع شو م و غا ر تگر انـه شا نـر ا بار دیگر از د ست دا ده انـد . به ریفرنسس شیطا نی خویش‌رجو ع نمود ه و از « همان آش و همـا ن کاسه » ملو ث خود استفا ده مـی کنند تا امراض مهلك‌و کشنـد ه شانرا به جان مرد م ما سرایت دهند وبرای تطبیق هر چه مو فقتر آ ن جسم های‌لطیف‌وپذیرای اطفال‌معصوم را تشخیص و انتخا ب نموده اند .

چنانچه مرد م شریف ما مشاهده نمودند که عد ه از اطفا ل معصو م ومرد م بیگنا ۀ ما را فریب داد ه و روکشس جنایا ت شو م شان نمودند تا مگر همه‌رابخاك وخو ن بکشند ولی چو ن جمهور ی دموکرا تیك ما با پیروز ی مر حله نوین تکا مل انقلاب شکو همند ثور هر گو نـه پدید ه و مسایل را با شنا خـت علمی و منطقی تحلیل و بر رسـی مینما ید نه تنها مردم را اذ یـت نکرد بلکه بر اساس فر مان ببر ك کارمل اطفال معصوم وعدیـی از سالمندا ن را که با خو شس باوری فریب اجیرا ن خار جی را خورد ه بودند آزاد ساخت که این عمل‌انسانی تایید گر حر کت اصو لی‌و عشـق به مقام والا ی انسا ن‌و ار زش های دموکراتیك است که جمهـور ی دمو کراتیك ما بر آن پایه واساس دارد .

زنده باد انسان دو ستی
مرگ بر دشمنان صلح‌و آرامش

متن بیانیۀ ببرك کارمل ،خطاب به‌زارعـان کشور

• • •

عده‌یی ازاخلال گران درگیردرحوادث سوم حوت بااسلحۀ شان دستگیر شدند.

• • •

راپور تکان دهنده از حوادث خونین سوم حوت

• • •

آثار عتیق در روشن نمودن جهات مختلف فرهنگی ...

• • •

بسراغ هنر بالت

• • •

یکنوع سپورت جدید برای خانواده ها

• • •

عشق، ازدواج وتشکیل خانواده ...

• • •

نگرشی برکتاب نور وظلمت

• • •

روی جلد:

هنگامه، آواز خوان محبوب رادیو تلویزیون کشورما

• • •

پشتی چهارم:

نمونه های ازصنعت ظریف کاسه هـای استالیفی

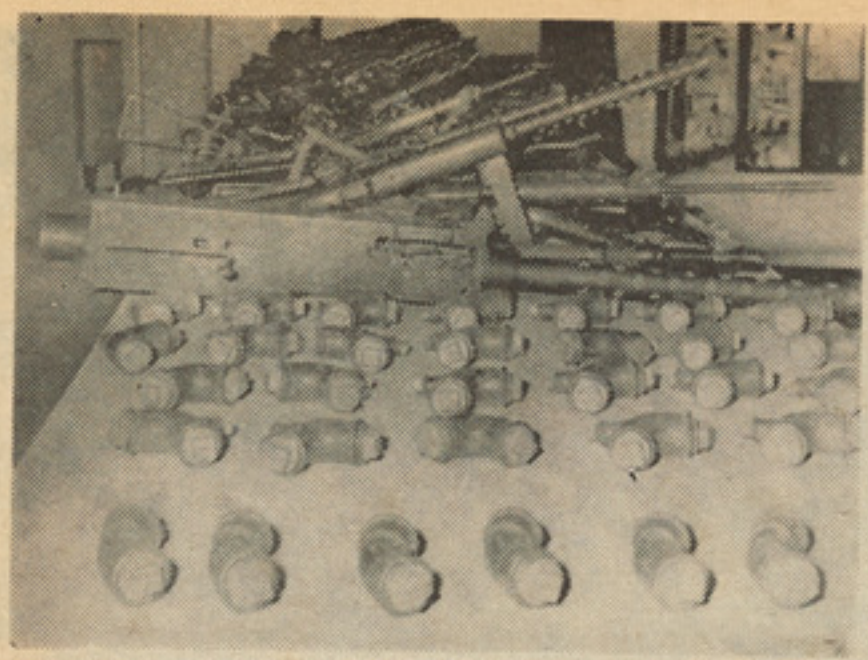

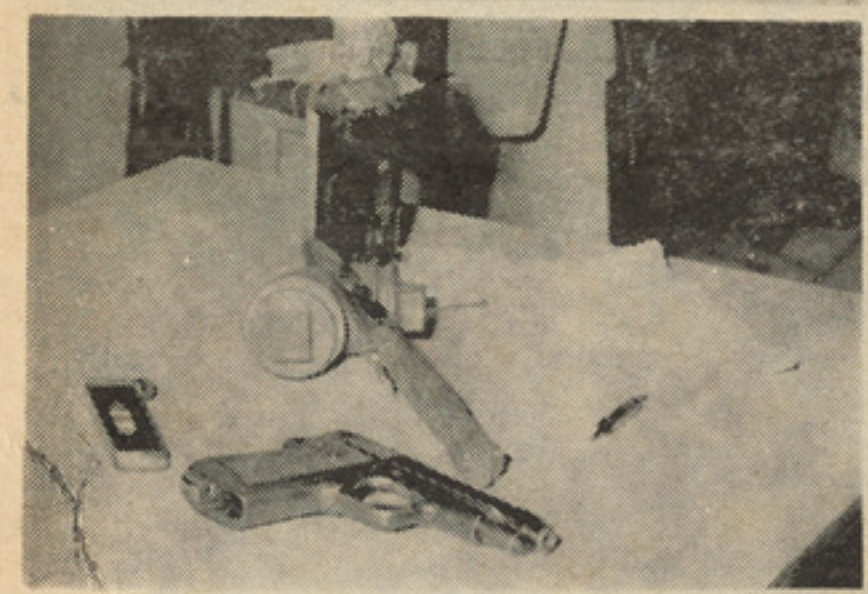

ازبالا به‌پائین ـ انواع مختلف اسلحهٔ‌مخرب که‌از نزد دشمنان مردم مادر ارتباط به‌حادثهٔ دلخراش سوم حوت درکابل بدست‌آمده است.

مردم شرافتمند ! اینها پاکستانی هایی اندکه در آشوبهای اخیر درشهرکابل مستقیما شرکت داشتند .
چه کسی به آنان اجازه میدهد که برعلیه‌منافع ملی ما عمل کنند ؟

هموطن شرافتمند !
با اسلحه امریکا وچین در روز های اخیر عناصر جنایت کار وابسته به خرابکاران اجنبی مذبوحانه سعی وکوشش مینمودند تادر کابل بی نظمی بوجود بیاورند . در جمله‌این جنایت کاران مسلح عدهٔ زیادی ازجاسوسان

نظم وآرامش را در مرکز ودر سراسرکشور بزودی برقرار میسازد . هیچکس نباید درین مورد شك وتردید داشته باشد .
هموطنان باغیرت، مسلمانان صادق، بدور حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان وببرك کارمل متحد شوید .

عده‌ای از اخلال گران بابیش از دوصدمیل سلاح دستگیر شدند

پاکستانی واجنت ، (سیا) سازمان ننگین جاسوسی امریکا ، بنام (رابرت لی) شامل بودند .
بگذارید تمام جاسوسان خارجی، محرکین ضد امنیت ملی ما، دشمنان اسلام و خداوند بزرگ ماو مردم شریف کشور مابه جزای اعمال خود برسند .
حکومت انقلابی شما با دست نیرومند خود

دوران تاریك حکمفرمایی امین این جلاد خونین برای ابد گذشته است اما برای‌اینکه این ایام غمگین وتاریك تکرار نشود هر فرد افغانستان، هر مسلمان متدین باید وظیفه خود رادر دفاع ازناموس وطن ایفا نماید .
دهقانان ، کارگران، روحانیون وطنپرست، سربازان دلیر قوای مسلح ، تاجران، معلمان، دکتوران وروشنفکران .

از زندگی آرام ومسالمت آمیز مردم ستمدیده تان حفاظت کنید واز وطن خود در برابر رهزنان ومداخله گران اسارت آوردفاع نمایید . تنها بدین ترتیب میتوانید نام‌بزرگ پروردگار را ثنا گویید ودر برابر خداوخلق سر فراز باشید .
هموطنان گرامی :
حامیان حقیقی اسلام ومدافعین میهن عزیز ما افغانستان آزاد و مستقل رزمندگان راه خوشبختی وسعادت وطن بر افتخار ما . دشمنان اسلام ودشمنان خلق شریف‌افغانستان شایعات وشب نامه های کینه توزانه پخش می نمایند . هدف پلید شان عبارت از برهم زدن زندگی آرام ومسالمت آمیز شهر ها و دهات وبرافروختن آتش جنگ وبرادر کشی است .

لطفا ورق بزنید

این چهره نمایانگر چه چیز هایی است ؟

افرادی ازین قبیل ، گماشتگان حلقه های ارتجاعی منطقه هستند .

چگونه بخود حق میدهی در میان مردم ما ایجاد رخنه نمایی ؟

مگر او واقعا توریست است ؟

هموطنان عذاب دیده ! امین خون آشام‌وباند سفاکش، گروه گروه جوانان‌وبرادران هموطن مارا در کمال بیرحمی وشقاوت ودر بنهانگا هبای‌بیمنا کشان‌سربه نیست‌کردند، و امروز نوکران امپریالیزم امریکا ، انگریز، پاکستان وچین ، بااین سلاحهای کشنده و مخوف در ملاء عام علیه شما ودارایی های شما ، دست به تجاوز میزنند .
اینها فقط قسمتی کوچکی ازمجموع‌سلاحهایی‌است که دشمنان مردم مابرای ایجاد ر عب‌ودهشت در کابل وعلیه جنبش مترقی مردم‌افغانستان وارد کشور ما نموده اند .

این هم‌صحنه های آتش سوزی که توسط‌تخریب کاران روزسوم حوت انجام داده شد.

آنها میخواهند افغانستان رابه شکنجه‌گاه امپریالیزم امریکا و هستیاران مرتد آن یعنی زمامداران چینی ومحافل ارتجاعی پاکستان مبدل سازند .

سرکردگان سازمان رهزنانه به اصطلاح نهضت اسلامی افغانستان ، بنام الله سوگند یاد مینمایند و خودرا به دروغ به مثابهٔ مدافعین اسلام وانمود می سازند . باین جنایت کاران باور نکنید آنها بیشرمانه دروغ میگویند . شما باید بدانید که آنهانه برادران ما و نه مسلمانان حقیقی هستند .

مسلمانان حقیقی هیچگاه خانه های برادران همدین وهموطن خود را آتش نمی زنند ، زنان واطفال بیگناه شانرا شکنجه نمیدهند ، مومنین را بقتل نمی رسانند وبه سازبیگانگان نمی رقصند .

دشمنان اسلام و د شمنان خلق آزادی دوست افغانستان بیشرمانه به اتحاد شوروی دوست بزرگ شمالی ما افترامی بندندشوروی همیشه بهترین دوست ما بوده وهست و در اعمار زندگی صلح آمیز ماودر عمران وآبادی افغانستان آزاد ومستقل به ما کمك کرده است .

در حال حاضر نیزبه خواهش دولت خود شما برای فرستادن قطعات محدود قوای‌مسلح خود پاسخ مردانه وصادقانه داده است .

عساکر شوروی مادران زنان واطفال خودرا ترك کردند تاسینه خودراسپر دفاع ازخانواده مردمان افغانستان در مقا بل استیلاگران خارجی سازند عسکر شوروی مارا ازتجاوز خارجی دفاع میکند. راه های کشور مارا که توسط آن گندم، برنج سایر مواد خوراکه وچوب سوخت به شهر ها ودهات انتقال داده میشود حفاظت مینما یند، عسکر شوروی نه تنها بدین مقدس ما کاملا احترام می گذارد، بلکه ازآن دفاع هم‌مینماید، زیرا که دشمنان شریر داخلی وخارجی ماهرلحظه در آرزوی آن هستند تا کشور مارا ویران کنند ، مساجد ومکاتب را آتش زنند وزندگی را بر زحمتکشان ما جهنم بسا ز ند.

به سلسله ایجاد ناآرامی ها اخلال امنیت طبق یل خبر دیگر آرامش ، آزادی ، سعادت ورفاه شما بر وبرهم زدن جریان عادی زندگی شهریان شرافتمند کابل که طبق پلان قدرت های غارتگر امپریالیستی ودر راس آن امپریالیزم تجاوز گر امریکاومتحدین سیاه‌کارپاکستانی وچینی که از پریروز آغاز گردیده، در اثر تلاش های خستگی ناپذیر قوای امنیتی‌سازمان های حزبی واجتماعی وهمچنان همکاری و همدستی صادقانه عناصر آگاه ومبارز شهر کابل عده ای از اخلال گران وتروریست ها همراه با بیش از دو صد میل انواع ماشین دار، تفنگ ووسایل انفجاری وبمب های دستی ساخت فابریکه های جنگ افروز امپریالیزم امریکا، انگلیس ، پاکستان وچین نیز بدست آمده است .

بقیه درصفحه۵۸

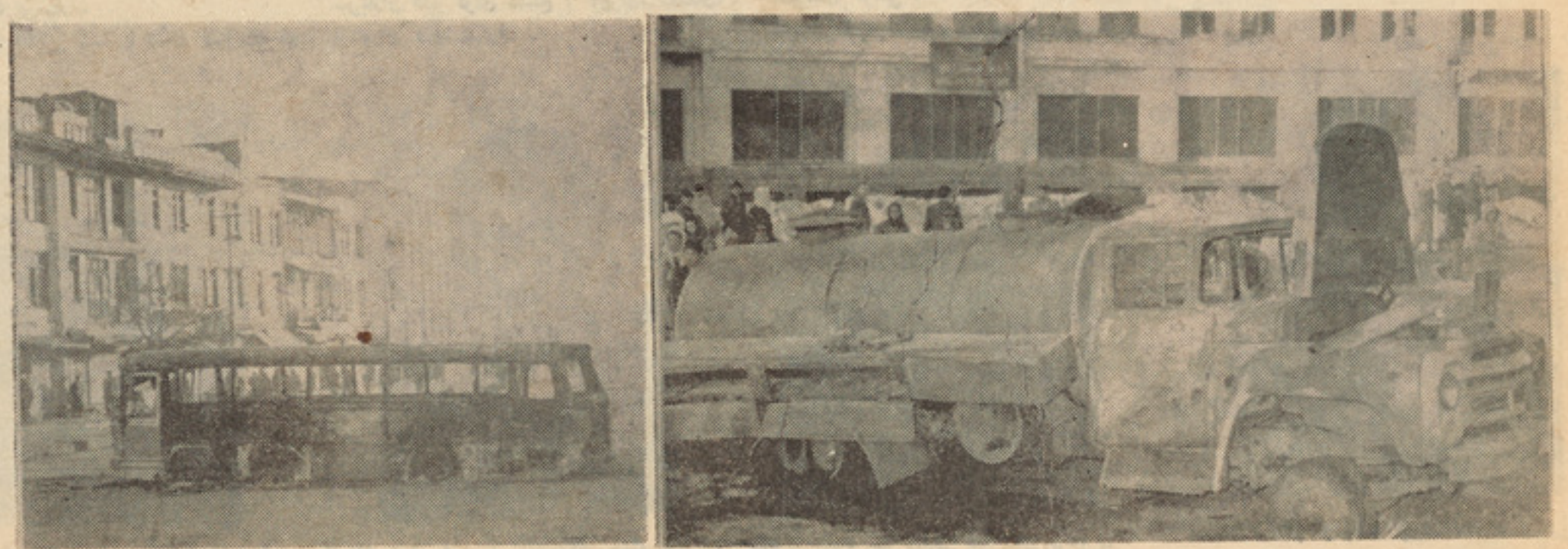

دشمنان انقلاب وخاینین به منافع مردم‌ووطن- ازهیچ‌نوع تخریب کاری ودهشت‌افگنی‌دریغ‌نکردند آنها بدون درنظر داشت اینکه وسایل‌ترانسپورتی هم جز دارایی های عامه‌است وسایل مذکور را آتش زدند.

رژهٔ قوای بحری اتحادشوروی ، این‌ضامن‌صلح درپهنای ابحار جهان •

«اردوی شوروی ،این اردوی فتح و نجات خلقها»

ارتش شوروی یعنی آن ارتشی که‌خلقهای اروپا را اززیر یوغ بردگـــی فاشیزم نجـات داد ، اردوی شوروی ضامن صلح وسلم‌گیتی وبر قرار کننده صلح جها نی است،اردوئیکه از خلق بر خاسته وبا خلق پیوند ها ی‌نـا گسستنی دارد ، اینك پا به شصت‌ودوسالگی گذاشت .

این اردوی معظم ومجهز با مدرن تر ین پدیده های حزبی عصر درین مدت شصت و دو سال از حواد ث و آز مون ها ی‌فراوانی گذ شته است و درین همه گیرو داروحوادث به نیکی ثابت کرده است که شا یستگی و اهمیت فوق العاده اش‌و هم چنا ن مو رال و روحیه‌ی شکست نا پذیر ش در تا ریخ بی همتا ست تاریخ را ورق بزنیم‌هنگامیکه دربهار سال ۱۹۱۸ درست چنـد مـاه پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و بمیا ن‌آمدن اولین‌کشور مترقی وصلح دوست جها ن‌ارتش های انگلیسی ، فرانسوی وامر یکا نی بـر کشور شورا ها یورش بردند و شهر بنـدری مور مانسك را که مهم ترین شهر بند ری آنوقت روسیه ی شوروی بود از طرف‌تجاوز- گران اشغال شد و ازطرف دیگر نیروها ی متجا وز امر یکا نی و جا پا نی به بنـــدر ولادی واستوك بدستیاری تجاوز کـــاران انگلیسی حمله کردند یعنی جنگ تجـاوز کا رانه ی امپر یالستی برین کشور تا زه‌به میان آمده آغاز گردید ، اولین آز مایش بزرگ خلق شوروی و در قدم اول قوا ی مسلح شوروی بود .

همه می دانیم که هدف اصلی و اسا سی این تجاوز وتها جم مسلحانه خفه کرد ن دولت نوبنیـــاد شوروی در گاهواره‌بـود• درین کار زار مرتجعین ونیرو ها ی مزدور صفت داخلی با کمك های مادی و معنوی تجاوز کاران خارجی نیز بـــرضددولـــت جوان شوروی می جنگیدند . در همین و قت است که‌آواز رسای رهبر اولین انقلاب پرو- لتـری بلنـد شد کـه می گفت « همه چیز برای قلع و قمع دشمنان » .

مردم جمهوری جوان شوروی برهبری‌حزب پیشتاز خود به این خواست‌وطن پرستا نه صمیما نه و فدا کا رانه لبیك گفتنددر همین حوادث گرم وداغ است که اردوی قهر مان شوروی تو لد میا بد و آبدیده می شود و به پیکار علیه کهنه کاران وکهنه خواها ن قهر مانانه می شتا بد .

اردوی شوروی مراحل‌اولی‌تکامل‌وآبدیدگی خودرا در میدان های کار زار و نبرد ها ی خونین علیه تجاوز گران بی شرم امپریالیزم وفاشیزم ومرتجعین روسیاه می‌پیماید• .ارتش شوروی ازهمان‌آوان‌تشکیل‌خود درعمل‌ثابت‌نمود که ارتش مرد م وصلح است وبامردم پیوند نا گسستنی دارد وهکذادرجه‌داران‌وقوماندانان مرحله‌ی اول این ار دوهما نا اشخا صی‌بودند که از میان مردم بر خا ستند آنها کسانی بود ند که با همه وجود ودل وجان بـــه آرمانهای انقلاب کبیر اکتوبر وفا داربودند واین حقیقت را درعمل و آنهم زمانی به اثبات رسانیدند که کشور بلا کشیده و معدوم ازجنگ را ازچنگال بزرگتریـن غـــول های عصر مانند امپر یا لیزم انگلیس،فرانسه امریکا جا پان وآلمان نجات دادند . نام‌های افتخار آفر ین قهر مانان درین مر حلـــه جا ویدان است نام واسیلی چپا نوف،کلیمنت وروشیلوف، سر کی لازو مـــیخائیـــل‌فرونز، گیو رکی کوتو فسکی و دیگرا ن .

استخوان بندی اساسی اردوی شوروی را کار گران و دهقا نان وزحمتکشا ن‌انقلا بی تشکیل می داد . هم چنان در پر تو شعله های جنگ آزاد یبخش وضدامپر یا لیستی‌و ضد ارتجا عی سال ۱۹۱۸ قهر مانان وقوما- ندانان زیاد منجمله کسانیـــــکه نام‌جاویدان شان در فو ق ذکر شد زاده شدند و مـی توان آنها ر ابحق قهر مانان جا و یدان‌جنگ های داخلی و ضد امپر یا لیستی نامید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بخو بی مـــی دانست که این کار گران ودهقا نا ن‌است که از دست آورد ها ی انقلاب کبیر اکتوبر بادل وجان ونثار جان هـــای خودحراست می نما یند لذا در پهلوی آنکه تر کیب‌این ارتش را از همین نیرو ها بوجو دآورد به همه مردم شوروی می گفت که از دل‌و جان به این ارتش تازه بمیان آمده ولی نیرومند و شکست نا پذیر کمك نما یند زیرا ایـن ارتش دیگر مانند سابق ارتش استثمارگران واستعمار گران وجنگ طلبان و مرتجعین نیست بلکه این ارتش نابودکننده‌ی‌آنهاست و ارتش صلح ومنافع خلق است این ارتش از خود مردم داوطلبانه سا خته شده است لذا حافظ سر سخت وتسلیم ناپذیر منافع آنها ست ، روی همین خوا ست شر یفا نه‌ی رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بود که همه‌مردم شوروی این نوزاد قهرمان (ارتش) را در آغو ش محبت و تقو یت خود فشر دنـــدو آنرا صمیما نه وفد اکارانه تقو یه و از او با دل و جا ن موا ظبت نمودند .

در بحبو حه‌ی جنگ ضد امپر یا لیستی‌وضد ارتجاع داخلی ارتش جوان شوروی بشکـــل بید ریغ و سر سپرده جا نبازی کرد ایـــن ارتش کار گری و دهقا نی چنا ن شهامت وازخود گذری نشان داد کـه رهبـــر کشور شوراها فرمود :«تمام مشکلات و مصا ئب‌ما در مقایسه با آنچه نصیب سر بازان ارتش شوروی شده ،نا چیز است .» .سر با زان ارتش شوروی با خون های خود سراسر رو سیه را گلگون و رنگین سا ختند و لی نگذاشتند که طفل انقلاب بد ست ضـــد انقلا بیو ن خا رجی و داخلی خفه سا خته شود .

ارتش شوروی با متا یسه به ارتش های تجاوز گرامپر یالیستی وهم چنان نیروهای ضد انقلابی داخلی از نظر عمومی و ظا هری ضعیف بود زیرا این ارتش تازه تشکیل‌شده اسلحه و مهمات جنگی محدود ، د شو اری های زیاد کمبود خوار بار ، کمبود لبا س

لطفاً ورق بزنید

وغیره داشت ولی در هیچ یك از جبهه های جنگ با وجود این همه اند کتر ین ضعفی از خود نشان ندادند و سر با زان وافسران قهرمان ار دوی شوروی با دلاوری واز خود گذری می جنگیدند . البته این دلاوری و پیروزی از ایمانی ناشی می شد که رهبر انقلاب کبیر اکتو بربه پیروزی تر قی وانقلاب بر ارتجاع وضد انقلاب اعم از داخلی وخارجی داشت واین روحیه ی عا لی‌وانقلابی راباعمل ونظر به توده های ملیونی‌مردم شوروی واز جمله ار دوی شوروی ما هرانه انتقال می داد وخلق با دیدن و شنید ناعمال شر ینا نه و انقلا بی رهبربزرگ خودروزتا روز و لحظه به لحظه با ایمان ترو مطمئن تر در را ه انقلاب وپیروزی به پیش می رفتند .

ولی باز هم دربرابر یك آزمون تا ریخی وبی سا بقه ی دیگر : در سا ل ۱۹٤۱: آوانیکه امپر یالیزم نوزاد حرا مزاده ای‌را فیلا (۱۹۳٦ـ۱۹۳۲)به ج ها نیان عر ضه داشته بود واین نوزاد نسبت نوازش وتغذی های فرا وان عنا صر ارتجا عی بزود تر ین فر صت نیرو مند و با رور گردید و درسال ۱۹۳۹حتی بر خ پدر (امپریالیزم و شر کا) شمشیر کشید .

بعد از آنکه فاشیزم به‌سرد مداری‌هیتلرها وموسیو لینی ها ازمرزهای کشور های خود گذ شتند و اروپا را تحت سلطه و سیطره ی خود در آوردند نقشه ی بزر گی دیگر ی در را یشنا ك تدوین شده بود وآن نقشه ی منحو س و تجا وز کارانه ی «بار- باروس » بودکه پلان حمله وتجاوز برحریم کشور صلحدو ست ونیرو مند اتحادشوروی بود . با نهم که ذهنیت عا مه ی جها ن و حتی ستاد ارتش خود آلما ن نازی مخا لف عملی نمود ن این نقشه بودند و لی رهبرا ن دیوانه صفت ومست از باده‌ی فتح‌ممالك- اروپا نی به این ذهنیت ها و واقعیت ها وقعی نگذاشتند ودر سا ل ۱۹٤۱ به‌تطبیق آن پر داختند .البته باید دانست که دشمن‌یعنی فا شیزم ونا زیزم درین هنگا م در اوج‌قدرت نظا می خود بود و تمام منا بع ارو پا ی اشغا ل شده را در خدمت و اختیار داشت‌و با در نظر داشت همین موضوع منتظرپیروزی وفتح سهل وآسا نی بودند . اینك ارتش قهر مان ومردمی کشور شورا ها در برابر آز مو ن بزرگی دیگری قرار گر فت ولی بازهم اردوی قهرمان اتحاد شو روی مر دانه در امر دفاع از کشور و دست آورد های انقلاب همت گما شت زیرا چو ن این اردو از میان مردم تشکیل شده بود وازمردم بود به نیکی می دانست که باز هم امپریالیزم البته بشکل جدید ترو محیل ترو وحشیا نه تر درصدد محو ونابودی کشور وانقلاب شان است. دراین پیکار عادلانه تا ئید وپشتیبانی همه مردم شوروی و مردم صلح دوست ومترقی جهان بااردوی اتحاد شوروی این اردو از مادر وطن واز انقلاب مرد می مدافعه می نمود ودر صدد محو واز پا در آوردن طاعون فا شیزم بودکه سرا سرگیتی را فرا گرفته بود .

ارتش شوروی در اولین روز ها ی تجاوز امپر یا لیزم فا شیستی تا آخر ین مرا حل آن و بعدا در راه نجا ت همه خلقها ی‌دربند کشیده شده از جا نب دشمن سفاك چنا ن‌با پایمردی و شجا عت جنگید که حما سه‌های زیادی آفر ید حما سه ها ئیکه حتی درطول قرون وسده ها و هزاره ها آفریدن‌آن مشکل است. باید دانست قرن های دیگری خوا هد آمد وخوا هد گذ شت ولی هر گز حما سه آفر ینی ، قهرما نی، از خودگذری واقدام جا نبازانه ی ار دوی شوروی و مردم شوروی که‌آلمان هیتلری را قلع وقمع ونا- بود سا خت از ذهنیت انسان این کره نمی توا ند بز داید نسل های آتی مردم‌شوروی

وحتی همه مردم صلح دوست اردوی شوروی نه تنها آهنگ طرد دشمن متجا وز راازسر زمین خود دا شتند بلکه بسیار شر ینا نه آهنگ رهایی ملت های اسیر ارو پایی را نیز دا شتند تنها در حدود هشتصد هزار انسا ن امید وار به زندگی وصلح وصفادر راه رها نی وآزادی ملت ها ی اسیر اروپائی حیات شانرا وقف نمودند اینها جز اردوی قهر مان شوروی کسی دیگری نبود ند درینجا برای اینکه خواننده‌ی محترم به روحیه و عمل شر ینا نه وقهر مانانه ی اردوی اتحاد شوروی در طول جنگ جهانی‌دوم بهتر پی ببرد نکا تی چند از نا مه‌ی یك سر باز ار دوی شوروی را نقل می کنیم :

وصیت نا مه ویاد داشت ل .آ .سیلین‌به خو یشا وندان وفا میل :

«سلام ، دلبندان من! سلام ، هر چند شما و قتی این نامه را می خوا نید من زنده نخوا هم بود ولی پس ازمرگ هم از پس نا بودی هم شما را در آغوش می‌گیرم، دلبندان من، وشما را می بوسم ونه ما نند شبح ، بلکه مانند انسا ن زنده وپدر عزیز تا ن ....

فکر نکنید که من برای آنکه با شجاعت خودمشهور و مفتخر بشوم‌بسوی‌این‌جنگ دهشتناك رفتم . من می دانستم‌که تقریبا بسوی مرگ حتمی می رو م . من پیش‌ازهر چیزی زند گی را دوست داشتم و دارم ..

ولی من بجنگ می روم یعنی بسوی مرگ می رو م بخا طر زندگی ...

پسرم ، توهم هما نطور که پد رت زندگی می‌کرد و مرد، زندگی کن...پسرك هایم لینا ، و گینا ! خوب درس بخوا نید، زبان آلما نی، فر هنگ آلما نی را علو م آلما نی را بد قت فرا بگیر ید و شما باید تما م آنها را برای مرگ ونا بودی‌فاشیز م آلما نی بکار ببرید ... من ایمان دارم که دشمن در هم شکسته خواهدشدوماپیروز خو اهیم شد ....» .

آری این است نمونه ی از خود گذ ری وروحیه ی عالی انسا نی ورزمند گی اردوی شوروی ،اردوی قهر ما نیکه نه تنها ازمنافع

وتما میت ارضی کشور خود بلکه همه مردم شرافتمند دنیا با ریختن خون های‌خود حراست و نگهبانی نمودند .این‌ارتش اینك شصت و دومین سال تا سیس خود را جشن می گیرد . ارتش شوروی که امرو ز دیگر ارتش نیرو مند ترین جها ن است‌چنان آبدیده وآزموده ومدرنیزه شده که چشم دشمنان صلح وسو سیا لیزم را کور می‌سازد وبمثابه مدافع صدیق منافع زحمتکشا ن شوروی وجها ن است . ما بحیث کشور همسا یه و دوست و برادر این سا لگردرا پرمیمون وشادی آ فرین می خوا هیم زنده باد مردم شوروی دوست بزرگ مردم افغانستان .

دادعلی نیرو

ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی

پاسدار واقعی صلح در منطقه وجهان است

اردو از لحاظ تاریخی ، در پلکان‌تکاملی جوا مع بشری وقتی شکل گرفته ونمو دار شد که ، در قبا ل‌فرو غلطیدن جا معه انسا نی در سراشیب تشعب طبقا تی ورویش نطفه استثمار فرد ازفرد ، دولت نیزبه مثابه یك نهاد اساسمند اجتماعی بظهورپیوست روی این ملحوظ ، آنگاه که‌سخن از اردوی یك کشور و ماهیت وخصلت ووظا یف آ ن برزبان می‌آید، باید آنرا در ارتباط به ماهیت سا خت اقتصادی ـ اجتما عی‌هما ن کشور و همچنان با شکل ونو ع دو لتی که درین کشور سیطره دارد مطمح نظرانداخت زیرا مطابق تیوری علمی تکا مل اجتما عی، دولت خود از جهت ماهیت ، خصلت وعملکرد خود ، مستقیما با نحوه مالکیت ، شیوه‌تولید و چگو نگی قدرت اقتصادی دریك جا معه مر تبط و همبسته میبا شد، به‌سخن دیگر، دولت دریك کشور در آنصورت میتوا ندکه بهتر قابل شنا خت گردد که پژو هنده از

صحنه‌یی ازپیکار و جانبازی اردوی آزادی‌بخش

اردوی اتحاد شوروی درراه آرمان و هدف مردم بی‌دریغانه مبارزه می‌کند

ساخت اقتصادی ـ اجتماعی این کشور اطلاعات همه جانبه وپر داشت ها ونگرش های علمی در اختیار داشته باشد .

اینجاست که قضاوت درباب نحوه ماهیت، خصلت ووظایف قوای مسلح در یک کشور مستقیما وبه‌نحوی دیالکتیکی با شناخت ماهیت ، خصلت وعملکرد دولت مسلط بر این کشور ودر کلیت امر با شناخت‌ماهیت جامعه بستگی دارد، وقتی کشوری را متجاوز عنوان میدهیم و یا کشور دیگری را پاسدار صلح و عدالت میدانیم نباید بر پایه اغراض، قضاوت های سوبژه کتیویستی وغیر واقعی استوارباشد، بدین مفهوم که دولت ها در تعقب شیوه ضد دموکراتیک و تجاوزگرانه خویش ، از قوای مسلح شان استفاده به عمل می آورد، هرگاه دولت‌خصلتاواز لحاظ مبانی طبقاتی خود جنگ افروز ، متجاوز ،اشغالگر وضد خلقی نباشد، هیچگاه یکی از ارکان متشکله خودیعنی قوای مسلح را به جنگ و تجاوز واشغالگری و مداخله در امور داخلی کشور های جهان استعمال نمیکند .

بطوریکه دولت ، در واقعیت امر و از لحاظ پیدایش تاریخی‌خود محصول‌طبقات انتاگونیستیک جامعه بوده که دارای‌وظایف داخلی و خارجی معین میباشد که درنتیجه به شکل سیاست داخلی و خارجی آن تبارز کرده و باز تاب میگردد . چون یکی از ارگانهاییکه درجهت تحقق این وظایف ویا تعمیل سیاست داخلی و خارجی دولت میتواند عمل کند، همانا قوای مسلح‌میباشد بنابران دولت های ارتجاعی قوای‌مسلح‌را بمثابه یك ارگان خود طوری عیار میگرداند که بتواند ممد و مدافع سیاست های ارتجاعی آنان باشد .یعنی همانطوریکه دولت های ارتجاعی مدافع منافع طبقات استثمارگر وآله سیادت‌سیاسی این‌طبقات بر خلق میباشند ، تماما ارگانهای آن، بویژه قوای مسلح نیز بخدمت‌همین طبقات استثمار گر وظیفه انجام میدهند، زیرا سرشت وماهیت دولت در سراپای ارگانیزم واحد قوای مسلح آن منعکس میگردد .

در دوران‌ما، قوای مسلح درکشور هاییکه قدرت سیاسی بدست طبقات استثمار گر میباشد مسلما تابع اراده و منافع همین طبقات بوده ودر حدود سیاست های داخلی‌وخارجی‌دولت عمل‌میکندمثلا دولت های ارتجاعی وامپریالیستی که دارای‌خصلت تجاوزکارانه و سیاست های ضد ملی وضد دموکراتیك اند از قوای مسلح‌خویش در برابر نهضت های ملی ومترقی و حریت طلبانه چه در داخل کشور های شان‌باشد وچه درخارج این کشور ها ، استفاده به عمل می آورند ، همین دولت هابه کشور های دیگر یورش می برند ، تجاوز میکنند ودر امر منقاد ساختن آنها به تحریکات و تجاوزات اشغالگرانه و مداخله گرانه دست می یازند ، آتش جنگها را مشتعل میگردانند و هستی ملیون ها انسان رابه امحا میکشانند، چنانچه تجربه تاریخی می آموزد که دولت‌های‌برده داری، فیودالی وبورژوازی همواره مدافع‌طبقات منافع‌حاکمه مرتجع واستثمارگر و اقشار رجعت پسند بوده اند ، بدیهی است که این دولت ها بدون ارگان های معین خود ،خاصتاقوای مسلح نمیتوانند از منافع طبقات حاکمه مرتجع پاسداری و حراست نمایند

لذا قوای مسلح در جوامع طبقاتی و مبتنی براستثمار در اختیار دولت و طبقات‌حاکمه قرار دارد ، هر اندازه هم که دولت های استثماری نعره بزنند وظاهرا نام از صلح وآزادی خلقها ببرند بازهم بنا بر خصلت طبقاتی واستثمار گرانه شان قوای مسلح خویش را علیه آزادی ،صلح ، دموکراسی وعدالت اجتماعی بکار می برد.

حال این سوال پیش می آید که‌هرگاه قوای مسلح از لحاظ ریشه تاریخی‌وطبقاتی خود همزمان باپیدایش دولت‌بوجودآمده است که وظیفه اساسی آنرا دوام و ظایف داخلی و خارجی دولت تشکیل میدهد پس قوای مسلح‌در جوامع سوسیالیستی دارای چگونه خصلت ووظایف میباشد ؟به پاسخ باید گفت که در کشور های سوسیالیستی ، قوای مسلح،علی‌رغم قوای مسلح در کشور های بورژوازی و یا در کشور هاییکه دارای نظامات استثماری اند متجاوز ، اشغالگرو جنگ افروز نیست ،بلکه حامی منافع توده ها

وپاسدار صلح وعدالت اجتماعی میباشد. زیرا ، دولت های سوسیالیستی ویا دولت های ملی و مترقی خصلت تجاوزکارانه ندارند و به اشغال سر زمین دیگران‌ذیعلاقه نیستند وبالاخره با جنگ و جنگ افروزی موضع آشتی ناپذیر دارند ، یعنی‌همانطوریکه قوای مسلح در جوامع مبتنی بر استثمارممد خصلت دولت های استثماری اند ، برعکس آن قوای مسلح درجوامع سوسیالیستی ممد خصلت دولت های سوسیالیستی‌میباشند که همانا دفاع از استقلال ملی ،دموکراسی

بقیه‌درصفحه۵۸

گاتیو شاه، سلاحی که دربحبوحهٔ جنگ‌دوم‌جهانی درخدمت اردوی سرخ قرار گرفت ضربات خردکننده یی برپیکر ورماخت‌هتلری واردنمود.

مسوولیت غارتگری وبه آتش کشیدن دارایی های عامه بدوش کیست؟

خوانندگان محترم ژوندون اطلاع دارند که به تاریخ ۳ حوت یکتعداد از خیانتکاران و جنایتکارانی که اعمال جنایتکارانه آنها شاهد ادعای ما ست دست به‌تخریب کاری و آتش سوزی هاز دند ، که در اثر این عمل آنها و تهدید ها یشان دکانها مسدود و اهالی شریف ما به کمبود مواد غذایی و دیگر اشیای مورد ضرورت خود دچار گردیدند .

آتش زدن به سرویس شهری و ازبین بردن آن ،آیا ضرر آن به فرد فرد این کشور نمیرسد ؟

مثال هایی زیادی ازین نوع خرابکاری ها داریم که خلق شریف ما آنرا مشاهده نمودند :

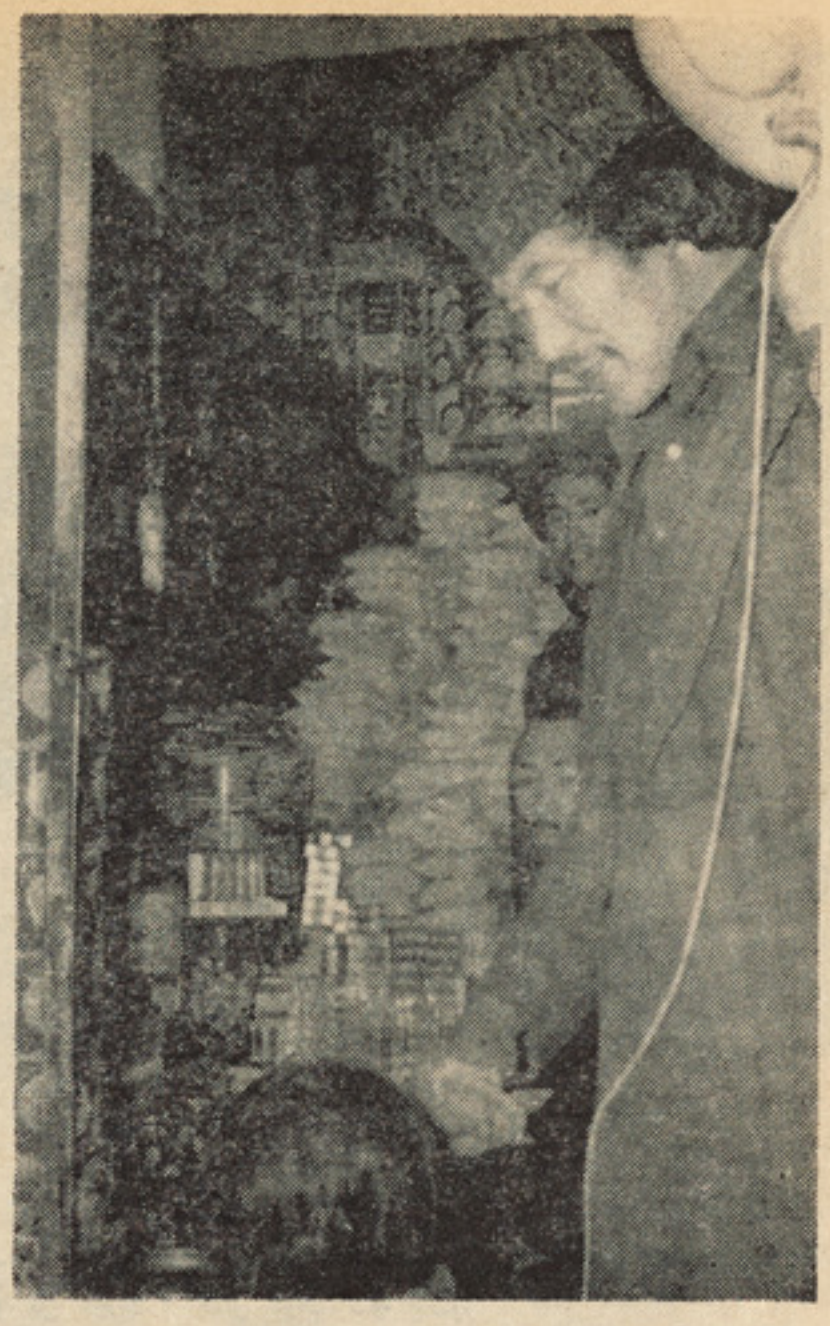

رضا داد می‌گوید: ازعاید فروش اموال،سه‌فامیل هژده نفری را اعاشه می‌نمایم.

از نقاط مختلف شهر ، باچند تن از دکانداران ، طوافان وپر چون فروشان روی بازار صحبتی نمودیم تا نظریات ومشکلاتی راکه این اجیران از خرید برای شان خلق نموده بود ند برای‌خوانندگان باز گو نمایند :

رضا داد یکی از دکانداران خو را که فروشی پل باغ عمومی که مصروف فروش چای وبوره بود ومشتریان زیادی در دکان او جمع بودند داخل صحبت شدیم ، از وی در مورد بسته شدن دکانش ونقصی که درین مدت از درك مسدود بود ن‌دکانش بر او وارد گردیده پرسیدم: گفت: به روز پنجشنبه ازخانه به طرف دکان آمدم تادکانم راباز نمایم گرچه ازطرف اخلالگران برای عده از دوکانداران اخطار داده شده بود که به تاریخ ۳حوت باید همه دکانها بسته باشد در غیر آن دکانها سوختانده می شود و دکانداران هم به جزا می‌رسند اما به این گفته اعتنا نکردم آمدم تا دکان را باز نمایم ،به اطراف خود دیدم که هیچ دکان باز نیست ،اما من دکانم را باز نمودم وتا ساعت هشت صبح نشستم ، دیدم هیچ دکاندار دیگری نیامد تا دکانش را باز نماید ، من هم ترسیدم که بلایی بر سرم نیاید فورا دکان را بستم به خانه رفتم چند روزی دکان ما بسته ماند. پرسیدم: درین مدت به چه مقدار پول ضرر نمودید؟ با آه‌سرد گفت: چون تمام خرج فامیلی ما از درك همین خرید و فروش روزانه پوره می‌گردید چون در روز صد تا دو صد افغانی و بعضی اوقات زیاد تر از آن فروش می نمودیم، اما درین مدت چار روز همین عاید ما قطع گردید واز جیب خود ویا قرض ضروریات روزانه خود را پوره می نمودیم .

در مورد اعمال جنایتکارانه یك تعداد اشخاصی که هدف شان جز خرابکاری و ناارام ساختن مردم چیزی دیگری نبود سوال نمودم :رضا داد در جواب گفت:این عمل آنها یك عمل وحشیانه بود که به کمك بادار های خود می خواستند ما مردم غریب وبیچاره را تباه بسازند وهمین زندگی غریبانه که داریم از ما بگیرند درآخر صحبت خود، اضافه نمود .

حال دوباره ما به زندگی عادی خود شروع کردیم مثل سابق به خرید و فروش اموال خودمشغول هستیم وهیچ سودا و تشویشی به دل‌ما نیست. ازوی تشکر نموده دکانش را ترك نمودم .

همانطور که دکانداران از شر این نوکران امپریالیزم نجات یافتند و زندگی عادی خودرا باز یافتند ، طوافان‌نیز با تبنگ وکراچی های خویش در هرگوشه وکنار سرك ها وجاده های مزدحم شهر به خرید و فروش مشغول گردیدند، صحبتی نمودیم بادوتن از آنها ، در ابتدا با کیله فروشی که تبنگش پراز کیله بود و سه نفر از خریداران مشغول خرید بودند صحبت نمودم . وی خودرا علی جمعه‌باشنده اندراب معرفی و اضافه نمود : ما هشت نفر دریك خانه زندگی می نمائیم که خرج وخوراك همه آنها را مجبورم با فروش کیله تهیه نمایم ، به دو پهلوی

دکانداران شهر کابل همه اعمال خاینانه وجنایتکارانه نوکران امپریالیزم را شدیداتقبیح می‌کند.

او دو پسر خردسال دیده می‌شد، به آنها اشاره کرد که این دو پسرانم هستند وقسمی که‌دیده می‌شد کلانترین پسر اودر حدودشش سال داشت وباقی همه از او خرد بود ند،و او مجبور بود تا یکنفر برای هشت نفر اعضا ی فا میل لبا س و خوراك تهیه نماید، پرسیدم : آیا تنها فروش کیله می تواند مصارف روزانه تا نرا پوره نما ید ؟ با خو نسردی گفت :

پولی که از فروش کیله بد ست می‌آورم خیلی کم است که مصارف ما را پوره نمی کند ومجبور هستم باکم بسازم تا پسرا نم بزرگ شوند و آنها کمکی با من بنما یند وی افزود : به روز های پنجشنبه وجمعه از

طوافان باخاطر آرام وآسوده به‌خریدوفروش‌اموال مصروف اند

هم صحبتی نمایم واو در باره کار وبارش‌و حواد ث اخیر برای ما چیزی بگو ید .

وی خود را غلام سخی معر فی کرد ،از قیافه اش‌معلوم بود که از حوادث و واقعا ت اخیر کابل خیلی دل خون داشت. وی که شمرده ،شمرده سخن می‌گفت افزود: شش نفر اعضای فامیل ماست که نفقه همه آنهارا مجبورم برای شان تهیه کنم ، شما فکر کنید که اگر یك روز نتوا نم ما لته‌بفروشم یگا نه را هی که یك اندازه پول از طریق فروش آن بدست می آورم پس چطور می توا نم زند گی غر یبانه خود و با قی اعضای فامیل خود را پیش ببرم ، خدا را شکر می کنم که بلا بود و برکتش نه وما از دست این مردم آزار ها و دزد ها نجات یا فتیم و حا ل به کار و بار روزمره خود شروع کردیم .

از پل باغ عمومی گذشته سری به دکان ها وپر چون فروشان رو ی سرك بازار مندوی زدیم تا از آنها بشنو یم در مورد حوادث اخیر در کابل چه اظها را ت و نظر یا تی دارند در اول با دکا ندار یکی‌از خورا که فرو شی ها که اسمش را محمد، ترس نتوانستم کار و غریبی نما یم، پر سید م از تر س کی ؟

، گفت : از تر س مردم غریب آزار و خیا نت کار ها که به هرجای می رسید ند غیر از سو ختا ندن ، شکستا ند ن شیشه ها و خرا ب کرد ن اشاره ها ی‌ترا فیك‌کاری دیگری از آن ها سا خته نبود ، حا ل شکر می کنم که تمام مرد م کا بل و در جمله ما مردم غریب وبیچاره توا نستیم که به کار و غر یبی خود بر سیم ، از نزداو خدا حا فظی کرده می خواستم بادکانداری دیگر ی سر صحبت را باز نما یم ، طوا ف دیگری که او مالته می‌فروخت توجهم را به خود جلب نمود او هم منتظر بود تا بااو ابراهیم گفت سر صحبت را باز نمود یم، از ابرا هیم پرسیدم به علت حادثه ۳ حوت برای چه مدتی دکان تا ن مسدود بود ؟وبه چه‌اندازه خساره برای تان عاید شد؟ گفت: همین دکان را که می بینید ، عاید ی‌که ازدرك فروش اموال آن بدست می آوریم سه فا میل را نان میدهد که در حدودهژده نفرمی‌شود ودرین مدتیکه دوکان مابسته بود باکرایه دکان و باقی مصا ر ف در حدود بیست هزار افغانی ضرر بما رسیده و اگر مسدود بود ن دکا ن های ما ادامه پیدامیکرد فکر کنید که نقص و ضرر مابه‌یکجا می رسید وبه چه مدت طو لانی ، می توا نستم آنرا دو با ره‌پوره نمایم و بازهم خدارا شکر گذارم که ازشرای مردمان ناعاقبت‌اندیش که به جز خرا بکا ری ، فر یب مرد م بیچاره وآزار دادن ،کاری دیگری ندارند نجات یافتیم . در حینیکه بادکاندار مذکور صحبت می‌نمودم خر یداری آمد و میخوا ست به‌ره بخرد، از وی خوا ستم تا سخنی چند در مورد حادثه ۳حوت نگوید تا ما به خوانند گا ن محترم

بقیه‌درصفحه ٤١

سیف الدین میگوید: یگانه عایدم فروش‌الوبخارا ست که‌خرج فامیلم راپوره می‌کند

شهریان کابل ودکانداران همه دوباره به زندگی عادیشان ادامه میدهند.

هغه څوك چی هټی بندوی اودخلکو اړتیاوی په نظر کی نه‌نیسی‌تاسی هغوی ته انسان او وطنپال‌وایاست؟

نور عوام غولونکی موږ نشی تیرایستلای

گران هیواد وال ښه خبر دی چی پدی ور ستیو وختو نوکی د نړیوال امپر یا لیزم اجنټان او د هغوی په سرکی د امریکا ، چین ، مصر او اسرائیلی گوډا گیان چی پـــــه پا کستان ،او نورو ارتجاعی قوتونو لخوا تربیه او زموږ گران هیواد ته لیږل شوی وو ،چی دحـــو ت پـه دوهمه او دریمه نیټه د کا بـــل په ښار کی یی دخپلو بادارانو پـه امر په وحشیانه ډول ، په نـــاروا کارو نو لاس پوری کړ او په نتیجه کی زموږ دانقلابی سربازانو له‌خواد گرانو هیواد وا لو په پوره همکا ری دړی وړی شـول او ســ زمـــوږ خلـکو ور ځنی‌ژو ند په عا دی ډول مخ په وړاندی ځی د ژوندون‌دمجلی خبر یال د دغو ناروا او تخر یبی کارو نو څخه ورو سته گرانـــو ښار یانو او هټی والو سره مرکـه کړی چی دادی تاسو در تـــــو لوستونکو ته وړاندی کیږی .

دمنډیی‌په‌بازار کی دنو ر هټی والو په څنگ کی یو سپین ږیری سړی چی تقر یبا اویاکلن‌دی په‌یودوکان‌کی ناست او ځنی عادی شیان چـــی دده دژوندا نه‌څه ناڅه اړتیا وی پوره کوی خر څوی پوښتنه ځنی کوم‌چی کاکا جانه ستاسو نوم څه دی ؟

وایی زما نوم سر دار علـی او د خوست د لوی ولسوالی څخه یم مگر اوس ژو نداو کور می په کابل کی دی .

– څو ورځی دی دکان بندو ؟ او بل داچی که مهر بانی وکړی‌دگرانو ښار یانو له پاره دخپلو هټـــی‌د بندو لو جریان راته ووا یاســـت خوشحاله به شم !

– دچهارشنبی په‌ورځ (دحـوت) په‌لومړی‌نیټه څوتنه‌هیواد خر څونکی څو تنه اوبا شان په منډ یی‌کی یو شمیر هټی والو ته یی ویلی وه چی سبا مو دوکان بند کړی دوکاندارانو په څواب کی ورته ویلی وه چـــی څرنگه یی بند کړو د چا او د کوم مقام په هدایت ؟

په څواب کی یی د خپل پټو لـــه لاندی برخی نه یی تو مانچـــــه ورښکاره کړی وه چی دغه‌امر اومقام دی چی دغسی ټول هټیوال خبـــر شول او بعضی‌یی په سبا خپلو دوکا نونو ته را نه غلل .

تاسی له ځانه سره دا سوچ‌ونه کړ چی دوی خرا بکـا ران دی او گډوډی پیښوی ؟

– ای ورور جانه ښه پوه شوو ، اما موږ خو بیچاره او نا توانه‌خلك یو ، لکه څنگه چی په نورو ولایاتو کی یی کورونه چور کړ یـدی او دو کا نونه یی سو ځولی دی موږ هم وبیریدلو او خپل دوکانونه مو و تړل ، څرنگه چی پـــوه شـــو چی دغه جنا یتکا ران زموږ دانقلابی دولت له مقا ماتو لخوا ونیول شول موږ هم خپل دو کانونه خلاص‌کړل چی اوس په عادی ډول زمـــوږ د پلورلو بازار روان دی .

نو موړی زیاته کړه : ته به‌خپله گوری چی زماپه هټی کی عـــادی شیان چی ډیره گټه هم نلری پراته دی خو ددغو شیانو دپلورلو څخـه یوڅه خپله گذاره کوو ورور جانه ددغه دکان څخه شپږ کسه ډوډی خوری کومه ورځ چی هټی‌می بندوی نوبی له اوړه څخه زموږ په کـــور کی هیڅ شی نه پیدا کیږی نـــر په دغه څلورو ور ځو کی چی زمـا هټی بنده وه په خدای چی وچـــه ډوډی مو له چای سره خوړلـــی هغه هم چی خوږه (بوره) ور سره نه وه خدای دی د دوی کورونـــه وران کړی په دغو ورځو کی تقریبا دری څلور سوه روپی می تـــاوان کړیدی .

–ستاله‌نظره دغه کسان څوك دی؟

– زماله نظره د غه کسا ن لـوی پاتی په ٤٦ مخکی

کومه ورځ چی زما هټی بنده وی‌نو زموږ په کورکی بی له اوړه څخه نور څه نه پیدا کیږی ځکه هغه‌پیسی چی دورځی گټم مازیگر دخپل دکور ضروری شیان پی را نیســم‌او تر بلی ورځ په انتظار !

امین می گفت زنده بادخودم !؟

مردم می گفتند مرگ بر امین وچنین هم شد

تحولات وتغییرات روز افزون وهمه جانبه درسطح جهانی که بسود نیرو ها صلح ، دموکراسی ، آزادی وبضـــرر امپریـالیزم، صهیونیزم، ارتجاع، اپارتاید وتبعیض نژادی شاخص وخصیصه‌ی عمده‌ی دوران ما یعنـی دوران گذار بطرف جامعه بهروزی وبهزیستی است .

مبرهن است که یکی از قوه های محرکه وپیش برنده‌ی این گذار همانا تضاد موجود بین دو سیستم عمده‌ی جهانی یعنی اردوگاه صلح وترقی واردوگـــاه تجاوز، ارتجـاع و امپریالیزم است . کسانیکه در جهت صلـح وترقی هستند وبرای پیشرفت آن عمل می‌کنند از وسایل صلح جـویانه وترقی خواهـانه وبالنتیجه انسانی استفاده می کنند وآنانیکه در جبهه‌ی ارتجاع وامپریالیزم قرار دارند از وسایل ارتجاعی، تجاوز کـارانه وباالنتیجـه غیر انسانی استفاده می برند .

تاریخ به صراحت گواهی میدهد که د ر طول قرون متوالی همیشه پیروزی وسرخرویی ازآن کسانی است که اهداف انسانی را با وسایل انسانی می خواهند . وتازمانیکه حق‌تلفی، تجاوز وغصب حقوق دیگـــران موجود باشد آن جنگ وآن مبارزه‌ی سپید طینتان یعنی نیرو ها ی صلح وترقی برضد اهریمن سیاه طینت ادامه خواهد داشت .

خلـق مستضعف افغانستان در طول تاریخ وبخصوص بعد از دهه‌ی سوم قرن حاضر از دست سیاه طینتان زیادی از جمله نادر، ظاهر وغیره به انواع واقسام مختلف وگـوناگون شکنجه شدند ، آزار دیدند به غل وزنجیر کشانیده شدند ، تبعید شـدنـد، و... ولـی بازهم ازپانه افتادند وشجاعانه صدای رسای آزادی خواهی وطرد ظـلم واستبداد را بلند کردند اگرچه این صداها با نفیر سرب های اهریمنان وسیاه طینتان درگلو ها خفه‌ساخته می شد ولی بازهم بدنبال صدای خاموش شده توسط گلوله‌ی اهریمنان صدای صدهاوهزار هاآزادیخواه ووطن پرست بلند می شد .

این مبارزه شریفانه ادامـــه داشت ولـی بصورت تک تک وغیر متشکل، تااینکه بـه پایمردی حزب دموکراتیک خلـــق افغانستان عاملین همه صدا های آزادیخواهانه، مترقی ووطن پرستانه یکجا شدند وبه ضرب المثل معروف حزب دموکراتیک خلق افغانستان همه از آزادیخواهان ووطن پرستان را یکجا کرد تاباهم صدا ونعره بکشند باهم یکجا تنفس کنند و... زیرا خلق اگر باهم یکجا صدای آزادی خواهی بلند کنند گوش اهریمنان را کرمی کند واگر خلق یکجاوباهم تنفس‌کنند طوفانی برپا می دارند کـــه خس و خاشاك ارتجاع ووطن فروشان را بباد فنا می دهد وازبیخ وبن برمی کند .

آری چنین شد وانقلاب ظفرمند ثور ایـن حقیقت رادر عمل به اثبات رسانید خلق باهم وبه اشتراك هم، همه اهریمنان کاخ نشین و مردم دشمن را به‌کام نیستی سپردند .

ولی افسوس که ازین پیروزی ودست‌آورد های آن هنوز مردم شریف وطن متمتع نشده بودند که اهریمن نقاب پوش بازهم خاطرات تلخ گذشته وحتی تلخ تر از گذشته رایکبار دیگر برخلق عملی نمود .

خلق افغانستان در طول تاریخ خود چندین باربه این وضـــع اسفناك دچار شده اند ، باری خلق بابذل جان و مال خـــود اردوی تجاوزگر واستعماری بریتانیا را در طی‌اولین ودومین جنگ افغان وانگـــلیس به شکست مواجه ساخت ولی امیران وکاخ نشینان خائن بوطن وامیال مقدس مردم باحیل ونیرنگ‌های گوناگون نگذاشتند مردم ازین جانبازی خود به نفع خود ووطن خود وآرامی وآزادی خود مستفید شوند، امیر عبدالرحمن ها مثال های خوب این حقیقت هستند .

همچنان آوانیکه خلق شرافتمندوآزادیخواه افغانستان طی نبرد قهرمانانه برضد استعمار امپریالیستی انگلیس درطی جنگ سوم‌افغان وانگلیس (۱۹۱۹ع) بابذل جان های شیرین خود استقلال سیاسی خویش را کسب کردند وارادی خودرا بروطن وسرنوشت خود حاکم ساختند بازهم این سیاه طینتان و مرتجعین کاخ نشین جاسوس‌صفت بودندکه نگذاشتند مردم ماحاکم برسرنوشت شان باشندوحیات آرام وبدون باداران داخلی واستعمارخارجی را بگذرانند . بیاد بیاوریم دوره‌ی سیـــاه ومردم دشمنانه‌ی آل یحیی و بخصوص نادر غدار این نماینده ودست نشانده‌ی استعمار کهنه کار بریتانیا را که چگونه دست آورد های استقلال افغانستان ر ا سخاوتمندانه !؟ بپای استعمار وامپریالیزم ریخت وبا سیاست های اختناق آور وجبارانه ی خود صبح زیبای آزادی را برمردم شام سیاه اسارت ساخت .

مردم افغانستان بابه پیروزی رسانیـــدن رستاخیز ملی ودموکراتیك هفت ثور ۱۳۵۷ امید وآهنگ داشتند که برای همیشه خودرا ازچنگال فقر، جهل، مرض، استعمار، استبداد وطبقات مفت خوار وطفیلی نجات دهند و در پهلوی ممالکی ایستاد شوند که باآبرو و آزاد زندگی می کنند .

این یك حقیقت پرواضح بود که یگانه‌راه نجات خلق از آن همه سیه روزی ها ورهایی از اسارت سیاهکـــار ها همانا به پیروزی رسانیدن انقلاب اجتماعی بود . زیرا مطابـق حکم علم وتحلیل حقایق در افغانستان حزب دموکراتیك خلق افغانستان با مطالعه دقیـــق وعلمی تکامل اجتماعی وشرایط عینی و ذهنی جامعه‌ی افغانستان به این نتیجه رسیده بود که باید انقلاب اجتماعی را به پیروزی‌برساند ودر تحلیل نهایی انقلاب اجتناب نا پذیر و یگانه راه علاج پذیری دردهای مردم بـــود واست وچنانکه گفتیم این آرمان در ثـــور ۱۳۵۷ اپریل ۱۹۷۸ به نیکی برآورده شد .

اینجاست که دو سیاهکار وسیاهـــروی قدیمی دست های کثیف شانرا باهم می‌فشارند ومی خواهند که باتوطئه ها ودسیسه هاومطالم واستبداد روز سپید مردم افغانستان را چون خود شام سیاه بسازند ویکبار دیگر مردم شریف وآزاده افغانستان را به بند بکشند . این دوهیولا وایندو سیاه طینت همانادونیروی ارتجاعی از داخل وخارج (از داخل امین‌معلوم الحال وجاسوس سابقه دار وباند بی فرهنگ واوباش او واز خـا ر ج سی ، آ ی ، ای و متحدانش بودند .

همان بود که دراثر نفوذ ظاهراً تنهـــا امین ودر حقیقت توسط امین ، سی آی ای در دولت وحزب انحراف وعدول از آرمانهای‌اصلی واصولی انقلاب آغاز یافت وزنگ های‌خطرات جدی نه تنها بر علیه بی اصولی وبی بنـدو باری وخیانت وغیره بصدا در آمد بلکه‌مردم ما می‌دیدند که‌امین‌وداز ودسته‌ی بی‌فرهنگش در پهلوی همه مظالم واستبدادی که بـــر خلق روا می‌دارند کشور را بسوی نا بودی ونیستی و تجزیه می کشاند امین خـاین و جاسوس نه تنها از اصول انقلاب عدول نمود بلکه در طرز زندگی وعیاشی وجلالی شکوه در بار خود دست شاهزادگان وامرای سابق را نیز از پشت سر بست . اعمال وکردارامین ، وامینی ها دربار های قرون وسطی اروپـا را بیاد میاورد وتهی مغزی امین این تشابه را وسیع تر وعملی تر می‌ساخت . امین نـه تنها خود را بدون استحقاق بحیث به‌اصطلاح لومری وزیر جازد ، بلکه یك برادر خود که اصلا زندانبان وبعداً معتمد !؟ در سپین زر کندز بود وسوابق درخشانی در پاك نفسی !؟ داشت بحیث رئیس تنظیمه وکل‌الا ختیـار (آمر عمومی امنیت) همه ولایات شمالی کشور مقرر نمود وپسر این پاك نفس !؟ نیز به‌تعداد انگشتان دست‌وپای‌خود وظیفه ، پست‌مسوولیت ومقام داشت .

این مثلث طاغوتی ، بی فرهنگ وجاسوس (حفیظ‌الله امین ، عبدالله امین واسدالله‌امین) که همه‌محافظ‌ونوکر گوش بفرمان‌امپریالیزم امریکا بودند وعلاوتاً این سه دژخیم سفاك بهمر اهی « بادنجان های دور بشقاب خود » (باند امین) چنان مظالمی را بر مردم بلادیده و بلا کشیدهٔ ماتحمیل کردند که با یاد ـ آوری وتذکر آنها قلم عار وکراهت می کند. ده ها هزار نفر به سلول های مخوف‌کشانیده شدند ، هزار ها نفر سر به نیست شدند .

امین وامین ودستیاران روی سیاهش آگاهانه ویاناخودآگاه بشکل‌مسابقه باسیاـ هکار ترین وجبار ترین جباران تاریخ عمـل می نمودند ، پنوچت ها پول پوت ها . هیتلر ها، موسولینی ها ، بیزون ها، نادرها و غیره درین مسابقه از امین پس ماندند وخوشنما تراینکه همه‌ی این اعمال غیر انسانی و سیاه را امین بالفاظی خاص خودش لباس سرخ انقلابی می پوشاند وبنا به دستور «لنگی» و سی ، آی ، ای با اینکار خود از یکطرف می‌خواست ترقی ومترقی را چون خود سیاه سازد واز جانب دیگر باایجاد ترس ورعب وواهمه در اذهان عامه تسلط ننگین خود را محکم نماید ودوام دهد . امین بادر دسـت داشتن این شمشیر دو تیغه می خواست‌همان خواست ها وعقدات شیطانی واهریمنی خـود را اقناع کند چه این بی فرهنگ وجاسوس در عمل ثابت کرد که چون لوئی های قـرن هجدهم فرانسه تئوری مطرود «دولت منـم» «خودم زنده باد مرگ برهمه» وغیره رایکبار دیگر زنده نمود . امین می گفت که اگـر نیمی از مردم افغانستان ونیم خاك افغانستان باقی بماند من بر آن حکومت می‌کنم !؟ و نا بخردانه وبا وجود این اعمال جنایتکارانه خودرا پایندوابدی‌می‌دانست. ولی‌همانطوریکه چشم وگوش این نا بخرد وجاسوس کور وکر بود وندای آرام همه مردم که می‌گفتند مرگ برامین ، مرگ براین جاسوس‌امپرـ یالیزم ، مرگ بردارو دسته‌ی خونخوار امین را نمی‌شنید وجانبازی ها وفدا کاریهای‌مردم را در زیر چتر مظالم وبیداد گری های خود نمی دید .

آری مردم سلحشور وآزاد یخواه ما یکبار دیگر دست بدست هم دادند ودر عمل ثابت کردند که عمر جباران سپنجی بیش نیست وقهر وغضب مردم آنرا به گور نیستی‌خواهد سپرد وکار نامه‌ی ننگینش را بروی قبـر کثیفش نقش خواهند کرد . همینطورشد .

امین واسلافش «در بار های سابق» بنابر ماهیت شان چنین می پنداشتند که عامـه‌ی مردم حق مداخله در سیاست را ندارند ونمی توانند کاری را از پیش ببرند . ولی بایـد دانست واین حقیقت را عمل انقلابی انسانها ثابت کرده است که این مردم است کـــه تاریخ را می سازند نه افراد وآنهم ا فر ا د تهی مغزی چون امین ودیگران .

بقیه در صفحه ۴۳

سیری در جهان هنر

بیش از شانزده سال میگذرد که ستدیو های بزرگ اما توران در گوشه و کنار گیتی معروف فعالیت میباشد .

ترجمهٔ : (غیور)

رسالت و وظایف تیاتر های اماتور

گوشهٔ از نمایشات فستیوال جوانان اماتور که طی سال گذشته تحقق پذیرفته است .

در این ستدیو ها جوانان کشور های مختلف دور هم جمع شده به تمرینات و انجام تمثیل میپردازند نتیجهٔ بدست آمده اینست که در حال حاضر در هر سال بطور اوسط سه هزار اماتور به جامعهٔ بشری تقدیم میگردد .

حقیقت اینست که بین فعالیتهای عنعنوی تیا تران و جوانان رابطه خیلی ها نزدیك وجود داشته طی قرون متمادی با بمیان آمدن تغییرات در السنه و کلتور خلقها مد و جزر های گو ناگونی در این ساحه بمیان آمده است .با گذشت وقت و زمان دسته های اماتور به گروه های تصنیف شده مبدل گشته رشته های مطلوبه را بصورت اختصاصی انکشاف داده اند لیکن تیاتر های اماتور بحیث یك هسته تحت تاثیر تغییرات لسانی و کلتوری هرگز واقع نگردیده اند. حقیقت اینست که رسالت و وظایف تیاتر های جوانان اماتور در عصر حاضر نظر به گذشته فرق فاحشی را داراء میباشد و علت آن اینست که تیاتر های اماتوران امروزی بیشتر از همه تحت تاثیر انکشافات صنعتی شدن واقع گردیده است .

(سا سا لیسی) نام او لین نمایشی است که در فستیوال هنر های جوانان در سال (۱۹۶۲) در شهر (ها او نو ف) بگر فتن مدال موفق شد ،پس ازآن رهبر تیاتر های جوانان اماتور (جیری ساك) به اوج شهرت رسید این آماتور جوان که اصلا تبعه چکوسلوا کی میباشد در سال (۱۹۶۶) در فستیوال تیاتر جوانان در لندن اشتراك نمود .

وی درین فستیوال او لین اثر خودش را به نمایش گذاشت که (به تمام جوانان گیتی) نام داشته از جمله بهترین نما یشنامه ها در دهٔ (۱۹۶۰) بحساب می آید .

این اما تور جوان پس از باز گشت از لندن به‌کشور های‌اطریش و جمهو ریت فدرالی المان‌مسافرت نمود و سال گذشته نیز از چندین شهر خورد و بزرگ ایتالیا دیدن نمود .

وی در تا بستان سال جاری یکی از نما یشنامه های مو زیکال ساخت خودش را در تیاتر هنگری در معرض نمایش قرار داد واکنون آمادگی خویش را جهت اشتراك در فستیوال جوانان آماتور که‌قرار است در آینده نزدیکی در شهر (مو نو کو) بر گزار نز دیکی در شهر (مونا کو) برگزار گردد اعلام نموده است . بر طبق پرو گرام مجوزه در فستیوال قریب الو قوع (مونا کو) یك فستیوال خاصی بمنظور از تجلیل سال کودك صورت خواهد گرفت . نویسند گان متعددی کتب شانرا که پیرامون اطفال نوشته اند درین فستیوال به نمایش قرار خواهند داد .

حقیقت اینست که ستو دیوهای هنری آماتور در بلند بردن سطح دانش جوانان اماتور نقش مهمی را بازی می نماید . طی چند سال اخیر قیو دیکه قبلا در همجو ستو دیو ها در مورد تکت ادخال وضع گردیده بود . یابه کلی رفع گردیده و یا اینکه در حال رفع شدن است . به تاسی ازین مفکوره توقع میرود ... با شروع سال (۱۹۸۰) جوانان اما تور در ساحهٔ افاقی شدن هنر تمثیل به پیشرفت های شگفت انگیزی نایل آیند .

از مزا یای دیگر همچو ستدیوها یکی هم ایجاد شدن زمینهٔ کار برای بکار اندا ختن استعداد های نهفتهٔ جوانان اماتور بوده است .

قرار معلوم طی سال جاری سه نمایش نامه اماتو ران در تیاتر

«شهزاده و غلام» نام نمایش‌نامه‌است که به شکل موز یکال تهیه شده و در سال (۱۹۷۰) به گرفتن‌جایزه (نمایش بهترین سال) موفق شده است ، این نمایش نامه‌توسط(ام تون) دایرکت گردیده است .

پراگ مراحل تجربوی را به عقب گذاشته و توقع میرود بزودی ممکنه به ستیج های ارو پای شرقی راه یابد . طوریکه معلوم گردیده اجزای مهم یك پارچهٔ تمثیلی را که توسط جوانان اما تور به ستیج کشانیده میشود سه چیز تشکیل میدهد که عبا ر ت از دا ستا ن ، مو سیقی و پرسونل میباشد .

نغمات مو سیقی قبل از کمپوز شدن به رشتهٔ تحریر در می آید و سپس در ور کشاپ های تخنیکی با رقصهای فو لکلور یك یکجا ثبت میگردد ، سپس مر حلهٔ تمرین و (پیلی بیك) آغاز میگردد ،جوانان اماتور خوش دارندطرز کار خویش را پیش از نمایش به طبقات عامه در روی پرده تلو یز یون ببینند که رو یهمر فته در چکو-

سلوا کی و سایر کشور های عضو (کمیکان) ستو دیو های جوانان اما تور با اقسام و انواع مختلف آخذه های تلویزیونی مجهز و عیار گردیده است .

طی یکی دو سال گذشته بصو رت سر سام آوری بسیاری از اعضای ستو دیو ها یا رشتهٔ آرت و درا ماتیك را انتخاب نموده اند ویا اینکه برشته ستیژ منیجری شتافته اند تا حا ل معلو م نیست که این تمایل جوانان روی چه انگیزه استواز میبا شد .

(ماریا اسپور نا) که یك تن از هنر پیشه گان ستو دیوی آرت و درا ماتیك در (بو هیمای شما لی) به شمار میرود تصمیم گرفت پس از سال ها هنر نما یی از رشتهٔ آرت و درا ماتیك دست کشیده به رشته ستیج منیجری بپردازد .

طوریکه یك احصا ئیه نشان میدهد از سال (۱۹٦۱) به اینطرف بطور اوسط سالانه بیش از (۱۵۰) نفر جوانان اماتور رشته های‌شانرا تغییر مید هند ، در حال حاضر گروه های جوانان به گروه های اختصاصی طوری منقسم گردیده که تعداد اعضای هر گروپ به سی‌نفر میرسد .

یکی از اهداف آینده تیاتر های جوانان اماتور اینستکه اینان‌بتوانند در برابر احضار عامه آنطور یکه هستند خود شانرا جلوه دهند .

ازین کار هدف اینستکه جوانان از اصالت ریا لیزم کار گرفته‌تحت تاثیر انکشا فات فا نتیزی هرگز قرار نگیرند . باید گفت که در طی ده سال اخیرگرو های جوانان‌اماتور در چکو سلواکیا ساحهٔ فعالیتهای خویش رابه دو جهت مختلف متوجه گردانیده اند که عبارت است از اتحادیهٔ کار گری در دهات ومراکز کلتوری و فر هنگی در شهر ها و مراکز صنعتی .

هنرمند مبتکری بنام مرالیوبا

زندگی هر لحظه بسوی نو شدن میرود .

این دوشیزه زیبا و طناز جمله فوق را در حالی بزبان راند که دقیقانه بمن مینگریست. بعد بحرفهایش ادامه داده گفت :

«شما نباید از من پیرامون این موضوع که چرا تصمیم گرفتم تا یك نقاش بار آیم سوالاتی بعمل آورید . همچنان آرزو ندارم هنرمند قشنگ وتوانا، جستجو نماییم . کار های نقاشی این دوشیزه نمایندگی از نبوغ او مینماید وانسان میتواند در هر تابلوی هنری او، مضمون وحتی مضامین‌تازه وبکری را بروشنی تماشا کند وباین نتیجه برسد که مرالیوبا هنرمندیست نوآور و تازه پسند واز کهنه پرستی دلزده وبیزار، چنانچه خود وی اظهار میدارد :

«نمیدانم چرا مردم دنیا بخصوص هنرمندان باین سوالات که به چه چیزی علاقه دارم ومیخواهم در آینده به چه کاری اشتغال‌ورزم واکنون به چه شیوه کار مینمایم پاسخ بدهم . زیرا این سوالاتیست که من ده ها بار آنرا از نامه نگاران شنیده ام» .

روی این منظور مابايد جواب بعضی سوالات فوق رادر تابلو های نقا شی این جهان برای دریافت مضمون وسوژه نو وتازه این سو وآن سوو آواره وسر گردان میباشند . من به محیط ومردمان که‌درما حول وجود دارند بکلی قانع می باشم وبکرترین وتازه ترین مضمون وسوژه کار های هنری خویش را از زندگی وموجودیت آنها حاصل مینمایم .»

لیوبا آرزو دارد مفسر زبان و شرح دهنده زیبایی های طبیعت نیز باشد .

میرالیوبا

دمحقق ژباړه

په هندي فلمونو کی اجتماعی ستونزی

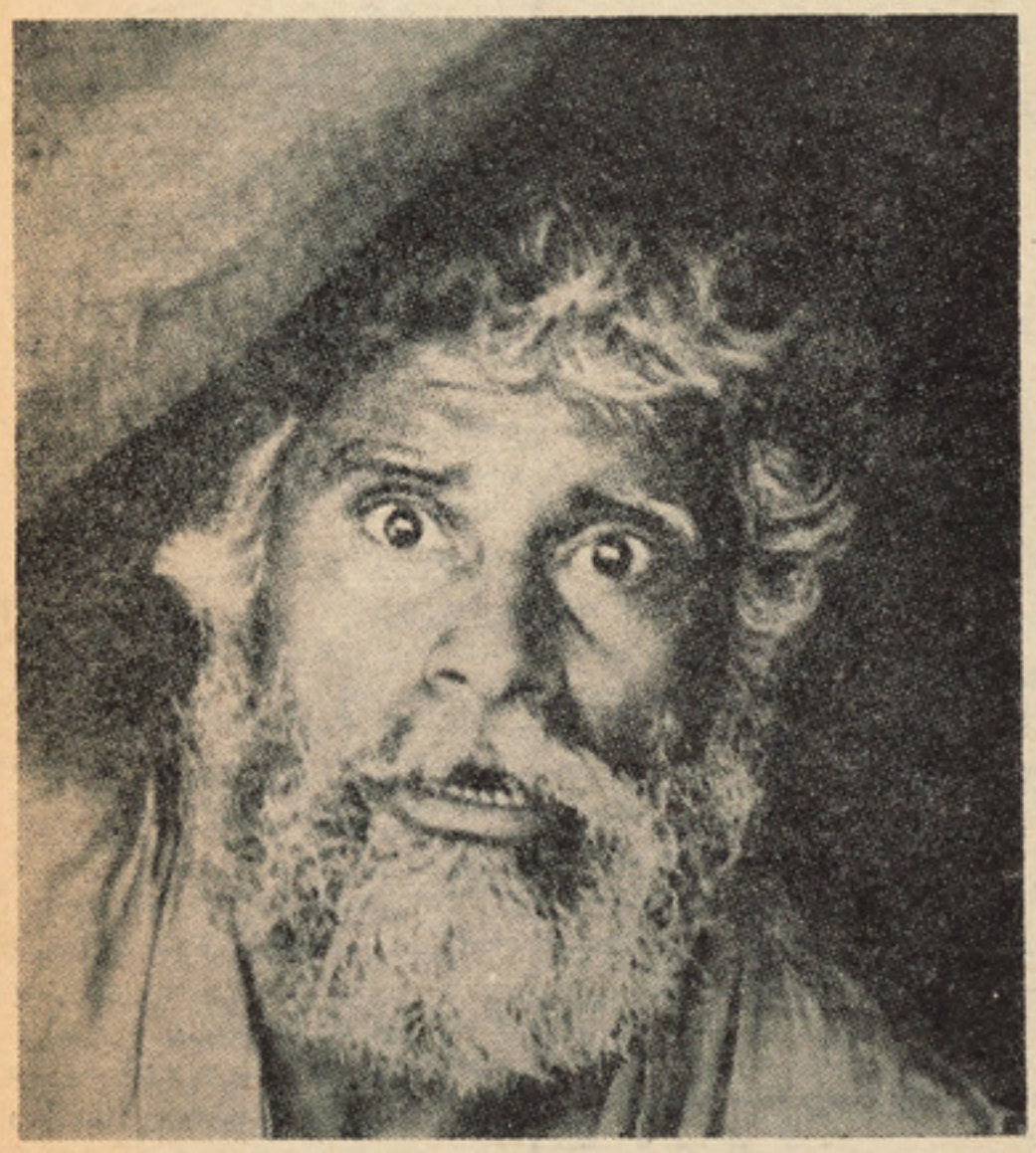

دپار سوزام دفلم یوه هنری خیره

هندیانو دهغی آزادی راهیسی چی‌داستعمار خخه دخلاصون په نتیجه کی یی تر لاسه‌کړی اود زښتی‌نسبتونو په‌اساس یی‌مختلف‌ایالتونو جوړ کړی‌دی هخه کړی ده چی سینمایی‌هنرته زیاته وده ورکړی . هوداوس دغه سترهیواد په‌بیلا بیلو سیموکی دفلم تهیه کولواووه‌سپینه ستدیو گانی چی په کلتوری اواجتماعی‌برخوکی ذهندوستان په دولسو اصلی ژبوفلمونه‌تهیه کوی موجودی دي . دغی ژبی عبارت‌داردو، تامیلی ، ملیالام تیلگو کنارا، بنگالی گو جراتی ، ماراتی‌اوریااو پنجابی خخه‌دی.د۱۹۲۰ کال راهیسی هندوستان دیولړفلمونو‌په‌جوړولو اوتهیه کولو کی‌دنړی په‌سرکتارکی سترحیثیت غوره کړی دی‌په‌تیره بیاهغه وخت‌چی دصنایعو په‌بیلا بیلو برخو کی یی خه دپاسه دوه‌سوه‌زره کارگران په کار گمارلی‌دی.

وروسته له استقلال خخه دیوی‌اعلامیی په ترڅ‌کی دفلمونو په هکله‌یولړ ستونزی‌خرگندی شوی‌دی. شك نشته چی فلمونه دخلکو‌په‌تربیه اوروزنه کی اغیزه ناکه رول لری دمثال‌په‌توگه دداسی عکسونوښودل‌لکه(ماشومان‌به خاوروکی دمخکی دوی کروندی د مکروبونو له منخه

پاتی په۴۳مخ کی

ترجمه : غ کوشان

قسمت‌سوم

عریضه برای آب

تو میخواهی که یك‌تولی پولیس بر سر من بر یزد وهمینجا خیمه بزنند.

ـمگر بادار جان کی قدرت دارد که طرف تو کج ببیند ؟

ـتا حال قدرت‌ندارند .اما اگر حالااین قدرت رابیابند !!فراموش نکنی‌که منصبدار پولیس ، دشمن من ، گوش‌تزار است . نزدش ، راسا‌راه دارد!

ـبادارجان ، پس چه کنیم؟

ـوقتیکه قدیم پایش همینجار سید، اورا را سا نزد من بیار . اگر قناعت بکند که عریضه خود را پس‌بگیرد . باز پس از چند روزی او را هم نزد پدرانش روانه میتوانیم . بدون اینکه سروصدائی برخیزد وکسی خبر شود.

این‌نقشه خوش میر آب آمد . خنده کرد . تاحدی خندید که برو تهایش‌جنبیدو اضافه‌کرد:

ـقسم است که حرف تو به ده‌برابر است بادار جان قدیم و کارقدیم‌را بان برای من .

و رفت وچند نفر از نوکران سرهنگ آغارا وظیفه داد که در راه مراقبت کرده و ببینند همینکه پای قدیم رسید باو خبر بدهند .

چندین روز گذشت وسرهنگ‌آغاهم پرسیده میرفت که آیاقدیم پس آمده یا نی ؟

آخر ،یك روز شام بود که میر آب از دور یك آدم را دید درکنار راه آهسته و ماندهٔ و خسته روانست . دور بین‌انداخت وتشخیص داد که قدیم است.

میراب فورا بخانه زمین دار رفته و دو نفر از خدمتگاران او را صدا زده گفت :

یکی تان طرف چپ سرك پنهان شوید یکی تان طرف راست . من در ما بین سرك ایستاده میشوم .

ـچرا اینطور کنیم ؟

ـیك کسی است که باید بگیریمش.

ـما سلاحی نداریم .

ـبر واندارد . من یك تفنگچه دارم.

دو نفربه‌دو طرف سرك پنهان شده و از بین بته ها سرك را زیر مراقبت گرفتند وقتیکه قدیم به ده قدمی شان رسیدمیرآب دست خود را بالاکردوگفت:

ـبیا اینجا ... من ترا کار دارم .

قدیم همینکه میر آب را دید تنفرش آمد . زیر لب گفت : حوصله‌دیدن این آدم را ندارم .از دیدنش دلم مثل علت وریم زخم جوش میزند . بهتر است‌سگی راکه بیابیم چك می زند . به بینیم‌نه‌اورا وباز پیش آمده‌چنین پرسید:

ـمیرآب . با من چکار داری؟

یکبار ببینیم . بعد صدای خود را بلندکرده

ـسر هنگ آغا ترا میخواهد !

ـمن حالابرای حرف زدن وقت ندارم.

میایم .

قدیم میخواست براه خود ادامه بدهد که میر آب دم رویش ایستاده شد وگفت

ـسر هنگ آغا میخواهد با تو حرف بزند .

ـمن حالابرای حرف زدن وقت ندارم.

ـهوشت را بسرت بگیر . عقلت را بسرت بگیر . بمقابل زمین دار کلان‌ده چنین حرف را میزنی ؟

ـمن‌هوش و عقل ندارم .

ـقدیم خواست خود را از چنگ اووارهاند میر آب به هر دو نفر خود صدا کرده گفت که آهسته آهسته بیایند . قدیم‌در حالیکه مشت خورا گره زده و بروی میر آب حوالهٔ نمود گفت :

ـلعنت من بر سرت. تو شیطان حرامزاده وچنان محکم زد که خون ازدماغ‌میرآب بیرون شد . میرآب به هر دو نفر صدا کرد :

ـچه بیغم ایستاده وتماشا میکنند. نمی بینند که مرا میزند .

هر دو نفر بجان قدیم بیچاره افتاده و دست های او را بطرف عقب دور دادند .

لیکن قدیم با یك حرکت قوی توانست که بچشم میرآب تف کند . ومیر آب صدا زد .

ـاو قدیم ... تو دیوانه شده ای !

ـحالا دیوانگی را نشانت میدهم .

ـقدیم ... او قدیم .

ـچب حرا زاده ... تو بچه سگ ،ظالم ناروا.

هوا تاریك شده بود . سر هنگ آغاکه صدا ها را شنید از خانه آمد .

حویلی طولانی و عریض خود را طی کرده بسرك ایستاده و صدا کرد .

ـمیر آب ... چه‌گپ است ؟

ـگیرش کردیم . بادار .

ـبیاریدش اینجا

ـسر هنگ آغا ... نمی آید .

ـکشش کنید . برایش بگویید که سر هنگ آغا ترا خواسته است .

هنوز قدیم میکوشید که‌خودرا خلاص کند و هنوز خون از بینی میر آب می چکید . میر آب چیغ زده گفت:

ـقدیم ... میگویم برو ... برو که سر هنگ آغا ترا طلب میکند .

ـمن نمیروم .

ـعقلت بسرت است. دیوانه شده ای !!

ـکسیکه عقل خودرا باخت باز خود دیوانگی میکند . من دیوانه نیستم .

قدیم این کلمات را آنقدر بلند گفت که نه تنها میر آب و دو نفر دیگر شنید بلکه سر هنگ آغا از آن راه دور هم آنرا شنید وبلند صدا زد :

ـمن عقلت را باز بسرت میارم .بزنجیر میاندازمت .

خودش هم دست انداخت و چار نفره قدیم بیچاره را کشان کشان به حویلی عقب خانه سر هنگ آغا بردند .

سر هنگ آغا به قدیم گفت :

ـتو بچه سگ ... زور مرا دیدی ... بیاریدزنجیر .

ـسر هنگ آغا چرا ؟ چه شده ؟ من چه‌کرده ام ؟

ـحالا زور میفهمی ... تو بچه سگ... فوری بمن بگوی که چرا به شهر رفته بودی ؟

ـرفته بودم که شکایت‌کنم.

ـنزدکی ؟

ـنزد مامور پولیس .

ـخوب باز چه شد ؟

ـنبود . بدفتر خودنبود.

ـو باز چه کردی ؟

ـرفتم نزد بالاتر .

ـواو چه کرد؟

ـهیچ.

ـحرف نمی زنی ؟

ـنی .

ـمیر آب ...بگیریدو بزنجیربسته کنیدش .

آنها او را طوری بستند که دست وپای خودرا شور داده نمیتوانست.

سر هنگ آغا فریاد زد .

ـبحاکم چه گفتی ؟

ـهیچ چیز !

ـبزنیدش... خوب بزنید.

میر آب از قصد خون شدن بینی‌خود قدیم را چنان زد که ترس . با مشت، با لگد و با چوب . قدیم بیچاره نقش‌زمین ماند .

ـسر هنگ‌آغا ... بس است بیچاره میمیرد !!

ـنمی میرد .

ـبادار ببینید که سرش به عقب‌افتیدو آویزان شد .

ـچرت خودرا خراب نکن ... یك دهقان از سنگ کرده مقاومت دارد !

ـولی شما یك بار ببینید بادار .

ـدیدم . همرای زنجیر او را به سر زمین ها بیندازید . به هرکس‌بگویید که قدیم بعد از آمدن از شهر دیوانه شد و خود را باز نجیر خفه‌کرد.

میر آب تعظیم نمود . قدیم بیهوش افتاده بود .

ـاین لاشه مردارو کنده را بیرون در برده و روی خار ها بیندازید .

نوکر های سر هنگ آغا از پا های قدیم‌گرفته او را از حویلی بیرون‌کشیده ابر پیش میرفت باد مشت های از خاك در کنار جوی انداختند و خود آهسته بر گشتند .

شب‌رسیدقدیم کم‌کم بهوش‌آمد. شور خورد گلویش بیرون شد. چشم خودراباز کرد . پوره بهوش آمد . و شروع‌کرد که بر روی‌سرك به سینه خود را کش‌کند واز شدت درد والم ناله جانکاهی از زنجیر های که‌با وبسته بودند صدابر آوردند . بعد از تلاش زیاد قدیم‌سعی کنان بپا برخاست . زنجیر ها را ازپای خود باز و بدست جمع کرد . لرزان. آفتان، خیزان عاقبت الامر خودرا بخانه رساند . دروازه را باز یافت و بداخل حویلی رفت . خانمش فریاد کرد :

ـقدیم تو هستی ؟ آمدی بخیر !!

قدیم بزحمت داخل‌شد و زنجیر هارا فرو انداخت

ـقدیم ... این چه است ؟

ـزنجیر .. .یك زنجیر

ـچند خریدی ؟

ـبمن دادند .

تو کیزه خانم قدیم چراغ تیلی را روشن کرد و جیغ بر آورد . روی قدیم سیاه و کبود شده بود . خانمش باتعجب پرسید :

ـقدیم ! ترا چه شده ؟چه گپ است ؟

ـهیچ نشده .جای خواب مرا درست کن .

توکیزجای خواب را درست کرد کالای شوهر خود را کشید و با یپایش راشست.

ـاما قدیم گپ بزن ! چه شده ؟

ـزن ! تو یك مقدار خمیر کن

ـخمیر برای‌چه ؟

ـکه سر زخم های خود بمالم ..احساس میکنم که ...

تو کینر پیراهنی او را بالا کرد .پشتش تمام سرخ وسیاه وکبود . پندیده‌و زخمی بود .

چطور افتادی که اینقدر افگار استی؟

ـخمیر را بمان و سوال نکن .

تو کنیر آتش کرد . پا تله را با لای اجاق ماند . همرا ی دو غ خمیر کرد .

وبعد آنرا گر م با لای زخمها ی پشت ند یم هموا ر سا خت . همینکه قد یسم به بستر در آمد بی حر کت ما ند .بخا نم خود از ما جرا نگفت او عاد ت دا شت که هر چیز را به تو کینر میگفت هیچ چیز ی را از او پنها ن نمیکرد . اما قصه لتخوردن او فگا ر شد ن را نگفت ، فکر کرد که خا نمش بیمو جب ازین قصه خوا هد ترسید بهتر است منتظر بما ند و ببیند که ازجانب

پا دشا ه چه احوال میر سد . لهذاهرخوا ری و زحمت را به تنها ئی با ید بکشد و تحمل کند . با مید یك با رقه امید که اگرپادشاه حکم عا دلانه و منصفا نه بد هد . ما ها گذشت و جوا ب عر یضه معلو م نبود کشت قد یم سو خت . پنبه حا صل نداد.تا آن و قت که زمستا ن رسید ـ روزی منطقه حا کم منطقه یك پا کت را که از طر ف نائب الحکومه رسیده بود باز کـرد و بـا تعجب دید که با لای پا کت مهرو لاك شده چنین نو شته شد ه بود :

به ملك قریه چو لو ، حاکم با تعجـب پر سید : یعنی چه ؟ چه دارد ؟

وباز به میرزای خود روی آورد و حیـران حیرا ن گفت : نا ئب الحکو مه به یك ملـك قر یه مینو یسد . یعنی که چه ؟ بیا کـه باز ش کنیم !!

منشی اوبا احتیا ط گفت : یك پا کت مهم است . من دریك فورمه علیحده ومخصوص

که پوسته رسان آورده بود رسید آنرا داده ام .

با ید بزودی به کو توال داده شود .

ـرا ست میگو ئی . لیکن میخو اهـم بفهمم که راجع به چه هست ؟ مبادا نـائب الحکو مه از ملك پرسید ه با شد که ما با مرد م چه رو یه و گذاره داریم ؟

ـصا حب شما میدا نید . ممکن است که راجع به هر چیز با شد. شمار است میگو یید.

قصه ای بود که عر یضه قدیم بعد ازبسیار معطلی ها به تزار رسید . ماه هاسرمیز او ماند تا روزی اوامر کرد که آنرابه نایب الحکومه بفرستند . عـریضه بعد از ینکـه خود قدیم به قریه باز گشت بعد از ماهها به هما ن زینه ها با لا رفت که نویسنده وعارضی آن در تا بستا ن از پله های آ ن پایان انداخته شده بـود . وبـاز با سر

افگند ه بد فتر ما مور پو لیس داخل شد ه بود. اکنون همین عر یضه از دفتر تزار بـه نا ئب الحکو مه رسیده بود . از آنجا به

دفترحاکم وحاکم هراسان بودکـه چیست ؟

این چیست؟ ازجانب نایب الحکومه آمده؟

ـکاتب دفتر جواب داد : بلی. جنا ب عا لی ! از نا ئب الحکو مه صا حب آمد ه وبنام ملك قریه چولو.

ـ عجیب است ... بسیار عجیب است.

بادارهٔ پولیس زود روانه کن.

ما مور پو لیس هم مثل حا کم محل ، پا کت را به روی دست خود وزن نمود .بعد در روشنی گرفت وباز لاك ومهر دفتر نائب الحکومه را بد قت از نظر گـذرانید . باز پر سید :

ـچه خوا هد بود .

ـصاحب معلوم میشود که تـو سط پستی سر یع السیرو ثبت شده ار سا ل یا فتـه است .

ـاگر به مقابل ماکدا م چیزی نو شتـه شده با شد ... چطو رحد س بز نیم که در داخل آن چیست ؟

کاتب دفتر سر خود را شور داده خـم

کرد. که یعنی چیزی نمیداند .

مامور پولیس باتشویش گفت ملك قریه، نفر خود ما ست . همین چند روز قبل خودما او را مقر ر کردیم .

ـهو ـ همان آدم بروتی ... نا مش ذوالقدر است ؟

ـ بلی ... هما ن میرآب ... هما ن میرآب حالا ملك دها ت ما مقرر شد ه است .

ـوای ... میر آب سر هنگ آغا رامیگویید میر آب ذوالقدر

ـبلی ... خود ش است ، خود ش است.

ـنه تنها مابمقرری او اقدام کردیم بلکـه سر هنگ آغا سخت رفیق حاکم صا حب میبا شد . واز هما ن سبب میر آب قد یم این ده حالاملك ده مقرر شده .

ـخو ب بهر صورت هر چه با شد .جناب محترم ما به میرآب بحیث یك سگ وفا دار حساب میتوا نیم .

ـنه ... من شك دارم . از کجا که این یك چا لبا زی حا کم نبا شد که بچشم ما خا ك اندا خته و کدا م شیطا نی ما را به نا ئب الحکو مه کرد ه با شد . با خود ش کـدام کاغـذی را در بهن پاکت مـانـده و نـام نائب الحکومه را نوشته است .

کا تب دفتر بار دیگر به مهر و لاك خوب دقت کرد. همچنان ورقـه راکـه همـرای

پاکت و مهر ولاك مانـده شده بـود از نظر گذرانید وبعد اظهار داشت :

ـبخیر صا حب ... این مهر و لاك ، از

مهر را بری خود دفتر مقا م نا ئب الحکومگی است .

ـ معلو م میشود که ملك این ده معتبـر شده است . بچه حرا مزاده . کی اینطور حد سی میزد ؟ که نائب الحکو مه خود ش راسابنام او یـك پسته روانه کند.

همرا ی اینطور حواد ث با ید احتیا ط کنیم .یك پو لیس را صدا کن .بسر عت وفوریت او را بفرست.

کاتب دفتر پولیس را خواست و بستـه سر بسته را که از مقام نا یب الحکومگی تو سط پسته بنا م ملك قر یه چو لو رسیده بود داده ورسیدگرفت. پولیس بـه نوبـه خود زیر دست خود را خواست و بستـه را باو سپر د و رسید گرفت واو باز به رسته خود یك نفر پو لیس دها ئی را خوا ست و پاکـت را باو داد ورسید گـرفـت وباو گفت ؟

ـ بسیار عـا جـل است. فوری وضرور. یست مثل باد برو .

مگر جناب محترم چو لو یك قر یه بسیا ر دور است .

ـتو تا همان اولین تها نه پولیس کـه سر را هت است بر سا ن وبگوی که آنها زود روانه نمایند . بـازهـرچه شد، شده پو لیس گو شکی های کلاه خودرا با لای گوشهای خود فرو آورده وگردن خود راهـم پت کرد . بالا پو ش کهنه خود را پوشیده وبالای اسپ سوار شد. وبه ترات از نظر دور رفت .

اسپ بیچاره را هی بدون رحم ودلسوز ی قمچین زده وهی میکرد. یـخ وبـرف اززیر سم های آن می جهید . از گردنه عبور کرد وشب به تها نهٔ پولیس رسید .

در آنجا پا کت مهرو لاك شده را بـه یکنفـر پولیس دیگر دادند.

این پولیس یك تفنگ همروی زین خـود مـانـد وروان شد تا پـاکت سر بسته را

برای ملك قریه چولو ـبر ساند. مثل بـرق اسپ میراند .

روز های اول که میرآب ذوالقدر مـدال ملکی و قریه داری را با زنجیر نـازك آن بگردن خود انداخت از خو شحالی زیـاد خوابش نمی برد. مدال وزنجیرنازك را بسیار پاك وصاف کـرد تاحدی که ازدور جلبل میزد باز نو ك بروتهای خود را تاب داده تا ب داده بحدی به دو طرف شقیقه ها ی خـود بالا برد تا بگو شها یش رسید . و قتـی که مردم ده او را ملك صدا میکرد ند از خو شحالی بحدی می پند ید که دربو ست خود نمی گنجید .

صبح ناوقت بودکه ذوالقدر به اطاق ملـك

قر یه آمد و خوب چار کنجه روی چو کـی خود نشست مدال ملکی قر یه با لای شکم برآمدهٔ او آرام گر فتو خودش برمید گی شکایات شروع کرد. در اطاق بخـاری دیواری آتش افروخته شـده بـود . کاتبش که دست هارا در زیر کمر بنـدخودگـرم میکرد در گو شه اطاق استاده بود . هـر بار یکه میر آب سر خود را بلند مینمود، او خود را خم سا خته می پرسید ملك صاحب چه امرا ست ؟! ملك صاحب چـه میفرمایید ؟!

نا گها ن صدای ترا ت یك اسپ از دور شنیده شد و عا رضین که دم دروازهٔ دفتـر ملك قر یه یعنی میر آب قدیم و ملك نو ایستاده بود راه را باز کرده و طرف اسپ رفتند .

کا تب با وار خطائی صدا کرد : ایـن کیست که با چنین وار خطا ئی پیش میاید زمین زیر پا ی اسپش میلرزد.

پولیس اسپ سواربه شدت وسرعت فرارسید اسپ خود رابیرون دروازه ماند. و خـو دش مثل گرد باد خودرا بداخل اطاق انداخت یك کتاب را نزد ملـك قریـه که همین میرآب سر هنگ آغا ست پیش کرده گفت امضا کن ...رسید بدووقت تسلیمی راهـم بتو یس .

ذوالقدر که حیران مانـده بـود کا تب را نزد خود طلبید وپرسید :

ـ این گپ ها چیست؟ بیااینجایکبارمرابفهمان

ـاین یك قاصد سریع السیر است .

ـخوب .

ـ باید دربین پاکت یك چیزمهم وبسیار عا جل با شد . این را گفته کاتب کتـاب رسیدات را گر فت واز سبب رسید نمکتوب رسید کرد: ملك ذوالقدر پرسید:

ـمکتوب بنام کیست ؟

ـبنام ملك قریه چولو .

ـاز کجا آمده است ؟

وقتیکه کاتب نوشته مهر را بری د فتـر نائب الحکومه را خواندچشمانش از حـدقه بر آمده و زبا نش در کا مش چسپید .

ملك ذوالقدر پرسید :

ـاز دفتر پولیس آمده ؟

ـنی بابا ...ازدفتر نائب الحکو مه که صاحب ملك میر آب به عار ضین اشا ره داد که خا مو ش واز نزد یك دروازه دور باشند بعد خود ش برخا ست و یك پو لیس راامر کرد که بدر وازه ایستاده شود و کسی را بداخل شدن و حرف زدن نماند . بعد بـه کاتب گفت :

ـباز کن پاکت را باز کن .

ـنخیر شما مهرو لاك را بشکنید .

ـبشکن و بخوان که چه نوشته شـده است .

ناتمام

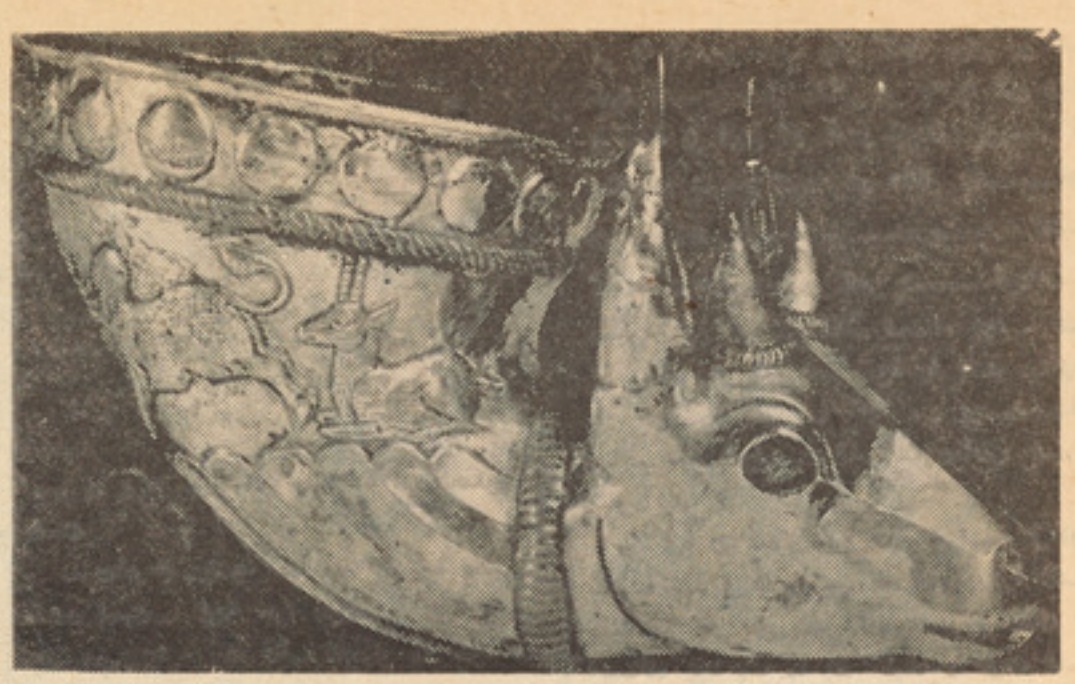

ترجمه :ح ،ع اگنی

آثار عتیق در روشن نمودن جهات فرهنگی تمدن باستانی ارج بخصوص دارد

در گذشته ها انسانها را جمع به پیدایش وتکامل پدیده ها نظرات متاوت وگونه گون عرضه میداشتند اگر سیری در تاریخ تکامل ذهنیت های آدمیزاد به عمل آوریم بخوبی در یافته میتوانیم که ذهنیت ها،افکاروشعور انسانی همپای تغییرات اجتماعی پرو سه رشد وتکامل خویش را میپیماید این پرو سه رشدوتکامل بستگی به پراتیک اجتماعی دارد (مبارزات علمی، ،طبقاتی ، آزمون های علمی)

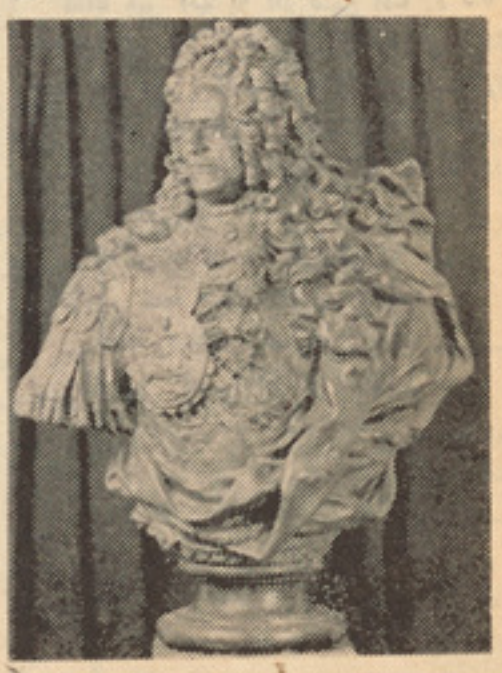

این مجسمه الهه جنگ را در زمان کهن نشان میدهد .

یعنی هر قدر انسان در عرصه پراتیک اجتماعی قرار گیرد به همان اندازه تجارب اوغنی ترگردیده درجریان کار مهارتش در تولید اشیا ووسایل نیز افزود میگردد .

تاریخ نشان میدهد که درجریان کار وپراتیک اجتماعی انسانها از یک مرحله به مرحله عالیتر تکامل دست یافته ودر جریان همین کار بوده که انسانها به افهام وتفهیم متقابل با یک دگر پرداخته این باعث گردید که تالسان تکامل نموده واز طریق آن مفاهیم، تجربیات واندوخته های شان را یکی به دگر انتقال دهند . که در ابتدای این امر مفاهمه به شکل اشارات وعلایم بوده که میتوان آنرا بنام دوره سمبولیک مفاهیمی تلقی نمود .

هر قدر از زندگی انسانها در روی کره زمین میگذشت به همان پیمانه انسانها در اثر کار ومبارزه خستگی ناپذیر شان از یک موفقیت به موفقیت های دگری دست می یافتند ذهنیت آنها تکامل می‌یافت ، اشیا ووسایل مختلف زندگی رآایجاد میکردند .

تاریخ حکم میکند که در گذشته ها انسانها از هر چیز در هراس بودند زیرا علت علمی پیدایش ووقوع حوادث را در یافته نمی توانستند چون سطح تولید مادی نازل بوده ونیرو های مولده انکشاف قابل ملاحظه ننموده بود که بتوانند استقلال نسبی انسانها رااز طبیعت حاصل کند این امر موجب گردیده بود که ذهنیت وشعور انسانها نیزهمپای همان شرایط قرار داشته باشد.

در گذشته ها انسانها برای همه چیز رب النوع می پنداشتند وبه عبادت ونیایش آن می پرداختند که رب النوع های مختلف‌چون رب النوع آتش ،باد ، طوفان، زیبایی ، عشق ،خشم وغیره بودو مردم به آنها اطاعت میکردند ومایه خوشبختی ونجات وآرامش را در اطاعت واحترام از آنها می دانستند چنانچه در جزیره پولی نیز یا مردم وقت که از پهلوی‌درخت‌باردار میگذشتند به آواز بلند صحبت نمی کردند میگفتند مبادا درخت بار دار عقیم گردد .

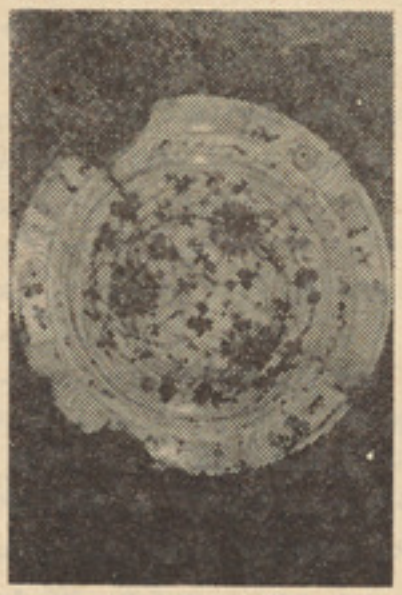

ظرف نانخوری که از کاوش‌های باستان شناسی‌ازمشهد بدست‌آمده.

در یونان قدیم مردم جشنوارهای برای سر سبزی وحاصل خیزنمودن زمین بر پا میکردند هر سال‌بزغاله را قربانی کرده خونش را به زمین میریختند وبه این طریق تصور میکردند که زمین با قربانی چنین امری‌بار دارمیگردد.عشق به چنین کاری سبب گردید که بعدها این عشق از الهه ها به‌شکل‌پرستش ونیایش در آمد ومردم از الهه های گوناگون مجسمه های ساخته ودر پای آن مجسمه ها قربانی های بعمل‌آوردند .

کاوش‌وتحقیقات باستانی نشان دهنده این حقیقت‌است که‌دانشمندان علم پارینه توانستند آثارو مجسمه های وقت را که انسانهای عهد

مجسمه بنام «لحظهٔ تولد» .

عتیق ایجاد نموده بودند از زیر زمینها بدست آورند . وبه مطالعه وتحقیق آن بپردازند وبا مطالعه آن جهات گونه گون وویژه فرهنگ وتمدن عتیق را مطالعه وارزیابی نمایند وبا مطالعه آن جهات مختلف تمدن کهن وطرز عقاید وتفکر آنها را آشکارورو شن سازند .

چنانچه در سال ۱۹۷۶ مجسمه که بنام (ابی‌کون‌لی‌ابی یا مو) در جزیره سیکوندی در یافت‌گردیده‌و این نام بزبان‌یو روبایی به معنی (لحظه تولد)یاد میشود نشان دهنده وسمبول باردار ی وحاملگی است که بصورت زن باردار وحامله تجسم‌گردیده است . این مجسمه‌از مواد بنام تالک ساخته شده‌مجسمه زن برهنه را نشان میدهد که به زانو نشسته وپیاله رادر میان پاهایش گرفته است . وممثل باردار ی در فرهنگ وتمدن گذشته میباشد .

په آسیا او افریقا کی د باداری نظامونه

دریمه بر خه

د(ان اوټ لین اف سوشل دیو لو پمنټ) نومی کتاب څخه

دامین الله محك ژباړه

په وړی آسیا کی باداری دولتونه یونان او چین د لومړی ځل دپاره دمیلاد دمخه په اومه او شږ مه‌پیړی کی دفلزی سکو څه کار وا خیست په چین کی سکی گـــر د ی اویا دچاکو ، توری او یوم‌په شکل جوړ- یدی . خندی (دایروی) سکی یـی هم لرلی چی د هغو په منځ کی به یی گردی سور یان جوړول‌دپلورلو یامبادلی دپاره یو خاص ډول کالا (مالونه) تو لید مخه وکړل .

دښارونو پیدا یښت :

دتجارت او سوداگری د وړاندی تگ سره علیحده استو گنځایو نه دښار په نامه ودان شول . چـــی دسو دا گرا نو دژوند او ډول ډول سوداگری معاملو (معملو) دسرتـه رسو لو ځای شو . نوموړی استو- گنځایونه دصعتونو او را کـــړی ور کړی په‌مرکزو نو وا وښتـــل. ښارونه معمولا جنگی کلاوډول ډول سودا گری لارو په تاقی شوو ځایو نو کی سر ته رسیدل . څرنگه چی دمیلاد دمخه د دوهم زر په پای کی دمکی ښار دیوی معدنی چینی په اړخ کی چی خلك دحجر الاسود د نما نځلو دپاره هما لته تلل بنسټ کیښودل شو . د میلاد څخه مخکی دلو مړنی زر کالو په پای‌کی دپالمیر دغټ دو لت ښار دسوری ددښـت په مر کز په یوه وادی کی دسودا- گری لارو او زیات شمیر خوږو او بو لرو نکو چینو ته نژدی جوړ شو

سوداگری مناسبات :

دسو دا گری منا سبات لومړی ځل په هغه هیوادو نو کی منځ ته راغلل چی سیند ونو پر غـــاړو او درود خا نو پر اړ خو نو کـــی وه . ښار ، دفنیقی باداری دولتونو چی دمیلاد څخه دمخه په دریم زرم کی او مدیترانی دسمندر گی په‌غاړه ودان شول دسوداگری ځانگـــری ښارونه وه فنیقیا نو دوړی آسیـا قبرس ، کرت ، یونان او دمدیترانی د نورو هیوادو نو سره د سو دا- گری روابط تینگ کړل دوړی اسیا څخه یی سپین زر ، سرپ اواوسپنه او دقبرس څخه یی مس را نیول .

په لر غونی مهال کی ، په اسیا او افر یقا کی د سو داگری مناسبی لاری جوړ شوی چی د لیری پر تـو هیوا دو نو وا ټنو نه به یـــی لنډول .

د (درمل‌لار) په نامه‌سره دکاپلی (قافلی) دتیریدو لار د عر بستان دسهیل او د مد یترا نی دختیزو غاړو ښا رو نو څخه تیر شو ی او دسره‌سمندرگی دشمال‌په لوری‌پسی اوږده شوی وه . دخیراغ تیل ، مر- مکی هندی او افریقایی در ملونـــه سره زراو په وروسته کی مر ئیان دمبادلی وړ ما لو نه وه دکاپلی بله لار دعر بستان له جنوب څخه د بین النهرین ته غزیدلی وه سو دا- گرانو خپل ما لو نه د افر یقا پـه ختیځ کی دباب المندب له تنگـــی څخه تیرول او وروسته به یی شمال و خوا ته لیږل .

دکاپلی یوه لر غونی لار د منځنی اسیا څخه تیریدل او چین یـــی دایران او مدیترا نی پر غاړو پر تو هیوادو نو سره‌نښلاوه . هغه مالونه لکه فلز ، څرمن او په تیره بیـــا وریښم له چین څخه صادریدل. چی نوموړی لار په پای کی د (وریښمود لاری) په نامه مشهوره شوه .

د کو شان دامپرا توری په وخت کی منځنی اسیا هم دسو داگری‌له مرکزونو څخه گڅل کیدل . کوشان سو دا گرا نو ښیښه او قیمتـــی ډبری و چین ته وړلی منځنی اسیا دهند د مدیترا نی دختیځو غـــاړو هیوادو نو شـــر قی ارو پا اوروم د امپرا توری د سو داگری اړیکـــی ټینگی کړی وی .

دما لو نو د مبا دلی دوړاندی‌تگ سره اقتصادی نا برابری خورازیا- ته شوه .تش لاسو اوبی وزلو ددی د پاره چی له مرگ څخه راو گرځی ناچاره وه‌چی د اړتیا وړاوزاردبډدا- یانو څخه په اجاره واخلی او دهغوی څخه پیسی پور کړی دپور بیرتـه نـــه تا د یـه کـول د هغوی ی په مرئیتوب سره پای ته رسیدل په دی ډول مرئیا نو اردو ورځ‌پـه ورځ پسی زیاتیدی له بله پلوه پور- ونکی له پخوا څخه زیات شتمنـی کیدل‌اوپه داسی‌گټیا لیو (سودخورو) سره اوښتل چی ډیر پیسی به یی یو ځای او د ډیر گټی دپاره به یی څه نه لرو نکو خلکو ته دپور پـه تو گه ور کولی .

طبقاتی مبارزه او اهمیت یی :

د طبقو دپیدا یښت سره جوخـت انسانی تاریخ‌دیوی طبقی دلوړوالی او بلی دټیټ وال په‌بڼه را څر گند شو یعنی دیوی بی رحمه طبقاتی مبارزی په تاریخ وا وښت .

دمر یتوب نظام تاریخ دطبقاتو (مر یانو اوبادارا نو) ترمنځ مبارزه ده . طبقاتی مبارزه د متضادوطبقود اقتصادی گټو دټکر څخه راز یږید- لی دی د اجتماعی تولید په نظام‌کی دهری طبقی بر خه دهغوی طبقـی برخه دهغوی طبقی گټی ور ټا کـی مرئیان دملکیت دټولو حقو قـو څخه بی بر خی وه او پخپله دبادا- رانو دشته یو جز گڼل کیدل او دو مره بی‌یی زړه سواندی ســره استثما ریدل چی په تاریخ کی بی ساری او بله هیڅ طبقه ددوی پـه څیر نه ده استثمار شوی . سربیره پردی هغوی په ټول توان ســـره غوښتل چی دتولید ودی‌غیر عادلانه طرز او سیا سی نظام ته چـــی دبا دارا نو له خوا پر مسلط شوی واو دوی یی دډول ډول کړاونو سره مخامخ کړی وه خاتمه ور کړی خو- مرئیان سره له دی چی انقلابـــی طبقه وه انقلابی خصلت یی محدود و .

د آسیا او افریقا په لر غونـــو باداری دولتو نو کی دمرئیا نوقیا- مونه د طبقاتی مبارزی یومهم‌شکل وه . له دی کبله دمنځنیو امپرا تور یو په وروستیو کی ټیټو طبقو په وینو لړلی قیامو نه سر تـــه ور- سول چی په هغوی کی تش لاس بزگران او صنعتگران هم دمرئیانو سره یو ځای شوی وه

لر غو نی چین هم دځو پیړ یوپه اوږو کی دمر ئیانو ډیر قیا مو نـه ولیدل د میلاد څخه پخوا په‌اتلسمه پیړی کی سخت قیام پیښ شو . جگړه ماران ددی له پاره چی‌وپیژندل شی خپلی ورځی به یی سری کولی لدی جهته نوموړی جنبش د (سری ورځی والا) قیام په نامه یاد شو . داقیام مر ئیانو آزاد و گرو ما هی نیو ونکو کاسبا نو او وړو سودا- گرا نو سر ته ورسوی . پر دولتی سپا یانو باندی له‌بر یا لیتوب څخه وروسته دپایتخت و خوا ته رهـی شول او هغه یی ونیو . له دی جهته چی دوی ښه او ټینگ انظبـــاط او ساز مانی تشکیلات نه در لو دل مسلطی طبقی یی دسر کو بی دپاره زیات کو ښښو نه وکړل . قیام‌کو- ونکی ونشو کو لی چی دلوړی طبقی دوسله والو لښکرو دبریدو نـو په مخی کی مقا ومت وکړی او له‌دی کبله تیت او پرك شول. په‌هغه وخت کی د انسان څخه د انسان‌داستثمار دله منځه وړ لو دپاره عینی شرایط مو جود نه او هم یی وجود نشـــو لرلی .

خو آزادو وگړو کاسبا نو اومر- ئیانو دقیا مو نو سره له دی چـی دناکامیو سره به مخامخ شول دخپل متر قی ما هیت لر لو له امله به‌یی تر یوی اندازی استثمار سپك کړ.

نو موړی قیامونه چی دآزادی د لاس ته وروستلو دپاره لومړنـــی کو ښښو نه وه دطبقاتی مبارزی اساس غوره او ټینگ کـــړ . که څه هم دیوه قیام څخه به خو را ووړ بر ا لیتو ب لا س ته ور غـی خو په نتیجه کی به یی د تو لید- ونکو وضعه ښه کړل .

پای

پیغله «مایا پلیتسکایا» و «گودونوف» برنده مدال طلا دراجرای بالت «کارمن سو تیـــا»

«کارولین لورکا» بالرین جوان فرانسوی

ازجهان هنر، سرود ورقص — ترجمه ونگارش از عبدالله محب حیرت

بسراغ هنر بالت

الهام باطنی یک بالرین باظرافت شاعرانه رقص درهم میامیزد

یك نظر عمومی :

ازنظر اهل هنر رقص وپایکوبی، باله یابالت نوعی رقص دستجمعی است که قسمتی از آداب وعادات جمعی را نشان میدهد یا بعبارهٔ دیگر «نمایشات بالت دارای موضوع عمیق، مفکورهٔ عالی، شوروشوق زیاد هومانیستی وبشردوستی، سیما های روشن وسوژهٔ محکم میباشد وهنر کورس معاصر نسبت بگذشتها روز بروز به زندگی وپروبلمهای واقعی آن نزدیك میشود .»

«آلا میخا لچنکو» رقاصه یکه تاز بلشوی تیاتر مسکو برنده جایزه اول ومدال طلا

از ورای مطالعه تاریخ هنر های زیبا بر می آید که هنر رقص بالت از روزگاران کهن میان اقوام وملل مختلف مروج بوده ودستهای آماتور وحرفه یی آن درین میدان هنرنمایی کرده اند . بطور مثال اسناد وشواهد مستند، روشنگر آنست که هنروران رقص هندوستان توانسته اند رقصهای خودرا از هزاران سال پیش بدینطرف حفظ نمایند وتبارز دهند یا آنرا بهمان شکلیکه در افسانه ها، خدایان به «بهاراتامونی» آموخته اند نگاهدارند . متون هنری بیانگراین حقیقت است که رقصهای یونان قدیم بصورت اصلی آنهاباقی نمانده ولی نقاشیها وکتیبهٔ هم یافت شده که گوشه های ازآن هنر را مجسم میکند .

ماخذ دستداشته گواه بر آنست که رقص های قرون هجدهم ونزدهم بدو بخش یا نوع کنار میگذارند وتسلیم یك احساس اجتماعی وعمومی میکنند که باوزن و ضرب انتقال مییابد . ازچنین رقصی نزد همه ملل ازبدوی ترین تامتمدن ترین آنان درهمهٔ ادواروزمانها نشان واثری میتوان یافت . لذا «باله» برعکس هنریست که اصل آن مدیون موسیقی است وموسیقی آن محتوی ریزه کاریهای خاصی میباشد .

همچنان پیدایش «باله» با هنر «رقص» برخلاف رقص تاریخ مشخص دارد . درایتالیا همزمان با نهضت هنری وادبی قرن پانزدهم بوجود آمد وهنر باله از یکقرن پیش بدینسو در اروپا وامریکا نفوذ و گسترش زیادی نموده وهنرمندان وهوا خواهان فراوانی پیدا کرده است . مثلا : باله های کلاسیك (گیزل) از صد سال پیش تاکنون همچنان منقسم میشد :

رقصهاییکه در آن جست وخیزوجودداشت بنام «رقص بلند» خوانده میشد و بر عکس آنرا « رقص کوتاه» میگفتند . پادشاهان اروپایی اغلب بـرقص اهمیت میـدادند و صحنه های آنرا مشتاقانه تماشا می کردند . لویی چهاردهم در هنر رقص مهارت داشت وآنرا میپرستید ودر باله های دربار به آن میپرداخت وهم اوبود که در سال (۱٦٦۱) یك موسسه پادشاهی «رقص» را در پاریس تشکیل دادکـه از سیزده رقـاص تشکیل شده و «بوشاپس» نظارت هنرباله را بعهده داشت . البته نهضت رومـانتیزم در مکتب «رقص» و «نمایش» نیز تاثیر فراوان کرد .

یکی از صاحبنظران هنر های زیبا که هنر «رقص» را جزو حرکات «سمعی وبصری» با بخشی از «هنرهای سمعی وبصری» تشخیص وتثبیت کرده است ، اظهار میدارد که درین هنر، زیبایی بوسیلهٔ الحان وکلمات ازطرفی، رنگها وشکلها از جانب دیگـر واقعیتهای طبیعت را نشان میدهد وعلاوه میکند که باله (بالت) در واقع رقصی است که سر گذشت را بیان میدارد ویا استعاره را میپروراند و گویای هیجان قلبی میشود وتوسط حرکات لطیف وظریف وزندهٔخو د تجرید شورانگیز موسیقی را بخاطر می آورد . ودر عین زمان تصریح میکند که رقص با باله تفاوت دارد، زیرا رقص ازنظرخاصی یك پدیدهٔ فیزیولوژیك ودر عین حال روانی است که بوسیلهٔ آن موجودات انسانی موقتا شخصیت فردی خودرا با موفقیت روبرو بوده است وبا ایجاد شهکار هایی چون : «کـوپلیا» و «سیلـویا» دورهٔ جدیدی در تاریخ هنر بالت پدید می آید .

چند بالت معروف :

البته دردنیای «هنر های سمعی و بصری» با لتها ی مشهور متعد دی در گذ شتها ی دور و نزدیك وعهد معاصر در شرق وغرب پدید آمده است که‌شمار آنها زیاد بوده‌و معر فی هر کدام مبا حث علیحده و مفصلی را مقتضی میبا شد که بخاطر جلو گیری از طـوالت کلام ازآن انصراف میشود. و لـی این چند با لت‌بیشتر از همه معرو فتر .ست که‌مادر ینجاصرف ازآنها مختصر تـذ کـری مید هیم :

«پترو شکا »یا «پتروسکا »، «منا سك بهار » یـا «پرسش بهار» و «پرندهٔ‌آتشین» یا «مرغ آتش »، بالتهای «استرا وینسکی» که «سرگی پاولوویچ دیا گلیف »کارگردان

بقیه‌درصفحه ۵۵

زنده باد دوستی برادرانهٔ خلقهای افغانستان واتحاد شوروی .

م: عاقل بیرنگ کوهدامنی

ارتش رهایی بخش شوروی

پیش از آنکه در باره ارتش رهایی بخش شوروی بنویسیم باید به جامعه‌ی پوسیده‌ی تزاری پیش از انقلاب کبیر اکتوبر مروری فشرده وکوتاه بنماییم. در پیش از شگفتن گل سرخ انقلاب کارگری اکتوبر کبیر جامعه‌ی روس با آن گستردگی وفراخناکی جغرافیایی اش با آن ثروت ها و سرمایه های انسانی وطبیعی اش جامعه‌ی طبقاتی واستبدادی بود ، جامعه آشفته ناهنجار وبی سرو سامان. نمردست ومغز کشاورزان وکارگران صنعتی رادولت مردان مستبدوپاشنه آهنیان ستمگر به تاراج می بردندوخون انسان ستمدیده را قدح پشت قدح نوش می کردند(۱) آدم هارا به کارهای توانفرسا وروح شکن وامی‌داشتند . اگر صدای اعتراض ،عکس العملی و آبادی وآسایش خویش می‌جستند روز گار تلخ وسیاهی بود (۳)اما نان نتوانسته بودنیروی رسالت انسان را از اوباز ستاند. گرسنگان بیابان بیش از آن نمی توانستند فقط به تصویر نان دلخوش باشند(٤)وبرای همیشه مقهورستمگران وبی خردان انسان برتری اش ازجان وروان دیگر این است که با نیروی بالنده ی اندیشه‌ی خود وبا دانش ودر یافت خویش می تواند ، محیط خود رادگر گون کند ، و چهار چوب زندگی اش را گستردگی و فراخناکی میدهد . انسان این توان را دارد که با اتکا به خردخویش ازاسارت بیرون آید وخودرا رها سازد وجهان رابه دلخواه خویش تغییر دهد ، قوانین آنرا بشناسدونشانه های آن رابه سودخویش ودرسمت تکامل خویش تفسیر نماید، در فرصتی که انسان برروی این کره خاکی گام نهاد ، فریاد ش طنین قوی داشت ودر اندام های طبیعت لرزش ایجاد کرد، گرچه هنوز این نیروی نوظهورتوان مقابله ورو یا‌رویی رابا طبیعت نداشت وابزارش فقط خرد واندیشه بود، وگاه به نیرو های که تاب مبارزه باآن هارا نداشت آتش،وباد،وتوفان وباران ایمان می‌آورد . اما به مدد دانش وتجربه و آزمایش، توانست به نیرو های مهیب وو حشت انگیز طبیعت به ستیز بر خیزد ، آتش اندیشه انسان وکار وپیکار او، اورا برجان وروان دیگرسالاری دادو حکمروای قلمرو طبیعتش گردانید .

قرن ۱۹ سر آغاز اندیشه های والا و عصر زیر وبر کردن مناسبات کهن وزمان زده تولیدی است عصر خردومنطق وآگاهی است، در این فرصت است که کار خانه ها بنایافته وکارگر در پشت ماشین ایستاده دیگر از باد وباران وبهمن وتوفان نمی ترسد به نیروهای واهی وپوچ ایمان ندارد. ذهن اوراچرخهای گردنده‌ی ماشین می‌سازد اودر پشت ماشین خود به قدرت شگفت خویش به اصالت خویش ورسالت خودپی می برد. درپشت ماشین این واقعیت رادرمی یابد که شمردست ومغز اورا چند تاسرمایه‌دار ازخود راضی وشکم پرست وبیدادگرمی خورند و به یغمامی برند. اودیگر این رامی فهمد که با غارت انسان های خودپرست مبارزه کند وحق خود ودیگران رااز کام او بیرون بیاورد.(٥)کلاسیك های اندیشه های پیشر و نیز دراین دوران سربلند می کنند وبانبوغ انسانی وسازنده‌ی خویش زحمت کشان رابه رهایی، آزادی وستیز ومبارزه می‌خوانند:

کارگران جهان متحد شوید!

در گرد این شعار کارگران سراسر جهان جمع می‌آیند ووظیفه (انترناسیونالیستی) خویش رادر می‌یابند دراین هنگام کارگر وارتش دیگر به سر زمین نمی‌اندیشد به زمین می‌اندیشد ، دنیا وطن اوست، اگر درویتنام تفنگی بر ضد استبداد ، برضد جنایت وغارت وتاراج صدا کند ، او صدایش رادر افریقا می‌شنود ، کارگر تزاران روسیهٔ آن روزگار .

حکم روایان تزاری اجازه ی آن رانمی‌دادند که ملیت های روس به زبان های محلی خو یش خواند ونوشت نمایند ، بیداد فرهنگی مانند بیداد سیاسی واجتماعی تن وروان ملت های روس رامی‌آورد. حتی کلیساومذهب در روسیهٔ آن روز گار شیوهٔ ستمگرانه ای رادرپیش گرفته بود ودر عبادت واطاعت مردم دخالت می‌کرد. محکومان سیاسی را ، آنانی را که بر ضداین شیوه های ظالمانه واستبدادی قیام می‌کردند به دور ترین نقطه‌ی روسیه (سایبریا) می‌فرستادند وبه کار های توان فرسا و ضد انسانی شان وا می‌داشتند ودر پیش روی این گروه ، گورستان های مخوف وزندان‌های وحشت‌بار بناکرده‌بودند

تانیروی ایمان وشور مبارزه وآزادی خواهی را ازآنان بگیرند (۷) امااین آرزوراستمگران باخود به‌گورستان بردند آزادی خواهان باایمان که عشق راستین به پیکار و آرامان های پرشور انقلابی داشتند هر گز دچارتردید نگردیدندویك لحظه هم تسلیم پذیری وسازش را نپذیرفتند. در روزگار حکومت تزاران روسیه سیاستی در بسته داشت ، برای کسی اجازه آن نبودکه به‌آن خاك بیاید ویاکسی ازآن جابه خارج سفر کند (۸) پاسداران دنیای کهن ووارثان

همبستگی برادرانه قوای مسلح انقلابی افغانستان باارتش کشور دوست اتحاد شوروی

ضامن پیروزی ما در مبارزه علیه نیروهای تجاوزگر در کشور ماست .

واکنشی بلند می گردیدآن فریادرادرنطفه خاموش می‌کردند ، بی خبر از آنکه صدای راستین توده هارا نمی‌توان خاموش وسرکوب کرد ودریای پویا وروان رااز پویایی ورفتن باز داشت. اندیشه های پیشرو در زمان جریان دارد و اندیشه ی چیزی نیست مگرجاری شده دردوران(۲) تزاران بیدادگر ،ازوزیدن هرنسیمی که ازاندیشه های انقلابی زحمت کشان این سازندگان راستین تاریخ مایه می‌گرفت ومی وزید هراس داشتند باتلاش های بی سر انجام اجازه ورودبه کاخ های بنایافته از خون مظلومان نمی‌دادند ، آنان از دگر گونی در هراس بودند و چشم های شان خفاش وار نمی توانست روشنایی هاراپذیرا گردد، آنان با تاریکی خو گرفته بودند وظلمت را پذیرا ، فرسایش ونا بودی دیگران را در دراین دوران بادهقان وارتش می پیوندد ودریك سنگر باسرود اتحاد و همبستگی برلب برضد نهاد های فرسوده اجتماعی قیام می‌کند ودر این رستخیز پیروز می‌گردد . انقلاب کبیر اکتوبرو تشکیل ارتش شوروی نشان بزرگ این پیروزی است، واین حادثه شگفت تاریخ در روسیهٔ آن زمان یعنی درسرزمینی که ازآن درآغاز یاد گردید روی میدهد، گرچه پیشوایان فلسفه‌ی نوین را باور براین بود که انقلاب کارگری در آلمان که فضای صنعتی آن بیشتر آماده ی این دگرگونی بود روی خواهد داد (٦)امابه رهبری تلاش ورزانه ومنطقی ولادمیر ایلچ این آرمان بزرگ انسانی در روسیه روی‌داد،و گل خونین انقلاب درآن سامان روییدد، واین خود دلیلی است بر پوسیدگی وناکار آمدی رژیم ارتجاعی کذایی تاج وتخت آلمان به این وسیله می‌خواستند عمر کثافت بار خویش را طولانی کنند و چند روزی بیشتر براریکه ی قدرت های اهریمن خویش بمانند.

از سال های (۱٦۸۹) بود که مشعل های مبارزه برفروغ وتابناك درسرزمین ر و سیه روشن گردید وگل‌های آزادیخواهی تك‌تك در چمنستان ها رویدن گرفت. اما این رویش ها وروشنایی‌ها پراگنده بود ، یکدست وهم بسته ومتحد نبودند . از طرف نیرو های اهریمن خاموش وپر پر می‌شدند . لاله های سرخی که‌درزمستان اندیشه های آن روز گاران‌میرویید از طرف نابکاران وسیاه اندیشان‌وچکمه پوشان بیداد گر درو می‌گردید . اما آن لاله هاآن گل

بقیه‌درصفحه۴۳

اتحاد و همبستگی جوانان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور

با تحول وتکامل مرحله نوین انقلاب ثور زندگی مردم مادر مسیری قرار گرفته که بدون شك آیندهٔ روشنی را نوید میدهد آیندهٔ که متضمن سعادت و خو شبختی همگا نی است .

همین خو شبختی در آینده است که دشمنان کشور وخلق ما را وا داشته است که در مقابل این رو شنی و سعادت قرار بگیر ند و موا نع ایجاد نما یند . چنا نچه چند ی قبل دشمنا ن خا رجی با یك عد ه وطن فروشان خواستند سد راه خو شبختی مردم ماقرار بگیرند ویك سلسله نا راحتی های در شهر کابل براه انداختند که ازطرف جمهوری دموکراتیك ما باهمکاری جوا نا ن حزب دموکراتیك خلق افغانستا ن قوا ی مسلح ومردم شریف ووطن پرست ما رفع گردید .

مردم شرا فتمند ما از این مدا خلات بی شر ما نه دشمنان خلق ووطن ما تعجب نمیکنند ، زیرا دشمن هر گز نمی خوا هد که مر دم ووطن ما آباد ، آرام ومعمور با شند . این مدا خلات بی جا و شرم آور دشمنان خارجی هر گز نمیتوا ند کا ر ی ازپیش ببرد وسد راه سیر تکامل انقلاب ما گردد . زیرا مرد م وخلق رنج دیدهٔ مادر طول دو قر ن اخیر دشمن حقیقی خو یش‌را خوب شنا خته اند و هرگز فر یب این دشمنان را نخوا هند خورد .

را هی را که امروز مرد م ما در پیش گرفته و تعقیب می نما یند را هی است که‌مارا به‌سر منزل مقصود می‌رساند.

راه رستگاری و سعادت است. بگذار که دشمن هرقدر دلش می‌خواهد یاوه سرایی نما ید ،امروز مردم در رو شنی مر حله نوین تکامل انقلاب‌ثور راه‌پیروزی ورستگاری را یا فته اند و میدا نند این راه است که مارا میتوانند به سر منزل مقصود برساند بادرك این حقیقت است که امروز جوا نا ن این نیروی زوال نا پذ یر این قشر دینامیك وفعال جامعه مایك پار چه ویکد ل در راه بسر رسا ند ن آرمان های انقلاب ثور به پیش می روند و هر گو نه موانع را که سد راه شان قرار گیرد از میا ن بر میدا رند . و برا ی افغا نستان نو ین و آباد و معمور تلاش می ورزند .

باید گفت که تلاش و یك پارچگی جوانان درکوتاه ساختن هرچه بیشتر دست ارتجا ع وامپر یالیزم امریکا تاثیر نیزدارد.

پس‌ای جوانان ، ای نیروی رزمنده وانقلابی نگذارید که دشمن شمارا فریب دهد و در اتحاد شما رخنهٔ وارد نماید .

و بیشتر از پیش یك پارچه ویك دل‌در برابر امپر یالیزم امریکا وارتجا ع سیاه داخلی ومنطقه قرار بگیر ید .

ای جوا نان با هو شیاری و درا یکه در شما وجود دارد یقین کا مل است که پس از مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور راه حقیقی را با ز یا فته اید وبا این بازیابی است که برای کشور و مردم خویش‌میتوانید مصدر خدمات فراموش ناشدنی گردید .

به پیش بسوی آبادی و ترقی هر چه بیشتر کشور مان افغانستا ن عزیز وسربلند.

شازیه شمس متعلمه لیسه عایشه‌درانی

اندیشه‌های جوانان

بایورش عظیموامید بخش‌ششم جدی‌که‌به ارادهٔ مردم آزادمنش وطن‌آزادهٔ مان افغانستان عزیز، سلطان امین، سرداراسدالله امین، سردار عبدالله امین وهمه آدمکشان قرن بیستم وابسته به‌او ازسکوی آ د مکشی ازپا در آورده شدند، همگام بااین یورش مردم تسلیم ناطلب ما لرزه به دست وپا و شوك دیوانگی برسر باداران خونخوار ایشان افتاده وچون مریضان عقلی وعصبی به انواع جنایات وخرابکاری هادست به‌کار شدند ودر عوض جلاد ووکیل قصابان پلچرخی خود امین یکتعداد غلامان دیگر خود را که بنام از افغانستان ودر اصل فروخته شده وبه این جا وآنجا پناهنده شده اند به کار گماشته اند وآنها را آراسته وآلوده به پوند، دالر کلدار ومجهزبه بم های دستی وماشیندارهایی را که برای مردم بی دفاع ساخته اند در هر

شازیه شمس

گوشه وکنار سرزمین شیرمردان ارسال نموده اند تا دست به جنایات، آدم کشی سوختاندن موسسات تعلیمی ، منازل‌شخصی ودیگر سرمایه های ملی مردم افغانستان عزیز زده وخلق شریف وترقی خواه مارا نا آرام سازند چنانچه روز دوم وسوم حوت این چاکران گوش به فرمان آنها در کابل مردم شریف ونجیب مارا ناآرام‌ساخته، دکانداران شریف مارا واداشتند تا دکانهای خود را ببندند وروز سوم حوت در گوشه وکنار کابل اطفال معصوم وبی گناه ، این سازندگان آینده و طن ما را تحدید نموده در جاده هابه راه انداخته به خرابکاری های گوناگون دست به کار شدند .

دولت محبوب ما که وعده داده بود بعد ازین صدای طیاره، توپ، تانك و ماشیندار دیگر گوشهای هموطنان ما را نمی آزارد مجبور ساخت تا جلو این اعمال وحشیا نه وخرابکارانه گماشتگان کارتر، سادات ، بیگن، قدرت های ارتجاعی پاکستان وپکن‌را بگیرد وسربه نیست‌شان نماید چنانچه هجده نفر از پاکستانی‌ها ویك امریکایی راکه‌مجهز باانواع سلاح، دالر، پوند وکلدار بودند بالفعل دستگیر نموده وآنهارا از طریق رادیو تلویزیون وروزنامه هابه مردم شریف وآزادهٔ مامعرفی نمودند وهمچنان غلامان گوش بفرمان شان را سربه نیست نموده وجیره خواران شانرا دستگیر نمودند حالا وظیفه همه جوانان اعم ازدختران وپسران است که با مقا مات دولتی وحزبی ، قوای مسلح وخارندوی خلق افغانستان دست محکم همکاری داده و د ر تارومار ساختن همچو اخلال‌گران وچپاولگران از هیچگونه فداکاری دریغ ننموده و سربه نیست شان نمایند و هرگز نگذارند تابعدازین این غوغا های مردم فریب ،مردم‌نجیب مارا بیازارد . وطنداران ! همه میدانیم که نیرو- های امپریالیستی وارتجاع سیاه جهانی حال باز دست دادن چپاولگران وآدمکشان خود در افغانستان قوای عقلی وفکری خود را از دست داده وبا بهانه های گونه‌گون که در افغانستان اسلام درخطر است و... غلامان ضد بشری خودرا دروطن ما ارسال میدارند. نمیدانم که آقای کارتر ووابستگانش از چه مدت به‌این طرف جامه مسلمانی در بر کرده وناجی وپیشوای اسلام گر د یده اند. حالانکه همه مسلمانان نجیب وشرافتمند ما خبر دارند که همین غلامان امپریالیزم و نوکران آقای کارتر بودندکه‌دست به محاصره وتخریب‌دربیت الحرام(کعبهٔ‌همه‌مسلمانان‌جهان) زدند . به بانگ رسا اعلام میداریم که دیگر همه مردم کشور ما این چهره های منحوس وضد اسلامی وبشری را شناخته اند وهرگز فریبهای انسان‌سوز آنهارانمی خورند حال هم ه‌جوانان مابه پا خواسته اند و مانند نیاکان خود که انگلیس بی رحم وبی شرم‌را بارها دوانده وازین سرزمین خارج شا ن کرده اند ، اسکندر وهتلر را داغ بر قلب زده‌اند این گماشتگان امپریالیزم جهانی را نیز باآقای کارتر یکجا داغ برجگر زد ومی زنند .

حال که دولت از ما وما از دولت هستیم ودر پهلو مانیرو وقدرت بزرگ صلح جهانی اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد واز مردم انقلابی ما پشتیبانی می کند. برما جوانان است تادرراه وترقی وتعالی‌وطن محبوب مان افغانستان یك لحظه آرام نه نشسته ووطن خودرا شگوفانتر سازیم.

به پیش درراه اعمار افغانستان قهرمان وانقلابی .

• • •

سید هاشم

این یك حقیقت مسلم و انکار ناپذیر است که پس از مرحله نوین تکا مل‌انقلاب ثور همه مردم ما مخصو صا جوا نا ن ما در را هی قرار گرفته اند که این راه،آنها را به سعادت و خو شبختی می رسا ند .

آزادی که حق فردی هر انسا ن شمرده میشود بزر گتر ین نعمتی است که ازتولد تابه مرگ با او همراه است ، البته‌آزاد ی که به خوشبختی وسعادت دیگران لطمه نمی زند . و آزادی دیگرانراتحدیدنمیکند.

من منحیث یك کارگر جوان به این عقیده هستم که هیچ کاری از پیش‌نمی رود مگر این که انسا ن آزاد باشد ،وخو- شبختا نه این آزادی بیشتر از هر وقت دیگر پس از مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور به مردم و خلق زحمتکش ما داده شده است.

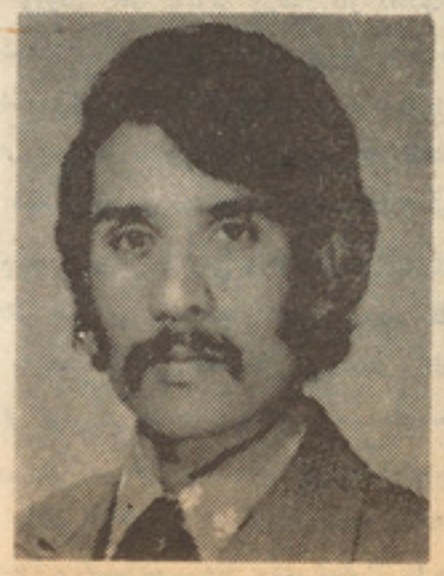

سیدهاشم حبیب

صحبت‌های پدرو دختر

پیرامون زندگی

دردنیای پر سروصدای امروز ، هیچ امری دشوار تر ازاین نیست که پدران، فرزندان خود رااز لغزش مصون نگاهدارند وعوامل فساد محیط رااز پیرامون جگرگوشه های شان دور سازند .

رهنما یی جوانان در محیط امروز کار ساده‌ی نیست وشاید هم خیلی مشکل‌تراز آن باشد که تصور کنید.

بسیاری از پدر و مادران که صاحب‌فرزندان جوان اند دراین اندیشه اندکه چگو نه وبه چه نحوی میتوا نند جوانان شان راازآلودگی نجات دهند .

در این جابدنیست که گفتگوی پدرودختر جوانی را بشنوید که در مورد آزادی های که باید یك جوان مخصو صا یك دخترجوان داشته باشد باهم بحث میکنند .

پدر بدخترش میگو ید :

دختر عزیزم ،امیدوارم آنچه اینك برای تو میگو یم نکته ای نباشد که‌ترا با این اشتباه وادارد‌که گمان کنی من مخا لف آزادی دختران به سن وسال تو میبا شم، خیر ، عزیزم من هم طرفدار این حقیقت‌هستم که به جوان باید موقع‌دادتادرموردزندگیش در بارهٔ زندگی خصوصی اش تصمیم‌بگیرد.

اما یك نکته رامی خواهم برایت رو شن بسازم که دختر به سن وسال تو سخت هم باید از خودش مراقبت نماید. من ازتواین تو قع را دارم که‌هر چند بیشتر از محسنات خود آگاه شدی ، این نکته را در نظر بگیری که زیبا یی های جسمی تو و قدرت تو در ایجاد عشق، چیزی مقد سی است که تو باید در حفا ظت ورعا یت آن بکو شی تا روزی فرار سد که عشق حقیقی بزندگی تو وارد شود.

تو حقیقت را در ك خواهی کرد وحقیقت، ترا آزاد خواهد ساخت . تو آزاد خوا هی بود ولی آزاد در انتخاب خو ب و بدوخیر و شر ، آزاد در تمیز دادن میان حق وباطل!

دخترم در هرجامعه ومحیطی هما نطور یکه انسان های خوب وشریف وجوددارنداشخاصی هم‌هستند که باکار های ناسالم باعث‌بد بختی یکعده جوانان میگردند.

باید این را بدانی که‌یك دختر احمق ویایك دختر جاهل بادامنی آلوده، بقر- بانگاه کشیده خواهد شدو هیچ چاره ندارد جز آنکه این عذر را بیا ورد که گول‌خورده و زند گیش به تبا هی کشیده شده است، اما به این خوب آگاه ومعترف‌هستم که تو دخترنیستی که باین نوع دفاع پراز ذلت ومحنت وبا این عذر بدتر از گناه، ملتجی شوی زیرا هوشیاری وشرینی .

دختر عزیزم ممکن است تو در عرصه فر یبهای بسیار قرار گیری اما این بتو ارتباط دارد که‌چگونه خودرا از مکر این فریب ها ودروغ‌ها نگهداری .

دخترم این را هم باید بدانی وقتی یك‌پدر میتوا ند فرزند ش را وجگر گوشه اش را نصیت نماید وبراه‌راست هدایتش کند که خودش از لغزش ها مبرا باشد وبتو این اطمینان را میدهم که در جوانی‌وتا امروز پاك بوده ودر آینده هم پا ك خوا هم بود .

دختر میگوید !

پدر ،من تمام این‌حرف های راکه گفتید قبول‌وبه آن باور وایمان دارم ، درست است که وظایف پدری شما حکم میکند تادر مورد آزادی های دختر تا ن در اند یشه با شید ولی پدر، بشما اطمینان مید هم که من دختر احمق‌وجاهلی نیستم که زود فریب‌ظواهر را بخورم . اما یك موضوع را باید خدمتتان عرض کنم که امروز با دیر وز تفاوت زیادی نموده است ، در گذشته اگر بین پسرودختر روابطی عادی وجود نداشت ، این بسته به شرا یط محیط آن وقت وروز گار بوده است .

زیرا قوا نین گذشته چنین حکم میکردکه یك دختر نمیتوا نست بدون اجازه پدر ومادر خویش با پسر جوان حرف بزند اگر چه در این حر ف زدن ها هیچگو نه مدعا وغرض وجود نمیدا شت . اما امروز میدانید که یك دختر پهلوی یك پسر در مکتب‌ویادرفاکولته روی یك چوکی مینشینند وبه حرف ها ی استاد گوش میدهند و ای بساکه خارج مکتب و مدرسه برای حل نمودن پرو بلم های در سی شان از رفقای شان واز هم صنفان شان کمك بخواهند ، آیا بازهم شما ما نع این نوع دیدار ها و نزدیکی ها میشو ید ؟

-پدر :

دخترم من قبلا برایت گفتم وتو ضیح‌دادم که پدر سخت گیر وکوته‌فکری نیستم،من مخا لف دیدو بازدید جوانان نمی با شم، اما بحیث یك پدر بخو داین حق را میدهم که گو ش دخترم را از مکرو فریب بعضی جوا نان که در لباس دوست و رفیق بی آلایش ظاهر میگردند باز نمایم واو را از بدبختی های احتمالی آگاه سازم .

دخترم این راباید بدانی که بعضی مر دان مانند زنان‌گاهگاه برخیال‌وبی توجه ومنصرف ازمسایل جنسی میشوند ویا اوضاع‌واحوالی هست که تو جه مردان را نسبت بزنان، در در جه دوم قرار مید هد و مرد ممکنست خر ید ن یك جوره بو ت ویا رفتن بادوستان ویا خواندن کتاب و تماشای مسا بقه را ، بر دنبال کردن زنی تر جیح دهد اما آنچه می خواهم بگو یم ، اینستکه مرد ما نند قطب نما ، هر وقت زنی در کنارش با شد، بی اختیار بسوی او متو جه میشود وتا آنجا که شرایط زمان و مکان اجازه دهد، درروابط جنسی با او ،پیشروی میکند !

وتو باید این موضوع را خوب بیاددانشته باشی .

پدر؟ آیا درز زندگی هیچ‌موضوع و مطلبی ندارد غیر اینکه مردویا زن به روابط‌جنسی شان فکر کنند ؟

دخترم ، من نمی گویم که بدون این موضوع ،هیچ مطلب دیگر بین مرد وزن‌وجود ندارد ، نی منظورم از ذکر این مو ضوع‌این بود که باید هو شیار باشی .

نکته بر جسته ای که در این میان‌با ید در نظر داشت ، اینستکه همه مردان درباره یك‌زن بخصوص ، دارای یکنوع عقیده و تفاوت نیستند. آنچه بنظر من در زنی‌خوش آیند است در دیگری خو ش آیند نیست واین نبا ید تورا گول‌زند.

عزیزم ، مردان بطور کلی ، جملات و عبارت خاصی دارند که‌برای تحریك قوا ی جنسی زن ، در گو ش او فرو می خوا نند، امایك دختر با هو ش ، پس از آنکه بااین جملات وعبارت آشنا شد ، مرد همینکه شروع بیاد آوری و بزبان آوردن آنهاکرد، دختر فهمیده متو جه میشود که مقصودنهایی مرد چیست واز همان آغاز ، میدان‌پیشروی‌را براو می بندد ودر هارا بر روی او قفل میکند .

دختر میگو ید !

پدرعزیزم ، ازنصایح تان یکدنیا تشکر من میدا نم که تمام حرف تان برای روشن شدن ذهن من بود، وباید به‌شما این اطمینان را بد هم که دیگر من آن دختر کو چك دیروز نیستم که نتو انم خیروشر خود را تمیزند هم.

خوشبختا نه امروز فضای ایجاد شده که بیشتر مو ضو عات زندگی را مسا یل علم و فرا گرفتن آن در بر گرفته و کمتر به جوان مو قع مید هد که روی غرایض جنسی شان فکر کنند . اما باز هم ازنصایح تان تشکر ، شما بحیث‌یك پدر وظیفه خود را بصورت احسن انجام داده اید . وای‌کاش که همه پدران ومادران این موضوعات راو دیگر مسا یل زندگی را با فرزندانشان‌این طور وبدون پرده پوشی در میان نهند .

بی اعتمادی بزرگترین دشمن

خوشبختی خا نواده است

پس از سا لها زندگی این هم نتیجه‌آن است که می بینم .

-بلی من زنی هستم در حدود سی وپنج سال ، چند سا ل قبل با جوانی که فکر میکردم از هر حیث قابل اعتماد است و در ضمن به من نیز علاقه دارد از دواج کرده‌و حاصل این ازدواج یك دختر است .

دختریکه بحد پرستش دو ستش دارم و شوهرم نیز این احسا س را دارد .

بگذاراصل قصه را برایتان بگویم‌وکمتر حا شیه پروازی کنم .

یك‌روز صبح بهاری بود، مطابق‌معمول پیش از طلوع آفتاب از خوا ب بر می‌خیزیم وسرمیز چای حاضر میشویم.

شو هرم تا وقتیکه چای صبح حا ضر میگردد لبا س میپو شد و روز نامه صبح‌را مطا لعه میکند بلی در همین روز بود که آن حرکت غیر دو ستا نه وغیر باور از طرف شو هرم سر زد .

قضیه از این قرار است که من به پول احتیاج داشتم واین پول‌را می خواستم برای دخترم لباس بخرم زیرا از چند وقت دخترم همیشه در گو شم میگفت که مادرمن لبا س ندارم ، چرا برایم لباس نمی خری، ولی چون وقت معاش فرانرسیده بود نمی توانستم خواهش دخترم رابر آورده سازم اما علاقه واحسا س یك مادر بالا تراز این چیز هاست ، این خواهش طفلك‌مانند خنجری بود که به دلم زده میشد اگر نمی

بقیه درصفحه ۴۷

متر جم‌غیور

یکنوع سپورت جدید برای خانواده‌ها

والدین‌واطفال‌میتوا نند در او قات فرا غت ویا در اثنای کار بـه‌انواع واقسام ور زشس وفعا لیتهـــــای فز یکی وجسمی مبا ذرت ور زنـــد. در بر خی از کشور ها سپورت‌و تمر ینات تفر یحی صرف بمنظور خوشگذرا نی وتفر یح صو رت مـی گیرد . زنان واطفال عده کثیری از کشور ها خو شس ندا رند در اخیر هر ماه فیسس بپر داز ندوبیکی‌از کلپلهای سپور تی برو ند . در آلمان فدرال یکنوع سپور ت جد ید برای خانوا ده هابوجودآمده اســـت که تو سط تو پهای با لون نمـــا بر نگهای خیلی قشنگ وزیبا مو رد استفا ده قرارمیگیرد .وا لد ین‌و کود کان‌با استفا ده از این نوع‌توپها در ایام تعطیل وروز های آفتا بـــی در صحن حو یلی،چمن ،باغهاو هم چنان پار کهای همجوار به توپ‌بازی میپر دازند . وا لد ین وسا یر

بقیه‌درصفحه ۵۵

صحنه‌یی ازسپورت توسط توپ های‌بالون‌نما

دکتور شفیقه اعظمی دکتور اطفال موسسه‌صحت طفل

احتیاجات غذایی اطفال ومادران حامله

برای نشو نمای فزیکی ودماغی وبرای به میان آوردن یك نسل سالم ایجاب مینمایدتادر تغذی مادران حامله واطفال شیر خوار واطفال خرد مخصوصا اطفال کمترازپنج ساله توجـه خاصی گردد و غذا هائیکه از نظر کمیت‌وکیفیت کافی باشد توصیه گردد . چه اطفال در آیام حیات داخل رحمی وشیر خوارگـی‌وخردسالـی نشو نماسریـــع داشته واحتیاج بیشتر برای تامین کالوری ومواد غذایی مخصوصا پرو تین میداشته باشد صحت ونشونمای طفل به‌صورت عموم نمایان گر حالت تغذی وی میباشد چه‌اگر یك طفل بعداز ۳۱ الی ٤۱ هفته حیات داخل رحمی باوزن متوسط سه کیلو گرام تـــولـد میشود در صورت تغذی درست وزن وی‌ازپنج ماهگی دوچند ودریـــك‌سالگـی‌سه چندودردو سالگی چار چندوزن تولد وی خواهد گردیدوهم چنان قد طفل که‌در زمان ولادت (۵۰) سانتی متر میباشد در زمان یك سالگی ۷۵ سانتی خواهدشد.

دانستن احتیاجات غذای اطفال وزنان حامله برای تمام پرسونل طب وپره میدیکل ضرورت است چه این اشخاص مسوول تعلیمات صحی اطفال ومادران میباشند علاوه ازاحتیاج غذای اطفال ومادران‌حامله‌دانستن‌غذایی محلی وارزان که حاوی مواد غذایی مخصوصاپروتین‌ـآهـن‌ـ ویتـا میـن وغیره باشد لازمـی و ضروری است .

بطور مثال آنها بدانند که‌کدام غذاغنی از ویتامین هااست تااز خشکی قرنیه جلو گیری نماید وکدام غذاغنی از آهن میباشدتااز کـم خونی فقدآن آهن جلو گیری نماید.

حالت غذالی مادر:

جنین یك پرازیت است که‌برای مدت۳۱ـ٤۱ هفته در رحم مادر زندگی نموده واز طریق پلاسنتا تغذی مینماید.اگرمادر در ایام بارداری برای مدت کوتاه‌نظربه‌عوامل محیطی‌ـاقتصادی‌ـ اجتماعی ومریضی به فقر غذایی‌معروض‌گـــردد جنین میتوانداحتیاجات غذایی خودرا ازانساج مادر تکافو نماید . اما اگر فقدان یا فقرغذایی برای مدت دوام دار دوام نماید برای نشوونمای طفل تاثیر سوء انداخته ووزن طفل‌کمترازوزن نورمل میباشد .

قرار نظریات ومطالعاتیکه صورت گرفته هنوز هم رول‌تغذی‌مادر ووزن چنین موردمناقشه است با آنهم خانم هائیکه در ممالك پیشرفته زندگی مینمایند بطور متوسط (۱۲٫۵) کیلوگرام در ایام حاملگی وزن میگیرند یعنی۱٫٤ کیلـو گرام تابیست هفتگی و ۵۰۰ گرام هفته‌واربعد از آن وزن میگیرند ، در حالیکه این مقیاس در ممالك روبه انکشاف صدق‌نمی کند. چنانچه ازنتیجه مطالعاتی که درسال (۱۹٦۰) تو سط و انکـا تشا لـــوم در نزد (۱۳۰) خانـــم حامله صورت گرفته چنین برمی آیدکه‌تقریبا ٦٫۵ کیلو گرام در زمان حمل وزن میگیرند که این وزن در ٦ماه اول سیر ارتقایی داشته وبعد از آن‌ثابت می‌نماید امادرافریقااین‌سروی که‌بالای ۵٤۰ خانم صورت گرفته دیده شده‌که تقریبا ٤ کیلو گرام در زمان‌حمل وزن گرفته‌اند.

کالوری: عبارت از مقیاس انرژی بوده که از طریق غذا گرفته شده و بمصرف میرسد احتیاجات کالوری اطفال موازی به گراف قد ووزن میباشد که کالوری در زمان نوزادی تاسه ماهگی زیاد ترین وبعدا آهسته آهسته کمتر می‌گردد و همچنان درسال دوم چون‌وزن گرفتن ونشو نما نسبتا بطی است احتیاجات کالوری هم کمتر میگردد .

احتیاج کالوری اطفال ۱۲۰ کالوری فی کیلو گرام وزن بدن روزانه میباشد طوریکه در اخیر سال اول ۱۰۰۰ کالوری بوده وبعد از سال‌اول ۱۰۰ کالوری برای هر سال اضافه میگردد مثلاء یك طفل سه ساله ۱۲۰۰ کالوری روزانه احتیاج دارد .

شیر مادر ـ شیر پودری وشیر گاو به طور متوسط ۷۰ کالوری در ۱۰۰ سی‌سی شیردارد همچنان احتیاج کالوری مادران حامله بیشتر میباشد چه بمقدار ۳۰۰۰ کالوری‌روزانه احتیاج داشته ودر زمان بارداری۳۲۰۰ کالوری میباشد. یك غذای نورمل تقریبا ٤٦ فیصد کالوری‌از کاربوهایدرت و ٤۰ فیصد از شحم و ۱٤ فیصد از پروتین میباشد .

کاربوهایدریت :ـ از جمله مواد غذایی‌یکی کاربوهایدریت بوده که وظیفه عمده آن عبارت از ذخیره انرژی‌میباشد.یك گرام‌کاربوهایدریت دارای ٤ کالوری میباشد کاربوهایدریت های که از طریق مواد غذایی گرفته میشود معمولا به‌شکل‌قندهای چندین‌قیمته‌ودوقیمته‌بوده وبه‌اثر عملیه هایدرولیز وانزایم های‌که‌در افـرازات لعاب دهن وپانقراص وامعاموجود است به‌قند های یك قیمته تبدیل گردیده وبعدا قابل هضم وجذب میگردد . ومنابـــع کاربوهایدریت عبارت از شیر ـ گندم ـبرنج ـ کچالو ـلبلبوـ نیشکر ـوعصارهٔ میوه جات میباشد .

پروتین:ـ پروتین برای نشوونما ختـــمان عضویت ضروری است ویك مالیکولی پروتین اضافه از ۲۰ اسید امینی ترکـیب‌شده و از

جمله ۸ امینواسید آن که بنام امینو اسید های اساسی یاد میگرددازطریق غذاگرفته میشود. این اسید وامینی ها شامل

منابع پروتین ها :ـ دارای دومنبع حیوانی ونباتی میباشند .

که پروتین های حیوانی عبارت از شیرـ گوشت ـ گوشت ماهی ـمرغ ـتخم میباشد. تخم از جمله اسید امینی‌های است که بیلانس شده میباشداما گوشت ـشیر وماهی نسبت تخم دارای کمتر امینو اسید هامیباشد.

پروتین های نباتی عبارت از برنج‌ـ جواری لوبیاـ باقلی‌ـ نخود ماش وهمچنان چارمغزو دیگر هسته جات میباشد که حاوی ۲۰فیصد ۲۵ فیصد پروتین میباشد .

پر و تین به اثر فعالیت پپسین درمعده پارچه گردیده و در اثر ترپسین با نقراض هضم می گرد واثر پارچه شدن مالکولها پروتین به امینواسیدها تبدیل ودر سیستم باب جذب میگردد .

احتیاجات روزانه پروتین :ـ

احتیاجات روزمره پروتین به اساس کیلوـ گرام وزن بدن مدنظر گرفته شده که از۲تادونیم ۲ گرام فی کیلو گرام وزن بدن میباشد .

احتیاج روزانه یك خانم ۵۵ گرام بوده امادر زمان حاملگی به ٦٥ گرام میرسد واز نتیجه فقدان پروتین اطفال به سوء تغذی مصاب میگردد .

شحم :ـ شحم که یك منبع مهم انرژی عضو یت بوده وازمنابع حیوانی ونباتی تشکیل گردیده است ویك گرام شحم حاوی ۹کالوری میباشد .

منابع مهم حیوانی شحم عبارت از روغن قیماق‌ـ مسکه ـشیرـزردی‌تخم وگوشت میباشد ومنابع نباتی آن عبارت کوکنارـ چار مغز و دیگر هسته جات گل آفتاب وپنبه دانه میباشد.

ویتامین ها :ـ ویتامین هااز جمله مرکبات عضوی بوده که‌عضویت خودش آنرا ساخته نمیتواند که باید از خارج عضویت تکافوگردد وبرای تامین صحت کامل ضرورت است .

ویتامین هابدو گروپ عمده تقسیم شده یکی منحل‌درشحم که‌عبارت ازح‌ـدی‌ـای‌ـ کا میباشدو دیگر ی منحل در آب است که عبارت ازویتامین سی وویتامین بی کامپلکس میباشدویتامین‌های منحل در شحم در کبد ذخیره میشود وگرفتن مقدار ز یاد آن سبب میگر دد اما ویتامین های منحل در آب در عضویت ذخیره نگردیده بلکه مقداراضافی آن‌را اطراح‌ازعضویت مینماید .

منرال یا مواد معدنی :ـ از جمله منرال های مهم عبارت از کلسیم‌وآهن میباشد

کلسیم :ـ برای تشکل استخوان ودندان ضرورت است اطفال زیاد تر از کاهلان احتیاج دارند همچنان احتیاج زن حامله زیاد میشود

استیاجات ویتامین ـ منابع ووظایف اساسی منحل در آب

ویتامین	منبع	وظایف	احتیاجات روزانه
ویتامین دی	در روغن جگر ماهی زردی تخم شیر و توسط تاثیر شعاع آفتاب بالای جلد	برای جذب کلسیم از امعاء و برای تشکیل استخوانها	۴۰۰
ویتامین ای	در شیر و دیگر لبنیات سبزیجات تازه ـ زردك ـ تخم و جگر روغن ماهی	برای نشو ونما و رویت نورمال	یکساله ۱۵۰۰ ازیکساله تا دوساله از ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کاهل ۵۰۰۰ خانم حامله ۸۰۰۰
ویتامین بی	در گوشت جگر ـ سبزیجات تازه تمام حبوبات و خستجات	برای تشکیل حجرات و تشکل ها عناصر خون وفقد ان سبب جلدی مصری امعایی و امراض عصبی میگرد د	
ویتامین سی	نارنج ـ مالته ـ سنتره بادنجان رومی و سبزیجات	برای وقایه از امراض سکوربوتیا قلت ویتامین سی	

چنانچه مقدار احتیاج کلسیم روزانه‌از (تولد) سالگی الی چهار سالگی ۸ر۰ گرام میشود واز الی شش ماهگی ٤ر۰ گرام بوده و از یك یك کاهل ۱ گرام بوده ازخانم حامله ۳ر۱ـ گرام است .

منابع کلسیم عبارت از است

آهن :ـ آهن که برای ساختمان هیموگلوبین که وسیله انتقال دنده او کسیجن کریوه‌سرخ است ضرورت میباشد مقدار ناکافی آن سبب کم خونی .

منابع آهن :ـ گوشت جگر ـتخم ـسبزیجات (سیریل) بوده وشیر منبع بسیار فقیر آهن است .

ضرورت آهن در زمان حاملگی و تولد بیشتر است چنانچه دحتیاجات روزانه اطفال ۱۰ـملی گرام روزانه بوده واز یك خانم ۱۸ ملی گرام میباشد امادر زمان حاملگی روزانه به ۳۰ ملی گرام میرسد یعنی روزانه ۳ ملی گرام اضافی به زنان حامله توصیه میگردد .

احتیاج غذایی اطفال در زمان شیر خواره‌گی توسط شیر مادر تامین میشود مخصوصا در شش ماه اول چه شیر مادر تمام مواد غذایی ایکه برای طفل ضرورت است دارا میباشدو طفل میتواند به خوبی نشو ونما نماید . اما شیر مادر بعد از شش ماهگی مقدار آن کافی نبوده تابتواند احتیاجات غذایی طفل راتکافو نماید لذا غذای متم اضافه‌گردد.

برای تهیه غذایی متمم نکات ذیل لازمی است .

بقیه‌درصفحه۵۵

جدول تغذی درممالك روبه‌انکشافبا لضافه غذ ای متم

		شیر مادر
۱	پیش‌ازشش‌ماهگی	
۲	از ٦ الی ۷ ماهگی	شیر مادر ـ آب جوش داده شده وقتا فوقتا ـ آب میوه تازه ـ فرنی کیله میده شده
۳	بعد از ۷ ماهگی تا ۱۲ ماهگی	سبزیجاتیکه خیلی نرم شده باشد تخم جوش‌داده شده ـ جگریکه نرم شده باشد وشوربایکه حاوی ترکاری باشد ـ شیر مادر ـ میوه جات
٤	ازیکسالگی به بعد	غذای فامیل‌که شامل سبزیجات حبوبات ـ میوه جاتو غیره باشد همراه با شیر مادر تا دو سالگی

آرش کمانگیر

برف میبارد ،
برف میبارد به روی خارو خاراسنگ
کوهها خاموش ،
دره ها دلتنگ ،
راهها چشم انتظار کاروانی باصدای زنگ

بر نمیشد گرزبامی کلبه هادودی
یا که سوسوی چراغی ، گربیامیمان نمیاورد

رد پاها گرنمی افتاد ، روی جاده‌ها لغزان
ما چه میکردیم در کولاك دل‌آشفتهٔ دلمرد

در گشودندم
مهربانیها نمودندم
زود دانستم ، که دور از داستان‌خشم برف وسوز

در کنار شعله آتش ،
قصه میگوید برای بچه های خودعمو نوروز

« .. گفته بودم زندگی زیباست
گفته وناگفته ای بس نکته هاکاینجاست

آسمان باز
آفتاب زر
باغهای گل
دشتهای بی درو پیکر

سر برون آوردن گل از درون‌برف
تاب نرم رقص ماهی دربلور آب

بوی خاك عطر باران خورده د رکهسار
خواب گندمزار ها در چشمهٔ‌مهتاب

آمدن ، رفتن ، دویدن
عشق ورزیدن

در غم انسان نشستن ،
یا بپای شادمانی های مردم پای‌کوبیدن

کار کردن ، کار کردن
آرمیدن
چشم انداز بیا بانهای خشك وتشنه را دیدن
جرعه هایی از سبوی تازه آب‌پاك نوشیدن

گوسفندان را سحر گاهان بسوی کوه راندن
همنفس با بلبلان کوهی اواره‌خواندن
در تله افتاده آهو بچگان را شیردادن
نیمروز خستگی را در پناه دره‌ماندن

گاه‌گاهی ،
زیر سقف این سفالین با مهای‌به گرفته
قصه های درهم غم را زنم نم‌های بارانها شنیدن
بی تکان گهوارهٔ رنگین کمان‌را
در کنار بام دیدن

یا شب برفی
پیش آتش ها نشستن
دل به رویا های دامنگیر و گرم‌شعله بستن

آری آری زندگی زیباست
زندگی آتشگهی دیرنده پابر جاست
گر بیفروزیش ، رقص شعله‌اش در هر کران پیداست
ورنه خاموش است و خاموشی‌گناه ماست . »

کنده ای در کورهٔ افسرده جان‌افگند .
چشمهایش در سیاهی های کومه‌جستجو میکرد
زیر لب آهسته با خود گفتگومیکرد

ـ «زندگی را شعله باید برفرو زنده
شعله هارا هیمه سوزنده

جنگلی هستی تو ، ای انسان !
جنگل ، ای روییده آزاده
بیدریغ افگنده روی کوه هادامان
آشیا نها بر سر انگشتشان توجاوید
چشمه ها در سایبا نهای توجوشنده
آفتاب وباد وباران بر سرت‌افشان
جان تو خدمتگر آتش ...
سر بلند وسبز باش ، ای جنگل‌انسان !

زندگی شعله میخواهد . » صداسر داد عمو نوروز
ـ «شعله ها را هیمه باید روشنی‌افروز .
کودکانم ، داستان ما ز «آرش»بود .
او بجان خدمتگزار باغ آتش‌بود .

روز گاری بود
روز گاری تلخ وتاری بود
بخت ما چون روی بد خوا هان‌ما تیره
دشمنان بر جان ما چیره .
شهر سیلی خورده هذیان‌داشت
بر زبان بس داستا نهای پریشان‌داشت
زندگی سردوسیه چون سنگ
روز بد نامی
روز گار ننگ
غیرت اندربند های بندگی بیجان
عشق در بیماری دلمر دگی‌بیجان

فصل ها فصل زمستان شد
صحنه ها گلگشت ها گم شد ، نشستن در شبستان شد
در شبستا نهای خاموشی
میتراوید از گل اندیشه هاعطر فراموشی

ترس بود وبالهای مرگ
کس نمیجنبید ، چون برشاخه برگ از برگ
سنگر آزادگان خاموش ،
خیمه گاه دشمنان پر جوش ،

مرز های ملك
همچو سر حدات دامنگستراندیشه ، پیمامان
برجهای شهر ،
همچو بارو های دل ؟ بشکسته‌و ویران
دشمنان بگذشته از سر حدو از بارو

هیچ سینه کینه ای در بـــــرنمی‌اندوخت
هیچ دل مهری نمیورزید .
هیچکس دستی بسوی کس نمی‌آورد
هیچکس در روی دیگـــر کس‌نمی خندید

باغهای آرزو بی برگ
آسمان اشکها پر بار
گرمرو آزادگان در بند
روسپی نامردمان در کار ...

انجمن ها کرد دشمن
رایزنها گردهم آورد دشمن
تا بتد بیری که در نـاپـاك دل‌دارند
هم بدست ما شکست ما بـــراند بشند
نازك اندیشانشان بیشرم -
که مبادا شان دگر روز بهـــی‌در چشم
یافتند آخر فسونی را که مـــی‌جستند ..

چشمها با وحشتی در چشمخانـه‌هر طرف را جستجو میکرد
وین خبر را هر دهانی زیر گوش‌باز گو میکرد
«آخرین فرمان
«آخرین تحقیر
«مرز را پرواز تیری مید هـــدسامان !
«گریه نزدیکی فرود آید
«خانه هامان تنگ
«آرزو مان کور ...
«ور بپرد دور
«تا کجا ؟ تا چند ؟
«آه ! کو بازوی پولادین وگـــوسر پنجهٔ ایمان ؟ »
هر دهانی این‌خبر را بازگومیکرد
چشمها ، بی گفتگویی ، هـــرطرف را جستجو میکرد . »

پیر مرد ، اندو هگین ، دستـــی‌بدیگر دست میسایید
از میان دره های دور گر گـی‌خسته مینالید .
برف روی برف میبارید .
باد بالش رابـــه پشت شیشـــه‌میمالید .

-« صبح می آمد . »
پیر مرد آرام کرد آغاز
- «پیش روی لشکر دشمن سپاه‌دوست ،
دشت نه ، دریائی از سرباز ...

آسمان الماس اختر های خـودرا داده بود از دست
بی نفس میشد سیاهی در دهان‌صبح
باد پر میریخت روی دشت بازدامن‌البرز .
لشکـــر ایرانیان د ر اضطرابی‌سخت دردآور
دود وسه سه و پچ پچ گـــردیکدیگر
کودکان بربام
دختران بنشسته بر روزن
مادران غمگین کنار در

کم کمك در اوج آمد پـچ پـچ‌خفته
خلق ، چون بحری برآشفته
به جوش آمد
خروشان شد
به موج افتاد
برش بگرفت و مردی چون صدف
از سینه بیرون داد ،

«منم آرش !
چنین آغاز کرد آنمرد بادشمن
«منم آرش سپاهی مرد آزاده
«به تنهائی تیر ترکش آزمـــون‌تلخنان را
«اینك آماده ،
« میجوئیدم نسب ؟
« فرزند رنج وکار
« گریزان چون شهاب ازشب
« چو صبح آماده دیدار

« مبارك بادانجامه که اندر رزم‌پوشندش
« گوارا بادآن باده که اندر فتح‌نوشندش
« شما را باده وجامه
« گوارا و مبارکباد !

« دلم رادر میان دست میگیرم
ومی افشارمش در چنگك
« دل، اینجام پرازکین پرازخونرا
« دل این بیتاب خشم آهنگ

« که تانوشم بنام فتحتان دریزم،
« که تاگویم بجـــام قلبشان دررزم ،
« که جام کینه از سنگ است .
« بیزم ماورزم ماسبو وسنگ راجنگ است

« دراین پیکار،
« در این کار،
« دل خلقی است درمشتم
« امید مردمی خاموش همپشتم

« کمان کهکشان در دست ،
« کماندی کمانگیرم،
« شهاب تیزرو تیرم
« ستیغ سربلند کوه ماوایم
« به چشم آفتاب تازه رس جایم،
« مرا تیر است آتش پر ،
« مرا باد است فرمانبر ،
« ولیکن چارهٔ امروز ، زورپهلوانی‌نیست .
« رهایی باتن پولاد و نیـــروی‌جوانی نیست
« در این میدان ،
« براین پیکار هستی سوز سامان‌ساز ،
پری از جان بباید تا فرونشینداز پرواز

پس آ نگـــه سر بسوی آسمان‌بر کرد ،
به آهنگی دگرگفتار دیگر کرد،

درود ، ای واپسین صبـــح ، ای‌سحر بدرود !
که باآرش ترا این آخرین دیدارخواهد بود
به صبح راستین سوگند ،
به پنهان آفتاب مهر بار پاك بین‌سوگند !
که آرش جان خود در تیر خواهدکرد
پس آنکه بیدرنگـــی خواهدش افگند ،

زمین میداند اینرا آسمانها نیز
که تن بی عیب و جان پاك است
نه نیرنگی به کارمن نه افسونی،
نه ترسی در سرم نه در دلم باك‌است »
درنگك آورد و یکدم شد بلـب خاموش
نفس در سینه ها بیتاب مـــی زدجوش .

ز پیشم مرگك ،
نقابی سهمگین بر چهره می آید
به هرگام هراس افگن ،
مرا با دیدهٔ خونبار می پاید
به بال کرکسان گرد سرم پروازمیگیرد
« به راهم می نشیند راه می بندد
« برویم سرد می خندد
« بکوه ودره میریزد طنین زهرخندش را
« وبازش باز میگیرد .

لطفاً ورق بزنید

« دلم از مرگ بیزار است
« که مرگ اهرمن خو آدمیخواراست
« ولی آندم که زاندوهان روان‌زندگی تار است
« ولی آندم که نیکی وبدی راگاه‌پیکار است :
« فرو رفتن بکام مرگ شیرین‌است .
« همان بایستهٔ آزادگی این‌است .

« هزاران چشم گویاولب خاموش
« مرا پیك امید خویش میداند .
« هزاران دست لرزان و دل پرجوش
« گهی میگیردم ، گه پیش‌میراند ،
« پیش می آیم .
« دل و جانرا به زیور های انسانی‌میارایم
« بنیرویی که دارد زندگی د رچشم ودر لبخند :
« نقاب از چهرهٔ ترس آفرین‌مرگ خواهم کند .»

نیایش را دوزانو بر زمین بنهاد
به سوی قلعه ها دستان ز هم‌بگشاد

« برا ای آفتاب ای توشهٔ امید !
« برا ای خوشهٔ خورشید !
« تو جوشان چشمه‌ای من تشنه‌ای بی تاب .
« برا ، سرو زیرکن تا جان شودسیراب ،

« چوپا در کام مرگی تندخودارم ،
چو دردل جنگ با اهریمنی پرخاشجودارم ،
« به موج روشنائی شستوخواهم ،
« زگلبرگ توپای زرینه گل ،من رنگ وبو خواهم

« شما ای قلعه های سر کش خاموش ،
« که پیشانی به تندر های سهم‌انگیز میسائید ،
« که بر ایوان شب دادید چشم‌انداز رویائی
که سیمین پایه های روز زرینرابروی شانه می کوبید !
« که ابر آتشین را در پناه‌خویش‌میگیرید

« غرور وسر بلندی هم شما راباد !
« امیدم را بر افرازید ،
« چو پرچمها که از باد سحر گاهان بسر دارید
« غرورم را نگهدارید
« به سان آن پلنگانی که در کوه‌و کمر دارید »

زمین خاموش‌بود وآسمان‌خاموش
تو گوئی این جهانرا بود باگفتارآرش گوش
به یال کوهها لغزید کم کم‌پنجهٔ خورشید
هزاران نیزهٔ زرین بچشم آسمان‌پاشید .

نظر افگند آرش سوی شهرآرام
کودکان بربام
دختران بنشسته بر روزن
مادران غمگین کنار در
مرد ها در راه
سرود بیکلامی ، باغمی جانکاه ،
زچشمان بر همی شد با نسیم‌صبحدم همراه

کدامین نغمه میریزد :
کدام آهنگ ایا میتواند ساخت ،
طنین گامهای استواری را که‌سوی نیستی مردانه می رفتند
طنین گامهایی را که آگا هانه‌میرفتند

دشمنانش درسکوتی ریشخند آمیز ،
راه وا کردند
کودکان ازبامها اورا صدا کردند.
مادران اورا دعا کردند
پیر مردان چشم گرداندند
دختران بفشرده گردنبند هادر مشت ،
همره او قدرت عشق و وفا کردند.
آرش : اما همچنان خاموش
از شکاف دامن البرز بالا رفت
از پی او
پرده های اشك پی درپی فرودآمد . »

بست یکدم چشمهایش را عمونوروز ،
خنده بر لب : غرق در رویا .
کودکان با دیدگان خسته‌وپی جو ،
در شگفت از پهلوانیها
شعله های کوره در پرواز
باد ها در غوغا

« شامگا هان
راه جویانیکه میجستند آرش رابر روی قله ها پیگیر :
باز گردیدند ،
بی نشان از پیکر آرش
با کمان وترکشی بی تیر .

آری آری جان خود در تیرکرد آرش
کار صدها صد هزاران تیغ‌شمشیر کرد آرش
تیر آرش را سوارانی که میراندند بر جیحون
به دیگر نیمروزی از پی آنروز
نشسته بر تناور ساق گر دوئی‌فرودند
و انجارا ازان پس
مرز ایرانشهر وتوران بازنامیدند
آفتاب ،
در گریز بی شتاب خویش
سالها بر بام دنیا پاکشان سرزد.

ماهتاب ،
بی نصیب از شبرویهایش همه‌خاموش
در دل هر کوی وهر برزن
سر به هر ایوان وهر درزد .

آفتاب وماه را در گشت
سالها بگذشت
سالها وباز
در تمام پهنه البرز
وین سراسر قلعهٔ مغموم‌وخاموشی‌که‌میبینید،
وندرون دره های برف آلودی که‌میدانید
رهگذرهائی که شب در راه میمانند ،
نام آرش را بپایی در دل کهسارمیخوانند
ونیاز خویش میخواهند .

بادهان سنگهای کوه ، آرش میداد پاسخ !
میکند شان از فراز واز نشیب‌جاده ها آگاه
می دهد امید .
می نماید راه »

در برون کلبه می بارد
برف میباردبروی خارو خاراسنگ
کوهها خاموش
دره ها دلتنگ
راهها‌چشم انتظار کاروانی باصدای‌زنگ

کودکان دیری است درخوابند :
درخواب است عمو نوروز
میگذارم کنده ای هیزم درآتشدان
شعله بالا میرود پرسوز ..

سیاوش کسرایی

هغوی چې ژوندی دي

« ژان لافایت »

ـښه نو داخلی پای ته ورسید ، هرو مرو سږ کال کارونه سمیږی •

ـښایی چې روسان لاهم پرمختګ وکړی، ډیر امکان لری چې ډیر ژر دخپل هیوادخاوره خپلو اکه کړی .

خو باید دغه زیری نورو ته هم ورسوم او همدارنګه باید دغه خبر خپل دوست «آندرکس» ته هم ورسوم • «آندرکس» یوځوان مهندس‌دی او موږ هره ورځ یوبل سره مفصلی لیدنی‌کتنی لرو • هغه د«لنز» په‌بند یخانه کی زمایودوست سره آشنا شوی ، او اوس دخپلی مباحثی پاتی برخه ماسره ترسره کوی • موږ په ادبیاتو کی تقریبا یوشان ذوق‌لرو • داسی نور مسایل هم شته چې موږ یودبل سره‌نږدی کوی• اوس‌بیخی یودبل سره دوست شوی یو • زه دده په‌واسطه دیو شمیر زیاتو فرانسویانو او په تیره بیاد «پی‌یر» سره آشنا شوی یم .

کله چې ما د«فرن» په جیل خانه کی خپله نمبره «پی‌یر» ته ورکړه هغه‌ماته وویل‌چې‌دهغه ګاونډی بندی په‌هماغه بندیخانه کی هغه سره دوست وواوز مایه هکله ورسره غږ یدلی دی • دغه بندی چې یی زه ښه په یادکی لرم یوکاتولیك وو ما کله کله دهغه غږ اوریده‌چې مذهبی سرو دونه به‌یی ویل • زما نه دتحقیقی په شپه کی د«سوسه» په کوخه‌کی دخپل سلول دسوری څخه ماته وویل :

ـمانن تاته ډیر دعا وکړه !

کله چې‌ماورته وویل‌زه‌اعتقاد نلرم، دغه سړی چې پوهیده زه یوکمونیست یم له ډیر اعتقاد سره یی ماته خواب راکړ :

ـته اودتاملګری دیوی رښتینی مسیحی په څیر دډیر ودعا ګانو مستحق یاستی .«پی‌یر» دغه خبری زماپه‌یاد کړ•همدارازهغه راته وویل: چې‌زمادغه‌دوست پس‌له‌دی‌نه‌چې‌خپل‌وروستی‌دعا وویله ساه یی وخوت • د«پی‌یر» په نظرچې یو متعصب کاتولیك دی • دهغه ددوست دعا قبوله شوی ده، اودهغه دروح په نیولوسره هغه یی دزیاتو ګړاو نو څخه وژغورل•

زه دده دعقیدی سره موافق نه‌یم خود «پی‌یر» صمیمت او مهربانی هغه ماباندی‌ګران کړی دی• هغه هم دهغو درناویو څخه چې ماددده نظر- یاتو ته ښکاره کول ، حیران وو • اوس داهغه دی چې زما پوښتنی ته راځی او کمونیزم ته زما دایمان په‌هکله راڅخه پوښتنی کوی اوزه په ډیر شوراو زوږ سره ورته ځواب ورکوم• «آندرکس» تر ټولونه زیاته زما اود«پی‌یر» دښوار یکو څخه خوشحاله ده ، خوورووروګیله کوی چې زه دهغه ګاونډی سره دده‌په‌پرتله ډیره مینه لرم • له همدی امله دادی اوس‌پس له‌دی نه چې دنورو ملګرودلیدنی څخه خلاصیږم ترټولونه لومړی دهغه دلیدنی لپاره ځم:

ـزیری می‌درباندی«آندرکس»لیننګراد خپلواك شو •

عالی‌ده وروره! عالی، «پی‌یر» ته‌غږوکړه پی‌یر له ډیر احتاط سره د چپر کت دو هم پوړ ته پورته کیږی او هغه نه غواړی‌داسی کار وکړی چې هغو کسانوته چې دچپرکت په لومړی پوړ باندی ناستدی په تکلیف‌شی• «آندرکس» دهغه څخه پوښتنه کوی :

ـخبر لری ؟

«پی‌یر» تل پخپل غږیداکی ډیر جدی دی•

موږدری کسه یودبل سره ښه غږیږ واو او وروسته بیازه خپل ځای ته ځم .

ـهوکی ، اوس هیڅ شك نلرو چې موږ به روسان وژغوری •

• • •

موږبو متل‌لروچې‌وایی: یوه‌نیکمرغی یواځی نه پاتی کیږی • نږدی دی چې زه ددغه متل په‌رښتین والی یقین ترلاسه کړم .

دغرمی دآش خوړلو څخه‌وروسته‌چې دنورو ورخوپه پرتله ټینګ وو، «آندرکس» ز ما دلیدنی‌لپاره راغی او داسی ښکاری چې کومه نوی خبره ده • خبرداده چې‌هغه یوه نوی‌ګاونډی موندلی دی چې نوی دفرانسی څخه راغلی‌دی• موږ دواړه ددی نوی سړی‌پرشاوخواټولیږواو ورڅخه سو الونه کوو •

دغه نوی سړی ځنی خبرونه لری چې موږ هیڅکله ندی اوریدلی • په آلپ او «برتانی» کی دوسله والو سر تیرو ډلی جوړ شوی‌دی• آلمانیانو ددغو نهښتو نو دمخنوی لپاره په‌هره وحشتناکه چال چلند لاس پوری کوی ، خوهیڅ شی ددغه نوی ډول پوځ مخه نشی نیولی• زیاد تره خلك هر راز چې کولای شی له هغوسره مرسته کوی . پټرادیواودلندن رادیودکورنیو جګړو خبرونه خپروی •

ـښه دغه سر تیری څوك دی ؟

ـهر رنګ خلك پکی شته • پخوانی افسران کارګران، بزګران اوان ښځی•

ـاکثریت څوك دی ؟

ـکار ګران اکثریت دی •

ـدهغوی په‌منځ‌کی‌کمونیستان هم شته ؟

ـهوکی ، ډیر•ترټولونه‌ډیری•هغوی ځانګړی ډلی هم‌لری• د«ف،ت،پ،» (دفران تیرپارتیزان) ډلی چې چیرته پیدا دی •

ـتاخپله څنګه ، څه دی کول؟

ـزه زده کونکی وم خود یو«آ، اس» له ډلی سره له نهښت سره یو ځای شوم •

ـدا د«آ، اس» ډله څه شی ده •

ـپټ پو ځ (آرمه، سکرت)• دوی زیادتره حرفه یی سر تیری دی • موږ په یوه کلی‌کی پوځی تمرین کول •

ـته تراوسه پوری جنګیدلی یی ؟

ـ نه تر اوسه پوری نه، زه په ښارکی کله چې دواړ څخه تیریدم‌ونیول‌شوم•

زه اوس ، اوس ډیر خبرونه ترلاسه کړی دی •دچپرکټونوله څنګه څخه تیر یږم‌اونوی خبرونه خپلو ملګروته‌رسوم• دبندیانوپه ډنګرو بنوکی دخوشحالی نښی نښانی پیدا کیږی فرانسو یان هم جنګیږی •

زه دهغو ځان تیریدنو په هکله سوچ‌کوم چې ددغی جګړی په پیل کی منځ‌راغلی وو • زه‌دهغو کسانو په‌هکله سوچ‌وهم‌چې‌تر ټولونه‌پومبی‌دغه جګړه یی پیل کړی دی • زه دهغو کسانوپه هکله سوچ‌کوم چې هیڅکله به تاریخ دهغوی ځان تیریدنه ثبت نکړی • زه دکاڼودهغه‌کارګر په‌هکله سوچ‌کوم‌چې ددیرو ابتدایی‌چاودو نکی موادو سره یوپل وچاودواو دفعالیت په ترڅ کی خپل ځان هم له لاسه ورکړ • زه دهغه شل کلن کارګر په هکله سوچ کوم چې د۱۹٤۲کال دمی په لومړی نیټه کی خپل ځان وژنی ته ورکړ تر څوچې دهغه ملګری‌کارګران‌مبارزی ته‌وهڅوی اوهیڅوك ورباندی پوه نشی• زه دهغو دری خلور کسیزوډلوپه هکله سوچ کوم چې بی‌له وسلو څخه دښاراو کلی نه بهر تلل او خپل کورنی‌یی خوشی کول ترڅوچې دغلیم پر ضد جګړه وکړی او که دچانواری شویو کسانو لستونه نه‌خپریدل هیڅوك نه‌پوهیدل چې دوی څوك وو اوهیڅوك دهغوی ځان تیریدنی ته نه متوجه کیدل •

وروسته‌بیادهمدغو سر تیرو وسله والی ډلی منځ ته راغلل چې غلیم یی دځان څخه زیات له مینځه وړل داپوره هغه وخت وو چې ځنی به فرانسو یانوته نصیحت کول‌چې!«آرام‌واوسیږی، حوصله وکړی ، هغه ورځ به‌را ورسیږی چې موږ تاسی دغلیم دمنګولو څخه وژغورو•» خودغه خلك انتظار ونه ایستل اوله همدی امله چې منتظر پاته نشول ، مبارزه غښتلی او منظم شو له همدی امله چې ووژل شول او خاورو باندی وغورځیدل ددوی ځان‌دډیروکسانو له‌خوا ډکشو که‌نن‌په‌لس هاووزره فرانسو یان پخپل نیول هیواد کی له غلیم سره‌جنګیږی ددی لپاره ده‌چې ددوی دسر غندویانو وینی خوشی له مینځه لاړ نشی •

او هغوی ته زه نن په سوچ کی یم • او سوچتیامی دهغوکسانو خواته زیاته متوجه دی چې دهغوی غږ راته ګران دی • هغه کسان چې دلومړی خل‌لپاره یی‌خپل ملت‌مبارزی ته راو- غوښتل •

• • •

(ابنسی دفا شیستانو لویه جیل خانـــه)

دمنظری بدلون

«روبر» د ډډ اوژوند څخه سرشار مخا مخ ته‌ولاړدی • ډیر ژرژر راسره غږیږی داڅکه چې موږ بیره لرو •

ـزه له‌دی امله پاریس بوتلم چې زما څخه کومه خبره وباسی • دمسافرت په اوږدو کی خلور کسه ساتونکی زما شاوخواکی ولاړوو او خارنه یی کوله • زه همدا رنګه چې تا ګورم، فرانسه می‌ولیده • دپاریس په شاوخواسیمه‌کی اورګاډی دهغه اپارتمان په وړاندی تیره شوه چې زما مور او دوه تنه کوچنیان می‌هلته ژوند کوی • زما یوتن ساتونکی چې داسی ښکاریده چې پدغه خبره باندی پوهیږی ماته وویل:

ـدهغوی لیدنه یواځی په تاسی پوری‌اړه لری•»•

زه هیڅ‌ونه ښوریدم او څه می‌ونه ویل هغوی پوره خلور میاشتی وساتلم اوبی له‌دی نه چې خپل کوچنیان وګورم بیرته دلته راغلم• اوپرته له‌دی نه‌بله لاره نه‌وه• ماترجیح ورکړه چې دتاسو په منځ کی واوسم • پرون زه دجیل خانی سیاسی برخی ته وغوښتل شوم اویوځل بیاد لګد واو سوکا نو لاندی ولویدم خو سړی ورو ورو عادت کوی • که ماته کومه پیښه منځ ته راغله اوله مینځه لاړم ، ملګروته ووایه چې مایوه ټکی هم ندی ویلی اوقایل شوی نه یم «روبر» خپل تنی خلاصوی‌اوخپل‌تپی‌خان‌را تـه دشاهد په توګه ښیی •

ـملګرو ته به ووایی که‌نه ؟

ـ هرومرو به ووایم خوزه هیله لرم چـــی ته‌به هم هلته یی او توضیح به ورکړی •

ـزه هم هیله مندیم خوباید دهر شی پیش بینی وکړو •

«روبر» پداسی حال کی چې‌یو ژور موسکایی په شونډو وکی لیدل کیږی زه خپل لاس ورته اوږدوم اویو ځلی یو دبل غیږ ته لویږو •

ـدلیدنی وعده په پاریس کی •

ـزیار باسم چې وعدی سره سم حاضر شم•

ـخدای پامان «روبر» •

هغه لیك چې دشپږ ودقیقو څخه راهیسی داتلسم لمبر بلاك په‌وړاندی ولاړ وروانیږی • زه هم همدغه ډله کی یم •

(نوربیا)

درین تابلو گریگوری کوتوفسکی- قوماندان‌مشهور ارتش شوروی باافرادش طی جنگهای‌داخلی دیده می‌شود

بمناسبت شصت و دومین سالگرد تشکیل‌اردوی شوروی

نقش ارتش شوروی در دفاع از انقلاب کبیر اکتوبر و دولت جوان شوراها

ملاکان وسرمایه داران روسیه نمی‌توانستند این حقیقت را (که‌مردم آنها را ازقدرت ودولت شان برانداخته اند) بپذیرند • درسال ۱۹۱۷ آنها چندین بارتلاش نمودند که‌حکومت نوبنیاد شوروی را سقوط دهند مگر این تلاشهای آنها به ناکامی انجا مید • بعدا آنها ارتش خودرا تشکیل دادند که بنام گار د سفید یاد می‌شدو جنگ را علیه دولت کارگران و دهقانان شروع کردند• یك جنگ داخلی شروع گردید ودولت های کاپیتالستی نیز به‌کمك گاردسفید قوا فرستادند وعلیه حکومت شوروی بـــه نبرد پرداختند •

تشکیل ارتش شوروی :

در فبروری ۱۹۱۸ قوای آلمان به روسیه شوروی حمله نمودقوای مذکور کاملامجهزبود• وتوسط جنرال‌هاوافسران باتجربه سوق واداره می‌شد مگر درین هنگام دولت جوان شوروی تعدادکم‌قوماندانان باتجربه داشت• افـــراد سابـــق ارتش‌تزاری‌بخانه های شان‌مراجعت نموده وبسیاری از جنرال هاو افسران سابق دشمنـــان دولت شوروی شده بودند• دولت شوروی در معرض خطرجدی قرارداشت •درین هنگام دشمن بسرعت جانب شهر پترو گـراد سرد وقحط زده حرکت کرد.

لینن وحزب کمونست از کارگران ودهقانان خواست تاآنها از دست‌آورد های انقلاب اکتوبر دفاع نمایند • درپای درختان بلند در پارك پربرف شهر قدیمی سمولنی گاردهای اردوی شوروی در حالیکه بالا پوش‌های نخی کهنه وکرتی هاو جاکت های پشمی گشاد به تن‌داشته وتوسط کمر بند های قشنگ کمر های شانرا بسته بودند دست های خود بروی آتش های بر افروخته گرم می‌کردند • این اولین قطعات‌اردوی کارگران ودهقانان شوروی بـود کـه در آن لحظات خطرناك تشکیل گردید •

در هر جا داوطلبان به این ارتش جدیـــد می‌پیوستند. چنانچه‌بلشویك‌ها دریك‌درخواست شان به‌کارگران گفتند:جرمن‌هابطرف پتروگراد پیشروی می نمایند ما شهر سرخ‌خودرابه‌دشمن واگذار نخواهیم شد !همه بخاطر دفاع‌ازانقلاب بر خیزید !)

سربازان تازه وارد اردوی شوروی بادردست داشتن تـــفنگ هاوتفنگ‌های شکاری‌سریعانه پیش رفتند وکمونیست هاهنگامیکه درپیشاپیش این اردوی جدید حرکت میکردند سرود ذیل رازمزمه می‌نمودند :

ماشجاعانه بجنگ می‌رویم وقدرت شوروی هستیم •

اردوی شوروی که تازه تشکیل گردیده بود قادر به جلوگیری از پیشرفت جرمنی بـــه شهر پتروگراد بود • این‌حادثه (تشکیل اردوی شوروی) در ۲۳ فبروری ۱۹۱۸ اتفاق افتادبه افتخار همین رویداد ، هرسال ۲۳ فبروری‌بحیث روز اردو در اتحاد شوروی تجلیل میگردد •

«سر زمین سوسیا لیستـــی در معرض خطر است !»

این جمله یی بود که توسط لینن وحزب کمونست هنگام دعوت از مردم بخاطر کمك طی این لحظات خطرناك گفته می‌شد • آنها حمایت تمام کارگران‌رابخاطردفاع ازمیهن‌سوسیالیستی شان حاصل کردند •

در تابستان ۱۹۱۸ اوضاع بطور قابل ملاحظه یی خطر ناك شد، زیرا جرمن ها او کراین‌وبلو روسی را تصرف کردنـــقوای مشترك امریکایی وانگلیسی در شمال در شهر های مینسك و ارشانگل پیاده شدند ـ تروپ های فرانسوی شهر های او دیسه ، ساباستوپل ودیگر قسمت هارادر امتداد ساحل بحیره‌سیاه اشغال کردند- قوای جاپانی وا مریکایی شرق دور رابدست آوردند ـ مهاجمین خارجی وگارد های سفید کنترول کریمیا ، قفقاز، آسیای میانه وسایبریا رابدست داشتند وبه این ترتیب حکومت‌شوروی توسط یك دایرهٔ آتش محاصره گردیده بود•

درآن وقت‌لینن‌و کمیته‌مرکزی حزب‌بلشویك در قلب کشور ـ مسکو ـاقامت داشتند •درماه مارچ ۱۹۱۸ حکومت شوروی پایتخت را از پتروگراد به مسکو انتقال داد و مسکو مرکز جدید اتحاد شوروی گردید •

لینن وضع زندگی رادر داخـــل تنظیم و رهبری میکرد • در ژنسکی ، کور بیشوف، استالین ، اودجونیکدز ودیگربلشویکها به مشکلترین بخش های جبهه فرستاده شدند•

طی‌این روز ها لینن تقریباًبدون‌وقفه(روزتمام) کار میکرد او از-قوماندانان اردوی شوروی و

تابلوی فوق صحنه‌یی از جنگ داخلی‌رادرجاده های پتروگراد نشان میدهد •

کارگران حزب خواست تارا پور بدهندو مکاتب وتلگرامها رااز جبهات جنگ واز سراسرمملکت در یافت نمایند • او دایم به کارگران در فابر- یکات وگروپ های افراد اردوی شوروی قبل ازینکه آنهابه‌جبهه بروندبیانیه می‌داد وسخنرانی میکرد •

درین هنگام دشمنان انقلاب فکر می‌کردند که همین محافل سخنرانی بهترین فرصتی است که می توانند بخاطر سوء قصد علیه لنین‌دست بکار شوند •

روز ۳۰ آگست ۱۹۱۸ لنین به کار گران فابریکه «مشل سون »(اکنون‌بنام ولادیمیرایلیچ مسمی می‌باشد) در مسکوسخنرانی میکرد• سوء قصد به‌زندگی لنین اساسا هنگامی صورت‌گرفت که‌میتنگ خاتمه یافته‌ولنین‌بایك گروپ کارگران بطرف موترش حرکت میکرداخبار این حمله‌همه مردم رادر سر تا سر کشور گیج کرده بود• هروز مردم‌بی‌صبرانه‌منتظرآخرین بولتین(ورقه های خبری) بودند تابدانوسیله از صحت رهبر محبوب شان اطلاع حاصل نمایند• کارگران‌و دهقانان تمام نیروی خودرا بخاطرمقابله‌بادشمن وقف‌کرده بودند افراد اردوی شوروی تصمیم گرفتند تابه صورت فوری جهت انتقام این‌سوء قصد (جراحتی که به لنین وارد کرده بودند) بجنگ علیه دشمنان شوروی بروند •

درسپتامبر ۱۹۱۸اردوی شوروی شهرسیمبرسك (زادگاه لنین) رااز سلطهٔ گاردهای سفیدآزاد کردند و لنین تلگرامی رادر یافت کرد که‌درآن گفته شده بود : (ماشهر ی را تصرف کردیم که شمادر آن تولد یافته اید•این انتقامی است که مادربدل یکی از جراحات شما گرفته‌ایم وماتعهد می کنیم که شهر -سامارا بـــخاطر انتقام دومین‌جراحت شما خواهیم گرفت•بعدها بزودی شهر سامارا آزاد ساخته شد• صحت لنین دوباره بهبود یافت و بزودی بکار شروع کرد •

دشمنان بخاطر سقوط دولت شوروی از هر- وسیله ممکن استفاده کردند آنها بی نهایت بی‌رحم وشوم بودند• کارگران روزانه نان را طور جیره در یافت میکردند که‌از ۵۰ الی ۱۰۰ گرام بیشتر نبود بعضی اوقات عوض‌نان‌به‌آنها علوفه داده می‌شد • اردوی شوروی در آن وقت طور ساده ملبس بادریشی وبوت های‌فرسوده بودند وبه تعداد کافی تفنگ هم بدسترس نداشتند باوجود آنهم طبقهٔ کارگر طورثابت واستوار مقاومت میکردند و اردوی شوروی حملات بسیاری دشمنان را عقب زده وبه پیش حمله بردند • جنگ داخلی مدت سه سال ادامه یافت ودر طول این مدت‌مردم شوروی قهرمانانه علیه دشمنان جنگیدند •

اردوی شوروی متشکل از بسیاری‌ملیت های مختلف شوروی بود تمام زحمتکشان روسیه اعم از اوکراین ها -بلوروسی ها- مردم آسیای میانه بجنگ علیه گارد های سفید برخاستند• طی جنگ داخلی کارگران و دهقانان طور ثابت واستوار متحد گردیدند •

در دوران جنگ داخلی بهترین قوماندانان ماهر وبرجسته تبارز کردند درمیان‌آنها(میخائیل فرونز) «سیمیون‌بودیانی»«کلیمنت‌وروشیلوف» و «واسیلی بلیوکر» و «واسیلی چاپایف» ، «نیکولای شکرز»، «سرجی لارو»ودیگرقهرمانان ملی که شهرت جاودانی وفراموش ناشدنی را کمایی کردند ، زندگی شانرا وقف میهن‌وانقلاب شان نمودند •

یکی از خطرناکترین دشمنان شوروی جوان ادمیرال کلچاك بود که مناطق اورال و سایبریا را اشغال کرده بود • قشون عظیم وی مجهز بابهترین اسلحه ، لباس و غذایی‌بود که‌ازطرف سرمایه داران خارجی برایش فرستاده می‌شد• در مورد کلچاك قصه‌یی وجود دارد که گفته می‌شود این حکمران‌اومسك(پایتخت سایبریایی وی) یونیفورم انگلیسی باسرشانه یی روسی می‌پوشید وتنباکوی جاپانی دود می‌کرد .

در بهار ۱۹۱۹کلچاك تهاجمی رابه استقامت دریای ولگا شروع کرد • لنین‌بهترین و انقلابی ترین قوماندان شجاع یعنی میخائیل فرونز را به منظور رهبری عملیات در مهمترین‌بخش‌جبهه بمقابل کلچاك فرستاد • لشکر چاپایف همچنان درین جبهه داخل جنگ گردید •

تروپ های ارتش شوروی‌تحت فرمان‌میخائیل فرونز به «یوفا» حمله می‌کردند ولشکرچاپایف در ین بخش نیروی اساسی را تشکیل میداد دشمنان خواستند که قوای مذکور را تارو مار کنندو یکعده افسران ماهررا بمقابل این قوا فرستادند آنها پلان دستگیری چاپایف وافراد ش رابا یك حمله سیکا لوجیکی طرح کردند• در اوایل صبح عساکر چاپایف از سنگر های شان دشمن را ترصد میکردند . با به صدا درآمدن دهل گارد های سفید حمله‌کردند آنها یونیفورم سیاه بانشان های تزاری (که بروی سینه های شان میدرخشید) پوشیده‌بودندبطرف جلو باتفنگ های شکاری طوری مارش نمودند که گویی بخاطریك رسم‌گذشت‌آمادگی میگیرند• فاصله بین آنها وفرانسوی ها (جایی‌که عساکر چاپایف سنگر گرفته بودند) کمتر وکمترمی‌شد مگر آنها آتش را باز نکردند • آنها به دشمن موقع دادند چنان نزدیك شود که خوبتر بتوانند به آنها یورش برند سر انجام زنگ به علامهٔ حمله بعدا در آمد : «آتش!» اولین صف افسران بزمین افتادند مگر گارد های سفید سر سختانه به مقاومت شان ادامه دادند • دوباره امر آتش داده شد • گارد سفید شکست خورده به عقب فرار نمودند چاپایف باافرادش آنها راتعقیب کردند ••••

جنگ خاتمه یافت ودر آن روز چاپایف از دریای «بیلابا» گذشته وبه شهر «اوفا» داخل گردید •

همچنان واحد های دیگر اردوی شوروی حمله را شروع کردند گارد های سفید شکست‌خوردند وبه عقب کوه های اورال برگشتند •

گرچه بزودی پس از آن حادثه چاپایف‌کشته شد • او شدیدا مجروح شد ودر حالیکه شکار گلولهٔ یکی ازعساکر گارد سفید شده‌بوددر- دریای ولگا غرق گردید • عساکر چاپایف انتقام مرگ قوماندان محبوب شانرا گرفتند آنها به تعقیب کردن دشمن ادامه دادند ودشمن در حالیکه اسلحه شانرا گذاشته بودند فرار میکردند •

بدنبال کلچاك عدهٔ زیادی از کارگران و دهقانان پارتیزان که‌با تفنگ های شکاری و توپ های ساخت کشور شان واسلحه یی که از دشمن به غنیمت گرفته بودند ، مجهز بوده وشجاعانه با گارد های سفید می‌جنگیدند• آنها یکجابا اردوی شوروی دشمن رابلاوقفه دنبال میکردند •کلچاك کاملا شکست خورد و سایبریا به شوروی تعلق گرفت کلچاك دستگیر شده‌و بحکم یك محکمهٔ انقلابی محکوم به مـــرگ گردید •

بخشی از سواره نظام چاپایف

«همه علیه دنیکین !»:

در تابستان سال ۱۹۱۹ هنگامیکه اردوی- شوروی علیه کلچاك می‌جنگیدند یکی ازجنرال های دیگر گارد های سفید- دنیکین-از اوکراین بطرف مسکو پیش آمد • سواره نظام گاردسفید به جبهه شوروی رخنه کرده و «کورسك»، «ورونز» و «اوریال» را دستگیر کرد • آنها به «تولا» (جایی که فابریکات اساسی اسلحه‌سازی ارتش در آن وجودداشت) نزدیك شدند افسران گارد سفید قبلا خودرا با یونیفورم جدیدبخاطر یك رسم گذشت درمسکو مجهز میکـر د نـد و بزودی جهت بدست آوردن‌یك پیروزی‌آمادگی می‌گرفتند •

«همه علیه دنیکین برخیزید!» این درخواستی بود که حزب بلشویك از مردم نمود•

هزاران دسته کار گران و دهقانان بخاطر عقب زدن تهاجم‌دشمن‌به اردوی شوروی‌پیوستند باردیگر اعضای کمونیستان وکمسمالان درخطوط پیش روی جبهه قرار داشتند • واحدهـــای پارتیزان دراوکراین درپشت قوای دنیکین دلیرانه می‌جنگیدند • لنین پلانی‌را جهت‌شکست دنیکین طرح کرد• بعداز یك جنگ شدیـــد اردوی شوروی جبهه گارد سفید را شکست و دنیکین را بسوی جنوب راند • سواره نظام اردوی شوروی در جبهه تحت قوماندهٔ بودیانی وورو‌شیلوف قرار داشت •

افراد جوان ارتش شوروی درجنگ داخلی‌آبدیده شدند

بقیه‌درصفحه ۴۷

الکسی تولستوی

قسمت دوم

یک صبح آفتابی

مترجم :دکتور خدا یداد بشرمـــل

نیکتیا بطرف را ست ، بطر ف دریا، دور خورد وسعی کرد درجاده برود ـ بررد پاهای دیگران می رفت ودر جا هائیکه برف لگد مال نشده بود به پشت سر می رفت تا ار ـ کادی ایوا نوویچ را فریب دهد .

در کنار های سرا شیب دریـــا در مدت چند روز گذ شته توده های برف انبا شته شده بود، در بر خی جاها پرتگاه هائی را که بالای دریا آویخته بود می سا ختند ـ اگربالای یکی ازین پر تگاه ها ایستاده می‌شد برف از زیر پای او می رفت، سقوط می کرد وتمام برف در حال لغز یدن به پودر سفید مبدل گشت .

بجانب را ست دریا مانند یک سایهٔ آبی میان میدان های سفیـــد صحرائی تاب وپیچ خورده بـــود ـ بطرف چپ در دا منهٔ سا حل بلند، کلبه های تاریک قریهٔ سو سنوفکا بنظر می خورد ودیر یک هـــای دراز چا ها میان کلبه ها سربفلک معلوم می شد ند ـ نفخه های دود ـ آبی از سقف بالاشده در هوا آب‌می شدند ـ پر تگاه های برف با لکـه های خا کستر ی که خانم از بخاری های خانهٔ شان در همان صبح بیرون آورده بودند داغدار شده بود ـقیافه های باریکی در حر کت بو دنـــد اینها بچه های کو چک قر یـه از دو ستان نیکتیا بو دند ـ دور تـر در جـــائیکـه دریا مسیـــر ش را تغیر داده بود، بچه های زیـــا دی وجود دا شتند جمعیت کو نچـــان، یک گروه خطر ناک ـ نیکتیا بیلش را پائین آورد تختهٔ برفی‌اش راروی برف اندا خت، بالای چو کی نشست واز ریسمان محکم گر فت، دو سه بار باپا هایش تکان داد و تختـــهٔ برفی بشدت از سرا یشبی در پرواز شد ـ باددر گوش ها یش سو ت می کشید وپودر برف بهر دو طـــرف بشکل ابر بالا می شد. با سر عت مثل تیر پائین رفت . وقتیکه برف. پایان رسید ، نزدیک دریا، تختـــه برفی بهوا پرید وبالای یخ فرودآمد تدریجا آهسته شده رفت تاوقتی‌که کاملا تو قف کرد .

نیکتیا خندید ، از تخته پا ئیـن آمد ودر حا لیکه تازانو ها یش در برف فرو رفته بود تخته را بـــالا بسوی تپه می کشید وقتیکه بساحل رسید شبیه سیاه‌ار کادی ایوانوویچ را دید که از یک قد انسان‌بزرگتر معلوم می شد وبامتداد میدان سفید می آمد ـ نیکتیا بیل را گر فـــت وبر تختهٔ بر فی بر آمد وبطـــرف پائین سا حل پرواز نموده بامتداد یخ بجانب ناحیه ایکه آنجا انبار های برف بود دوید .. در دما غهٔ برف نیکتیا به حفر یك مغازه پرداخت . این یک کار انسا نی بود زیرا بیل برف رامانند مسکه قطع‌می کردوقتی که مغارهٔ باندازه کا فی بزر گـــ سا خت با تختهٔ بر فی اش در آن دا خل شد واز دا خل تو ســـط پار چه های بر ف بمسدود نمود ن را هرو مغاره اقدام نمود ـ زما نیکه دیوار مغاره سا خته شد یکـــ نور خفیف آبی در دا خل مغـــار ه وجود داشت که بسیار گواراوراحت بخش بود ...

نیکیتا نشست وفکر می کرد که هیچ یکی از بچه ها چنین تختـــه برفی خو بی ندارد ـاو چا قوی‌قلمی اش را بر آورد بالا ی تختهٔ فوقانی اش یک نا می را ترا شیـــد : ـ «وی وت»

«ـنیکیتا ! کجا هستـــی ؟» آواز ارکادی ایوانوویچ بگو شش‌رسید ـ نیکیتا چاقویش را دو باره در جیب گذاشت واز شکافی که بین پار چهٔ برف وجود دا شت بسوی خار ج دید. پائین تر ازو ـ ار کادی ایوا ـ نوویچ بالای یخ ایستاده بـــو د وچار طرف را بدقت نگاه می‌کرد .

«ـ کجا هستی؟ تو دزد جوان!»

ارکادی ایوانو ویچ عینکهایشـــ را مر تب نمود وبطرف مغاره آمـد اما ناگهان تا کمر بند در بـــر ف فرو رفت .

ـ«بیا بیرون بهر طر یقی کـــه باشد ترا بیرون خوا هم کشید.»

نیکتیا جواب نداد، ار کـــادی ایوانوویچ کو شید بالا شود امـــا دوباره در برف فرو رفـــــت، او دستهایش را در جیب هایش‌گذاشت وگفت :

ـ«اگر نمی‌خوا هی بر آئی، پس نیا، هما نجا ئیکه هستی با شـــ ـ مادرت همین حالا مکتوبی از شمارا بدست آورد ... بسیار خوب، خدا حافظ ، من مرا جعت می کنم.»

ـ «چه مکتوبی؟» نیکیتا، پرسید.

ـ «آه ، پس اینجا هستی ...!»

ـ«بگو مکتوب ازطرف که‌بود ؟»

ـ«راجع به بعضی‌اشخاص‌که برای گذشتاندن رخصتی می‌آیند.»

کتله های برف فورا به پریدن شروع‌کرد وکله نیکیتا ازمغازه نمایان گشت، ارکـــادی ایوانو ویچ از ته دل خندید ...

نامهٔ مرموز ...

در حالیکه آنها نان چاشت‌را صرف‌می‌نمودند مادر نامه را تاآخر خواند . مکتوب از پدرش بود .

«ساشای‌عزیز!» چیزهایی‌راکه‌در نظر داشتیم به‌یك بچه ایکه به نظرمن بمشکل لیاقت چنین چیزهای زیبایی را دارد تحفه دهیم خریده‌ام.» به شنیدن این سخنان ارکادی ایوانو و یچ بشدت به چشمك زدن پرداخت .

«این یك تحفه خیلی کلان است پس یك درشکه مستقلی برایش بفرست ـ یك جزءدیگر خبرها اینست‌که اناپولوسوفنابا بکیناباطفالش ...میخواهد روزهای تعطیلش‌رابا مابگذراند..»

«چیز دلچسپ دیگر وجود ندارد، » مامی‌گفت وبجواب تمام سوال های نیکیتا چشم هایش را پوشید وادامه داد :

ـ«چیزی نمی‌دانم.»

ارکادی ایوانوویچ نیز خاموش بود، دستش راجنباند وگفت اوچیزی نمیدانست.

طوریکه معلوم می‌شد ارکادی ایوانو ویـچ در تمام روز خوش بود ، دیوانه وار جواب های غلط می‌داد ونوشته را ازجیش بی‌کشید، چندسطری را می‌خواند و دهنش را کج می‌کرد ـ معلوم بود که رازی در میان دارد .

در تاریکی نیکیتا بطرف مقابل حویلی بخانه های کارگران بجا ئیکه دو کلکین یخ زده یك چراغ آبی دودزدهٔ را احاطه کرده بود، دوید کارگران درحال صرف نان شام‌بودند ـنیکیتا سه بار اشپلاق کرد لحظهٔ بعد رفیق نزدیکش میشکا کوریا شونوك .

در حالیکه بوت های بسیار کلان نمدی در ـ پاهایش بود وجاکت پوست‌گو سفندی برشانه هایش داشت اما کلاه برسرش نبود ، برآمد ـ عقب کنج تعمیر نیکیتا باهستگی راجع بمکتوب به اوگفت وپرسید که از شهر چه می‌آوردند؟ میشکا کوریا شونوك ، که دندان‌هایش ازسردی لرزه داشت ، گفت :

«چیزی بسیار کلان ،بغدار است میگویم . بسیار سر د است واپس می‌روم ، گوش کن مامیخواهیم گروه کونچان را فردا در ده بکوبیم می‌آیی ؟.»

«بالکل درست است.»

نیکیتا بخانه دوید نشست وبخواندن کتاب (اسپ سواربی سر) شروع کرد.

مامی و ارکادی ایوانو ویچ نزدیك میزمدور نشستند و هریکی کتابی رادر دست داشتند ـ در عقب یك بخاری بزرگ جیرجیرکی آواز می‌کشید ... تر ـتر ـتر ـتختهٔ زمین اطاق‌دیگر در تاریکی غژغژمی‌کرد ـ آدم بی‌سر بامتدادچمن در چارنعل بود، گیاه های بلند رابه یکطرف می‌زد، یك ماه سرخ‌بالای جهیل برآمده بود ـ نیکیتا احساس کرد که موهای پشت گردنش درحال انقباض است، اوبااحتیاط دور خورد، بامتداد کلکین عقبی یکسایهٔ‌خاکی شکل گذشت. حقیقتااوآن رادید ... مامی سرش‌را ازکتاب بالا کرد و گفت :

ـ«باد شروع شده ، امشب برف سوزك خواهد بود.»

نیکیتا خوابی دید ـ او چند بار آن خواب رادیده بود ـ اکنون هم عین همان خواب بود. دروازهٔ اطاق رسم باسانی وبدون‌آواز بازشد. برزمین انعکاسات آبی رنگ کلکین افتاده بود ـ خارج از کلکین های سیاه مهتاب‌باچهره‌سفید بنظرمی‌رسید ـ یك قرص بزرگ نور.. نیکیتا برمیز اوراق که‌بین دو کلکین واقع بود برآمده واین بود چیزی که‌اودیده. دردیوار مقابـــل که‌مانند برف سفید بود، رقاصهٔ مدوری‌دریك صندوق ساعت ، پیش و پس در گردش بود ـ در تاریکی می‌درخشید ـ در دیوار بالای ساعت تصویر چوکات شدهٔ مرد عبوس نماوپهلوی‌او تصویر یك زن سالخورده باکلاه وشال آویخته بود . آن زن با لب هائیکه به فشار بسته شده بود بطرف پائین می‌دید .. بامتداد دیوار ،از ساعت تا کنج خانه ، چار چوکی خط دار قرار داشت که باز وهایش برآمده وبر چار پایه‌اش لم‌داده بو. یك کوچ‌پخ‌پخ پائین‌ترمتصل‌دیوار گذاشته شده بود ـ آنهاآنجا گذاشته شده بودند وبدون چهره هاوچشم هابسوی،مهتاب، بدون اینکه تکان بخورند خیره بودند.

درین اثنا گربهٔ اززیرچترکوچ‌بیرون خزید وبر کوچ برآمد وبا متداد آن راه رفت ، سیاه ولاغر بود. در حالیکه دمش بطرف پائین بود قدم می‌زد ـ ازکوچ به یك چوکی خیززد وبامتداد چوکی ها بجانب‌دیوار رفت، خم می‌شد واززیر بازو های آنها می‌گذشت. تااخیر چوکی هـا قدم زد ، بزمین پرید ودر پیش روی ساعت در حالیکه پشتش بطرف کلکین بود نشست رقاصه ساعت به جلو وعقب در حرکت بود، آدم وزن سالخورده بدقت بسوی گربه‌می‌دیدنـد، بعد گربه برپاهای عقبی خود استادویك پنجه اش رابرصندوقچه ساعت گذاشت و باپنجـــه دیگر اش می‌کوشید رقاصه ساعت را ازحرکت باز دارد صندوقچه ساعت شیشه‌نداشت پنجه گربه تقریبا به رقاصه ساعت می‌رسید.

آخ، کاش اومی توانست فریاد بزند. اما، نیکیتانمی‌توانست یك انگشتش را بحرکت آرد، نمی‌توانست تکانی بخورد ،تـرسناك است، خطر ناك وزود حالش بدترخواهد شد.

نورماه بر زمین خانه بشکل مستطیل‌های دراز آرام وبی حرکت افتاده بود . همه‌چیز در اطاق ، خاموش وبسیار فشار دهنده ـگربه بیشتر دراز شده رفت ، سرش راخم کرد،گوش هایش رابطرف عقب فشار دادو پنجه اش را ـ برقاصه ساعت رساند ـ نیکیتا فکر می کـرد که اگر پنجه برقاصه ساعت تماس کند ازحرکت باز خواهد ماند ودر همین لحظه همه چیزفرو ـ خواهد ریخت ، با شور وغوغا جدا خواهندشد ومانند غبار از میان خواهند رفت ، و دیگراطاق پذیرایی ونور ماه هم وجود نخواهد داشت .

ترس در قلب نیکیتا اثر عمیقی وارد کرده ودرتمام وجودش لرزه انداخت، گویی‌که باشبح خطر ناکی روبرو شده باشد . در حالیکه‌نیکیتا تمام قوایش راجمع می‌کرد خود رابا یك فریادی ناامیدی بزمین انداخت ـ نیکیتا نشست‌اطرافش رادید ـ دراطاق دوکلکین یخ‌زده بنظرمی خورد. واز آنجا قرص ماه را که بزرگتر از دیگراوقات دیده می‌شد می‌دید ـ برروی اطاق‌یك کوزه وبوت هایش قرار داشت .

ـ«او خداوند ، حمد خداراست » نیکیتااین را گفت وخودرا باشتاب برروی بستر انداخت‌و سررا در زیر متکا فرو برد. متکا نرم وگرم‌بود وخواب عمیقی رادر بر داشت .

وقتیکه چشمانش رابست دیری نگذشت که دوباره خودش رابالای میز در همان اطاق‌دید، رقاصه ساعت در پرتو نور ماه در گردش بود ـ مردوزن سالخورده بطرف پائین بادقت می‌دیدند دوباره گله گربه از زیر کوچ نمایان گشت.اما نیکیتا این باردست هایش را دراز کرد، خودرا ازمیزانداخت وپرید وپاهایش بسرعت‌درحرکت بود ـ گویی‌پرواز می‌کردویابروی زمین خانـه درحال شنابود ـ پرواز باطراف خانه بـرایش خیلی خوش آیند بود. .

وقتیکه پاهایش بزمین خورد باتکان دادن دست هایش آهسته آهسته بطرف سقف خانه بالا رفت وحالا بامتداد دیوار باتکان های نامنظم پرواز کردوبینی اش به‌کتیبهٔ پلستری اطاق تماس یافت وبالای‌آن کتیبه یك طبقهٔ گرد وخاك ضخیم‌که‌بوی ملایم داشت انباشته شده بـود.

بعد بردیوار یك در زمعروفی رادید که مانند ولگا در نقشه معلوم می‌شد سپس یك میخ‌کهنه وعجیبی بنظر ش خورد که پارچه تار از آن آویخته بود و مگس های مرده روی آن دیده می‌شد. نیکیتا پایش رابردیوارکوفت وآهسته بطرف دیگر اطاق جائیکه ساعت آویخته بود نزدیك شد بالای صندوقچه ساعت یك گلدان بر نجی گذاشته شده بود که در زیر آن چیزی هموار شده بود اما نمیدانست چه خواهد بود؟ ناگهان احساس کردکه کسی چیزی می‌گوید:

ـ« بگیر چیزی که در آنجاست .» این‌صدای بودکه به‌گوش نیکیتارسید.

نیکیتا بسوی ساعت خیز زد وبادستش به گلدان حمله نمود پیر زن غضب آلود در برابر تصویر ش خم گردید وسراورا در دست های خود گرفت ولی او خودرا ازوی‌رها کرد، متعاقب آن پیر مرد تصویر دیگر خیره شد چوب دسی اش را دورداده طوری ماهرانه برپشت او کوفت که برزمین افتاد ، نفسك می‌زد ـ چشمانش‌را گشود ـ ارکادی ایوانوویچ نزدیك بسترش ایستاده بودوشانه های نیکیتا را حـر کـت می‌داد .

ـ«برخیز ، برخیز ! نه بچه است» اوگفت وقتیکه نیکیتا درجایش نشست چشمانش‌رامالید ارکادی ایوانوویچ چند بار چشمك زد ودست هایش رابا خوشی می‌مالید .

ـ«رفیق جوانم ! امروز درسی نخواهیـــم داشت.»

ـ«چرا ؟»

ـ«زیرا که (چرا) جواب ندارد . برای دوهفته بازبان در ازت هر طرف‌می‌خواهی بدو، برخیز.»

نیکیتاازبستر جسته ودرزمین گرم خانه‌رقصید

ـ«رخصتی های عید .» اوکاملا فراموش‌کرده بود که آن روز روز اول رخصتی مبارك وطولانی روزه بود. زمانیکه‌اوپیش‌روی ارکادی‌ایوانوویچ رقصید ،نیکیتا چیزدیگری رافراموش کرده بود خوابش را . خوابی‌که‌قبلادیده‌بود. گلدان‌بالای ساعت وآوازی که‌در گوشش نجوانموده بود.

«بگیر چیزی که در آنجا وجود دارد.»

خانه کهنه ...

نیکیتا چارده روزباختیار خود داشت.هرچه می‌خواست می‌کرد می‌توانست اما کمی خسته کن بود. درناشتا اویك خوراك چای، شیـر، نان ومربا داشت مقدار زیادی از آن خورد و برای مدتی آرام نشست او درسماوار به‌چهره اش خیره گردید واز ینکه قیافه اش زشت و باندازهٔ ارتفاع سماوار دراز می‌نمود متعجب بود، بعدا بفکرش خطور کردکه اگریك قاشق چای را گرفته آن را بشکند از یك پارچه اش کشتی جور خواهد شدو پارچه دیگرش برای حفرکردن استعمال شده می‌تواند . تاهرچه رابخواهدبه‌آن حفر نموده میتواند .

بالاخره مادرش گفت: «نیکیتا» این و قتی است که‌به بازی می‌رفتی نیکیتا با هستگـی لباس هایش راپوشید وانگشتش رابد یـوار می‌مالید بامتداد تمام راهرو تاجائیکه‌از بخاری هابوی گرم ونرم بالامی‌شد رفت بسمت جنوب این راهرو ، اطاق های زمستانی گرم وقابل سکونت دیده می‌شد . در قسمت راست،پنج اطاق تابستانی نیمه خالی بنظر می‌خورد واطاق پذیرایی درمرکز آن قرار داشت درآنجا بخاری های سفالین عظیم الجسه وجود داشتند که‌هفته یکبار در آنها آتش افروخته می‌شد. چمدان های بلورین چند شاخه باکاغذ پیچانده شده بودند .

درزمین یك توده سیب جلب توجه می کرد. بوی شیرین وفاسد شدهٔ آن اطاق های تابستانی رافرا گرفته بود .

نیکیتا بمشکل دروازه بزرگ دوپله‌یی‌بلوطی راباز نموده وبه نوك پنجه اش از اطاق های خالی می‌گذشت تااز خلال کلکین های نیمـــه دایروی : باغ راکه در زیر برف بود تماشاکند.

درختهای بی حرکت ایستاده بودند ، شاخچه های سفید آن خمیده وبوته های ار غوانی بهر دوطرف زینهٔ بالاخانه زیر باربرف کـج شده بودند ـ ردپای یك‌خرگوش درخیابان بـو ـ ضاحت نمایان بود ـنیکیتا ضربهٔ‌برکلکین وارد نمود، پهلوی کلکین یك زاغ کله کته بشکل شیطان بر فراز یك شاخچه دیده می‌شد ،از آواز آن ضربه : زاغ رمیده پرواز کرد وبرف های شاخچه را بابالهایش جاروب نمود .

نیکیتا به‌کنج آخر اطاق رسید ـدرینجا در کنار دیوار قفسچه های غبار آلود پهلوی هم قرار داشتند واز دروازه های شیشه یی:پوش کتاب های کهنه رامی‌دید ـ بالای بخاری دیواری فوتوی یك زن مقبول آویخته بود بصورتی‌که او لباس **سوار کاری مخمل** سیاه برتن وقمچین مخصوص سوار کاری رادرست‌داشت ،درحالیکه دستکش هم پوشیده بود، در حال قدم‌زدن دیده می‌شد وطوری وانمود می‌گردید که‌بعقب برگشته وبا چشمان بزرگ وپرنفوذش‌با نگاه نیمه مست بطرف نیکیتامی‌بیند.

نیکیتا بر چوکی نسته وزنخش رابرمشتش تکیه داده بسوی آن تصویر دلرباتماشامی‌کرد او برای مدت درازی بطرف آن عکس پری پیکر می‌دید ـچه ـ در مورد شخصیت آن‌زن سیمین تن از زبان مادر خود بعضی چیزهاشنیده بود ـ اجداد ش‌سر نوشت‌خطر ناکی راگذشتانده بودند ـتصویرپدروپدرکلانش بالای صندو ق کتاب ها آویخته بود. پدرش یك مرد پیر ولاغر بود ـبینی بلند وچشم های فرورفته داشت . دست هایش رابرسینه خود چسپانده بود ـ در کنار ش یك پارچه پاپیروس نیمه لوله شده ویك قلم ساقهٔ شاه پربمشاهده مـــی رسید. واز سیمایی آن تصویر اندوه وحزن‌عمیق‌مطالعه می‌گردید .

مامی برایش گفته بودکه اودر روزمی‌خوابید وشب هابه نوشتن وخواندن مصروف بود.

اوتنهادرتاریکی بقدم زدن‌می پرداخت شب هنگام پاسبانان گرد خانه قدم زده‌وزنگوله های شانرا بصدادرمی‌آوردند تاپرنده‌های شبانه‌زیر کلکین پرواز ننموده وشخص رانه ترسانند.. می‌گفتند که در همان روز هاباغ از گیاه های بلند پربود . تمام خانه باستثنای ایـــن اطاق ها مسد ودو غیر مسکون بودند ـخدمتگار ان خانه گریخته بودند .

ازین روپدر وپدرکلان مذکور احوال رقت آمیزی داشتند ..

یکی از روز ها پدر مذکورنه در اطاق مطالعه ونه در خانه ونه درباغ دیده شد . یك هفته کامل اورا جستجو کردند اما اثری ازویافته نتوانستند ـ پنج‌سال‌بعد وارث اونامه عجیبـی از سایبر یابدست آورد .درآن نامه نوشته‌بود:

«من آرامش رادرهوشیاری جستجو کردم و فراموشی رادر طبیعت یافتم .»

علت تمام این واقعات عجیب همین خانم که به لباس سوار کاری در عکس دیده می‌شدبود.

بنابران نیکیتا بسوی آن فوتو بـــدقت و هیجان می‌دید .

زاغ دوباره بیرون کلکین‌نمودارگشت، وقتیکه برشاخچه فرود آمد برف هارا پاشان کرد،سرش را فرود آورد ، منقارش راباز کرد وآواز کشید قغ،قغ، ... این صدا درنیکیتا هراس تو لید نمود ـ اطاق خالی را ترك گفت و بجـا نـب خیابان دوید .

ادامه دارد

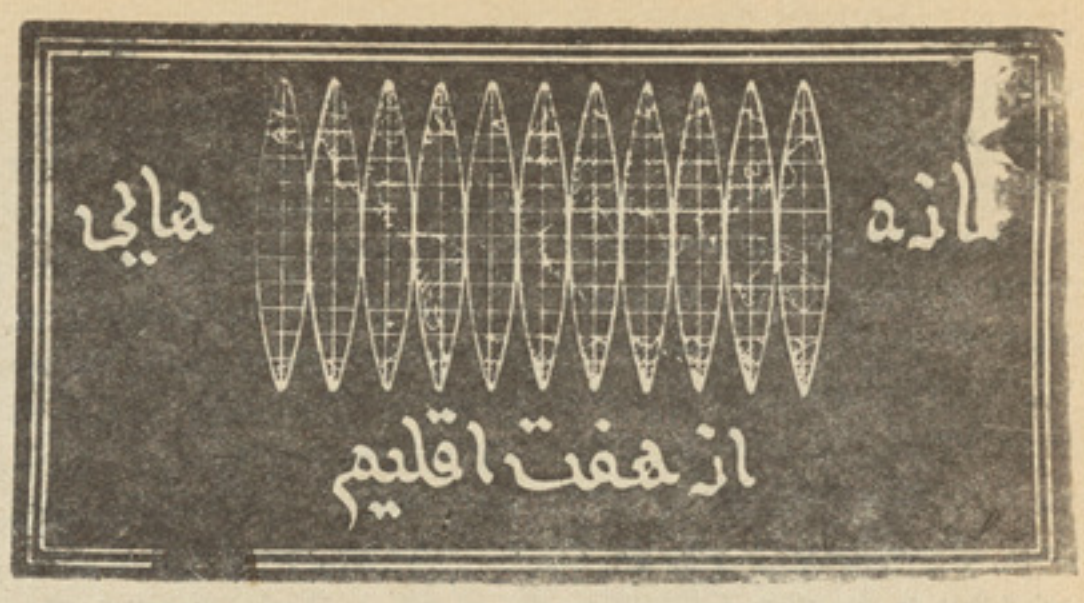
مازه
هایی
از هفت اقلیم

مبارزهٔ بی امان خلق انگولا برای طرد کامل نیروهای امپریالیستی وارتجاعی

بتاریخ یازده نومبر ۱۹۷۵ بود که بیرق آزادی واستقلال انگولا در لوند ابر افراشته شد و جمهوریت خلق انگولا توانست در طول چهار سالی که از پیروزی خلق آن میگذرد در مقابل قوای تبعیض طلب ، را سیزم وامپریالیزم با جدیت بر خوردنماید بدینترتیب تلاش های مذبوحانه امپریالیزم نتوانست پیروزی خلق انگولا را عقیم و ور شکست سازد . چار سال قبل بتاریخ متذکره خلق انگولا موفق به طرح برنامه های وسیع برای ایجاد یك جامعه سوسیالستی و در نهایت جامعه فارغ از ستم گردید ودر سال ۱۹۷۷ ضمن تجلیل ازجشن سالگرد پیروزی انگولا مقامات حزبی ورهبری ، حزب طبقه پیش آهنگ یعنی حزب طبقه کارگر را با ماهیت وایدیولوژی کاملا مترقی بیش از پیش تحکیم بخشیدند . در طول این مدت که از پیروزی خلق انگولا سپری میگردد ، انگولایی های مبارز با قاطعیت با استعمارگران پنجه نرم کردند و چه بسا که در تمام ساحات بر غنای خلق انگولا افزوده شد و تغییرات انقلابی شگرفی پدید آمده است . در طول این مدت سکتور اقتصادی دولت تقویه یافت چنانچه تا ماه می و جون سال ۷۹ درلوندا سایر شهر های بزرگ انگولا ۱۷۷ تشبثات صنعتی در تحت کنترول دولت در آمد .در مکاتب مسلکی که به کمك اتحاد شوروی ساخته شده ، صد ها تن در شقوق فنی بمنظور تقویه چرخ های اقتصاد انگولا اساسات مسلکی را فرا میگیرند بدینطریق نقصانی که در شقوق حرفوی و پرسونل ماهر رونما گردیده بود در حال تلافی است . اینك در اثر تلاش دولت ذخایر نفت تحت کنترول در آمده واز همینرو مقدار نفت انگولا بر هشت میلیون تن در سال بالغ میگردد .واین استحصال برق، کشف الماس ، صنعت بوت دوزی واشیای بافندگی وماهیگیری است که روز تا روز اقتصاد انگولارا بیشتر متکی بخود میگرداند . بهمین منوال است کار ساختمانی از قبیل سنگفرش جاده ها و اعمار پل ها و کار های ساختمانی مسکن برای حل پروبلم مسکن . درواقع مسابقه سبقت جویی میان کارگران ایجاد و تلاش برای کار بیشتر و پر ثمرتر زیاد سرور آفرین مینماید .

در جهت رسیدگی به زارعین توجه دولت بحدی است که میزان محصولات زراعتی بخصوص شکرو قهوه دو برابر گردیده که مولدین ودر مجموع تماما باز هم به تولید و محصول بیشتر می اندیشند . سهم مردم در سر سبزی و ترقی مملکت تا آن اندازه ایست که دریگانه منطقه مساعد برای نیشکر که بنام سر زمین قهرمانان «گاگیسیتو» موسوم است (واقع در شمال لوندا) در ماه اکتوبر گذشته شش نفر داوطلبانه کار زرع نیشکر را تنظیم و زارعین را رهنمونی میکردند . دهقانان انگولا همه با میهن پرستی به کار های مربوطه شان میرسند

مقامات رهبری وحزبی انگولا برای غنی ساختن کلتور مردم لیسان سایر عرصه‌ها مشغولند از طرفی در قسمت آشنایی کارمندان با میتود های جدید اقتصادی کار هایی صورتگرفته است . تا الحال (۴۵۰) اتحادیه های دهقانی که در آن بیشتر از ٤ میلیون زارع سهم دارند ، آنجا موجود است . بیشتر ضروریات اولیه مردم از طریق مغازه ها و مارکیت های دولتی فراهم آورده میشود. مساله زیاد در خور توجه مبذول گردیده . همانا دموکراتیزه ساختن ارگان های دولتی محو و از بین بردن بیسوادی است تا سال ۱۹۷۹ در حدود (۱۹۰۰۰۰) انگولایی که به تمام معنی محروم از سواد بودند اینك بدرستی خواندن و نوشتن را بلد اند بطوریکه با دسپلین کارگری نیز مجهزاند . اما علی الرغم اینهمه کار های انقلابی این امپریالیزم جهانی است که بسان سایر ملل جهان، انگولا را نیز راحت نگذاشته و آشکارا دخالت مینماید . مگر رژیم مترقی انگولا هرگز متزلزل نخواهد گردید چه آنجا دسایس امپریالیزم یکی پی دیگر خنثی میگردد . بموجب یك خبر تحریك های مسلحانه تبعیض طلبان افریقای جنوبی علیه خلق پیروزمند انگولا به تحریك مرتجعین فزونی یافته . در ۲۸ دسمبر ۷۹ هلیکوپتر های تروپ های بیگانه و ارتجاعیون ، دارایی ها و بیست نفر از اشخاص مترقی را در جنوب کشور انگولا از بین بردند . باند های ضد انقلابی یکی پی دیگر چهره های پلید شانرا آشکارا میسازند باند های ضد انقلاب با کمك های مادی و نظامی امریکا ، فرانسه به تخریبات خود درین کشور ادامه میدهند اما این نیرو های آزادیبخش مردم وارگان های دفاعی و کارگران داوطلب اند که قبل از آنکه دسایس مرتجعین وامپریالیست‌ها قوام گرفته باشد و بمرحله اجرا در آید خنثی میگردد . در ۲۰ ستمبر امور رهبری دولت و حزب کارگر نهضت خلق برای آزادی انگولا به (جوزی ادواردو دوزانتوژ) تفویض گردید . مناسبات حزب و مردم روز تا روز نزدیکتر و بهم مرتبط میگردد به اساس مناسبات دوستی میان مقامات حزبی حزب کارگر نهضت خلق برای آزادی انگولا و حزب کمونست اتحادشوروی پیوسته همکاری هایی صورتگرفته و از طرف شوروی کمك های فراوانی در بخش های مختلفی چون ماهیگیری، ترافیك کشتی سازی ، تحقیقات و کشفیات زیر زمینی ووسایل تخنیکی بموجب قرار داد دوستی منعقدهٔ سال ۱۹۷٦ یکی بدنبال دیگر ، به انگولا صورت میگیرد . همکاری و مساعدت های حزب کمونست اتحاد شوروی با حزب کارگر نهضت خلق برای آزدی انگولا بسان همکاری کشور سوسیالستی وصلحدوست اتحاد شوروی با سایر کشور ها ، خدشه نا پذیر است.

هلینا قهرمان سکی روی یخ یاستارهٔ پر درخشش ورزش در فنلند

در مسابقه قهرمانی سکی که سال قبل در «لاتی» یکی از شهر های فندلند برگزار گردید، نگاه های کاوشگرانه تعداد کثیری از ورزش دوستان بسوی مدخل ستدیوم ورزشی که قرار بود با جلال و ابهت خاص مسابقه سکی لحظاتی بعد آنجا آغاز یابد ، دوخته شده بود . در میان ورزشکاران سکی علاقمندان ورزش بیشتر به چهره های پر تحرك ورزش «هبلیم » ، «هایتو کافیستو » و «هلینا تا کالو » می اندیشیدند تا سایرین. باید متذکر گردید که : هلینا از جمله سکی بازان معروفی است ، در مسابقات اخیر در شهر «لاتی» دو مدال طلا دریافت که آنهم بخاطر پنج کیلو متر پیمودن سکی روی یخ بوسیله تخته مخصوص نصیب وی گردید ، یکبار مدال برونز گرفت چونکه عملیه سکی روی یخ که بیست کیلو متررا احتواء میکرد ، پیمود. هلینا این سکی زن ماهرو پر آوازه در ۲۸ اکتوبر ۱۹٤۷ در نیفالا متولد گردیده است . هلینا که در اصل دختر یك دهقانست ، از خردی نا خود آگاه به سکی متوسل و با استفاده از تخته سکی زمستان ها از خانه بمکتب، منحیث وسیله ترانسپورتی استفاده میبرد او شان در دهکدهٔ واقع درقسمت شمالی فندلند موقعیت دارد . هلینا فاصله راه میان خانه و مکتب را که مرتفع بود ، بزحمت می پیمود وی در کم سنی در سال ۱۹٦۳ بحیث اسناد ورزش استخدام گشت هلینا با ثبات ورزش مطلوبش را دنبال میکرد . یکی از متخصصین این ورزش «تو یفو تا کالو » کمك های فراوانش را از «هلینا » دریغ ننموده .این آشنایی سر انجام منتج به ازدواج آندو گردید در سال ۱۹۷۱ (ریمو وستا) ترینر ماهر سکی بازان فنلند بطور سیستماتیك واساسی ، اساسات ترنیری را به هلینا آموخت . (ریمو وتسا) بحدی وی راکمك کرد که هلینا برای اشتراك در بازی‌های المپیایی ۱۹۷۲ انتخاب گردید . هلینا که از سال ها بود که زمستان ها تافواصل (٤۰) کیلو متری را قسم مشق وتمرین

هلینا قهرمان سکی روی یخ فلنددر حال ورزش .

روزانه طی میکرد و فوق العاده می تپید ،او که‌سکی روی یخ‌و انـــواع دیگـــرسکی‌را خوب بلد شد ه بود وابتکا را تی در زمینه‌از خود همواره نشانداده بود ، آماد گی خوبی برا ی با زی ها ی المپیا یی ۱۹۷۲ دا شت

هلینا در مسا بقات برای در یا فت قهر مانی مخصو ص سکی در سو یس دردوش سکی ده کیلو متری بر بالای یخ مـــدال بر و نز رادر سا ل ۱۹۷٤ در یا فت داشت و ضمـــن همین مسا بقات برا ی رسید ن بمقام‌قهرمانی بود که هلینا حتی بر صا حب نا م تر یـــن قهرما ن سکی فند لند (مار یا تا کایوزما) کـه سمبو ل سکی میخواندند ش ، سبقت جست . در وا قع‌در همین سا ل بود که‌هلینا منحیث یك ستاره پر در خشش شنا خته شده وازنه معروف فتریـــن سکی بازجهان‌در ایسز مینا نیا فاصله پنج‌کیلو متـــر روی یخ راکه درپانزده دقیقه وچهل و هشت‌ثانیه پیموده بود ، فقط یك ثانیه عقب مانده بود هلینا در اینسبو رگ‌ دو بار مدا ل برو نز گر فت تا اینکه سر انجام لقب قهر ما نـــی

فنلند را کمایی داشت وی آرزو دارد د ر بازی ها ی المپیا یی ۱۹۸۰ به مقام قهرما نی سکی تکیه بزند . هلینا مد عی است کـــه دیر یا زود منحیث چهره بین المللی ورزش شنا خته خواهد شد و به قهرمـــانی بین‌المللی ورزش دست خواهد یا فت. بقو ل‌یك زور نا لیست فند لند ی هلینا برا ی سا ل های سا ل منحیث بهتر ین ورز شکا را ن‌در آسما ن ورزش فنلند فروزان و پر درخشش خواهد تا بید .

فعالیت‌های تازهٔ هنری زموتونو-فسکی هنرپیشه پرآوازهٔ فلم‌وتیاتر

این یك امر طبیعی است که تقر یبـــا بسیا ری از هنر پیشگان معرو ف فلم برای او لین ظا هر شدن خو یش در سینمامساعی زیادی مبذول میدارند اما هستند ستارگانی دارد ، بیم از ینکه مبا دا در راه هنر ش مرتکب اشتباهی گردد ، اینکه سروصـــدا ها ی دو ستد اران و علا قمندان هنر ش این روز ها بلند است که (زمو تونو فسکی)را

صحنه ازفلمی‌که ازروی کتاب«هملت»تهیه‌شد.

در آسما ن سینما این هنر هنتم و یا هـــر هنر ی دیگر ی که بمحض ظا هر شد ن دریـك فلم ویا سایر عـــرصه های‌هـــنری آنهم بطور عادی ، آنا بشهر ت رسید ه و برسکوی شهر ت تکیـه زده اند و این چه در س بزرگی است برای آنا نیکه استعداد دارند ولی از تبارز دادن استعداد ها ی‌نهفته شا ن در هرا س اند . (اینو کنتی زمو تونو فسکی) هنرپیشه‌ایست ازهمین‌کنگوری‌اینمردرا چندین مراتبه مرگـــك تهدید کـــرد دربستر مریـــضی افتید اما سوگند یاد کـــردتـــا که حیا تست در راه بر آورده سا ختن و رسیدن به یك‌هنر مردمی‌یك لحـــظه‌هـــم غفلت نمیکند . او میخوا ست در رد یـف هنر پیشگا ن بهتر ین با شد و رسید ن‌به چنیـــن هـــد فی ، مسلما مستلـــز م ثبا ت شان در هراس اند . (اینوکنـــتی‌زموتونو-فسکی) گر چه پله ها ی شهر ت را پیموده ولقب قهر ما نی گرفته با اینهم او بیـــم چر اروی پرده ها ی سینما اکثرا کم مـی با بند . لاکن وی مد عی است : با یـــد درعرصه هنر زیاد مشکل‌پسندی‌کـــرد.ستار-یو نو یسا ن ، رژیسو را ن و کار گردانی زیادی اند که حاضر بهمکا ری‌با(زموتونو-فسکی) اند اما بعقیده این ستاره پر فروغ

قلمرو هنر ، هنر پیشه با یستی در جهت خو شنودی علاقمند انش بکو شد ، پس مصرو فیت ها ی اخیر زمو تو نو فسکی چیست ؟

تیاتر چنگ بزنـــد واو شانرا بسوی‌هنر تیاتر بکشاند ، هنری که (زمو) باچیره‌گی تمام مصروف شگوفانی آنست ، در تیا تر های هنری رفته رفته (زمو تونو فسکی)پـر آوازه تر شده میرود ، او مصرو ف کا ر برای پیشکش سا ختن یکی از آثار ترازید (الکسی تو لستوی) برا ی دو ستدا را ن تو لستو ی است . او که رسا لت هنر ی‌اش را در تقد یم شهکار ها ی جا و یدان‌د خیل مینما ید . عملش بیقین عملی است بخر دانه تامبرده اکنو ن چهره های دیگری را کنار خود مجال ایستاد ن مید هد تا باشد کـــه بسان او در کا ر هنر نما یی در تیا ترو فلم پختگی او را بیا بند . (فیو دو رانوو تیش)

که نقش امیر اطور دوره تزاری رو س را دارا ست و بهمین منوال دادن رو ل(ایوا-نوف) در اثر معروف انتون چخو ف بـــه هنر پیشه تا زه کار دیگری معنا ی با لا

بردن و گستر ش فعالیت ها ی هنری را در تیا تر ها ی هنری بو سیله رسا لتمندا نی چو ن (زمو تونو فسکی) تشکیل مید هد علی الر غم پشتکا ر وی و رسا نید ن دیگران

به مقا م های هنری ، خود او مردیست د ر اتما می امور تیا تر و فلم وارد و کا ر آز موده . وی بود که در تیا تر لیننگر اد رول احمق را دریکی از نما یشنا مه هابازی کرد . در تاریخ تیاتر اتحاد شوروی بربالای سن ها نقش او پیروز مندانه و چشمگیربوده است . وی در فلمی که از روی کتا ب (هملت)تهیه گردیده بود ، ایفا گر نقش عمده بود ودر همین فلم بود که او خو دش را کا ملا شنا سا ند ه‌و شهر تش گسترش یا فت . وی هنر مند یست صا حب کرکتر ها ی متعدد که باز ی وی در فلم کمید ی (الدا زز یانـــوف) براین حقیقت هنـــری صحه گذاشت . وی در فلـــم های‌متعددی

که کرکتر های متفاوتی در آن ها ســـراغ میشد چـــون (شعر هابرای (دلدادگـــان) (کاکا فا نیا)، تقصیر و کفاره)، دختـــرو مادر) ،(وقتی تو آنجا بود ی) وهمچنا ندر فلم ها ی اطفا ل و خا صتا فلم (عز یمت بسو ی کا سیو پاپا)وچند فلم دیگر در تحت رژیسوری رژ یسو ر انی چو ن(نار-کو فسکی) میخا لکو ف ، کو نتسا لوفسکی گراسیموف ، کرلید ها لوف ، ونـــامـــوف ظا هر گردید .

وعملا ثابت ساخت که هنر پیشه ایست کار آز موده و چیر ه دست . اینکه هنر پیشه را منحیث یك هنر پیشه خو ب با ید شنا خت ، ساده نیست و لی از زموتوانستند دو ستدار انش چنین شنا ختی دا شته باشند وی همواره کو شیده انسا نی تر ین‌اعما ل وتجارب را در قالـــب اول هـــایـــش‌تبارز دهد یا بعبا رت دیگر او پیو سته میخواهد طوری ظا هر گردد که یك زند گی خو ب وانسا نی را بیا ن کند .اکثرا پیش آمده که بسیا ری از تما شا گران خود شا نرا در چنا ن مو قفی یا فته اند .

وی همیشه بیقرار مینما ید و بیقرا ری‌او بمنظور تلا ش بهتر برا ی خو شنود ی و ارضاء ذوق تماشا گـــرانـــست .(زموتونو-فسکی) غا لبا خود ش عا ملی است برا ی

ایجاد سوژه برای سنار یونویسان ، بـــه نحو یکه سنا ر گا ن بخاطر او سناریومی نویسند ، زیر ااو هر آن حا ضر ست بخاطر یك نو یسنده ومو لف که اثر خو ب و مردمی بیا فریند ، چنا نیکه تگا رند ه‌مـــی خواهد ظا هر گردد و با نما می احسا سش مفا هیم ارزند ه بشر ی وانسا نی را ازطریق فلم وتیا تر عر ضه بدارد .

وی در فلم (دختر ومادر) نقش شو هررا داشت . به عقیده رژیسور فلـــم (شعردلداد-گان) وی‌با مها رت تا م میتوا ند احساس نو یسند ه را به تما شا گر انتقا ل بد هـــد و او را در قبول وپذیر ش این احسا س یاری بخشاید . بعباره دیگـــر اوســـت‌که‌با تا رو پود و عواطف تما شا گر با زی‌میکند قیا فه (زموتونو فسکی) اغلبادر اما تیکی

است وی در فلم (چا یکو فسکی) توانست نقش یك انسا ن بی استعداد و غیر ما هر را ایفا ء بدارد .

(ایر ینا کو پتشنکو) کا رگر دا ن‌فلم (کا کا فا نیا) در مورد زمو عقیده دارد:در میا ن تما می هنر پیشگا نی که با او شان بر خورده ام ، این(زمو) است که دقیتربازی میکند . وی بازی میکند ، با زی بدو ن کفا ره و با حسا دت نگاه های او مفا هیم خا ص اخلاقی راباز گو مینما ید .

دسره رودی ژباړه

داوبوپه تالارکی دلمر دوړانگو دمنعکس کولودستگاه

په پای کی دیو لړخپړ نـــواو تحقیقا تو څخه ورو سته داو بو پـه تالارکی دلمر دوړا نگو دمتمر کـــز کو لو او را جـذ بو لو دستگاه په آلمان کی جوړه او په کار وا چو له شوه . دغه دستگاه چی دیوه علمی او تحقیقا تی لابرا توار بنـــه لری دانجنیرا نو اوپو ها نو له خواد

خـــه‌دپاسه دریو کـــلو نـوخخه‌وروستـــه **جوړه او په کار وا چو له شوه .**

دلمر دوړا نگو دمنعکسی کو لـو دغه نوی لابرا توار په دی‌وروستیو

وختو نو کی دآلمان په یوه کلتوری سیمه کی دیو زیات شمیر پو ها نو ننداره کوو نکو او علاقه لرو نکوپه

مخکی وښودل شوه . لکه چی‌دپو-هانو په یو را پور کی ویل شوی دی داو بو په تالار کی دلمر او دشمسی

پاتی‌په٤١مخ‌کی

از سپو تنیك

ترجمه احمد شاه

عشق ، ازدواج ، تشکیل

خانواده و تحولات منتظره

میگو یند که مردم هر چه بیشتر در یك‌جا معه چون احمد ومر یم، محمود وزهره ، با هم خلط میشو ند ومنا سبات مذکور که نخست هیجا نی وپر شور بوده تد ریجا جای خود را به منا سبات ما نند بین کار فرما وکارگر، با یع ومشتری، فرما یشس دهنده وفر ما یشس گیر- نده ،ترا فیك ودر یور وا گذارمی شود .

این موج بعد از اینکه منا سبات اجتما عی‌را احتوا نمود بتد ریج طبق اظهار بعضی ها منا سبات خا نوا ده گی را نیز در بر می گیرد. بعد از ین خا نوا ده و خانه نمیتوا ند بشکل مر کز مو جود یت با قی بما ند . طبق اظهار بعضی‌از محقیقین اگر حا لت بهتر آن مد نظر گرفته شود خا نه بصو رت محلی در می آید که در آن تعداد معین اشخا ص جمعا یك یا دو مرتبه‌درروز نان صرف می کنند ،استرا حت می کنند وتحت یك سقف زند گی وچند سا عتی را سپری می کنند .

آنهایی که معتقد اندفا میل‌اگر امروز برهم خورد، فردا بکلی از هم پا- شید ه می شود معمولا به احصائیه طلاق رجوع می کنند . در این موردچه میتوان گفت ؟

حقیقتا تعداد طلاق در جهان سال به سال رو به افزا یشس است در اتحاد شو روی از هر سه جفت ازدواج یکی آن به طلاق موا جه می شود در حا لیکه در ایالات متحده امر یکااز دو جفت یکی‌از آن ثمره طلاق را می چشد .

آیا این‌بدین‌معنی‌است که‌درزندگی بشر یت عا ملی بو جود آمد که هر چه سر یعتر رشته های فا میلی‌را برهم میز ند ؟ آیا علت طلاق این نیست که در حال حا ضر مردم در سن های زیاد یا بز رگ نظر به سا بق با هم از دواج میکنند ؟

بطور مثال‌نیم قرن پیشس در رو- سیه از هر دو زن بیست سا له یکی آن ازدواج کرده اما در حال حا ضر از هر پنج زن یکی آن‌در سن بیست سا لگی ازدواج می نما ید.

سنین متو سط که در آن معمولا ازدواج می کنند از بیست‌و سه به بیست‌و هشت سا لگی بالا رفت. نکته جا لب این است که نه تنها سن اصغری ازدواج بلند رفت بلکه حد اعظمی آن نیز افزا یشس یا فته است . درسابق فیصدی زن های که بلند تر از سن چهل ازدواج می کردند.دواعشاریه پنج فیصد بود. که در حال حا ضر این رقم به‌دوا زده - عشاریه پنج فیصد رسیده است.

واضح است که ازدواج در سن های بزر گتر بد ین معنی نیست‌که در رشد جسمانی تا خیر بو جودمی آیدبر عکس این انکشاف بسیار سر یع می با شد واز ین لحاظ است که مردم هر چه بیشتر تازمان ازدواج با هم خلط می با شند. قسمیکه تحقیقات نشان داده است از تجارب در این قسمت‌شصت‌وپنج فیصد مرد ها وبیست‌و هشت فیصد زنها بهره مند بوده به این لحاظ او- لین عشق واو لین تجر به جنسی همیشه به‌ازدواج‌خا تمه نه می‌یابد.

در این مورد طبق احصا ئیه‌دقیق چها رده فیصد زنها وچاراعشاریه- شش فیصد مرد هامو فق‌به ازدواج شده اند .

قسمیکه تحقیقات نشان داده‌تجا- رب جنسی قبل از ازدواج به استحکام ومدا ومت آن تا ثیرمنفی وارد می کند .از اینجا فور مول ذیل نتیجه می شود : تغییر ات اجتماعی معمولا به این منجر میشود تا مردم در سن های بز رگترازدواج کنند. این عمل تجا رب جنسی قبل از ازدواج را اضا فه تر بلند برده وبه نو به خود استوا ری خا نوادگی رابر هم میزند .

را بطه دیگر نیز وجود دارد وآن اینکه تعداد طلاق در بسیا ری از شهر های بز رگ جهان نظر به سطح وسطی آن دو الی سه‌مرتبه زیاد میبا شد . پسی ممکن است‌که با اعمار شهر های بز رگ تعداد طلا ق‌نیز زیاد شود . بر علاه‌در شهر های بز رگ زا یمان رو به کا هشس است . بطورمثال درروسیه درسال ۱۹۱۳ هفت میلون طفل به دنیا آمد اما در سا ل۱۹۷٤ این ر قم به چهار میلون کا هشس یا فت. بنا اگر این نکته مد نظر گر فته میشد که تاسال ۱۹۷۹ شهر ها سر یعتر افزا یشس می‌یافت طلاق نیز به‌نقطه عطف خود میرسید ودر نتیجه‌روابط خانوا دگی بکلی نا بود میگرد ید.

اما این حادثه بو قوع نه پیو ست .افزا یشس تعداد طلاق‌اگر ساده گفته شود فقط یك صفحه‌مدال را تشکیل می دهد . صفحه دیگر ازدواج جفت های جد ید است.این حا دثه تا اندازه زیاد سوال‌مضمون حساب دوره مکتب را به خا طر ما می آورد:

در اینجا سوال مطرح میشود که با افزا یشس طلاق تعداد جفت های که‌ازدواج‌می کنند رو به کا هشس یا افزا یشس است ؟

در سال ۱۹۳۹ در اتحاد شو روی هفتادو ششس عشا ریه‌پنج میلون‌نفر در سال ۱۹٥٤هشتادوششس‌عشاریه پنج میلون ودر سال ۱۹۷۰ یکصدو هفت میلون با هم در عقد نکاح یکد یگر بود ند. ار قام فوق افزا یشس نفو س را بدون شك

انعکا سی می دهد اما اگر در این مدت نفوس شانزده فیصد افزا ـ یش یافت به بیست وسه عشاریه هشت فیصد رسید . بنا با اینکه طلاقها صورت میگیرد تعداد ازدواج کنند گان روبه افزایش است .

ما همیشه به ازدواج ها یی متو جه میشو یم که چندان مو فق بدر نیامد.واینکه طلاق سا بق کمتر صورت میگر فت بدان معنی نیست که همه خو شبخت زند گی میکرد ند.

در انگلستان در یکی از شهر ها زواج عجیب وجود دا شت : اگر کدام شخص به کلیسا بیا یددست به صلیب بگذارد وسو گند یاد کند که در طول یکسال از متا هل بودن خود شکا یت نکند جا یزه وفتخر در یا فت می کند. قسمیکه احصا ئیه دقیق نشان می دهدازسال ۱۲٤٤ تا سال ۱۷۷۲ تعداد این نوع اشخا ص فقط به هشت نفر رسید .

بعد ها چه بو قوع پیو ست ؟بیجا نیست اگر در اینجا از سند عجیب وغر یب که در سال ۱۷۸٤ در یکی از روز نا مه های لندن به چاپ رسیده بود : یك‌مرد کنجکاو در شهر خود تمام مرد های‌متاهل وزنهای شو هر دار را حساب کرد ومیخواست سا لانه احصائیه آنها رابه چاپ رسا ند از محا سبه اودر اینجا یاد آوری می کنیم .

زنهای که از شوهر خود فرار کردند ۱۱۳۲ نفر .

مرد های که از خا نم های خود باز رسی نمی کردند ۲۳٤۸ .

شو هر هاوز نهای که طلاق قانونی گرفتند ٤۱۷۵ نفر .

خانمها و شو هرا نیکه در فضای دشمنی باهم‌زندگی می‌کنند ۱۷۳٤۵ نفر .

خا نمها وشو هرا نیکه درمقا بل دیگران طوری وا نمود می سا زند که گو یا زند گی خو شبخت‌دارند. ۱۳۲۹۷ نفر .

خا نمها وشو هر انیکه در مقا بل همدیگر بی علاقه اند ۵۵۲٤٦ نفر .

خا نمها وشو هر انی‌را که‌دیگران خو شبخت می شمارند ۳۱۷۵ نفر. آنها ئیکه نسبت به دیگران خوبتر زندگی میکنند ۱۳۷ نفر .

آنها ئیکه حقیقتا خو شبخت اند ۱۳ نفر .

اصل مساله در این نیست که جفت های وا قعا خو شبخت بسیار کم است بلکه این است که چقدر مردم‌درعقد نکاح یکدیگراندوبیکدیگر علاقه نشان نمی دهند «نه‌می‌خواهند همدیگررا ملاقات کنند» «ویا حتی در فضای دشمنی وخصو مت زندگی میکنند» یا به عبا ره دیگر خا نواده هنوزبه معنی عشق وآشتی نه می باشد .

امروز حسب معمول ازدواج بدون عشق بر هم خورده ودر مر حله اخیر به‌طلاق منجر میشود .اما اینکه در مقا بل تعداد زیاد مردم سعی می ور زند تا زند گی خو شبخت ایجاد نموده ازدواج را مسله سا ده‌نمی‌ـ شمارند خود نشان دهنده رفا هیت موا زین اخلا قی آنها می با شد.

طبق پر سشهای که در اتحاد ـ شو رو ی‌صو رت گر فت هفتادوـ شش فیصدمردم عشق وازواج سعا دت مند ، سیزده فیصد حقوق مسا وی ویك‌عشاریه پنج فیصدمردم ثروت را منحیث شرط ازدواج‌مستحکم وخو شبخت ار زیا بی نمود ند .

به‌ان تر تیب دو سوم قسمت طلا قها در اثر علل اخلا قی وناساز گا ری های رو حی بو جود آمده ودر حقیقت بحران ازدواج به انتخاب جوره (جفت) مناسب ختم‌می گردد . طور یکه چند ین قرن قبل عمر خیام‌چنین گفته بود : «گرسنگی رابابد نظربه هر چه پیش آمد خوـ شس آمد وتنها ما ندن را نظر به هر که‌پیش آمد خو شس آمد تر جیع داد» طبق احصا ئیه که در سال ۱۹۷۰ در اتحاد شو روی صو رت گر فت ار قا می را بد ست داد که در نظر اول عجیب به چشم می‌خورد: زنهای شو هر دار نظر به مرد های متا هل‌یك عشار یه‌پنج میلون‌اضافه‌ـ تربود .

«ممکن است قسمتی از زنهاچیزی را ازدواج بشما رند که‌به گفته‌عوام مرد ها اصلا در قصه اش نیستند.»

امروز یکتعداد زنها فقط عشق‌را ازدواج می شما رند نه منا سبا تی را که با لای اسا س عنعنوی«زندگی دریك خانه» استوار باشد .

زنها در جا معه پر هیجان وپرـ شور می باشند . آیا آنها از روی احسا س درو نی به مسله یی نرسیدند که «شعور عنعنوی اجتماـ عی» هنوز جدیدا به سوی آن نزدیك میشود ؟ آیا فردا ازدواج نظر به امروز به معنی وسیع تلقی نخوا هد شد ؟

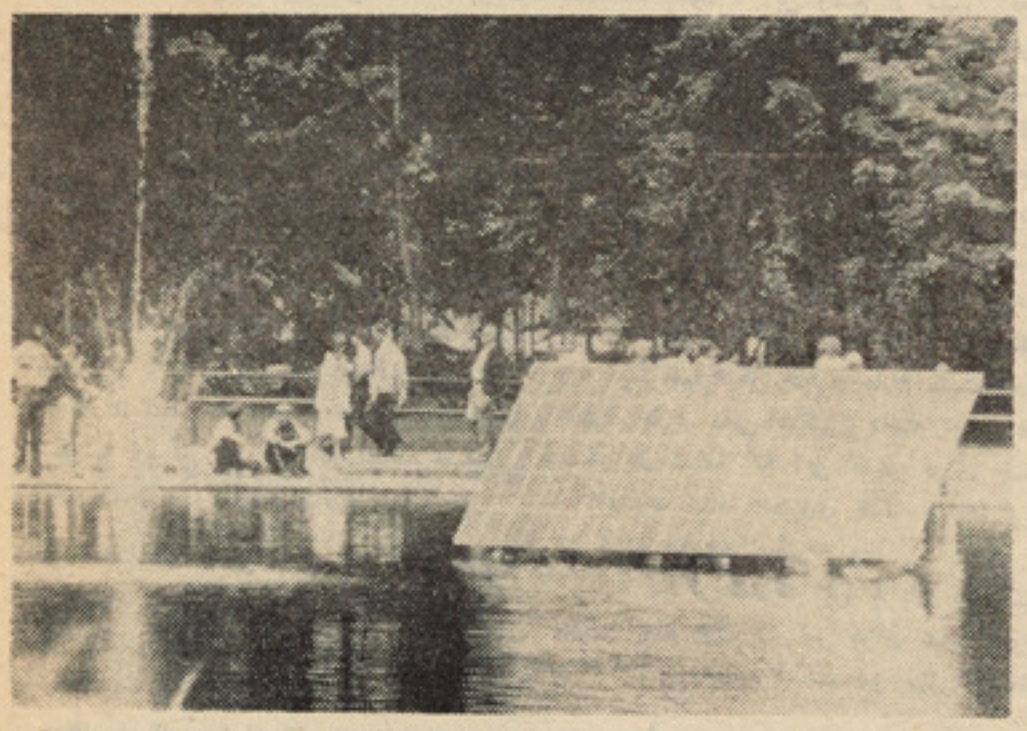

په یوه مصنو عی جهیل کی دلمردوړا نکو دمنعکس کو لو ددستگاه‌د فعالیت یوه څنډه .

د۳۹ مخ پاتی

داو بوپه ...

منظـو می دنورو سیا را تودوړانکو دجـذ بو لو او متمر کز کو لو دغه نوی لابرا توار دو مره په زړه پوری وچی دشلو زرو نقلیه وسا یلـو او اور گا ډیو په مر سته څه‌دپاسه څلوراعشاریه دوه میلون تنه خلك په۱۳٦ مخصو صو ترا نسپور تی پرو گرا مو نو کی دهغه نندا ری‌ته ور غلی وو .دا خبره هم دویلو وړده چی د۱۹۷۹ کال دجنو ری دمیاشتی له‌پیل کید لوڅخه داگست دمیاشتی ترپا په پوری داو بو په تا لارو نوکی دلمر دوړا نکو په باب څه دپا سه شپږ سوه علمی غو نډی، سیمینارـ ونه او ور کشا پو نه جوړ او پراـ نستل شوی دی . دلمر دوړا نکود جـذ بو لو او متمر کز کو لو دغه نوی دستگاه پخوا تردی چی دیوه علمی لابراتوار ونه بڼه دنندا ری‌ډگر ته وړا ندی شی په یوه مصنو عی جهیل کی په کار وا چو له شوه .

له دغه کار څخه مقصد داو چی آیاداو بوتبخیر او نور جوی تحولات ددغه دستگاه په فعا لیت با ندی‌منفی اغیزه لری او که نه ؟

پخواتردی چی داو بو په تا لار کی دغه نوی دستگاه په کار وا چوله شی لازمه ده چی دتالار داو بود سطحی دلوړ والی په باب یو لـړ اندازه گیری تر سره شی .

ترجمه بریالی علی زاد

ساختمان ووظایف قلب واحتشاء قلبی

قلب عبارت ازیك عضو حیاتی عضویت بوده که ساختمان عضلی دارد. این عضو وظیفه انتقال تاصاف را جهت تصفیه به ریه تان (شش ها) ووظیفه تقسیمات خون غنی از آکسیجن ومواد غذایی را بتمام عضویت بعهده دارد .

قلب دارای چهار جوف (دوازین ودوبطن) میباشد و همین جوف های آن اند که خون‌را بتمامی اعضای عضویت پمپ مینمایند . وبه این وریفه شان بصورت متناوب ودوامدار ادامه میدهند .

یعنی اینکه اولا قلب انبساط نموده، خون وریدی توسط اورده های اجوف‌علوی‌واجوف سفلی وخون شریانی توسط اورده ریوی در آن جمع شده وپر میشود بعدا بلا وقفه‌تقبض نموده ومحتوی اش توسط شرائین ریوی به ریه تان واز طریق ابهر وتمامی شرائین که درامتداد آن واقع اند بتمامی نقاط عضویت انتقال مینماید .

باید یادآور شدکه در اثر انقباض و انبساط قلب یك صوت وضربان تولید میشود که البته ضربان قلب نزد کاهلین نورمال هفتادو دو مرتبه فی دقیقه میباشد .

راجع به ساختمان عضله قلبی میتوان گفت که حجرات این عضله بین شان ارتباط قریب داشته ودر انقباض وانبساط اجواف قلبی رول مهم دارند . در هر حجره عضلی ملیونها مالیکولها ی تار ما نند که الیاف عضلی (اکتین ومیوزین) گفته میشوند وجود دارد .

وبطور متناسب تمامی طول هر حجرهٔ عضله قلبی توسط این الیاف استر گردیده است . گرچه اکتین ومیوزین باهم اتصال تام ندارند مگر قابلیت لغزش برروی همدیگر رادارند.

هنگام انقباض عضله قلبی الیاف اکتین و میوزین درهر حجره عضله بسوی همدیگر لغزیده وباهم متصل میشوند . وهم اغلبا تمامی طول لیف اکتین توسط لیف میوزین استر گردیده وباعث کوتاهی حجرهٔ عضلی میگردد.

باید متذکر شدکه به دنبال هر دوره فعالیت عضلی قلبی یك دورهٔ استر خا وجود دارد . در زمان انبساط عضلی الیاف اکتین ومیوزین ازهم دور میشوند وبه اینترتیب رشته های عضلی بطول اولی واصلی شا ن عودت مینمایند .

برای ا ینکه میکانیزم انقباض و انبساط قلب کمی روشن گردیده باشد . قرار شکل انگشتان یك دست تان را میان انگشتان‌دست دیگر تان وشصت های هر دو دستان تانرا پهلوی هم قرار دهید تا در میان دستان تان یك فضای کروی تشکیل گردد . وفکر کنید دستهایتان عضله قلبی وفضای میان شان‌یك جوف قلب باشد . حال اگر انگشتان تان را بطرف یکدیگر فشار دهید . بلاشك فضای داخل انگشتان تان خورد میگردد وبا لعکس اگر انگشتان تانرا بطرف خارج کش نموده وانگشتان یك دست تانرا از دست دیگرتان کمی دور نمایید جوف داخل انگشتان تان دوباره بحال اولی اش برمیگردد .

شاید نز دتان سوال خلق شود که آیاچه چیز باعث کنترول حرکات الیاف اکتین و میوزین میگردد ؟

این یك حقیقت انکار ناپذیر است که بدون موجودیت منبه وجریان محرکهٔ برقی بالای غشاء حجروی عضله قلبی هرگز عضله قلبی تقبض نمیکند .

هنگامیکه یك حجرهٔ عضلی درحال استرخا باشد مایع که آنرا احاطه نموده دارای‌مقدار زیاد سودیم بوده وچارج مثبت تر را دارامی باشد . مگر برعکس مایع داخل الحجروی آن مقدار ناچیز سودیم میداشته باشد بدینترتیب در دو طرف غشاء یك پوتنشیال برقی (که به ولت اندازه میشود) وجود میداشته باشد . این وضع از سببی ایجاد میشود که هر حجره یك سودیم پمپ (سودیم بطور مداوم از داخل حجره بخارج حجره انتقال میابد) دارد ودر اثر آن است که مایع خارج الحجروی نسبت به مایع داخل الحجروی چارج مثبت تر میگیرد . اگربنابر علتی غشاء حجروی در کدام قسمتی برای عبور سودیم باز گردد درینصورت سودیم بلا وقفه بطرف داخل حجره حمله ور میگردد وبه اینترتیب داخل حجره چارج مثبت وخارج حجره چارج منفی میگیرد (البته در قسمت غشاء باز شده) که این تغییر فوری چارج در دوطرف غشاء حجروی باعث جریان بر ق در غشاء حجروی میگردد .

باید متذکر شدکه این جریان برق منطقه جوار غشاء فوق را نیز برای عبور سودیم میگشاید . ودرین قسمت نیز مثل فوق‌خارج حجره چارج منفی وداخل حجرهٔ چارج مثبت میگیرد . اینگونه تحولات تا زمانی ادامه میابند که جریان برقی در امتداد غشاء حجروی واز یك حجرهٔ عضله قلبی به حجرهٔ دیگرآن جریان داشته باشد . وفقط بعد از قطع جریان برقی دریك سطح عملیه سودیم پمپ دو باره آغازمیگردد. وبه اینترتیب‌سطح که استر خا نموده دو باره تنبیه گردیده وفعال میشود .

عضلات بازو ، ساق وسایر اعضاء عضویت (البته عضلات ارادی) فقط زمانی انقباض می نمایند که بدستور دماغ وبکمك اعصاب محیطی شخص قصد اجرای کاری را نماید .

که‌بمجرد دستوردماغ‌وتنبیه‌عصب‌مربوط که‌مامور اجرای وظیفه گردیده برای عبور سودیم گشوده میشود . مگر در عضله قلبی حادثه بکلی طور دیگر است محرکات ومنبهات که باعث تقبض این عضله میگردند توسط میکانیزم خود بخودی بوجود آمده ومحتاج محرکات ودستورات خارجی نیستند . زمانیکه عضلهٔ قلبی استر خانموده ومنبسط‌گردیدغشای عضلی دو باره با ازدیاد قابلیت نفوذیه اش (بمقابل سودیم) آغاز مینماید . وبه این وضع تازمانی ادامه میدهد تاسودیم بداخل حجره به انتشار آغاز نماید . البته با انتشار داخل حجروی سودیم جریان دو باره برق در غشاء حجروی آغاز میگردد . وبا جریان دوباره برق بتمامی حجرات عضله قلبی قلب برای باردوم میزند واین چنین حوادث یکی پی دیگر تاکه شخص در قید حیات است در قلبش واقع میشود . در وقایع نورمال نظم وتعداد ضربان قلب بسیار منظم میباشد.

داکتران طب برای معلو م نمودن جریان برقی قلب از الکتروکار دیوگرام (که بطور خلاصه گاهی ای.سی.جی وگاهی ای.کا.جی گفته میشود) استفاده مینمایند .

باید گفت که الکتروکاردیوگرام نورمال قلب یك نمونه شناخته شده دارد . که این نمونه در هنگام عبور عادی جریان برق ا ز قسمتهای مختلفه یك قلب نورمال ثبت‌گردیده است .

در صورتیکه یك قسمت عضلهٔ قلب رفت زده باشد امکان آن میرود که جریان برق بدرستی ازآن عبور ننماید که درین صورت بلا شك یك الکتروکاردیوگرام غیر نور مال ثبت خواهد گردید . واگر کدام قسمت یك قلب بصورت غیر نورمال بزرگ شده باشد برای اینکه جریان برق از ین قسمت عبور نماید وقت زیاد میخواهد ، از همین سبب است که نمونه الکتروکاردیوگرام قلب های بزرگ مرضی غیر نورمال خوانده میشود .

اینراهم باید خاطر نشان ساخت که داکتران طب خصوصا کار دیو لو گها (متخصصین امراض قلب) بعد از دیدن الکترودیوگرام یك شخص بخوبی میتوانند نورمال ویا غیرنورمال بودن قلبش راتشخیص نمایند . حال از جملهٔ تمامی امراض قلبی احتشاء قلبی را با اسباب واعراض آن ازنظر میگذرانیم .

این یك حقیقت مسلم است که قلب مانند تمامی اعضاء عضویت برای اجرای وظایف وبقای حیاتش به اوکسیجن وغذا (که باید ازخون بگیرد) احتیاج دایمی دارد . گر چه خون بطور مداوم در داخل اجواف قلب‌جریان دارد مگر باید دانست که عضله قلبی اکسیجن وغذای مورد ضرورتش را مستقیماز اجواف قلبی نمیگیرد بلکه خون بعضله قلبی توسط شرائین بالخاصه قلبی (شرائین اکلیلی وشعبات جنبی آنان) میرسد .

شرائین اکلیلی باوجود اززش حیاتی شان مانند تمامی شرائین عضویت معروض به امراض میگردند . از جمله امراض عادی شان میتوان از تنگ شدن مجرای داخلی شان یاد آور شد . که درین مرض به‌حجرات عضلهٔ قلبی خون کافی نرسیده و زمانیکه به حجرات خون کافی نرسد حتمیست که میمیرند . وبعداز مدت کوتاهی جای حجرات

مرده رانسج سکار که در پمپ نبودن خون وتقبض اجواف قلب هیچ رولی ازآن ساخته نیست میگیرد . برای اینکه قلب بتواند به خوبی وبرایفش را انجام دهد حجرات نورمال که در مجاور نسج سکار قرار دارند بشکل معاوضوی بزرگ میشوند . امکان داردگاهی لومن (فضای داخل) یك شریان اکلیلی ویا یکی از شعبات جنبی آن آنا وبشکل تام مسدود گردیده وباعث توقف تام جریان خون گردد. درصورت وقوع چنین وقایع‌حجراتیکه از شریان مسدود شده فوق خون میگیرند فورا حیات خودرا از دست داده وبلا درنگ بمریض دردهای شدید صدری پیدا شده و میگویند که مریض مصاب خناق صدری گردیده . اگر در صورت وقوع این حادثه یکتعداد زیاد حجرات عضله قلبی معروض نابودی گردند بلاوقفه باعث مرگ مر یض میگردد . واگر یك ساحه خورد قلب متاثر گردد . شخص برای مدت زیاد بحیاتش ادامه خواهد داد .

الکتروکاردیوگرام همیش جزء حتمی د ر تکمیل معاینات صحی میباشد . امکان دارد الکتروکاردیوگرام غیر نورمال بودن قلب شخصی رادرجریان تکمیل معا ینات صحی آشکار سازد که از هیچگونه عارضه قلبی شاکی نباشد . در صورتیکه قبل از بروز اعراض مرضی، احتشای قلبی نزدشخصی‌کشف وتحت تداوی لازمه قرار گیرد شفاء مریض در بعضی وقایع حتمیست .

امکان دارد داکتر اکثرا از روی معاینات روتین (عادی) تشخیص نموده نتواند که آیا دردهای صدری مریض از با عث احتشاء قلبیست ویا از کدام عارضه عضوی دیگر . البته در چنین وقایع یك الکتروکاردیوگرام بخوبی میتواند مسئله رایك طرفه نموده وتشخیص را مطلق گرداند .

در وقایع نادر قلب بعد از احتشاء بحال اولی اش برگشته و بطور نورمال بوظایفش ادامه میدهد . گرچه در اکثر وقایع قدرت پمپ نمودن قلب نظربه نورمال کا هش میابد . مگر کاهش توان پمپ نمودن قلب این معنی را نمیدهد که باید شخصی بکلی علیل گردیده باشد . زیرا یك قلب نورمال در یك زمان معین چهار چند خون مسوزد ضرورت عضویت شخص را پمپ مینماید . یعنی در حالت نورمال قلب دارای یك قوه اضافی میباشد . پس اگر ذخیره قلبی به یك چهارم حالت نورمال تقلیل یابد بازهم شخص میتواند بطور عادی فعالیت نماید مگر اینکه شخص از آرامی تام برخوردار باشد .

په هندی فلمونو کی

ورل) هغه ډیرښه معلومات ور کـــوونکی فلمونه دی چی بزګرانو پر ژوندانه باندی‌یی مثبته اغیزه کړی‌ده. دمحبوب ،آنند، کولـی اونور نامتو فلمونه چی په بیلابیلو برخوکی تهیه‌شوی دی هندوستان دخلکوپه منځ کی‌یی دفیوډالی او پانګـــوالی استثمار استعمار او ارتجاعی روحانیتو، زړواو ناوړه خرافاتو ا و تعصبونو په‌ضد دروحیی پیداکولو دنوی ټولنی دجوړښت لپاره دلاری داوارولو او ښاریانـو دروزولوپه هکله اغیزه ناکه رول لوبولی‌دی.

دکیور پخوانی فلمو نه چی د (لمبـــی) (بارانی موسم) او (خړه یاګرځنده) په نومونو تهیه شوی دی هم دعدالت لپاره دمبارزی‌کولو لاره پرانستلی ده دهندسینمایی ټری‌په‌عاجله توګه دخصوصی تشبثونو دتولید او توزیـع دملی کولو لپاره هم په ټینګار سره فعا لیت کړی او کوی یی په رښتیا سره تشویقوونکو فلمونو دغه رهبری دهغه وخته څخه په غاړه اخستی ده چی ۱۹٤۸ کال دمستند و فلمو نو دویشلو او توزیع کولو بنسټ کیښودل شو. اوکله چی په ۱۹۳۳ کال‌کی ددولتی جایزو اوپه ۱۹٦٦ کال کی دډیروښو اجتماعی‌محتوی لرونکو فلمونو ته دجایزی ورکولو مسئلـه رامنځ ته شوه او کله چی دماشومانو لپاره (دفلمونو دتهیه کولو دټولنی) بنسټ په۱۹۵۵ کال کی کیښودل شو اوکله چی په ۱۹٦٤ کال کی دملی فلمونو آرشیف پرانستل شو په ۱۹٦۰ کال کی چی سیاسی او اجتماعـی مبارزی په کلیو کی شدت پیداکی دهندی سینما دانکشاف اوودی لارښوونکو اود هغـو موریدانو او پیروانو په کیرالا، کارناټـک، مهاراشترا، انډرا راپردیش اونور ایالتونوکی دزحمتکښو پرګنو او خلکو نارضایتی اونـا-خوښی خرګنده کړه په تیره بیابه‌دغه هکلـه‌ولری هم وړاندی شی .

منځنی طبقی چی دلومړی طبقی دعیاشی او د کښتی طبقی دبدبختی اوبی چاره ګی پـــه منځ کی واقع د ه‌فعال رول ولوبوی .

ددغو خلکو اعتصابونه او نا رضـــایتـــی داجتماعی او اقتصادی نابرابری په مقابل کی وی سره دی هم ځوانان اوزده کوونکی په زور او جبر سره داجتماعی او سیاسی ژوند په برخه کی راڅپکالو دموکراتیکو فعالیتونو ته رابلل کیدل .

دغه رازیه یولړزیاتو فلمونو کی دبیکاری ستونزه په تیر بیا پوهنتون دفارغ‌التحصیلانو دبیکاری اجتماعی پرابلم ښودل کیدی اوس ډوزیات شمیرځوانان‌دهندوستان دفلم‌جوړولو په سندیوکی دپه بیلابیلو ملی ژبو سره‌ددغـه هیواد په مختلفو ایالاتو کی دډول ډول‌فلمونو په جوړولو بوخت دی اوس په هندوستان کی دفلم جوړولو په برخه کی یوزیات شمیـــر ستر پرابلمونه اوستونزی منځ ته‌راغلی دی ، چی دهغی جملی څخه یوهم اجتماعی مخالفتونه او ټکرونه دی .

رښتیا هم یو فلم دډول ډول موضوعاتو په هکله تهیه کیږی او داسی کیسی، لکلـونه اوټولنیز موضوعات تفسیروی چی په هغه کی دښو اوفوق العاده کسانو پولیسانو، بد ا و ناوړه اشخاصو (لکه داړه ماران قاچاقبران او یا اروپایی ګانګسترانو) رول تمثیل شویدی. چی دغه ټوله دنیکمرغی ، عدالت او قانونیت دبریالیتوب په مقصد دی .

ځنی کسان ښایی دغه ډول قانونیت دتیری په مفهوم یادکی په داسی حال کی چی‌ښایی دغه راز په فلم کی دزور او تیری پولړ نور ډولونه چی اجتماعی پیغام او مترقی محتو ی

بقیه صفحه ۲۵

ارتش رهایی بخش...

های سرخ آن شقایق های خونین ، در زمین‌مبارزه تخم می‌افشاندند • قربانی های آن گل های سرخ، آن جوانه های جوان بودکه‌درخت‌انقلاب کبیر ومیهن اکتوبر رابه باروری‌استواری وسترگی رساند وآرتش شوروی را -بنیادنهادکاترین ها،نیکولای‌ها،الکساندرها (برادرلینن) راکشتند ، اما روحیه مبارزه را نتوانستند ازمیان بردارند •

پرندگانی که‌به پرواز آمده بودند ، عقابان‌آواره به مردن نمی‌اندیشید ند واز آن بیـــم نداشتند ، به پرواز می‌اندیشیدند به رفتن‌و رفتن ودر سرانجام رسیدن • آن هامی‌دانستند که پرنده مردنی است وباید پرواز را به خاطربسپارند•(۹)

درسال ۱۹۰۵، ۱۹۰۷،آن‌گل‌های پراگنده‌آن چراغ هاآن لاله های خونین که در زمستان بیداد سیاه کاران برای مدتی نه چندان زیاد خاموش شده بودند وپاشیده باهم یکی شدند، همبسته گردیدند ، مشت پولادین محکم شدنلوزمینه ی رستاخیزاکتوبر کبیر(۱۹۱۷)را فراهم کردند • وکاخ جادویی • اهریمنان رابه خاکایکسان نمودند • وبرو یرانه های آن درفش سرخ آزادی و صلح را برافراشتند • درخرابه‌های آن دنیای نوین ، آباد ورها از استثمار را بنیاد نهادند • سرود اتحاد و همبستگی سراسرجهان را سر دادند واین شعار شان که ، کارگران جهان متحد شوید ! دیگر شعربود، سرود بود ، شعر آزادی سرود رهایی وزندگی خواستنی ، زیبا وشکوفان وسر بلند -چراغ‌صاعقه‌ی این سحاب روشن باد (۱۰)

سر بازان ، ارتش های فدایی ، به دنبال‌پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر متحد شدند ،باهم یك دست گردیدند وسرود انترناسیونالیزم راهرچه رساتر سر دادند ، حوادث‌خونبارجنگ دوم جهانی به‌آرتش شوروی‌رهایی بخش‌آموخت‌که‌به هرسرزمین که پای می‌نهند سرود صلح را بخوانند وپیام آوران بهاران باشند • آرتش‌رهایی بخش شوروی که‌اندکی پس‌ازپیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بنیاد نهاده شد • بادانش‌نوین مجهز گردید وهمه‌ی پیکار این ارتش صلح وآزادی درراه تحقق بخشیدن آرمان های‌طبقه ی کارگر است • برای دفاع از حقـــوق مستضعفان می ستیزد واین ارتش حتی گلوله‌ای را در جهت تباهی انسان شلیك نمی‌کند • اشاعه دهنده اندیشه های والای مترقی است‌وپاسدار منافع زحمت کشان سراسر جهان•

اشاره ها :

۱- کارو- شکست سکوت، خون‌انسان‌ستم‌دیده قدح پشت قدح نوش کنید •

۲ هکل : اندیشه چیزی است جـــاری‌شده در زمان

۳- فروغ فرخزاد، چه روزگار تلخ وسیاهی•

-نان‌نیروی‌رسالت را مغلوب‌کرده‌بودوپیامبران گرسنه-
ازوعده‌گاه های الهی گـــــریختند•

٤-واصف باختری ، •••• تناوران همه‌گویی‌که سنگواره شدند •
وچهره‌هاهمه آیینه هـــای تیره ی مســـخ
ودست هاهمه چون دسته های زنگ‌آگیـــن
وگامهاهمه چـــون نبضی مـــرد گان قـــرون
ونامهاهمگی بنده ، بنده زاد ، غلام
وچشمه ها همه چون شیشه های‌زنگ آگین وخشم هانازای
وخواب ها سنگین
سپیده های در وغین به چشم هاچیره
گرسنگان‌بیابان را ببین چگونه به تصویر نان فریفته‌اند•

٥-فرخی یزدی ، درکف مردانگی شمشیر می-باید گرفت‌حق خودراازدهان شیرمی‌بایدگرفت

٦-احسان طبری ، یاد داشت ها فلسفی .

۷- جواهر لعل نهرو ، نگاهی به تاریخ‌جهان

۸- همانجا و همان کتاب •

۹- فروغ فرخزاد ، پرنده‌مردنی است‌پروازرابه خاطر بسپار !

۱۰- حافظ شیرازی ،

بقیه صفحه ۱۷

مردم می گفتند...

اکنون که بنا بر خواست تاریخ ، حکـم زمان واراده‌ی مردم • مرگ برامین شـده است واین جانور خونخوار به سزای اعمال وافغانستان عزیز پا بمرحله‌ی نوین انقلاب‌ملی سر زمین دیگر از دیدن اعضای باندجنایتکار امین وباند او خبری نیست وانسان های این علم وتحلیل حقایق در افغانستان ، حـــزب امین برخود نمی لرزند واز سراسیمه گی و بیچارگی نجات یافته اند یکبار دیگر درعمل می‌بینیم که خواب وخیال حکمروائی جبارانه بر مردم هرگز و به هیچ وجهه بر ابی دیر زمانی پاییدنی نیست وهر که برخلاف‌اراده‌ی مردم وخواست زمان حرکت کند دستخوش قهر و غضب تاریخ ومر دم خوا هد شد . و بالاخره اینکه در عمل ثابت شد که مرگ بر مردم نی بلکه مرگ بر دژخیم مردم‌یعنی امین سفاك آمد وگلوی کثیفش رابی‌رحمانه فشرد . مرگ بر امین وباند بی فر هنگش

زنده باد مردم ، زنده باد آزادی

بقیه درصفحه ٤۳

نوشته : نیلاب رحیمی

نگرشی بر کتاب نور وظلمت

نور وظلمت

در تا ریخ اد بیات ایران

تا لیف : میخا ئیل . ای .زند

تر جمه :ح . اسد پور پیرا تو

نشر یه انتشا رات پیام ـتهران

چاپ دوم سال ۱۳۵٦ هـش

۲۵۳٦ ۱۹۰ ص .

کسانی که به گذ شته تا بناك وپر درخشش ادب زبان و فرهنگ دری از چشم اند از تا ریخ در پهنه گسترده زمان عـلا قه دا رند ومـی خواهند از روال آن در روند تکامل اجتما عی وفر هنگی‌آگاه شو نـد از مطا لعه اثر پر ارج وبا اهمیت‌در (نور وظلمت در تاریخ ادبیات ایران) ناگزیر هستند با خواندن ایـن کتا ب د ر نظر خو ا نند ه ایـن حقیقت جلوه گر خوا هد شد که مو لف دا نشمند وکاو شگر درخلال پژ وهشهای عا لما نه یی که در ژر- فنای متون باز مانده‌از ادبا وسخنو- ران قرون وسطی حتی آثار اوستایی وپهلوی انجام داده است . ونتا یج سود مند ودر خور ار زشی را کـه لابـلای آنها دستیاب نموده.عصارت آنهمه تحقیقات قیمت دار را در اثـر طوری فرا روی خوا ننده قرار میدهد که مصداق را ستین مثـل(قلیل- اللفظ کثر المعنی) را بد ست مـی دهد . زیرا کرا کتر های را که وی تر سیم یکند وآثا ری را که نقا دانه بر رسی مینما ید ودر زمینه نظـر- یاتی را ارائه میدارد ، علیرغم ،آنکه خیلی فشرده بحث کرده است .باز هم عقده های ذهنی خوا ننده را می ،کشا ید ومعضله های را که دراند- یشه نقا دان کاو شگر وجود دارد تا حدودی حل مینما ید .

کتاب مورد نظـر ، بعد از یـك مقد مه وخا تمه ،توام با شرح حال مختصر مولف بقلم متر جم ، نزده مبحث ادبی را از زرتشت تا جا می احتوا میکند که البته تسلسل زمانی در ترتیب فصول رعا یت نگر دیده است گـذ شته از آن هر فصل از لحاظ اهمیت مو ضوع به‌بر رسی‌اثر یك شا عر ویا چندین شاعرتخصیص داده شده که محتمـلا به انتخاب‌و بر داشت خود مو لف مر بوط مـی باشد .

تر جمه ، کتاب بز بان سلیس وروان آمیخته با کلمات شستـه‌و آهنگین به شیوه خوب ودلنشین که اخیرا نگار ند گان جوان به آن‌سبك می خوا هند آثار خود را رو نـق دهند . پردا خته شده است .امادر- بعضی موارد واشتبا هات‌ولغزشهای آنهم در انتخا بات بر خی کلمات رو نما گرد یده که نمی توا نـد بر رو حیه نا سیو نالستی وشیوه نو پردا زی متر جم‌لطمه ای وا رد نماید . مثـلا : کلمه «تبعید» رادر مورد بودا استعمال کرده مینگاردکه (باز در ین زمان بود که گو تامابودا در هندوستان به تبعید گردن نهاده وبودیسم را بنیان گذاشت . (ص۳) تبعید ـ دور کردن را معنا میدهد «منتخب اللغات» در حا لیکه بـر شبها دت تا ریخ بودا را کسی از حلقه مر بو طه او دور نکرد بلکـه خود شس کنا ره گر فت‌وبر یاضت نفس تن در داد .در ین صو رت بجای تبعید اگر ریاضت ، گو شه- گیری ، متواری شدن ، عزلت گزینی ودر سیاست معنی ترك دنیا «پازدن بر تعلقات ما دی »را میا ورد، تـا حدودی جمله مفهوم ، محکم ومضبوط بد ست می آمد .

بد یهست که از هر دا نشمند ومحقیقی در خـلال تحقیـق وتد- قیـق علمی واد بی اشتبا ها تـی رونما میگردد . اما این نکته‌رانباید فرا مو شس کرد که پژو هشس دا- نشمند ژرفنگر واند یشمند ،برای خوا نند گانی که داهیانه مطا لـب اثری را دنبال میکنند . آزمو نـده‌و راه گشا است. لیکن تالیف نگارنده عجول وسطحی نگر گیـج کننده و راه گم گرمیبا شد . اگر ما بخواهیم دردنیا یی که زند گی میکنیم . اثـر علمی ای را که خا لی از اشتبـاه وصد در صد مورد اعتماد وقبـول حلقه های علمی ونقا دان ادبی‌باشد، پیدا کنیم . بدون ترد ید ،دستیاب کردن آن‌سخت ودشوار خوا هد بود

وآثاریکه آزین بخش قفسه کتـا ـ بخا نهای ما شده اند. ازهمان‌دوحا- لت متذ کـره بیرون نیستند . درهر دو حالت مبین عمق اندیشه تعیین کننده مو قف علمی و رو شنگر دقت نظـر مو لفان آن آثـار از لحاظمتن ومحتوا میبا شند ونشان میدهـد که نگا رند گان تا کدام پا یه چیره- دست وبه چه‌پیما نه نارسا بوده‌اند. بادر نظـر گر فتن معیار های متذ- کره میتوان ابراز عقیده کرد که‌مو- لف کتاب نورو ظلمت در زم ره آن عده نگا رند گانی محسوب است که اشتبا هات اندك شان برای خوانند- گانی که مسا یل را نقادا نه بررسی میکنند از ارزش مقام علمی‌شان‌نمی کاهدروی همین علـت بـود کـه نگا رنده این سطور بـرای آموزش مزید خویش خوا سـت بابعضی مطالب را بانگرش نقادانه ارزیا بی نما ید .

نور وظلمت از جمله آن آثـارار- زشمندی است که مندر جا تشـ اهمیت چشمگیر زبان وفر هنگ‌با- ستا نی ما را در رو ند تکا مـل تا ریـخ بیشتر از پیشتر رو شـن کرده است ،مو لف با نکات تـازه وبکری که‌دراین کتاب آورده‌است،در جمله‌سایرآثار ادبی خودجلوه‌نوینی‌به آن داده وبه رو نـق دادن آن همت گما شته است که‌میتوا نند بمثا بـه پایه های علمی این کتاب بحساب آید .

چون نگار نده این سطور د ر لا- بـلای کتاب به‌موا ردی بر خورد که نشا ندا دن صحت آنها با ستناد اسناد ومدا رك مو ثق لازم ووا جب بود. لـذا طرح این‌مقال را ریخـت تاصو رت درست آن مطا لب را بـه خوا نند گان کتاب پر ار زش‌نورو ظلمت‌تقد یم نما ید. گر چه بایـد اذهان‌کرد که:

درپر طاوس که زر پیکر است
سر زنش پای کجا در خوار است

در صفحه سیزده کتاب مطمح‌نظر این مطلب که (... ظاهرا در دوران حکو مت خسرو اول(انو شیر وان) افسا نه ها وحکا یات تا ریخی جمع آوری وتنظیم شد ...) آمده کـه ایجاب تحقیق بیشتر را مینما ید. از خـلال پژو هشهای کر ستن‌سن که در تحلیل جز ئیات وقا یـع سا سا نی نظـری صائب واند یشه حا یطدارد از چنان جر یا نی یـاد آور نشده است .(ایران در زمان ساسانیان‌چاپ‌چارم۱۳۵۱ص‌سیصدو هشتاد وهفت ـچار صدو شصت‌ویك ترجمه رشید یا سمی) و«تنوو دوز- نولدك» نیز در حما سه ملی ایران ص بیست ودو تر جمه بز اك علوی طبـع تهران ۱۳۲۷ این‌روا یت را خا لی از اعتبار میدا ند . بقـول همین مو لف منبـع این‌روا یـت مقدمه ایست که با مر با یسنقر ـ مرزا شهزاده تیموری بر شاهنا مـه نبشته‌شده . اما یك‌فهر سـت مختصر از شا هان با ستا نی آریانا تدو ین شده که در زمان خسروانو- شیر وان‌بدست آمده که دشواراست برآن نام جمـع آوری حکا یـات‌و افسا نه های تا ریخی را نهاد ویـا آنرا چیز بزرگی مثل ما خذ تلقـی کرد(ص بیست‌و دو همان رسا لـه) در ص بیست‌و هشت را جـع بـه «برطخا رستا نی» میخوا نیم، طخا- رستان زاد گاه او ست که اکنون در جنوب پا کستان ونا حیه بلـخ وا قـع است.»که اگر به نقشه مو- جود ، آسیا هم نظـر اندا زی‌نما- ئیم ، خو بتر وا ضـح خوا هد شـد که طخار ستان از مرز پا کستـان صدها کیلو متر فا صله دارد وجزو خاك افغا نستان وامروز از ولا یات

این سر زمین با ستا نی‌است وزوز-
گاری که از توا بع بلخ شنمرده‌می
شد باز هم در جنوب پا کستان
مو قعیت ندا شت واصلا کشو ری
بنام پا کستان مصداق خار جی پیدا
نکرده بود . طخا رستان از مناطق
شما ل‌هندو کش‌واز منا طق با-
ستا نی وشا داب افغا نستان‌محسوب
میشد .

در ص بیست‌وهشت درج‌است‌که
در ابو نواس (۱۶۶-۱۹۸) و تائید
سنوا ت‌متذ کره در مورد تو لد
ومر گ شا عر عرب‌زبان مذ بور
نظر به مدا رك دست دا شته
در ست نیست وا بو نو اس بقول
خطیب ابو بکر صا حب تا ریخ
بغداد بسال ۱۴۵ تو لد شده است‌و
در بر خی مناپ حتی ۱۲۶ هم
گفته شده است . را جع به تا ریخ
وفات او سال معین وجود ندا رد.
مور خان سال های چندی را ذکر
کرد ند مثل یکصدو نودو پنج -
یکصدو نودو شش -یکصدو نودو-
هشت ، (اك ، نامه دهخدا آر یانا
دائرة المعا رف) وحتی ابن ند یم در
بادو تا ریخ در باره سال وفات
ابو نواس مواجه هست در آنجا
که سال وفات معراج بن‌عمروسدو-
سی عجلی ذکر میکند میگو ید
در سال یکصدو نودوپنج روزوفات
ابو نواس‌در گذشت.»ص هشتادو-
چهار الفهر ست ، تر جمه رضا
تجدد طبع تهران ۱۳۴۶ وجای‌دیگر
سا ل و فا ت ا و ر ادر بگا ه
شته پیش از باز گشت مامون
از خراسان بسال ۲۰۰ هـ ، نشان
میدهد وحتی به ابن قتیبه که‌سال
فوت شاعر را سال ۱۹۹ گفته،
اعتراض میکند (الفهر ست ص
۲۶- تر جمه رضا تجدد) درین
صورت سال وفات ابو نواس را
باید بصو رت حتم ۱۹۸ و سال
تو لدش را ۱۶۶ هـ ، که عدد اخیر
بکلی اعتبار ندارد ، تعیین کرد .

در ص ۳۶ آمده است (خر بنده
ای چنان ازین شعر تاثیر پذ یرفت
که طی چندین سال مبارزه علیه
نفوذ بیگانه شعر مز بور ستاره
رهنما و چراغ را هشس قرار
گرفت .) منظور مولف ازین خربنده
همان احمد بن عبدالله الفجستانی
مقتول در سنه ۲۶۸ هـ بد ست
غلا مانش در نیشا پور) میباشد.
که او علیه نفوذ بیگانه مبارزه
کرده است . عروضی از زبان او
چنین حکایت میکنند : (... رای من
به آن جمله قرار گرفت که دست
از طاعت صفار یان باز داشتم و
خواف را غارت کردم و بروستای
بشت بیرون شدم و به بیهق در
آمدم ، و دو هزار سوار برمن
جمع شد ، بیا مدم و نیشا پور
بگر فتم و کار من بالا گرفت و
ترقی همی کرد تا جمله خرا سان
خو یشتن را مستخلص گردانیدم)
(چهار مقاله ص ۴۳ طبع تهران
سال ۱۳۳۳ بکو شش داکتر معین).
احمد بن عبد اله خجستا نی از
امرای طاهر یه بود . بعد از
انقراض آن دود مان بخدمت
صفار یان پیو ست ، پس از آن
سر کشی کرد . با عمر و لیث در
نیشا پور مصاف داد ، اوراشکست
وقصد فتح عراق نمود.) (ص ۶۹
تعلیقات چهار مقاله از داکتر
محمد معین به نقل از (ابن اثیر
ج ۷ ص ۲۰۴ - ۲۷۴) طبع تهران
۱۳۳۳) وبا ستناد سا ئر ما خذ
مثل تاریخ گر دیزی (ص ۱۴۲) و
تاریخ سیستان (ص ۲۳۷ - ۲۳۸-
۲۳۹) بخو بی میتوان در یافت
که خر بنده مذ بور علیه نفوذ
بیگا نه مبارزه نکرده بلکه برای
فرا چنگ آوردن قدرت با دود مان
صفاری داخل پیکار و کار و زار
بود که تا کشته شد .

ص ۳۸ ، طا هر یان (۲۰۶-
۲۶۰) این تاریخ گذاری در باره
طاهر یان درست نیست . زیرا
طاهر از طرف ما مون در شوال
۲۰۵ به ولایت خرا سان منصوب
گردید، ودر ربیع الاخر ۲۰۶ هـ به
خراسان آمد و در جمادی الاخر
۲۰۷ در همان شبی که روز آن‌نام
مامون را از خطبه انداخت واستقلال
خرا سان را اعلان کرد ، وفات
یافت (زین الاخبار ص ۱۳۵)طاهری
باآنهم دو لت طاهری بعد از مرگ
طاهر تا دوم شوال ۲۵۹ در
خراسان دوام یافت و در همان
سال یعقوب لیث بر نیشا پور
غلبه کرد و محمد بن طاهر را
بند کرد و به حکومت دود مان
طا هری خاتمه داد .

(زین الا خبار ص ۱۴۰ طبع
تهران ۴۷م) (بکو شش حبیبی)
درین صو رت سال ۲۰۶ و سال
۲۶۰ نادرست است زیرا اگر در
تا سیس دولت طا هری انتصاب
طاهر را بحکو مت خرا سان در
سال ۲۰۵ هـ و یا اعلان استقلال
او را در سال ۲۰۷ هـ اعتبار دهیم
در هردو صورت سال ۲۰۶ اهمیت
خود را میبا زد .

در ص ۶۹ مطلب ذیل را می
خوانیم : (در سال ۴۰۰ هـ وزیر
جد یدی بر مصدر کار نشست.
این رئیس الوزرا احمد بن حسن
میمندی نام داشت .) مولف بازهم
در تعیین تاریخ جلوس و زیر جدید
بر مسند وزارت غزنه اشتباه کرده
است . و برای اینکه به تاریخ
درست این جلوس د ستیا بیم سری
به تر جمه تاریخ یمینی (تر جمه
جرفاد قانی طبع تهران سا ل
۱۳۴۵ بکو ششس احسان یار شاطر)
بز نیم تا دیده شود که این مورخ
که از معا صرین احمد بن حسن
میمندی است کدام سال را اعتبار
میدهد او میگوید : (و سلطان
دهقان‌ابو اسحاق محمد بن الحسین
را که رئیس‌بلخ بود بحساب عمال
و تحصیل بقا یای اموال نصب
کردواو در سنه احدی ورا بعما یه
به هرات رفت و بحسن تدبیر و
لطف رعایت ، مالی فراوان حاصل
کرد ، و بمد تی نز دیك حملی
وافر بخزانه فرستاد ، و ابوالعباس
هنوز درمنصب وزارت مقیم بود...)
(ص ۳۳۹) ومأ خذ دیگر نیز باین
جریان متفق اند که (ابو العباس
اسفرا ینی از سال ۳۸۴ تا سال
۴۰۱ وزارت محمود را میکرد.)
رك ، حماسه سرای در ایران ص
۱۸۵ تالیف داکتر صفا طبع تهران
۱۳۵۲)

ص ۶۹ - (قدیمی ترین ودقیق
ترین افسانه در باره شا عر
(فر دوسی) و سلطان محمود چند
دهه بعد از مرگ شاعر توسط
نویسنده نا معلوم تاریخ سیستان
سا خته شده است .) این قدیمی
ترین افسا نه همان گفت وشنید -
نیست که در حین تقدیم شا هنامه
بین فر دوسی حماسه سرای
بزرگ خرا سان و سلطان محمود
غز نوی ، پیرا مون شخصیت‌رستم
قهر مان بزرگ شا هنامه،صورت
گرفت که در صفحه ۷ و ۸ تاریخ
سیستان و بکو ششس ملك الشعرا
بهار طبع سال ۱۳۱۴) درج است.

پر واضحست که تاریخ سیستان
تا هنوز مولف معلوم ندارد ، اما
کو ششس های مبسوط و عا لما نه
مصحح محترم آن ملك الشعرابهار
در مورد سال تالیف این اثرپرارج
گره کشایی کرد . و تا حدو دی
به کمك پژو هشهای کاو شگرانه
و ژر فنگری های عا لمانه مبنی
بر یك مشت شواهد مورد قبول به
نیاز خوا ننده گان پاسخ نزدیك به
یقین داده و روشن کرده است که
قسمت اول این تاریخ پیش ازسنه
۴۶۵ هـ که سال مرگ تاج الدین
ابو الفضل امیر سیستان است
نبشته شده است (تاریخ سیستان
مقدمه ص ی و یا) درین صورت
بایست خاطر نشان کرد که بین
مرگ فردوسی و آخرین سال
تالیف قسمت اول تاریخ سیستا ن
در حدود نیم قرن فاصله وجود دارد
که چندان بعید به نظر نمی رسد.
و اگر سال ختم شا هنامه را ، که
بقول خود مولف سنه ۴۰۰ هـ ،
است . اعتبار د هیم باز هم‌فاصله
مز بور نمیتوا ند دور تر ازشصت
سال باشد . لذا این روایت را
نباید افسانه ساخته شده پنداشت
و یا آنرا افسانه قلمداد کرد . و
افسانه به آن روایات واهی گفته
میشود. که‌اسناد ومدا رك از تعیین
زمان معین برای پد یدار شدنو
تائید محتوا ی آنها عاجز باشد.
درین صورت روایت تاریخ سیستان
رانمیتوان افسانه پنداشت وبراهین
دیگری هم موئید تاریخی بودن آن
میباشد که درین مختصر پیرامون
آنها نمیتوان بحث مبسوط کرد .

صفحه ۲۷ - «او (رستم) در
مر تفعترین قلهٔ ایران یعنی دماوند
جد بزرگ کیان ، یعنی کیقباد
برادر آخرین پاد شاه پیشداد یان
را پیدا میکند .» در بیان بالا دو
اشتباه مولف را دست داده است.
نخست آوردن رستم قباد را از
دماوند ، است که به هیچ صورتی
نمیتواند مورد تائید واقع گردد،زیرا
قله ها جای بود و باش نیستند و
گذشته از آن در ، شرحی که
فر دوسی از داستان آوردن رستم
قباد را از البرز کوه ، مید هد،
از دماوند اصلا ذکری نیست و نه
هم طبری وبلعمی وثعالبی ، ذکری
ازین قله دارند . معلوم نیست که
مولف نور وظلمت این قله راچراذکر
کرده است. فردو سی میگو ید:

بر ستم چنین گفت فرخنده زال
که به گیر کو بال و بفراز یال
برو تازیان تا یا بلبر ز کوه
گزین کن یکی لشکر همگروه
(شا هنامه ا ص ۲۵۹ بکو شش
دبیر سیا قی)

ناتمام

نور عوام ...

ظالمان دی او خپل ځانونه یی امریکی وپیر نگیانو ته خر څه کړیدی په دی خو زموږ ټول هیواد وال پو هیږی چی دغه ورا نکاران تر څو چی د خپلو با دارانو لخوا یوڅه هډوکی او . . . لاسته رانه وړی کله دا کارونه کوی !

نو موړی زیاته کړه چی : زما هیله دټولو هیواد والو څخه داده چی پس له دی ددغو پر نگیا نو په‌چال تیرونه وځی‌اود خپل مترقی دولت‌سره دی‌لاس‌یوکړی اودغه‌ورا نکاران‌په هر ځای کی چی‌دی دولتی مقاماتو ته ور وسپاری .

یوبل هټی وال چی نوم یی شاه‌ولی دی‌داسی وویل ز ما خوهم یوڅه واوره ! وایم مهربانی وکړه وروره موږ خو ستا سو په خدمت کی یو ، وایی :

دغه کسان چی زموږ ملی سرمایه لوټوی او اور ورته اچوی ټول هغه کسان دی چی د امریکی ،مصر چین او اسرائیلو لخوا مر سته ور سره کیږی او په پا کستان کی روزل کیږی بیا دلته راځی او زموږ بیچاره خلك چی د ورځی کار کوی او د شپی خپله هغه پسی یی چی گټلی یی دی یوه دوی ډوډی خپلو ماشو مانو ته وړی ، هغه پر ودروی او هغه واړه ما شومان چی د شپی د خپل پلار ، مور او ورور څخه ډوډی غواړی نا امیده کړی . نو موږ لدی نه پس تر آخری سلگی پو ری ددوی په مقا بل کی دریږو او د دوی ریښی له بیخه باسو مرگ دی وی پر لوټمار انواو پرنگی کو ډاگیانو باندی .

په‌دغه‌وخت کی‌یوبل ښاری‌چی‌دسودا دپیرو دلو په‌حال کی دی را نږ دی کیږی او داسی وایی : وروز جانه د پنجشنبی په ور ځ چی دوکانونه بندشوی‌وو والله هی که زموږ په کور کی بی له وچی ډوډی څخه بل‌څه پیدا کیده .

ـتاسی په دغو څو ورځو کی څه وکړل او څه شی مو وخوړل ؟

هیڅ یو څو پیسی مو چی درلودی څو دانی ډوډی به مو رانیو لی اود اوبو سره به‌مو خوړله په‌خدای می قسم دی چی چای او بوره هم زموږ په کور کی نه وه شپه او ورځ به مودا دعا کو له چی ای خدایه ته دغه دین خر څو نکی چی په نا مه مسلما نان مگر په اصل کی اصلی بی خدایان دی زموږ له ملکه ورك کړی ، چیر ته چی وطن پلورو نکی دی او دین خر څونکی دی خدایه ! ته یی کور وران کړی او په خپل قهر اوغضب یی گرفتار کړی .

وروږ جانه داڅه حال دی دغه وطن خر څونکی چی دلته د هغوی چال چلند نورته چلیږی اوس دخپلو با دارانو لخوا تقو یه کیږی او دلته را لیږ ل کیږ ی . اوس چی زموږ انقلاب خپل نوی پړاو ته رسید لی دی او وینی خوړ نکی لو ټما ران له‌منځه تللی دی پر موږ ده چی ددغو اعمالو مخه دخپل دولت سره یو ځای ونیسو اود غه غله دخپل هیواد څخه وباسو .

یوبل نفر چی پټا ټی خر څوی ځان داسی معر فی کوی: زما نو م رستم دی او قا بل بای کی استو گنه لرم .

ـپه دغو څو ور ځو کی چی بازار بندو څومره تاوان به در ته رسید لی وی ؟

ـپه دغه څو ورځو کی چی‌با زار دخائنانو او ظالما نو لخوا تړل شوی و، زموږ کار هم هسی بند و اوپه دغو ور ځو کی می زر افغا نی تاوان کړ یدی دغه پټاټی چی زما پر کرا چی باندی وینی زما دخپلی ځمکی څخه دی چی ددو لت لخوا راکړ شویدی کومه ورځ چی سودا نه وی یو عالم تاوان کوم ولی چی دادی پسرلی نژدی‌دی اوبیا زموږ دکر وندی کارو نه پیل کیږی بیا نشم کولای چی دلته را شم او خپل محصو لات خرڅ کړم .

نوموړی زیاته کړه چی :

زما له دغه کار څخه پنځه لس کسه ډوډی خوری چی زما ماشومان دی اوزما کشر ورور چی مکتب وایی او هم می مور او پلار. ددو ی ستر گی پر ما دی چی کار وکړم او دوی‌ته یوڅه برابر کړم نو دغه ظالمان چی با زا رونه بندوی دا خو بی له تاوان چی بیچاره گانو باندی ظلم‌دی کوم‌ښه کار ندی دا چی کورونه سرځوی او یا دا چی موټر ونو ته اور اچوی ، واړه ما شومان غولوی او خپل ناوړه اعمال چی ددوی دبا دارا نو لخوا ور ته امر شویدی په کار اچوی هیڅکله وطنپا لنه ور ته‌نه ویل کیږی بلکی ددوی دا کار ونه ا سلا می ضد او انسانی ضد کارونه دی چی پر مخ‌یی بیایی په‌دغه څوورځو کی چی بازا رونه تړل شوی وه غیر لدینه چی زما کار بندو زموږ دکور اړتیاوی چی ضرورت مو ورته لرله زموږ لاس ته‌نه را تلله او ډیر په زحمت مو ژوند تیر کړ دغه کسا ن چی انسان ور ته نه ویل کیږی اصلا نه غواړی چی زموږهیواد مخ‌په وړاندی لاړ شی او زموږ هیو اد ترقی وکړی نو موږ پردی با ندی باور او ایمان لرو چی او س مو ږ ټول پو هید لی یو او هیڅکله ددغو وحشیا نو په چال چلند نه غو لیږو او س نو زموږ ټول ورونه دبازارونو څارنه‌کوی‌او موږپه‌ډاډه‌زړه خپل‌کارته ادامه ور کوو او په دغو اعمالوباندی هیڅ نه تیر وځوو .

بریالی دی وی ز مو ږ انقلا بی دو لت چی ددی هیواد د خلکو آرامی او لوړ تیا غواړی .

بقیه صفحه ۱۵

مسوولیت

مجله ژوندون تقدیم کنم وی خودرا محمود معرفی نمود ، او هم واقعه ۳ حو ت رایك عمل وحشیانه و جنایتکارانه خو ا ند، در مورد مشکلا تی که مسدود بود ن‌دکا ن ها برای شان بار آورده بود افزود: مد ت دو روز چا ی تلخ وتا ن بی نمك صر ف نمودیم ، تصادفاً که بوره هم در خا نه موجود نبود واز بخت بدنمك نیز تمام شده بود و قرار بود در جمله همه اشیا ی مورد ضرورت خانه بوره ونمك نیز خریداری نمایم که واقعه ، بوقوع پیوست واز درك نداشتن این دو شی ضروری دچار مشکلات گردیدیم در همین مو قع شخصی دیگری که متوجه صحبت ما بود و چو ن خود ش هم از ین واقعه متاثر بود داخل صحبت شده گفت: همان روز خمیر نموده بود یم ، به هرنانوایی که روان کردیم می دیدیم مسدود است، دریکی از نانوایی ها که نان توزیع می نمود آنقدر از دحام بود که نان به کسی نمی رسید چه رسد به‌اینکه‌نان دیگران را بپزد، مجبور مدت سه روز همین تر تیب در خانه نا ن تا بگی پختیم وصرف نمودیم ، نظیر ا ین مشکلات زیاد برای ما ایجاد شد که کدام یك را زود تر بگویم . از خریدار ان و از گفتنی هایشان که‌با ما درمیان گذاشتند تشکر نموده از ایشان خدا حا فظی نموده رفتم تا از پر چو ن فرو شا ن رو ی بازار سخنانی بشنوم، پرچون فر و شی را دیدم که تما م سامان‌وآلات از قبیل سامان با زی اطفال ، واشیا ی پلا ستیکی ، سگرت شانه وآئینه وغیره سامان را به روی‌سرك‌به روی شا لی گذاشته وبه فروش آن مشغول است ، از او میخوا هم تا خود را معر فی کند و باما صحبتی دربارهٔ خرابکا را ن‌و جنا یتکا ران بنما ید : وی خود ر انورمحمد سا کن سید نورمحمد شاه مینه معر فی نمود ، وی افزود مدت شش روز که البته دو روز آن به خا طره با رندگی و چار روز آن به خا طر مرد ما ن خرا بکا رودزد که این همه شور ماشور وبی نظمی را در شهر اندا خته بود ند نتوا نستم به غریبی خود بر سم و هشتاد و یا نود افغانی که‌در روز فروش می نمود م آنرا بد ست بیا ورم وازین درك خیلی نا راحت و غمگین بود م که‌چطور خرج شباروزی فامیلم را تهیه کنم از کدا م مدرك ؟ یگا نه عاید م که از طریق فرو ش همین اموا ل بود در هما ن چندروز قطع گردیده بود ، پر سید م:آیا خر ید، و فروش تا ن مثل سابق جر یا ن دارد ، کسی برا ی تا ن مشکلات و یاآزادی نمی رسا ند ؟ با خو شی گفت : نه خیر حال خیلی خوش هستم که دو باره توانستم به کار وغریبی خود به خاطر آرام و آسوده وبدون کدام ترس می رسیم .

سیف‌الدین یکی دیگر از دست فروشانی بود که دریك دست خر یطه آلو بخا را ودر دست دیگر ترزو بایك‌پاو آلوبخارا،رابه فرو ش می رسا ند صحبت نمود یم ، وی گفت : مدت پنج روز من بدون کار و بار گذشتا ندم ،کار من خر ید وفروش‌آلوبخا راست، و بافروش آن وپولی که‌بدست می آورم شش نفر رانان میدهم و تقریبا روزا نه در حدود هشتاد افغانی از درك‌فروش آن بد ست می آورم ، حال شما بسنجیدکه مدت پنج روز خساره ام به کجا می رسد؟ از او خوا ستم تا در بارهٔ آتش سو ز ی ها وخرا بکا ری ها یی‌که درین اوا خر بو قو ع پیو ست چیزی بگو ید : شرو ع به‌صحبت نموده‌گفت:ضرری‌که به‌مردم غرب‌و بیچاره می‌رسد تمام این نقص‌وزیان چیست ؟ خو همه آنها از دست این مرد م خرابکار و شر انداز است که هیچ کس را آرا م نمی گذارند ، در هر جا ببینی اشا ره ترا فیکی کنده شده، موتر سوختانده شده ، مردم نا آرام ، فکر شا ن پر یشان، غریب کار از غریبی مانده، پس کدام کار های خرا ب شان را زودتر بگو یم . ازوی خدا حا فظی نموده در لحظات آخر مصاحبه سرا غ یکی از روغن فرو شا ن شهر را گرفتم تا اوهم گفتنی های خودرا در ین مورد با مادر میا ن بگذارد :

اسمش قدم علی سا کن دشت بر چی‌است وی درین مورد اظهار داشت .

هشت نفر فامیلم راا ز درك فرو ش‌روغن نان میدهم ، سه روز دکان ما بسته بود و هیچ پو لی هم با خود ندا شتم تا درین مدت سه روز خر چ وخوراك خود را تهیه کنیم .

مجبور شدم‌مبلغ هزار افغانی که به سر یکی از خو یشا وندان خود داشتم ،از نزد او گر فتم ودر همین مدت‌آ نرا مصرف نمودم که خدا مهربان شد و واقعه به خیر گذشت وروی دشمنان ما سیاه شد ، کاری دیگری نکردند غیر ازینکه ما مرد م بیچاره وغریب را سر گردان و پر یشان سا ختند وحال دو باره ما دکان های خود را باز و به کا ر و غر یبی خود مشغو ل هستیم.

بقیه صفحه ۳۵

نقش ارتش شوروی...

«دست هاازروسیه شوروی کوتاه!»:

کارگران و دهقانان روسیه شوروی درمبارزه شان تنها نبودند. برادران شان (کارگران دردیگر کشور ها)بکمك آنها شتافتند: هنگری ها ، چك‌ها، صرب‌ها، بلغاریایی‌ها، جرمن ها، فرانسوی ها، حتی چینایی‌هاو کوریایی هاجهت خدمت به‌اردوی شوروی‌پیوستند. مردم‌شوروی از حمایت و کمك رفیقانه تمام کارگران جهان برخوردار گردیدند . کارگران در اروپا وامریکا از حکومات شان تقاضا نمودند تادست های مداخله شانرا از شوروی کوتاه نمایند.

عساکر خارجی از جنگ علیه اتحاد شوروی امتناع ورزیدند . افراد قوای بحری فرانسوی بالای کشتی هایی که درساحل سیباستوپل واودیسه لنگر انداخته بود، بیرق های سرخ‌را برافراشتند. کارگران بر تانیایی از بارکردن کشتی هایی که اسلحه رابرای گارد های سفید در گیرباشوروی انتقال می‌دادند ، امتناع‌نمودند همچنان کارکنان خط ریل جرمنی ،واگن هایی راکه مال التجاره رابرای گاردهای‌سفیدمی‌بردند بالای سرك های فرعی منحرف ساخته و توقف می‌دادند کارگران سراسر جهان‌جمهوری شوروی رافقط بخاطر مبارزه شان کمك میکردند . لنین میگفت :

«به‌مجردیکه بورژوازی بین‌المللی دست های شانرا علیه مابلندکردند توسط‌کارگران خودشان عقب زده می‌شد .)به‌پیروی ازین‌نمونهٔ مبارزات مردم شوروی ، کارگران‌بسیاری‌کشور هااحزاب کمونیستی را تشکیل داده وعلیه آنهایی که بالای شان ظلم‌میکردند مبارزه‌رابراه آندا ختند

«شکوه وجلال این سا لها هرگز فراموش نخواهد شد ....»

اردوی شوروی دنیکین را شکست داد بعدا او کراین وقفقاز شمالی را آزاد ساخت مگر تاآنوقت کریمیا در اشغال «ورانگل‌جنرال گارد سفید بود زیرا قوای ضدانقلابی پولندی تهاجمی رادر غرب براه انداخته بودند این سال ۱۹۲۰ بود .

گریگوری کو توفسکی :

در میان‌واحد های اردوی شوروی که‌با قوای گار د سفید در جنگ بودند. یکی هم بخش سواره نظام بودکه تحت‌فرمان گریگوری‌کوتو- فسکی قرار داشت . موصوف بعداز ختم جنگ داخلی به‌حزب کمونست شامل گردید وبکلی زندگی‌اش راوقف انقلاب ، حزب ومردم نمود.

بریگارد او در جنگ بخاطر آزاد ساختن‌او کراین از تصرف ضد انقلابیون پولندی اشتراك داشت . در جنگ های شدید افراد او دلیری شانرا نشان دادند ومهارت وتدبیر قوماندان شانرا که همیشه باکاردانی بر مشکلترین اوضاع فایق می‌آمد می‌ستودند .

بلشویك ها طی جنگهایی که انجام دادند تجارب زیادی بدست آورده وآبدیده شدنددر میان ایشان (نیکولای استرو فسکی) را می‌توان نام برد . کسیکه بعدها کتاب برجسته یی را بنام «فولاد چگونه‌آبدیده شد؟» نوشت .

نیرو های گارد سفید شکست خوردند :

اردوی شوروی گروپ های‌ضد انقلابی‌پولندی رادوباره بطرف غرب راندند. اکنون‌پرابلم عمده شکست دادن جنرال ورانگل وآزاد کردن کریمیا بود ومیخائیل فرو نز بخاطر فرماندهی نیروهای اردوی شوروی درین امر مهم گماشته شد.

یگانه راهی که‌به کریمیا ارتباط داشت عبارت از تنگه خاکی (پیریکوپ)بودکه‌در آنجا نیروهای گارد سفید دارای‌استحکامات‌قوی‌بودند .طوریکه در سراسر امتداد این راه که هشت کیلومتر طول داشت درخندق‌های عمیق موضع گر فته بودند ودر عقب آن باره های بلند با چندین ردیف سیم خاردار قرار داشت .

آنها همچنان در بالای این باره‌هابه تعداد ۷۰ قبضه تفنگ ثقیل ـدر حدود ۱۵۰ ماشیندار را جابجا کرده بودند . از جانب غرب هم جنرال ورانگل باتفنگ های کشتی های جنگی در بحیره سیاه مجهز شده بود . از جانب‌شرق حدود این باره های مستحکم تا کنار باطلاق‌های کم عمق «سیواش» یابحیره روتین ـیك‌خلیج بحیره آزوف‌ـمیرسید.فرماندهی‌اردوی‌شوروی تصمیم گرفت تااز خشکه وبحر همزمان بالای «پیریکوپ» حمله کند .

حمله در شب ۷ نوامبر۱۹۲۰ (مصادف به‌روز سومین جشن سالگرد انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتوبر)شروع شد . تروپ های اردوی‌شوروی در حالیکه تفنگ های ثقیل ماشیندارها ومهمات شانرا به زحمت توسط چیلك های شناورازعقب خود می‌کشیدند بحیرهٔ سیواش را عبور نمودند.

آنها در میان آب وگل که تاکمرشان میرسید راه رفتند وعلی الرغم وزیدن باد سرد وتند یکه دایم آنهارا اذیت کرده‌وبه پائین می‌کشاندو ویا بزمین می‌لغزیدند ، پیش می‌رفتند ودر تحت آتش قوی دشمن ، اردوی شوروی از ساحل عبور کرده و ردیف سیم های خاردار را قطع نمودند .بعداز یك‌جنگ‌پیگیروشدید استحکامات در عقب دشمن اشغال گردید .

...آنشب تنگه‌پیریکوپ‌اشغال گردیدوآزادی کریمیابدست آمد .در ساباستوپل باقیماندهٔ نیروهای تارومار شدفورانگل شتاب زده از طریق بحر فرار کردند . روز ۱۵ نوامبر اردوی شوروی شهر مذکور را آزاد کردو روز ۱۷می کریمیاکاملا آزاد ساخته شد. این پیروزی عمدتا ضامن ختم جنگ های داخلی در شرق دور ـجنگ علیه گارد های سفیدو مهاجمین جاپانی بود که تاسالهای ۱۹۲۲ ادامه داشت.

کارگران و دهقانان جمهوری‌جوان شوروی در جنگهای داخلی پیروز گردیدندواز دولت شوروی ومیهن سوسیالیستی شان دفاع نمودند آنها بخااطری در جنگ برنده شدند که آنها بخاطر یك آرمان بزرگ ودوست داشتنی‌ـیعنی بخاطر آزادی خودشان می‌جنگیدند . آنهاتوسط حزب کمونست که در راس آن لنین قرارداشت رهنمایی می‌شدند . کارگران ودهقانان ملیت های گوناگون درجنگ‌علیه‌دشمن باآنها پیوستند

طی‌این مبارزات، کارگران‌کشور های سرمایه داری بهترین کمك های شانرا به مردم شوروی انجام دادند .

بقیه صفحه ۲۷

بی اعتمادی بزرگترین...

توا نستم خوا هش وآرزوی دخترم را ایجابت کنم فکر میکردم که‌برای همیشه احساسات دخترم را جریحه دار ساخته ام . ازاین‌رو آن روز صبح از پدرش پول خواستم و لی شو هرم به این حرف من گو ش نکرد و اصلا تو جهی نمود و بها نه آورد که‌پول ندارد و هنوز وقت معا ش دور است در حا لیکه خو ب میدا نستم او پول دارد اما نمی خواهد که بدهد بهرتقدیرچای‌تمام‌شدو اواز جا یش بر خواست که سوی دفتر و کارش برود بکس دفتر خو یش را گر فت وسوی در رفت در همین حال از جیب عقب پطلوتش یك نوت پنجصد افغانی به زمین افتاد ، آهسته بدون اینکه شوهرم متو جه گردد پول را از زمین بر داشتم ، ولی‌شوهرم متوجه شد که من چیزی را از او پنهان‌میکنم گفت چه‌چیز رامی خواهی پنهان نمایی گفتم چیزی نیست و لی او بیشتر سوء ظن برد وبی اعتماد شد ، من برای اینکه دروغ شوهرم در مقابل من و در برابر دختر ش برملا نشود کوشش کردم که این پول‌را دروقت مسا عد دوباره در جیبش‌بگذارم‌ولی شو هرم با بی اعتماد ی فو ق العاده که توام با عصبا نیت وخشم بود به من گفت: نی من میدا نم که تو چیزی ر ااز من‌پنهان میکنی آیا خط و عکس کسی هست که نمی خواهی من ببینم .

این حر ف شوهرم ما نند آتش بود که تاروپودم را سوزانید . دنیا دورسرم به چر خیدن گر فت دیگر نفهمید م که‌چه شد وقتی بخود آمدم خود را در زمین روی فرش اتاق افتیده یافتم ، در اثر افتیدن‌سرم به‌لبه میز خورده و ترك بر داشته بود ، دخترم با لای سرم گریه میکرد ، خو ن موهای سرم راخیس‌نموده بود ولی‌دیگری ازسرم اززخمی که ایجاد شده بود خون نمی آمد .

مدتی در جا یم نشستم و به حوادث‌گذشته فکر کردم ، شوهرم رفته بود ، بدون اینکه اعتنا یی به من نماید، این وضع شو هرم بیش تر از پیش بر خشم من افزوده بود ، سا ل ها ی زند گی مشتر کمان و یگا نه دختر ما ن از پیش نظرم گذ شت .

ـبلی پس از سا لها زندگی این بودنتیجه و فا و از خود گذری .

خوب من در بد مو قعیت قرار داشتم‌اگر برایش میگفتم که توبه من و دختر تدرو ع گفته یی و با افتادن نوت پنجصد افغانی این دروغ تو فاش گردید و من که می خواستم احترام و شخصیت ترا دربرابر دختر مان اعاده نما یم تو این تهمت ناروا ودور از اخلاق رابه من زدی ، آیا نتیجه این عمل من با ید این طور با داش داده شود ؟

عصر شد و شوهرم با عصاب خرا بوخشم بی حد به منزل باز گشت ، او . بدون‌اینکه با من حر فی بزند به اتا قش رفت و مدتی در آن جا باقی ماند. برایش چای بردم ولی بدون اینکه سر بلند نمایه جای را گر فت و هیچ نگفت .

سکو تش بیشتر ازپیش ادامه یا فت واین سکوت مرا عذاب میداد. بالاخره برایش گفتم که از تواین انتظار را ندا شتم این عدم اعتماد با عث خواهد شد که زندگی خانوادگی مان از هم بپاشد .

تو فکرنمیکنی که کمی زیاده رو ی‌نموده، پی‌اشوهرم باهمان خشم وعصبانیت گفت :

تازمانی که ندانم چه چیز را از من‌پنهان داشته یی هر گز نمی توا نم نسبت به تو اعتماد نمایم .

گفتم : پس گو ش کن تا برا یت بگویم این تو بودی که نخوا ستی عزت و شخصیت ترا تا بهتربگویم‌دروغ‌بزرگ ترا که در مقا بل من ودخترت گفته یی جبرا ن نمایم و نخوا ستم بدو ن اینکه تو متو جه شوی آن پول راکه از جیبت افتاد درموقع مساعد در جا یش بگذارم ولی تو با برا عتماد ی و سوء ظن بی جاوبی مورد که دور از نزا کت زندگی امروزی بین زن وشو هر است نخوا ستی که این درو غ ترا بشکلی از اشکال جبران نمایم.

بلی وقتیکه صبح ازت پول خوا ستم‌گفتی که پو ل نداری ولی این دروغ تو هما نلحظه آشکار شد ونوت پنجصد افغانیکی از جیبت افتاد ،دختر ت نیز آن را دید می خواست بگو ید که پدر تو پو ل داری‌ولی چرا می‌خواهی آنرا ازماپنهان نگهداری ، اما من اشاره نمودم که خا موش با شد وهمان بود که‌پول را برداشتم وتو مشتبه شدی که من چیزی را ازت پنهان میکنم ،اما من می خوا ستم که تو نزد من و دختر ت شرمسار ودروغگو نشوی.

افسو س که این فدا کاری من با عث گردید که سوءظن ترا نسبت به من بیا فزاید .

وحالا خیلی متا ثرم که پس از این همه سال ها و گذشت روز ها نتوا نستیم یکدیگر خویش را بشناسیم.

بلی این جای صد افسو س است .

مترجم لیلا بشرمل

طبیعت خاصهٔ مراحل اولیهٔ طفولیت

لیوتولستوی درسن پیری‌اش جمله آتی را در یاد داشت های خود نوشت :

«از زمان ولادت تا پنج سالگی ام فاصلهٔ زیادی بود ، اما از سن پنج سالگی تا حال که شصت سال دارم فقط از اندازهٔ یك‌سنگ انداز ، بیشتر فاصله نداشت . »

حقیقتاً در سال های نخست زندگی ، طفل سفر درازی را می‌پیماید یعنی جادهٔ را که او را به جهان انسانیت می‌کشاند ، قابلیت ها ومهارت های عمدهٔ انسانی را فرا می‌گیرد .

درسن سه سالگی بمقایسه زمان ولادت : وزن دماغش سه برابر میگردد ونموی دماغ انسان بعد از سن سه تا اخیر عمر تنهاچارم وزن آن خواهد بود .

پس این در مراحل نخست زندگی است که رشد قسمت اعظم ساختمانی دماغ وبصورت عموم رشدتمام سیستم عصبی تکمیل‌می‌شود .

در همین سالها است که طفل تمام اقسام حرکات عمده را می‌آموزد . ایستادن ، قدم زدن وبصورت کل استعمال جسم وبازوانش را ، درهمین مرحله : عواطف عمده ،احساسات انسانی وخصوصیت های بارز شخصیت بحد کمال می رسد وپخته می‌شود .

کودك طریقهٔ های عمدهٔ ارتباط بین خود وسایر مردم وجهان پیرامونش را می‌یابد وبه نشو ونمای آن ضرورت احساس می‌نماید، در همین زمان است که طفل تمام خصوصیاتی را که وی را از حیوان متمایز می‌سازدکسب می‌کند . در هیچ یك از سنین بعدی او بچنین تغیرات وجهش های بزرگی مواجه نمی‌شود ودر هیچ سن بچنین پختگی متمرکز وسریع نایل نمی‌گردد .

این حقیقت توسط معلم ونویسندهٔ مشهور شوروی (انتون کار نیکو) در موافقت کامل بالیوتولستوی بهتر بیان شده است :«تهداب» تربیهٔ اطفال قبل از سن پنج سالگی گذاشته می‌شود ، چیزیکه شخص درین مدت به‌طفل انجام می‌دهد نود فیصد تربیهٔ آنرا تکمیل نموده وچیزیکه به تعقیب آن می‌آید صرف ادامهٔ همان جریان قبلی است یعنی تصفیهٔ آن چیز هائیکه انسان را می‌سازد . موجز اینکه کار های لازمه همیشه قبل از سن پنج انجام یافته وبعداً فرصت گرد آوری‌حاصل و موقع فرا گرفتن ثمره ومفاد است . »

این حقیقت ذریعهٔ علم روحیات در قرن بیست بهتر توضیح گردیده ...

درین اواخر روان شناسان ومعلمین بیشتر وبیشتر بر اهمیت استثنائی رشد اولیه تاکید می‌کنند . چنانچه آنها مشاهده کرده اند ، چیزی را ، که طفل تاسن پنج سالگی راجع به خود ومحیط وجهان ماحول اندوخته است مناصفهٔ معلومات اساسی انسان است ونصف مسافه راتااکمال اندوخته‌فکری‌اش طی‌نموده ..

آقای تورچنکو در کتابش «انقلاب علمی و تخنیکی وانقلاب درتعلیم وتربیه» می‌نویسد. «تجارب روان شناسان ومعلمین متعددنشان دهندهٔ این حقیقت است که در تشکل‌شخصیت سال های قبل از مکتب نقش قاطع دارد نه سال های دورهٔ مکتب ... مراحل اولیه طفولیت حساس ترین وپر اخذ ترین مرحلهٔ زندگی می باشد ، از همین علت است که توجه خاص ونقش توانای والدین درینوقت حیاتی ، نهایت مهم وبا ارزش شمرده‌می‌شود وباید به تربیهٔ کودك سعی بیشتری بکار برد تا عضو مفید وصالحی برای جامعهٔ خود بار آمده بتواند وهم حافظه درین وقت برای فرا گرفتن درس ها وفارمول ها مساعد بوده وتا وقت پیری فراموش نمی‌گردد ..

البته کودك‌جدید الولاده: عکسات وخاطرات ایام بطن را که در حیات داخل رحم مادر بوجود آمده اند باخود دارد اما دماغ او ساختمان یك تیوب ساده را دارد که‌مشتاقانه آمادهٔ جذب انتباهات است . اولین انتباهاتیکه طفل می‌گیرد اساسی بوده ودر دماغ تجسم می نماید وتا اخیر حیات بااو همراه خواهد بود . اینها در دماغ ریشه های عمیق گرفته واثرات خود را تبارز میدهندووظیفهٔ ساختمانی خیلی عالی رادر تشکل شخصیت بانجام می‌رسانند .

حقیقتا نخستین انتباهات دورهٔ طفولیت یکجا با خصوصیات ولادی سیستم عصبی ، متون فقرات وتشکل شخصیت قابل توجه بوده ونقطهٔ عطف سفر طفل رابجهان خارج رحم وبرخورد او رابه آن توضیح وارائه می دارد. ازهمین جاست که ماه ها وسال های نخست حیات کودك یك عمر خاص محسوب می شود زیرا ملکه های دایمی در دماغ به وجود می آید واین ملکه ها در پی ریزی وطرح یك تهداب موثر معنوی رول مهمی دارند که سرنوشت آنها عمدتا به طبقات ابتدایی قوه ذهنی مربوط است .

وظایف ومسوولیت‌های والدین ومعلمین دررشد ذهنی واخلاقی اطفال

قسمت دوم

بعضی ازکو د کا ن ناراحت به هنگا م مواجه شدن بـه مشکلات راه حـل شانـه خالی کر د ن از زیر مسئو لیت را پیش میگیر ند و عده از آنا ن خوا سته هـای دیگران را اغراق آمیز وبه زور جلوه‌میدهند.

او لین قد میکه میتوا ن برای کمك به کودکان فوق العاده وظیفـه شناسـی و دارای احسا س مسئولیت بر دا شت اینست که با آنها بفهما نیم که چطور بر ای جلب توجه و علاقه دیگران از راه ها ی دیگـر استفاده کنیم و لی در این ضمن نبا ئیستی فرا مو ش کرد که نمیخوا هیم بد ینوسیله از احسا س مسئولیت آنان بکا هیم و آن را در نظر شان بی فا یده جلوه د هیـم مسلما ء ما نمیخو ا هیم که سر به سر کودك گذا شته و او را به خا طر احسا س مسئو لیت فوق‌العاده خطاب‌نموده‌واز اسباب‌استغراق اورافراهم آوریم ما نمیتوانیم به‌کودك بفهمانیم که اشتباه کردن گناه نیست‌حتی افرادبزرگ چون پدرکودك هم اشباه کرده‌ومی‌کندوخواهد کرد .

فوق العاده‌وظیفه‌شناس وحساس‌درمقابل وتحسین دیگران عکس‌العمل‌ازخودبروز ولی در برابرانتقاد وسرزنش دیگران پژمرده ومایوس میگردندبرای تشویق کودکان‌ودر ضمن‌برای‌اینکه آنهارامجبور که برای جلب توجه مامسولیت‌فوق‌العاده عهده‌بگیرند ومیتوانیم موفقیت‌های مناسب آنان به‌وجود بیاوریم احساس مسئوولیت به بوجود می‌آید:

از نتیجه فراوانی و کثرت کار های فر سا نیست بلکه نا شی از تما یل بکاری با دیگران ـ کمك به غیرو شد ن با مشکلات میبا شد احسا س لیت باعث میشو د ما هر گز ازانجام کا ر عا دی و خسته کنند ه ملو ل و گر دا ن نبا شیم و بر ا ی کا ر خود قا یل شویم علاقه به همکا ری و کمك دیگران و حل مشکلات بیشتر به د کا ن ملا حظه میشود که در خا نواده ن کا ر ها به محور همکا ری و احسا س ن در جر یا ن است .

واگزاری انجام کا ری منا سب به ك ـ کا ر یکه به نظر او مفید میرسد ه ابتکا ر و توا نائی وا ثبات وا ستواری

تحر یك میکند میتواند به تقو یت کا ری در خا نواده که او در آ ن‌زندگی کند پیش از پیش کمك کند و احساس

ل اعتماد بود ن را در آ ن محیط افزایش د ا گر این و ضع بخصو ص بتد ریج آرامی در کودکی بو جود آید ما د از آن خیلی خرسند با شیم .

در خاتمه نکات که‌میتواند اطفال‌را در ختن و یاد گر فتن کمك نما یدبعرض انیده میشود.

وجودیت علم به این قا عد ه که طفلی زهای را فرا میگیرد که بر ا ی او در جه او ل قابل اهمیت است ما با ید امل را پیدا کنیم که میل کودك را به صیل زیاد تر کند اینك به‌ذکربعضی آنها میپر دازیم .

۱) تعین یك هدف مشخص :ـ

اغلب علما ی روا نشنا سی تعلیم را به وا ن فعالیت برای رسیدن به هد ف معین د ا نند و مقصو د آنها این است که قی طفل بداند و بفهمد که چه میخو ا هد

کند بهتر وسر یعتر فرا میگیر د و ا گر فل نداند چه میخوا هد یاد بگیر د او لین

میکه در راه تعلیم او بر داشت این است که او را کمك کنیم تا هد ف بر ا ی‌خود عین کند .

۲) مربوط ساختن هدف با آنچه با ید را گرفته شود :

اغلب دانشمندا ن روا نشنا سی گفته اند که وقتی که هدف یاد گرفتن منحصر به ار تفا ع به صنف با لا تر با شد طول نمی کشد که کودك مقدار زیادی از آنچه را که یاد میگیرد فرا موش کند آمو زش و قتی مو ثر است که طفل با آنچه که‌یاد میگیر د بیشتر علاقه مند با شد تا به‌پاداش که مستقیماً به تعلیم ارتباط ندارد و اغلب معلمین مو سیقی معتقد اند که دادن جوایز به جوا نا نیکه اهنگ ها یرا صحیح اجراء میکنند مو ثر میبا شد و لی این جوایزدر روحیه اطفال که صرف بخاطر پیا نو تمر ین میکنند واز آهنگ ها و قطعا تیکه مینوازند لذت میبر ند چند ا ن اثری ندارد و ازاین قبیل اطفال هستند که در دروس خود واقعاً پیشر فت میکند .

۳) تشو یق بوسیله تحسین :ـ

همه دید ه ایم و قتی که از بچه تعر یف و تمجید کنیم و باا و بگو یم « آفر یـن بر تو که این کا ر خو ب را انجام داده ای» ا ز خـو شحـا لی لبخند میز نـد یکی از دانشمندان در این خصو ص ازمایش جا لبی کرده است . نا مبرده سه د سته از بچه ها را بر گزیده است و به هر سه دسته بطور جداگانه یك درس معینی از حسا ب تعلیم میداد و در عرض پنج روز هر روز بد سته او ل «آفر ین» میگفت و ازآنها تمجید میکرد د سته دو م را تو بیخ و ملامت میکر د و بد سته سو م چیزی نمیگفت نه خو ب و نه ضمنا هر روز مقدار پیشر فت هر دسته را می سنجید روز پنجم نتیجه بر جسته بد ست آورد دسته او ل که هر روز مورد تشو یق قرار می گر فتند پیشرفت شا یا نی نمودند دسته دو م که با تو بیخ وسر زنش مواجه بودند پیشرفتی کمتری داشتند اما دسته سوم که طرز کا ر آنها را مسکو ت گذا شت پیشر فت خیلی‌جزئی حاصل نموده بودند در نتیجه معلوم گردید روی این اسا س اطفال که موردتحسین قرار گیرند واقعاً پیشرفت شا یا نـی مینما یند او لا اینکه تشو یق و ستا یش در اطفال که ما یل به‌یاد گرفتن با شند اثر نیکو و پر ارزش دارد و با عث پیشرفت آنها میگردد ثانیاً هرنوع ر هنما ئـی وبذل توجه نسبت به آمیزش اطفال بهتر از عد م آنست .

یکی از معلمین حین آموزش نوشتن به‌طفلی‌دیده می‌شود

ایجاد رغبت و علاقه به یاد گر فتن :ـ

والدین و معلمین مشتر کا ء مسئـو ل افزایش میل ورغبت کودك نسبت بـه تحصیل وایجاد شور و عشق در امر اموزش میبا شند هر گا ه هدف والدین منحصر به این با شد که طفل از صنفی به صنفی‌ارتقا یا بد تنها آرزوی طفل نمره خوب گر فتن خوا هد بو د و علاوتاً اگر والدین نسبت به موضو ع که کو دك فراء میگیر دابراز علاقه کنند خود طفل نیز به آن علاقه منـد خوا هند شد خواه در مد رسه باشند یا در خانه . اگر طفل شخصا بخوا هد و میـل داشته با شد بهتر و سر یعتر یاد میگیرد پدران ومادران نباید رشته تحصیل طفل را مانند جـریان آب در نـل آشپز خا نـه بد انند وهر موقعیکه بخو ا هند آنهـا آنرا ببینند یازیادتر کنند.

در خانه نکته دیگر یکه عبارت از کشف علت وعوامل میبا شد یاد آور میشو یم .

این نکته را میتو انیم بوسیله در ك‌کردن باطن رو حیه طفل و طرز تفکر او علـت ناتوانی ظا هری او را دریاد گر فتن پیداکنیم وقتی کو د کی نسبت بفرا گر فتن ابراز بی میلی مینما ید و یا اینکه از دادن تو ضیح در با ره مطلبی که خو ب مید ا ند برا ی همکلاس هایش خود داری کند قبل از آینکه بتو ا نیم باو کمك کنیم باید د لائل او را در این کار بدانیم اغلب یـك شا گـر د با ز یگو ش سایر پسران و دخترا ن را با گفته ها نا مر بو ط خود میخند اند مـا نباید عمل او را از نا دانی و حما قـت بدانیم زیرا او باندازه کافی عاقل ودانا ست او مید ا ند چگو نه تحسین دو ستا نش‌را جلب کند تعر یف و تمجید دو ستا نش‌را بر ستا یش معلم تر جیع مید هد او از چشمك ز دن هم صنف خود در مورد گر فتن نمره عا لی از معلم خود وشب به پدر ومادر خویش آنرا نشان دادن لذت میبرد .

تو ا ضع و هم تکبر در میل بتحصیل میتوا نند دخا لت کنند ممکن ا ست دا نش آموزی از اینکه در نزد عموم مورد تعر یف و تمجید قرار گیرد خجالت بکشد چنیـن دانش آموزی ممکن است توانا ئی یـاد گر فتن خود را پنها ن دارد تا دیگر ازاو تعر یف نکند وخجا لت نکشند ویا اینکـه کو دکی که بخود مغر ور با شد حا ضـر نیست ا عتر اف نماید که‌او نمیتوا ند مو- ضوع بخصو صی را فرا گیرد لذا نظا هـر میکند با ینکه احتیا جی بیاد گر فتن آ ن ندارد .

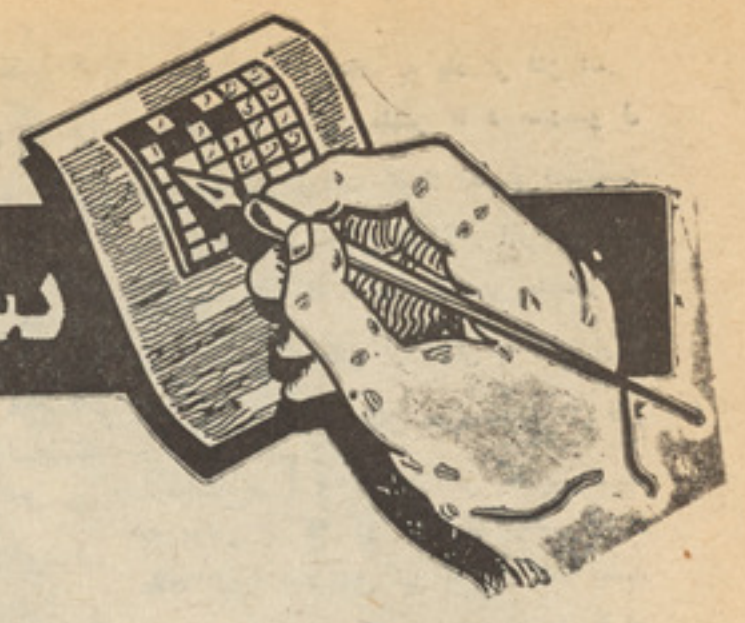

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- یکی از فیلسوف های جهان، مژده را دوتا سازید، وظیفه مهم یك انسان -۲- از جمله پرندگان است که بنام قاصد بهار مسمی است ، یکی از میوه های بسیار خوش مزه، پول وزمین ندارند -۳- به متون نرسیده ، بتاریخ شش جدی مرحله نوین آن آغاز یافت، بزم پراگنده -٤- حاصل دوعنصر مهم، رفیق پری است ، در بین ملهم قرار دارد، کلمه ر بط ، دروازه بزبان عوام ٥- انفجار آن بسیار خطر دارد، این آله در جنگ هابرای موانع بکار میرود، در چشمان دشمنان خلق آنرا میخواهیم، دست کوتاه - ٦- متوجه ساختن، زیادنیست، صد سانتی طول دارد ۷- آخرشده، پوست پیازرا سمبول آن ساخته اند، شماره هشتم آن درباره زمین میباشد -۸- ردیف بیچاره، مسترد شدن، منظم آن چند پروانه میباشد .

عمودی:

۱- شهری بنام گهواره انقلاب -۲- از آنطرف پف میشود، بام میان تهی ، الریکی از نویسنده‌گان جهان -۳- دارم به پشتو ، درجم شهرت دارد -٤- یکی از براعظم های جهان -٥- منظم باعلاوه یك حرف طوطی است، بانی ناتمام -٦- یك حرف و دو خانه، جام آن شهرت دارد، دربین خنده قرار دارد- ۷- یکی از روزنامه های کشور ما-۸- ضمیر اشاره -۹- هم برقی وهم ذغالی است، وظیفه کارگر -۱۰- از ابرها به زمین پایین‌میشوند، دست مزدکارگر -۱۱- راه‌کوتاه -۱۲- فصل آن آمدنی است -۱۳- یك حرف دردو خانه، مردبی با، فرق نشده -۱٤- ردیف آواز، مورمغشوش -۱٥- ادبیات باخودم یکجااست- ۱٦- اسم است، باقطع آخرراه کوتاه میشود- ۱۷- تیرس شکسته، درنده، نهربی پایان - ۱۸- نوعی از گلهای بسیار قشنگ .

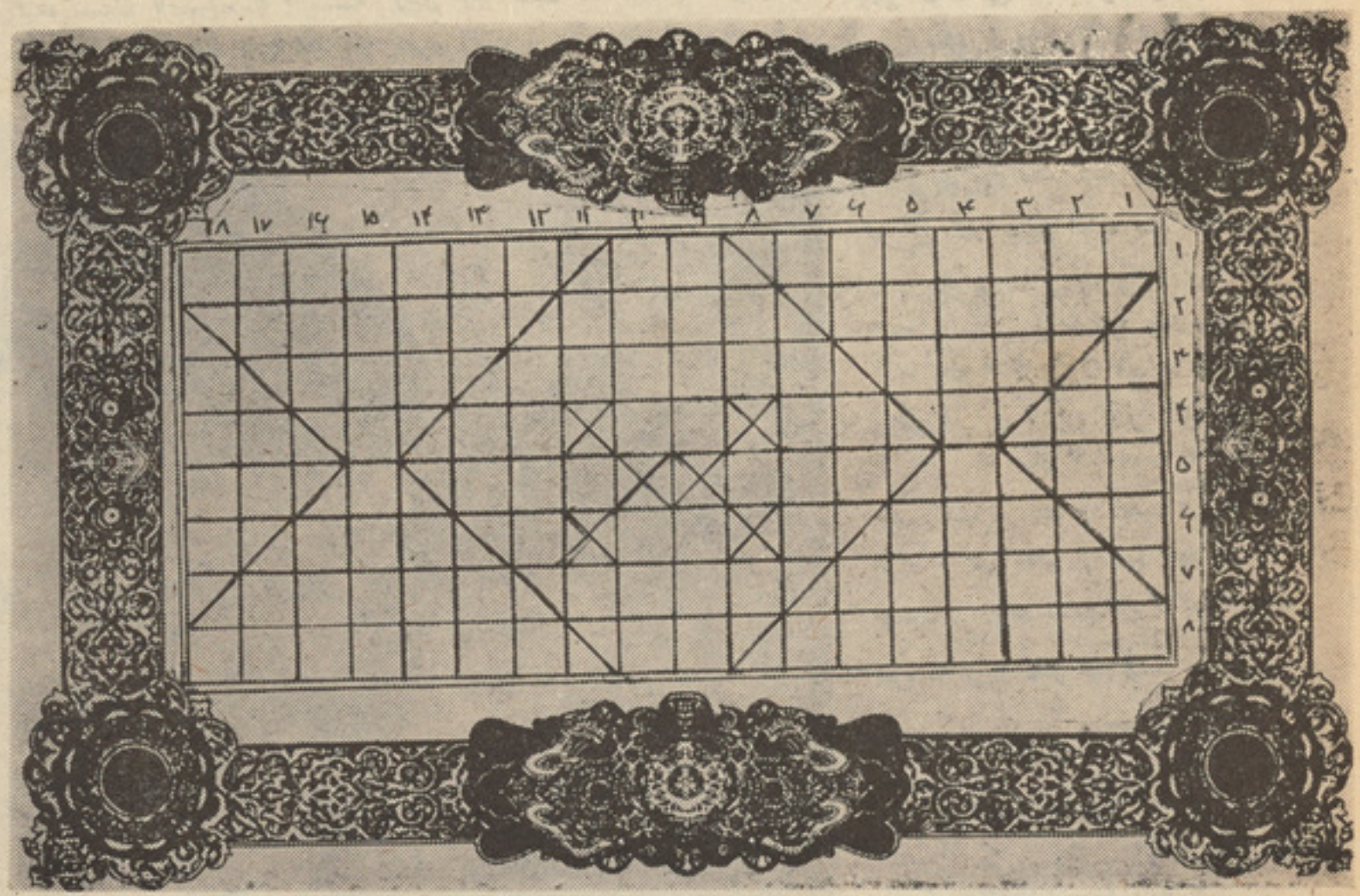

طرح از:- محبوبه تیموری وسامعه از لیسه مهری هرات .

این برج در کجا ست ؟

در جهان آثار تاریخی زیاد دیده میشود مثلا درکشور مابت بامیان ،قلعه بست و قلعه اختیار الدین وبه همین قسم هزاران‌آثار تاریخی دیگر . مایکی از آثار تاریخی‌جهان را که در یکی از کشور های جهان موجود است برای شما چاپ نمودیم ازشما میخواهیم بنویسید که این منار در کجا وتوسط کی ودر کدام وقت ساخته شده است .

صحنه کدام جنگ ؟

در جهان جنگ های بسیار زیادی رخداده است که‌دراثرآن ملیونها انسان ازبین رفته وخسارات مادی ومعنوی به طرفین وارد آمده است .

مایکی از صحنه های این جنگ هارابرای شما چاپ نمودیم حالا ازشما میخواهیم که این جنگ در کجا ودر زمان که بوقوع پیوسته است ؟

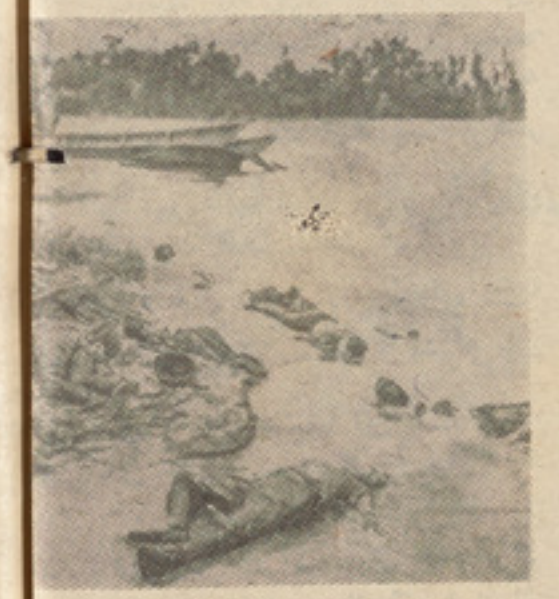

کدام یك ؟

کلکسیونری برای کلکسیون خویش شش دانه‌تکت پوستی خرید ولی زمانی متوجه گردید که یکی‌ازتکت‌هایش‌بادیگران تفاوت‌دارد آیا میتوانید آن‌راپیدانموده ونمره اش رابرای ما ارسال دارید .

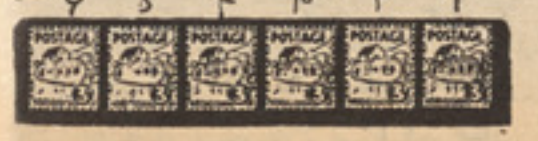

به سوالات ما جواب بگویید تا بگوییم کیستید

این سوالات رامابرای دختران طرح‌نمودیم‌به این ملحوظ که دانسته شود چگونه دختری هستید :

۱ـ کدامیك ازین سه نوع سرگرمی رابیشتر می پسندید :

الف: ورزش وگردش درهوای آزاد؟

ب:ـ مطالعه کتابهایی راکه‌دوست دارید؟

ج:ـ قطعه بازی همرای دوستان؟

۲:ـ اگر از شما دعوت شود تا غذارادربیرون خانه بخورید کدام یـك راترجیح میدهید :

الف:ـ بارفقا وفامیل یکجا؟

ب:ـ تنهادر گوشه یك رستورانت پرازدحام؟

ج:ـ دوبدو بانامزدتان؟

۳:ـ اگر با انتقاد یکی از دوستان ویاکدام‌شخصی دیگر روبرو گردید چه عکس العمل را از خود نشان میدهید :

الف:ـ خشمگین میشوید واورا مورد دشنام‌قرار میدهید ؟

ب:ـ آیاساکت میشوید تا در فرصـــت‌مناسب آنرا تلافی کنید ؟

ج:ـ خیلی آرام ومنطقی جواب اعتراضاتش‌رامیدهید ؟

٤:ـ اگر بعلت یك واقعه پیش بینی نشده‌بایکی از دوستان خود بدخویی میکنید ازاو چگونه معذرت میخواهید :

الف:ـ آیا داستانی ویادروغی میسازید تاعذر خودرا واقعی وانمود سازید :

ب:ـ نیازبه توضیحات زیاد نداشته وعذرمیخواهید؟

ج:ـ عین واقعیت را میگویید و صادقانـه‌عذرمیخواهید؟

٥:ـ برای یك دعوت ویا دیـدن دوستان‌چگونه لباس میپوشید :

الف:ـ طبق معمول وبدون تکلف ؟

ب:ـ بهترین لباس خودرا میپوشید ؟

ج:ـ کوشش میکنید کـه حتی المقدورآراسته وزیبا باشید ؟

٦ :ـ ازمیان سه‌مسلك کدام یك را بسیارمی‌پسندید:

الف:ـ روزنامه نگاری وژورنالیستی را ؟

ب:ـ بررسی های علمی وادبی ؟

ج:ـ وکالت ؟

۷ :ـاگر درانتخاب‌محل زندگی اختیارداشته‌باشید کدام محل رامی پسندید:

الف:ـ زندگی در یك شهر بزرگـــ‌ومدرن ؟

ب:ـ در ده آرام ودور افتاده ؟

ج:ـ زندگی در یك شهر مـــــدرن‌وکوچك ؟

۸ـبه‌اخبار ووقایع روز تاچه حدعلاقه‌دارید:

الف:ـ خیلی زیاد ؟زیرا میخوا هید ازهرموضوع باخبر باشید ؟

ب:ـ به هیچ صورت به آن علاقه نداشته‌وزندگی آرام میخواهید ؟

ج:ـ نه بسیار زیاد ونه بسیار کـــم‌بطور متوسط ؟

۹ـ آیا شوهر آینده تان ازکدام سه تیپ‌ذیل باشد:

الف:ـ شوخ ،پر تحرك وبلند پرواز ؟

ب:ـ آرام متفکر وفیلسوف مآب ؟

ج:ـ واقع‌بین ومهربان وصمیمی ؟

دقت: طریقهٔ جـواب ندادن به سوالات‌فوق عبارت از انتخاب یکی از سه جـواب داده شده می باشد .

برای مابایك قطعه فوتوی خویش درصورتیکه‌موفق بـه‌انتخاب جـواب درست شد یـد ار سال دارید تا بعد از بر رســی‌نتیجه را برای تان چاپ نمائیم واز خـوا- نند گان هم تقا ضا میگردد تا بـــرای‌بهبود این صفحه هر نوع مطا لـــب دلچسب تهیـــه کرده بـــرای مـــا ارسال‌دارند ماهم به بهترین مطلب ،معما وجدول جایزه مید هیم.

مربوط کدام کشور ؟

زنان هر کشور برای آرایش خودازعنعنات مخصوص خودشان‌پیروی‌می کنند. به‌این‌ملحوظ مایکی از دختران یك کشور راکه باآرایش موها خودش رازیبا ساخته چاپ نمودیم فقط برای ما بنویسید که این نوع آرایش گیسو درکدام کشور رواج دارد ودرکدام فصل سال ازآن استفاده می‌نمایند.

کدام کتاب ؟

یکی از مراجعین کتابخانه از نزدکتابدار خواهش نمود تاکتاب مورد نظر ش را بیاورد کتابدار هم ازقفسه آنرا برداشت آیا میدانید کتاب مورد نظر خواننده نمره چند بوده است فقط اگر دقت زیاد نمائید حتما شماره کتاب راپیدا نموده می‌توانید حل آنرا برای ماارسال دارید .

این عکس چیست ؟

به این عکس خوب متوجه شوید آیافکر خواهید کردکه از بالای تپه ها یا از ارتفاع زیاد عکس برداری شده باشد ویا امواج‌دریا وشنزار میباشد خوب هرچه فکر میکنید فقط ازشما حل مساله را خواهانیم . امیدواریم حل را بایك قطعه فوتوی خود ارسال دارید .

این ستاره کیست ؟

این ستاره زیبا که شهرت جهانی دارد و دریکی از فلمهابنام قدرت آتشی در جزیره کارائیب مشغول فلمبرداری میباشد که ایـن عکس از آن برداشته شد او درین فلم‌نقش یك بیوه زن رابه عهده دارد ومیخواهد کـه انتقام خون شوهرش را از قاتل اوکه یـك ملیاردر فـراری ست بگیرد ودرین فلـــم جیمزکابرن درین راه اورا کمك میکند تـا بتواند بطرز جالبی دشمنش را بدامش بیندازد خوب حالا اگراین ستاره را شناختید اسم اورا برای ماارسال دارید .

کدام نوع سپورت ؟

درین جا عده از اشخاص را میبینید کـه نوعـی از بازی ها را اجرا می کنند از شما میخواهیم که تنها اسمای سپورتی را کـه آنها مصروف آن میباشند نام بگیرید .

حل کننده جدول

عبدالوهاب‌نادم حل کننده جدول شماره‌گذشته

نفر پنجمی وجودندارد

روز نا مه نگا ری که بـــرای مصا حبه باسولوا دور دا لـــی نقا شس معروف معا صر رفته بود ازاو پر سید ؟

به عقیده شما پنـج نقا شـــس بزرگ عصر حا ضر چه اشخا ص هستند ؟

دا لی بدون معطلی جواب داد.

اول ـ دالی ، دوم ـ دالی ،سوم ـ دالی ، چهارم ـ دالی .

ـ وپنجمین ؟

ـ متا سفا نه نفر پنجمی وجـودندارد .

پیاده وسوار

رانده ای که ظاهرابرای رسیدن به مقصد خود عجله زیادی داشت بدون توجه به چراغ سرخ از چارراهی گذشت وچیزی نمانده بود که عابری را زیر بگیرد . آنوقت سرش را از شیشه موتر کشیده وبا عصبانیت به عابر گفت :

ـ شما پیاده ها در وسط جاده راه میروید که اینطور معلوم میشود که مالك جـاده هستید .

عابر ایستاد ونگاهی به راننده وموترش انداخت وگفت :

شما راننده هاهمه طوری رانندگی میکنید که راستی راستی مالك موتر اقساطی تـا ن هستید ؟

قراریکه میدانید امروز کسی موسیقی موزارت رانمی شنود!

پوښتنه

شوونکی د زده کوونکی ته پوښتنه وکړ:

احمده پلار دی ژوندی دی ؟

زده کوونکی

نه پوهیږم ښوونکی صاحب

سهار چی ښوونځی ته راتلم مور سره‌می په جنگ اخته و

سرعت، فوق العاده زیاد ومقاومت درمقابل‌دستگاه پولیس ترافیك!

پدر دختر به داماد نو آشنا گفت:

دخترم بمن گفت که‌شمایك چیزفوق العاده‌هستید من فکرکردم شما پول فوق‌العاده‌دارید

خیال زن گرفتن

دو نفر از کار گران اداره‌ضمن خوردن جای صحبت میکر دند.

او لی گفت :

تو بالاخره خیال زن گر فتـــن ندا ری ؟

حا لکه سی و پنـج سال ازسنت میگذرد ، **تا کنو ن کسی را جـــع به این‌مو ضوع با تو صحبت نکرده** است ؟

ـ چطورکسی صحبت نکرده‌است؟

تا حالا بیشس از صد مر تبه ازمن تقاضا کرد ند ازدواج کنم .

ـ را ستی ؟چه اشخا ص چنیـــن تقا ضای کرده اند !

معلوم است که پدرم وما درم.

ناراحتی!

اسمیت با قیافه درهم وگرفته از بالای پل به رود خانه نگاه میکرد ودر فکر بود ...

یکی از دوستانش که ازآنجا عبورمی‌کرد بدیدن او پیش آمد وپرسید :

ـ هی، اسمیت چی‌شده ، بواسطه چی اینقدر ناراحتی !

سمیت آهی کشید وگفت :

ـ من به‌فکر زن بیچـاره ومرحومم بـودم...

اوموقع شنا دربین همین رودخانه غرق شد.

ـ ولی جانم به‌مجردیکه او مردفورا تـــو زن جدیدی گرفتی وازدواج کردی ؟

اسمیت سری تکانداد وگفت :

ـ درست است ولی‌آخراین یکی هیچوقت بفکر شنا کردن دربین رود خانه نمیباشد !!

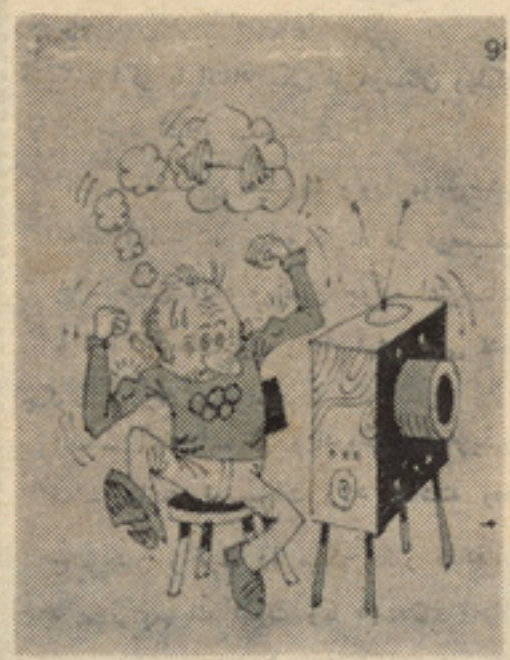

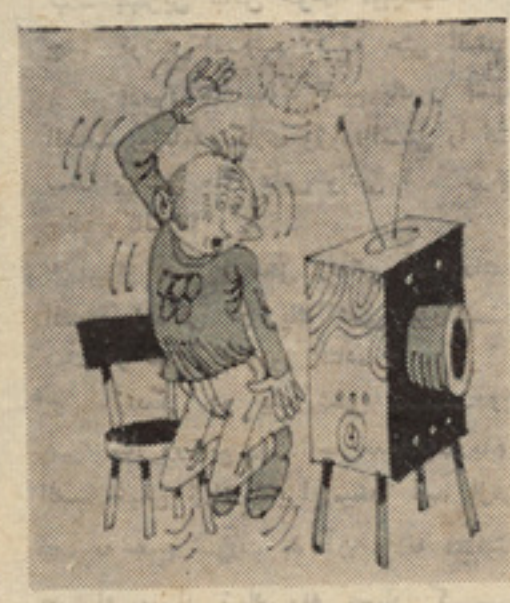

از بالا به‌پائین :

آمادگی برای سهم گرفتن درمسابقات‌قهرمانی

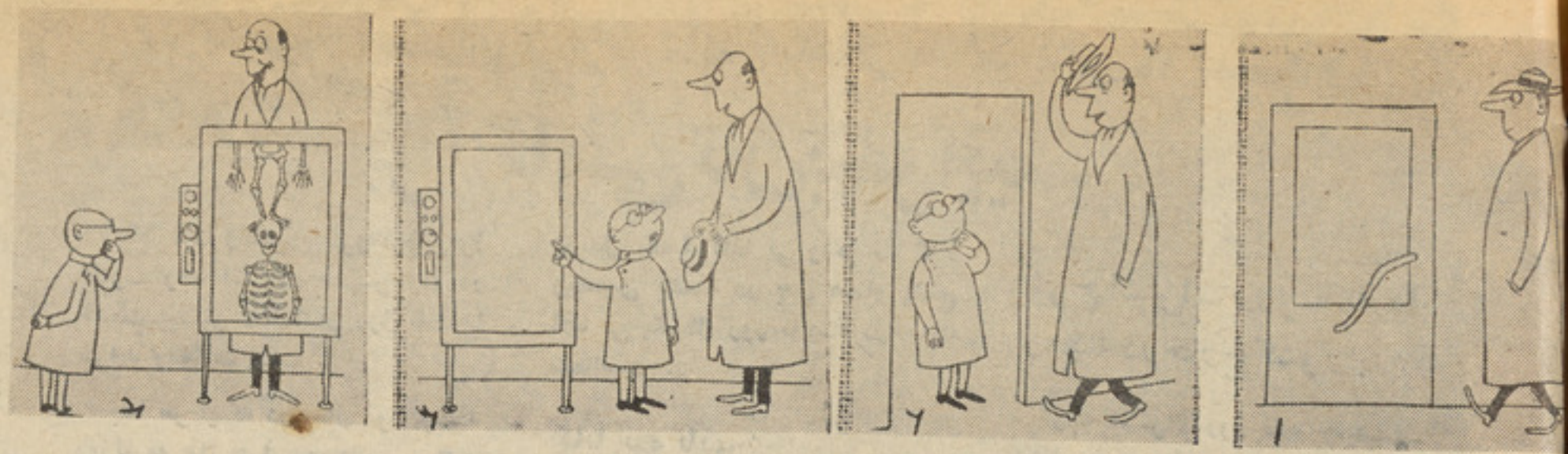

ازطرف راست به‌چپ بدون‌شرح

اگر میخواهید آوازخوان مودروز شوید

۱ وجود میکروفون ها ولودسپیکر های
کس وزیبا وآخرین سیستم .

۲ از صدا کشیدن طبیعی خود بپرهیزید
وجودیکه دارای صدای زیبایی هم باشید، میدانید

صدای مودروز صدای ناهنجار وگوش‌خراش
ست . فقط این نوع صدا هاست که سبب
گرانی های روحی وتشوشات عصبی میشود .
ستوانید، از صداکشیدن بشکل نعره وزوزه
نز استفاده کنید .

۳ هیکل را در فضای ما حول لاقیدانه وازاد حرکت دهید . زست ها اکت ها وحرکات باید غیر مترقبه صورت گیرد اما نکته عمده اینست که با محتویات شعر مغایرت تام داشته باشد. اگر راجع به عشق آواز میخوانید از جست های سریع کار گیرید اگر موضوع خوشبختی باشد بطور هماهنگ از قواعد بوکس استفاده کنید .

۴ـ چشم هارا طوری ببندید زیرا تماشاچی فکرمیکند شما در دنیای عشق ورویا ها ی خود غرق هستید وبه آرزو های ناتمام تا ن می اندیشید .

۵ـ همینکه بروی سنیج حاضر شدیدچاره موفقیت خودرا بسنجید . قیافه را بخودبگیرید تماشاچی تصور کند چیز هایی درچانته‌دارید، فضایی را بار آورید که تماشاچیان به کف زدن وادار شوند . ابتکار را خود در دست گیرید .

۶ـ نکته عمده موفقیت پاره کردن پرده گوش تماشاچی است . وقتیکه بالای جازبند ضربه به فشار (۱۲۰۰) دیسی بل وارد شود تماشاچی بکلی احساس شنوایی را از دست داده وموفقیت محفل ازآن شماست . تماشاچی باید به چشم بهم زدن مجال پیدا نکند تاباندیشد چه شنیده است .

۷ـ یکی از نکات این است تاحضار متن شعر را درك نکنند . مفهوم ضرور نیست فقط شوك های مسلسل ببینند، اینجاست که حضار به گریان آمده وفشار آنها به (۲۸۰) بر(۱۴۰) میرسد . اینست یگانه راه‌آواز خوانی .

ازدواج

در کافی‌پی‌دودوست باهم صحبت‌میکردند...
یکی از آنها گفت :
ـ آن مرد را که پشت آن میز نشسته میبینی ؟
بلی ...
او سعادت خانوادگی مرابهم زد .
ـ عجب ... بازنت فرار کرد ؟
نی جانم ... باآشپز ما ازدواج کرد وحالا نا چارم غذایی راکه زنم می‌پزد، بخورم !!

هدیه

در دهکده های جنوب ایتالیا رسم است که شاگردان مدرسه گاهگاهی برای معلم‌و مدیر خود هدیه پی میبرند . اما خانو اده «لوچیانو» بااینکه پنج طفل بمدرسه میفرستاد ماهها بود که چیزی برای مدیر مدرسه نفرستاده بودند. یکروزدختر بزرگ«لوچیانو» نزد مدیر مدرسه رفت وگفت :
ـ پدرم یك بزرابرایتان میفرستد .
یکروز گذشت، دوروز وسه روز ... اما ازبز خبری نشد .
بالاخره مدیر مدرسه دختر راصداکرد وگفت:
ـ پس پدرت بزراکی میفرستد ؟
ـ هیچوقت ... چون‌بزی راکه قرار بودبرایتان بفرستد پریروز حالش خوب شد .

فرق کشتن و مردن

به شخصیکه‌پدرش متمول بود گفتند : آیا میخواهی که پدرت بمیرد تا میراث را ببری ؟ آن شخص گفت : میخواهم که اورا بکشند تا طوریکه میراث‌او را میبرم خو نبها یش را هم بگیرم .

بااشتراك در روزنامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلا عات وکلتوربا فرو ریختن‌مرز تفاوت وجه اشتراك شهر وده در خدمت بیشتر علاقمندان روز نا مه‌ها جراید ومجلات است .

بخا طر اینکه در سال نو کلیه روزنا مه ها، جرا یدومجلات بتوانند در واژه های‌تمام مشتر کین راصرف نظر از شهری ورو ستا یی یکسان بکوبد ، مد یر یت عمو تو زیع روزنامه ها ومجلات وجه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذ یرد .

دستدا ران روزنا مه‌ها ،جرا یدو مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید ویا در دشت های گسترده وو سیع حیات بسر می برید ....

شما که در کابل هستید ویا در دره های پر خم وپیچ میتوا نید با پردا خت وجه اشتراك یکسان در جمله مشتر کین روز نا مه ها،جراید ومجلات مابا شید از داغ تر ین رویداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهی بیابید وسا عت هاسر گرم شو ید.

روز نامه‌حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روز نا مه حقیقت انقلاب‌ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغا نی واگر شا گرد ویا محصل باشید با ارا ئه تصد یق در بدل یکصدو پنجاه افغا نی یکسال بشما روزنامه میفر ستیم .

انیس:

اگر انیس میخواهید در هر گو شه میهن‌که با شیدباپرداخت دو صد وبیست افغا نی واگر شا گرد ومحصل هستید باپردا خت یکصدو. پنجاه وپنج افغانی‌یکسال روزنامه‌رسان درب منزل شمارا میکو بد .

هیواد :

اگر روز نا مه هیواد را بخوا هید در هر کنار وطن که‌هستید دربدل یکصد افغا نی واگر شا گرد ومحصل باشید در بدل هفتاو پنج افغا نی یکسال روز نا مه درخدمت شمااست .

کابل نیو تایمز:

اگر روز نا مه کابل نیو تا یمز را انتخا ب کنید در هر نقطه کشور که با شید با پردا خت یکهزارو ششصد افغا نی واگر شاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق‌و پردا خت دو صدو پنجاه افغا نی یکسال شما مشترك ما هستید .

مجلات وجرا ید ما نیز حسب زیر یکسال درخد مت شما خوا هد بود.

مجله ژوندون :

سا لانه پنجصد افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارئه تصدیق چهار صد افغا نی .

کمکیانو انیس :

سالانه یکصدو بیست وپنج‌افغا نی.

مجلات پکتیا ، کندهار ، ننگرهار، بلخ ،کهول ،آواز ، فرهنگ خلق هنر، کتاب ،کو شا نی وجرا ید یو لدوز ، گورا ش وسوب دردا خل کشور سالانه شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارا ئه‌تصد یق چهل‌و پنج افغا نی .

مجله آر یانا بزبان انگلیسی:

سا لانه یکصدو شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغا نی. شمامیتوا نید در مر کز همه روزه از اول‌تا اخیر حوت بمد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات در جوار عمارت مطا بع دو لتی ، انصا ری‌وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجه اشتراك تا نرااز مر کز وو لایات به حساب (٦٠٠١) وا ردات دولت تحو یل و آو یز آنرا مستقیما عنوانی مد یریت عمو می تو زیع روزنا مه هاو مجلات انصا ری وات کابل بفر ستید .

شرح اشتراك روز نا مه ها: ومجله درخارج کشور :

وجه اشتراك روز نامه حقیقت‌ـ انقلاب ثور ، انیس ، هیواد وکابل‌ـ نیوتایمز در خارج کشور ،هوا یی صد دالر وزمینی سی دالر .

برای محصلین ،هوا یی هفتاوپنج دالر زمینی بیست‌و سه دالر .

وجه اشتراك مجله ژو ندون در خارج کشور هوایی صددالر ، زمینی سی دالر برای محصلین ، هوا یی هفتا وپنج دا لر ، زمینی بیست‌و سه دالروجه اشتراك مجله کمکیا نوانیس درخارج کشور ، هوا یی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه اشتراك مجلات‌پکتیا،کندهار، ننگرهار ، بلخ ،کهول،آواز ،فرهنگ خلق ، هنر ،کتاب ، کو شا نی‌و جراید یو لد وز ، گو را شس وسوب درخارج کشور هوا یی پا نزده دالر، زمینی پنج دالر ،برای محصلین، هوایی دوا زده دا لر وزمینی چهار دالر .

وجه اشتراك مجله آر یانا درخارج کشور، هوا یی دوا زده دا لر،زمینی پنج‌دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر زمینی چهار دالر .

مد یر یت عمو می توزیع رو زنامه هاومجلات‌از آغاز سال نو با وسایل بیشتر وجدی تردرخد مت‌علاقمندان روزنامه هاو مجلات است تا آخر ین اطلاعات روز وداغ تر ین حوا دث‌روز رابشما برسا ند ومجلات وجرا ید محبوب خانوا ده ها را در مو قعش برای‌آگا هی‌وسر گر می تان تقد یم کند .

وقت گرا نبها ست ، از زود ترین فرصت استفا ده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مر تب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراك پا یان میبا بد .

مرجع اشتراك :

مدیر یت عمو می‌تو زیع‌روزنامه‌ها ومجلات .

دختران خردسال مصروف تمرین هنربالت‌اند

بقیه صفحه ۲٤

سراغ هنر بالت...

با لت از مردم روسیهٔ شوروی فارغ‌التحصیل هنر ستا ن مو سیقی ومدیر مجلهٔ هنر ی «جهان هنر» بر علاوه بالتهای متذکره، بالت «شهر زاد »، استراو ینسکی را نیزدابرکت کرده است . یکی دیگراز بالتهای او«بوسه پر یان»نام دارد .

«دا فنیس وکرونه »، بالت«راول»آهنگساز فرا نسوی .

«سیلو یا»و« کو پلیا »، بالت «دلیب» آهنگساز فرانسوی .

«دریا چهٔ قو»، «دختر زیبا خفته »و«فندق‌شکن» ،بالت «چایکو فسکی » موسیقدا ن معروف روسی .

«کلاه سه گو ش »و «عشق دخترجادوگر» ،بالت «دفایا» موزیکا نت هسپا نوی .

«عصر طلایی »، بالت «دیمتری شوستا-کویچ »آهنگساز روسی که سنفو نی شماره یك ایوس ۱۰، سنفو نی شماره پنجم‌ایوس ٤۷، سنفونی شماره هفت (لیننگراد) واوپرای لیدی ما کبث از ناحیه متز نسك او نیز شهرت دارد .

«ضیا فت عنکبوت »، بالت «روسل» موسفیدان رو مانتیك وامپرسیو نیست فرانسوی .

«عصر فولاد »،بالت «پرو کفیف»آهنگساز رو سی .باید متذکر شد که «سر گی-پرو کفیف »سنفو نیهای ارزنده و مشهو ری دارد . مانند :سنفو نی های کلا سیك«دزرما زور ایوس ۲۵» و«سو یت سیت»، مو سیقی فلم «ستوان کیجه »، او پرای «سه نا رنج محبوب »وسنفو نی کودکانه «پترو گر گ» وغیره . درین میان از خاطر نباید بدور برد که «الکسندر کنستا نتینو یچ گلازونف» مو سیقدان مشهور شوروی نیز با لتها ی گو نا گونی تصنیف کرده است .

«آفر ینش جهان »و «کارنیوال ایکس» با لتهای «در یوس میلهود »آهنگسا ز فرانسوی .

برخی از بالرین های نامدار :

به اصطلاح هنر بالت ، هنر وران این سرگرمی‌سرورانگیز رابنام«بالرین»یا«بالت‌گرلز» یعنی (دختران بالت) و (دختران رقصند ه‌هم یادمیکنند)وبالت روی یخ‌نیزعبارت‌ازهنر نما یی روی یخ مصنو عی است که توسط یکنفر مرد جوان ویك زن هنر مند با لت‌و گا هی هم بو سیله یکی از آنان اجراشده میتواند والبته موضوع هنرنمایی یانمایشخانه آن ازخود ساختمان وتعمیرات اختصاصی‌دارد که‌از نگاه مشخصات خویش بسیار جالب وپر

شماره ۵۰

زیب وفرمی‌باشد. بنابران درجهان این هنر خیال انگیز ، هنر مندان زیادی گذشته اند و هنر مندا ن متعددی هم وجود دارند که صحنها ی «بالت »را با نقشهای پذیرنده هنری شان همیشه رنگین وفر یبا میساز ند.

معرو فترین هنر مندان دنیا ی با لت که چهره های در خشان شان درفهر ست‌ممتازان قرار داده شده ، فشرده سان چنین معر فی گر دیده اند که درین قسمت تنها طورموجز وتاریخ وار، ازبرخی آنان یاد آوری میشود:

پتی پاژوزف لو سین ، (۱۸۱۵_ ۱۸۹۸م): رقا ص فرانسوی اهل ما رسی که بعد ادر ور سای جان سپرد وپدرش در بر و کسل (بلجیم)معلم‌بالت بوده و خودش در هنربالت فرا ست و مهارت زیادی داشت .

آر تور میشل سنت لئون ،(۱۸۲۱_۱۸۷۰) رقاص ومعلم رقص از مردم فرانسه که‌پدرش نیز معلم بالت تیاتر بودو درپا ریس متولد شد وهمه درانجا جان داد ومیراث هنر یش بیاد گار ماند .

برنوبرا جانسکا او لگا، (۱۸۷۰_۱۹٦۲) رقا صهٔ روسی که در سال ۱۸۸۹ از مدرسه شاهی آنز مان محیطش فارغ گر دیده ودر تمام رو لهای کلاسیك مربوط به گروه‌بالت «مار یوس پتی پا» رقصید .

فو کین میشل ، (۱۸۸۰_ ۱۹٤۲):رقاص ومعلم رقص از مردم روسیه که وقتی‌بمدرسه بالت تیاتر پادشاهی زمانش وارد شد ۹ ساله بوده و بسا ل ۱۸۹۸ میلا دی در همانجا استخدام شد و بز ودی به استادی مدرسه بالت آنجا منصوب گردید. فو کین ازنوابغ رقص بالت محسو ب گردیده و یاد گارهای معنوی هنر اند ودی از او بیاد گار ما نده است .

رو بنشتین ایدا ، (۱۸۸۰ _۱۹٦۰):رقاصه روسی که در سن پطرز بورگ وقت، بدنیا آمد و درونس چشم از جهان پوشید .

سر گیونا اولانووا، (متولد ۱۹۱۰):ستاره رقص بالت در بلشو تیاتر (تیا تر بزرگ) مسکو است .

یولی الگا روف ، (متولد ۱۹۱۸) تاصهٔ روسی بوده ودرسال ۱۹۵۳) ستاره اول‌او-پرا شد .

مو صو فه در پرو گرا مهای با لت «رو میئوزولیت »اثر شکسپیر نقش اول را بازی نموده ومدتی هم در بالت «مونته‌لیز» و«مونت کارلو » مصروفیت و سهم هنر آفر ینی داشته است .

مارژوری تا شیف ، (متولد ۱۹۲۷):رقاصهٔ امریکایی که نژادش از مردم هند بو ده‌و نقشها ی تازهٔ را دربالت ایجاد کرده‌است.

اریك بلتون اورسن برو هن ،(متو لد ۱۹۲۸) :رقا ص دنما رکی‌که کا رش رااز با له رویال سو یدن آغاز کرده و سر انجام از شهرت فرا وانی بر خور دا رشد.

ادری هیبو رن، (متو لد۱۹۳۰):دربروکسل پر ورده شد ودورهٔ بالترا در انگلستا ن گذرا یند ، سپس استعدادش در رشتهٔبالت وهنر سینما طوری تبارز کرد که بعدا یکی از ستا رگا ن معروف سینما یی و برندهٔ جا یزهٔ ارزشمند «او سکار »شد .

الیزابت تایلر ، (متولد ۱۹۳۲):پس‌از ختم تحصیلا تش در لندن با مرو فظریهٔوالدین خود در هنر بالت آموزش گرفت وپسا نها که همراه پدر هنر مند ومادر هنر پیشهٔ خود به امریکا رفت ، بدعوت و خو اهش کمپنی معروف فلمبر داری «مترو گلدن‌مایر» درچند فلم بر ارزنده ، ما هرانه‌بازی کرد و هنر پیشهٔ معرو فی ببار آمد .

زوزف آمیل (متو لد ۱۹۳۳ ر قا صهٔ فرا نسوی که در سا ل ۱۹۵۲ به استخدام ومحیط او پرا درآمد و بسال ۱۹۵۸ ستارهٔ رقص شنا خته شد .

ژان پی یر بو نفو س، (۱۹٤۳): نخستین رقصندهٔ او پرای پاریس (فر انسه) است که در سا ل ۱۹٦۵ بعنوان ستارهٔ دیگری از رقص معروف شد .

تا اینجا بصورت کلی ، نمود دار هایی از مفا هیم بالت گزارش یافت ویك نظر عمومی بر جهات متقد م وتعا رفی آن‌افگنده شد وضمنا «چند بالت معروف»و«برخی‌بالرین های نا مدار » جهان معر فی گردید که بتداوم مطالب ارائه شده در بخش‌دیگر پیرامون هنر بالت اتحاد شوروی بحیث نمونه وممائلی از بسط وگسترش آن که در حقیقت رو شنگر مفاهیم صر یحتر موضوع و متمم مبحث مطلو ب ماست ، نکا تی تقد یم خواهد شد که خالی از دلچسپی نمیبا شد .

درتابستان ۱٦۷۸ بابرگزاری نهمین مسابقه بین‌المللی رقاصان جوان بالت درشهر وارنای بلغاریه یکی از شاملان مسابقه موسوم‌به «رنیسا خیلکو»هنر پیشه‌تیاتر اوپراوبالت شفچنکو واقع‌کیف‌مرکز اوکراین‌که‌دربالت‌کیزل برنده مدال طلاشد

بقیه صفحه ۲۸

یکنوع سپورت

اعضای خا نوا ده‌همیشه‌به‌سپورتهای راحت کننده وفر حت بخش تر جیح مید هند . طبق تجا رب گذ شته جوا نان وکود کان به ور زشهای امتحا نی ورقا بتی عـلا قه‌ودلچسپی فرا وان دارند در حا لیکه بیشس از هفتاد فیصد خا نوا ده های متا هل وبزر گسا لان بهر دو نوع سپو رت آزاد وور زشهای دا خل فیسس علاقه نشان مید هند . در بسیا ری از کشور های جهان مصا رف گزا ف کلپ های سپور تی از طرف دو لت پرداخته میشود که در اینصو رت وا لد ین‌واطفال ضرو رت ندا رنددر بدل استفا ده از فعا لیتهای ورزشی درجمنا زیوم‌ها وکپلهای ور ز شی فیسس واجرت بپر دا زند . وقتی از پدران وما دران دو خا نواده در مورد اینکه از دو نوع ور زشس آزاد و رقابتی کدام یك را دوست دارند پر سشس بعمل آمد در پا سخ‌اظهار داشتند که ایشان با هر دو نوع سپو رت عـلا قمند هستند . یکی‌از عللیکه چرا جوا نان در اثنای دوره تحصیل وآمو زشس به انواع‌واقسام مسا بقات ورزشی تما یل دا رند اینست که انجام همچو مسا بقات دربلند بردن سطح استعدادوتکامل قوای روحی‌وفکری جوا نان‌رول‌مهمی رابازی مینما ید .دو تن از جوانانیکه در یکی از کلپهای سپور تی عضویت داشتند در برا بر سوا لی اظهار داشتند : ما بیشس از همه به شطرنج وکر مبورد علا قمند هستیم وبعد از آن به ور زشس آبیا زی .

بقیه صفحه ۲۹

احتیاجات غذای اطفال...

۱ـ غذای متمم به سویه محیطی تهیه شده باشد .

۲ـقیمت آن ارزان باشد .

۳ـ مزه آن خوب باشد و مقداران مناسب باشد .

٤ـ طریق پختن آن بسیار ساده باشد .

۵ـغذای تهیه شده مقدار کافی پروتین و کالوری داشته باشد تااحتیاجات طفل راتکافو نماید .

از شگفتی های رنگارنگ جهان

ترجمه ع ، س

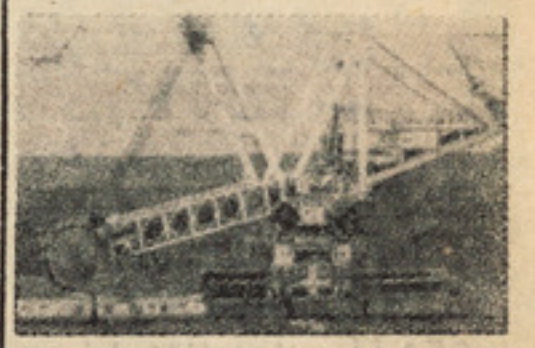

نیرومندترین شاول در جهان

نیرو مندترین شاول که نظر به تمام‌خواص خود از دیگران برتری های خاص دارد شاول روتری است که توسط علمای اتحاد شوروی ساخته شده ودر یك ساعت پنج هزار تن سنگ ذغال استخراج مینماید .

این‌شاول که‌بنام (ا، ر ، ش، ر ، د ۵۰۰) یاد میشود طبقه زغال را تا ارتفاع سی متر استخراج مینماید ودارای ساختمان مخصوصی میباشد که به کمك آن قطار هارا پر مینماید . قطار ها از دو جانب به شاول نزدیك شده ویك واگون رادر ظرف نیم دقیقه پرمیکند . وزن شاول مذکور به (۴۹۰۰) تن ووزن ساختمان بار کننده آن به (۹۸۰) تن میرسد .

تونل های یخچالی برای کاهش مشکلات ترافیکی

انجنیران وتکنیشن های د ر فرانکفورت تلاش نموده اند که راه های زیر زمینی را کاملا در عمق دریاها وابحار بکشانند چون در آنجا درجه برودت وسردی، منفی چهل درجه سانتی گرید بوده واین امررا کاملا ساده وسهل جلوه داده است .

امروز باشندگان شهر فرانکفورت که در قسمت شمالی دریای راین امرار حیات‌مینمایند ازراه های زیرزمینی که از عمق دریامیگذرد بواسطه قطار آهن عبورومرور می نمایند در حالیکه باشندگان قسمت جنوبی دریا هنوزهم دچار مشکلات بوده از طریق قایق هابه‌سوی دیگر عبور می نمایند . چون کناره های‌دریا چنان مورد حمله‌آب خیزی قرار دارد که امکان ساختمان پل را کاملا غیر ممکن ساخته بنابرین دانشمندان در صدد آ ن برآمدند که چگونه میتوانند برین مشکل فایق آیند. بعد از تپ وتلاش های زیادآنها به این نتیجه رسیدند که چون عمق ابحار ودریا ها کاملا منجمد ویخ بسته بوده ودرجه حرارت در آنجا منفی چهل درجه سانتی‌گرید می باشد بنابرین امکان آن وجود دارد که راه های زیرزمینی در آنجا حفر نمایند که بعداز کندن کاری وحفرآن میتوان جدار های سقف وسطح جاده را در درون یخها اسفالت وسمت نمایند .

انجنیران ومتخصصین همچنان عقیده‌دارند که با استفاده از چنین راه های زیر زمینی مشکلات عظیم شهر های پرنفوس نیز تا حد زیادی تقلیل وکاهش می یابد .

متخصصین همچنان از سیستم سردکننده در مورد یخ بستن کارمی گیرند آنها میگویند که تاثیر چنین سیستم از صورت طبیعی‌یخ بستن کمتراست.

اولین تونل یا شاهراه عبور ومرور دردرون یخچال ها بعد از تلاش های زیادی در مدت دوازده ماه وکمتر ازآن حفر گردید.

اماتونل دومی را که متخصصین و انجنیران در صدد تکمیل آن بودند بادر نظر داشت تجارب قبلی وآزموده شدن پرسونل و کارگران در پروژه قبلی در مدت کمتر از شش هفته ویابه عبارت دقیق تر در مدت چار هفته کار متواتر انجام داده اند .

ساختمان سریع تونل سازی از سیستم تونل سازی آستریایی اقتباس گردید چنانچه سوم قسمت سطح فوقانی تونل یك متر عمق داشته از زیر حفر گردید به مجردیکه مواد اضافی کنده شده بدور گردید سقف آن را بامواد آهنی وسیمی حلقه زده وبه ضخامت بیست سانتی متر مواد کانکریتی زود خشك شونده بکار بردند اما قسمت های باقیمانده تونل باعین طریق انجام یافت .

دانشمندان ومتخصصین میدان سازی وراه سازی عقیده دارند که چنین روش دو فایده دارد یکی اینکه به اسرع وقت کار آن‌تکمیل میگردد واز طرف دیگربی نهایت اقتصادی و کم مصرف است . همچنان علاوه برآن لین‌دوانی قسمت های درون تونل باکمك صخره هاومواد سنگی که در اثر کندن کاری‌نمایان میشود بزودی امکان پذیر میباشد .

این همه نوآوری وترقیات اجتماعی که در جهان رونما میگردد مستلزم زحمات شباروزی خلق ها بوده برای اینکه بتوان دامنه فعالیت دسته جمعی اجتماعی را هرچه وسیعتر و گسترده تر سازیم لازم است که علاوه برآن درراه صلح وآرامی که شرط عمده واساسی پیشرفت ها، ترقیات وتکامل اجتماعی اند مبارزه مداوم وخستگی ناپذیر صورت گیرد زیرادر صورت عدم فضای صلح و آرامش امکان فعالیت وترقیات اجتماعی کمتر امکان پذیربوده تلفات وضایعات بزرگ درجامعه بشری رونما میگردد .

دانشمندان ومتخصصین در مورد اظهار عقیده می نمایند که باید برای نیل بسوی جامعه شگوفانی، عدالت برابری وترقی‌اجتماعی نیروهای صلح دوست ومبارز گردهم آمده علیه دشمنان بشریت مبارزه بی امان شان را تاآخرین لحظه یعنی محو ونابودی شان ادامه دهند تاباشد در سراسر جهان فضای صلح وهمزیستی را ایجاد نمایند .

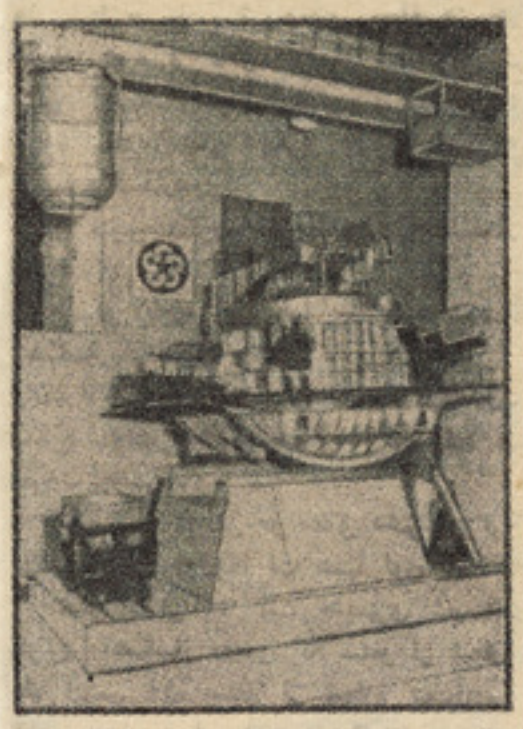

بزرگترین دستگاه ذوب‌فولاد

بزرگترین ذوب کننده فولاد در جهان در این اواخر توسط علمای اتحاد شوروی و جمهوریت دموکراتیك آلمان ساخته شده است . این دستگاه پلازمایی در نوعیت خود بی نظیر بوده وجهت جدیدی را در تکنالوژی فلزات باز مینماید .

این دستگاه پارچه های فلز رابه فولاد باکیفیت عالی مبدل میسازد .

درین دستگاه که حرارت به (۱۵_۱۷) هزار درجه میرسد امکان میدهد تا در ظرف (۹۰) دقیقه (۳۰۰) تن فولاد عالی ویا الیاژ باکیفیت ومقاومت بلند بدست آید . این دستگاه در یك سال قریب (۶۰) هزار تن فولاد عالی بدست میدهد .

نسل بوم درحال‌از بین رفتن‌است

احصائیه‌گیری دقیق ازپر ندگان

آنا نیکه‌با پرو ر شس ونگهدا شت انواع‌واقسام پر ند گان سرو کار دارند در هرا س اند تا مبا دا در اثر وقوع حوادث جوی وسهل‌انگا ری شکار چیان نسل‌بر خی از پرند گان مانند (بوم) و امثال آن معدوم واز بین برود .

بمنظور ار زیا بی بهتر این مو ضوع اخیرا یك سلسله تحقیقات علمی پیرا مون مها جرت پر ند گان‌و وفیات آنها از طر یق وقوع حوا دث طبیعی وهم چنان شکار شدن تحت **نظرعده از دانشمندان وپرنده شناسان** در آلمان فدرال شروع گرد یده است. بر طبق این گزار شات‌باشه (باز) وبوم از زمره آن دو نوع پر**ندگان نایاب قلمداد شده اند که** بزر گتر ین رقم شکار را در ارو پای مر کزی نشان داده ونسل آنها سال بسال در حال محو گرد یدن است .علاقمندان این دو نوع پر ند گان از مد تهای متما دی به اینطرف در تلا ش اند تا احصا ئیه گیری دقیقی را در مورد این پر ند گان بعمل آورده عوا مل معدوم شدن نسل آنها را بصو رت علمی ار زیا بی نما یند . طور یکه درتازه تر ین راپ ور احصا ئیه گیری پرندگان تذ کار رفته در حال حا ضراز جمله یکصدو سی جفت پر ند گان شکا ری که در حدود هشتاد سال در ارو پای مر کزی‌زیست مینمودصرف بیست‌و چهار جفت آن با قیما نده است .

برای اینکه نسل‌این‌نوع پرندگان دوباره احیا گرد یده با شد ازچند سال به اینطرف فعالیتهای پیگیری در موردتکثر نسل آن بعمل آمده است . دا نشمندان وعلا قمندانیکه با تکثر وپرو ر شس پر ند گان سرو کار دارند ودر تمام فصول‌سال جفت های نسل (باز) وبوم را در آشیا نه ها تحت مرا قبت قرار مید هند . چنا نکه در را پور تذ کار رفته از شروع سال جاری تا اکنون از تخمها وبیضه ها ئیکه‌جهت نسل گیری وآشیا نه های‌مرا کز زو لوژکی ارو پا گذاشته شده بود بتعداد یکصد جفت آماده پر واز گرد یده وبیش از هشتاد جفت دیگر آن در آینده قر ین آما ده پر واز خوا هند شد . یکی از عوامل بزر گی که با عث معدوم گشتن نسل پرند گان میشود سر از یر شدن سیلاب ها ووزیدن باد های موسمی بوده است . طبق را پور یکه در زمینه انتشار یافته در طول سال گذشته از هر چهار جفت پر ندگانیکه‌برای تکثر واحیای نسل به آشیا نه های معینه گذا شته شده بود صرف یك جفت آن جان به سلا مت برده است .

ازدیاد آثارهنری مربوط به‌اناتومی انسان

آثار رسامی ونقاشی از ازمنه قدیم توجه هنر مندان را بخود معطوف داشته است واما تحول بزرگی که بصورت یك جهش هنری در ساحات مختلف عرض اندام نموده است در ساحات طب واناتومی انسان توجه دکتوران و دانشمندان را بخود معطوف کرده است ، یك تن ازرسامان معروف وچیره دست ایتا لوی اخیراً دست به‌ابتکار جدیدی زده وآن عبارت از تهیه آثار هنری که مراحل مختلف یك کودك را از هنگام القاح الی ولادت بصورت مصور درچوکات هنرهای معاصر تمثیل و باز گو می‌کند . آثار این هنر مند و رسام چیره دست چندی‌قبل دریکی ازسالون ها ی فرهنگی شهر هامبورگ به نمایش گذاشته شد . بیش از هفتاد هزار نفر از آن دیدن کرد .این رسام‌وارتیست که«لیوناردو ونیسی» نام دارد تاحال آثار خویش را که مربوط به اناتومی انسان میباشد در بیش از سی مرکز فرهنگی به نمایش گذاشته است . وی‌عقیده دارد که فعالیتهای هنری یك رسام ویا نقاش نبایستی همیشه متوجه هنر های زیبا وآثار رومانتیك وفانتیزی باشد ، بلکه این وظیفه رسام است تا در خدمت مردم قرار گیرد و بتاسی از این مفکوره رسامان میتوانند درآثار خویش صحنه های مختلف امورطبی، زراعتی روستایی ، فرهنگی ، صنعتی ، تحقیقاتی و امثال آ نرا ترسیم و مجسم سازند. تو قع میرود آثار این‌رسام درآینده قریب در شهر های شرق دور وامریکای لاتین نیز به‌نمایش گذاشته شود .

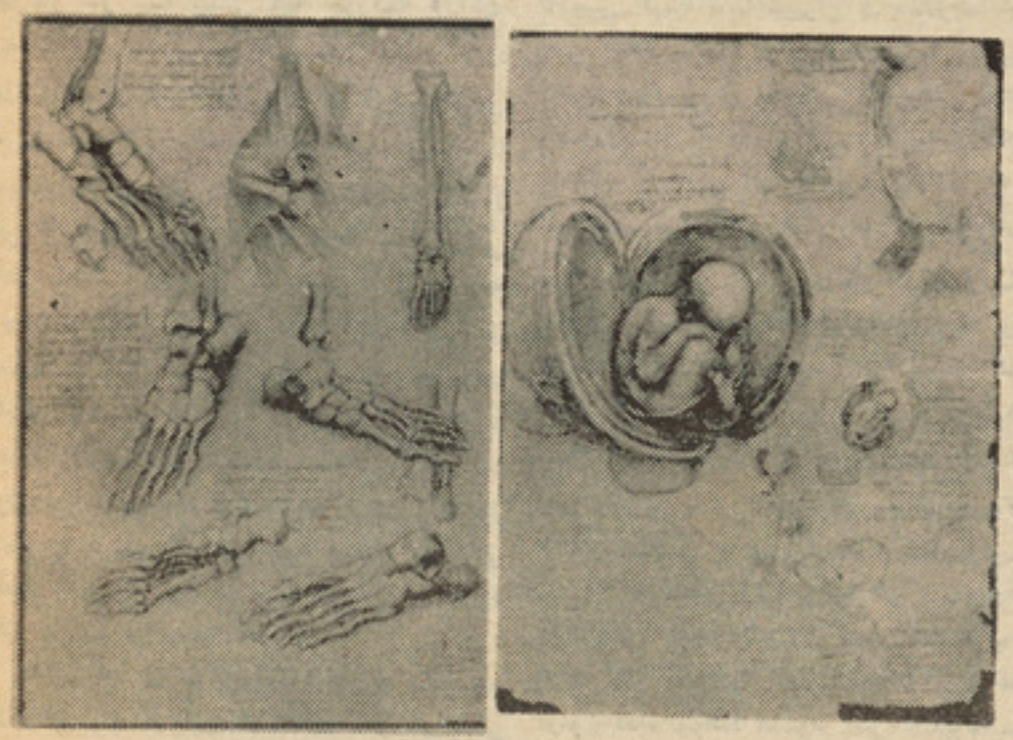

نموداری ازاناتومی انسان که‌در یك پارچه رسم مجسم ومنعکس گردیده است .

نمونهٔ اسلحه‌یی که دشمنان خلق ما ازخارج‌جهت کشتار مردم مافرستاده بودند وازنزد نوکران مزدور آنها درداخل کشور بدست‌آورده‌شد

بقیه صفحه ۱۰

عده‌ای از اخلال گران...

قرار اطلاعات بدست آمده، شبکه های تخریبی ارتجاع سیاه داخلی به رهنمایی نمایندگان معلوم الحال وفروخته شده به دستگاه های جبار وچپاولگر امپر یا لیستی به اساس پروگرام سازمان جاسوسی سی. آی. ای. و دیگر شبکه های جاسوسی کشور های امپر یا لستی وهمکاری نزدیك جنایت پیشگان مصر و اسرائیل ، بازهم مذبوحانه ولجوجانه به‌مقصد جورو چپاول‌وآتش‌افروزی میخواستند عملیاتی را براه بیندازند وبا تولید تشویش هر چه بیشتر فضای شهر کابل‌را مغشوش سازند .

خبر نگارآژانس باختربه ارتباط دستگیری سلاح های ساخت امپر یالیزم امریکا و چین ونمایندگان اجیر ایشان مینویسد که امروز در شهر کابل جریان زندگی هر چه بیشتر بهبود یافته وقوای امنیتی کشور با حوصله مندی وشجاعت در جهت تامین امنیت می کوشند وشهریان کابل نیز داو طلبانه با قوای امنیتی کشور همکاری می‌نمایند.

بقیه صفحه۱۳

ارتش آزادیبخش اتحادشوروی...

صلح وترقی اجتما عی است ، زیرا دو لت سوسیالیستی ما هیتا با جنگ‌وتجاوزو اشغالگری در تضاد و تقابل قراردارد. در جوامع سو سیا لیستی هما نطوریکه دو لت به‌تیپ نوین وغیر استثماری وجود دارد قوا ی مسلح نیز به تیپ نو ین و صلح‌گستر میباشد . ولی ناگفته نماند که ازنظر گاه ایدیا لوژی علمی پرولتاریا دو لت و قوا ی مسلح برای همیشه درجا معه با قی نمی ما ند ، یعنی در یك سنتز عا لی جا معه به‌معدومیت میگرایند. از سخنان فو ق مستفا د میگر دد که قوای مسلح جزلاینفك دولت بوده و هما نسا ن‌که با ظهور دولت بمیان آمده است همپای نابودی دو لت واز بین رفتن همه امکا نا ت جنگ و تجاوز امپر یا لیستی که این خود بستگی به‌نابودی قطعی امپر یا لیزم در مقیا س جها ن دا رد نیز از میا ن میرود .

اولین قوا ی مسلح آزادیبخش ، صلح جو وانقلابی بعد از پیروزی انقلاب سو سیالیستی اکتو بر ۱۹۱۷ در سر زمین پهناور شو راها بوجود آمد که با همه اشکال وانوا ع‌سازمان داری ، فیو دالی وبورژوازی در منا فات‌ژرف وهمه جانبه بسر می‌برد. دراتحاد شوروی ارتش آزادیبخش شصت و دو سا ل قبل تاسیس گردیدکه‌طراح و موجدآن رهبر انقلاب اکتو بر بود . در طی همین شصت و دو سا ل ، ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی به نحوی پیگیر ، قهر ما نانه و خستگی نا پذیر علیه انوا ع تجاوزا ت و اشغالگری های قوت های استعماری‌و امپر یالیزم بین المللی پیکار کرده ومیکند

ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی که وارد شصت ودومین سال تاسیس خود میشود همین حالا نه‌اینکه دراتحادشوروی، بلکه درسراسر جهان از طرف خلقها ی جهان وهمه نیروهای ملی ومترقی ، تر قیخواه وصلح‌پسندگیتی از آن استقبال به عمل آمده و شصت‌ودومین سالروز تا سیس آنرا جشن گر فتند ،ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی هما نند حزب و دولت اتحاد شوروی دارای خصلت نیرو مند، آزمون شده وواقعا استوار انتر ناسیونالیستی میبا شد این ارتش در طی شصت و دومین سال خود در برا بر انواع مظا هر فاشیزم، های نظا می وقوای مسلح در جوامع برده تجاوزات وتحریکات قوای استعمار وامپریالیزم جهانی چه درداخل کشور شوروی وچه درخا رجا ز آن ، قهر ما نا نه پیکار کرده وراه ملیون هاانسان افزارمندو زحمتکش را بصوب صلح وسعادت گشود ه‌و هموار کرد ه است .

ارتش آزاد یبخش اتحاد شوروی دردوران جنگ اول ودوم جها نی ، همچنا ن دربرابر تما م تحر یکا ت واشغا لگری های‌امپریالیزم بین المللی و در راس آن امپر یا لیزم خون آشام‌امریکا و دستیاران جنگ افروز چینی آن چنان مبارزه کرده واز خودچنان شهامت وتهور نشان داده است که در تاریخ جهان نظیر ندارد.

ار تش قهرمان در طی شصت و دو مین سا ل خود یك‌روز ، یك سا عت و یك لحظه هم علیه منافع خلقها ومصالح‌کشورهای جها ن به فکر تجاوز ، مدا خله ، جنگ افروز ی واشغال نبوده ، نیست و نخوا هد بود ، این ارتش قهر ما ن اتحاد شو رو ی است که سوابق طولانی مبارزه را علیه فا شیزم ، کلو نیا لیزم ، نیو کلو نیالیزم وامپر یا لیزم داشته ودارد و بالاخره این ارتش قهر ما ن اتحاد شوروی است که در هر کجا به کمك خلقها ی جها ن می‌شتابد ودرامر خنثی کردن توطئه ها ودسایس ارتجا ع وامپر یالیزم متهو را نه وسا لت بین‌المللی خویش را ایفا میکند زیراارتش اتحاد شوروی تنها دارای خصلت ملی‌نیست بلکه دارای خصلت انتر ناسیو نالیستی‌نیز میبا شد .

اکنون از شصت ودومین سالروز تاسیس ارتش قهرمان اتحاد شوروی درسر زمین ما وقتی تجلیل به‌عمل می آید که‌انوار شمس انقلاب ثور ،در همه گو شه واکنا ف کشور ما می تا بد و خلق قهر ما ن ، آزاده و سلحشور افغانستان در کار وپیکا رانقلابی سر گر م بود ه که ازیك طرف علیه‌دشمنان دا خلی و خارجی خویش پیکار می نما یند ولی ازجهت دیگر در راه اعمار جا معه دموکراتیك ونوین شان مشغول اند.و شصت و دومین سالروز تا سیس این ارتش در کشور ما وقتی صورت میگیرد که بخشی از قطعا ت کو چك آن جهت خنثی کرد ن تحر یکا ت و تجا وزات بیشر ما نه ومداخله جو یا نه قوای ارتجا ع منطقه وامپر یالیزم بین‌المللی ودر راس امپریالیزم جهانخوار ورو به افول امریکا به کمك خلق متد ین وقهرمان ما شتافته ودوش بدوش ار دو ی رزمنده افغانستان در راه دفا ع از اشغلال، تمامیت ارضی وحاکمیت ملی‌کشورما شجا عا نه پیکار میکند .

اما بنا بر موجودیت این قطعا ت کو چك ارتش رزمنده وقهر ما ن شوروی درافغانستان تمام مر تجعین ، کهنه گرا یا ن،امپریالیست هاو رهبری جنون زده چین همه با یك صدا فریاد بر می آورند که گویا اتحاد شوروی درافغانستان مداخله نظامی کر ده ا ست و تحت نا م به اصطلاح‌مدا خله شو روی‌در افغانستان سرو صدا ها یی عجیبی را براه انداخته و بدین ترتیب می خوا هند در قدم اول بر ما هیت و خصلت وزند گی وتجاوز کارانه شان‌پرده استتار کشیده‌وتانیا انظار خلقهای جهان را منحرف سازند که بتوانند تحریکات وتجا وزات بیشرم و مداخله گرا نه خویش راکه همین اکنون به کمك محافل ارتجا عی پاکستا ن وازمرز های همین کشور دربرابر وطن ، خلق‌وانقلاب ما صورت میگیرد پرده پو شی نما یند ،اما با ید گفت که نه امپر یالیزم ونه عما ل‌و جوا سیس آن نمیتوا نند که روی جنایات، خیانت ها وحشی گری هاو اعمال‌جنگ افروزانه وضد انسا نی خو یش پرده بکشند وهمچنان به هیچ وجهه قادر نخواهند شد که دیگر به کشور ما جا ی پای برا ی‌شان بیا بند اینجا انقلاب ثور به‌پیروزی رسیده‌و خلقها همه بیدار و آگاه اند ما هیت‌وسیمای دشمنا ن دا خلی و خا رجی شا ن را به‌خوبی می شنا سند .

خلق ماکه همواره با اتحاد شوروی روابط نیك همجواری دارند به خوبی درك کرده‌و میدا نند که اتحاد شوروی تا کنون‌اندکترین گامی هم علیه وطن و منافع شا ن برنداشته و بر نخوا هد داشت . این امپر یا لیزم جهانخوار ودرنده خصال جهانی ، بو یژه امپر یالیزم آمریکا است که علیه منا فع کشور ها ی جها ن عمل میکند چنا نچه تاریخ یك ونیم قرن کشور ما موید آنست که استعمار وامپریالیزم در برابر خلق قهرمان افغانستان از هیچگو نه تجاوز وظلم وتحمیل جنگ هادریغ نکرده‌است.

اینکه آقا ی کارتر ورهبرا ن جنو ن‌زده چین موجودیت قطعات کوچك نظامی اتحاد شوروی رادر کشور ما «مداخله شوروی»(!) عنوان داده است نه تنها بر چسپ‌محض‌و داعیه بی بنیاد است بلکه پشت چنین داعیه‌ها اغرا ض شوم و نیات پلید دشمنا ن دا خلی و خارجی ما مضمر میباشد . اتحاد شو روی هیچگاه در امور داخلی کشور ها مدا خله نمیکند و ارتش آزادیبخش آن تا کنو ن بیاد ندارد که در یك کشور دست تجاوز یا زیده با شد . تاریخ بهترین گواه است که یگا نه نیروی متجا وز ، مدا خله‌گرو ضد انسا نی هما نا امپر یالیزم میبا شد آقای کارتر یك بار سربه‌گریبان‌ببردوبیاد آورد که تجاوز کا را ن در ویتنا م‌قهر مان چه کسا نی بودند ، متجاوزین بر کشورهای دیگر هند و چین کیا نند ؟ اسرائیل‌رابحیث گرگ‌درنده جهان عرب کدامین قوت‌ها تبارز داده است وهمین اکنون در افغا نستان از مرز ها ی پا کستان کدامین عنا صر با چه نوع سلاح‌علیه انقلاب خلق ما دست به تحر یك وتجاوز میز ند وبالاخره درامریکای لاتین ، در افریقا ودیگرگوشه‌های‌جهان کدام قو ت ها مشغول تخر یب، تو طئه، جنگ افروز ی وتجاوز میبا شد ، بد یهی است که همه این عملیات را در کشورهای جهان امپر یالیزم بین المللی و در را س امپر یا لیزم امریکا مر تکب شده و هرروز مر تکب میگر دد .

بهر صورت نه اتحاد شوروی ونه قوا ی مسلح آن هیچکدام خصلت تجاوز کا را نه ندارد و به چنین اردوی قهر ما ن،آزادیبخش وصلح دوست هزار شاد باش .

سلام به خوانندگان عزیز

بعد از دعای سلامتی به حق شما می‌آغازیم به جواب نامه های این هفته :

دوست گرانقدر سیدرحیم «رحین»

سلام علیکم ، چطور استید : امیدواریم که خوب باشید. اگر دیرتر به نامهٔ تان‌پاسخ ارایه میکنیم ، دلیلش را کثرت نامه های ارسالی علاقمندان مجله بدانید ...

دوست ارجمند مطلب شما را زیر عنوان «نکات جالب از اعلامیه حقوق بشر» خواندیم، آرزومندیم که‌درهمکاریهای‌آینده وهمینگونه در تحقیق وتتبعی یك مطلب ، از ذکرمآخذ ومنابع ، در پایان نوشتهٔ تحقیقی و علمی ویادر کاوش واقتباس مسا یل اجتما عی، خود داری نورزید . زیرا یاد آوری و تذکر منابع ومآخذ نوشته ، به مطلب تحقیقی و اقتباسی شما اعتبار بیشتری می بخشد . در برداشت مطلب ارسالی خویش از کتب مورد استفاده ، دچار اشتباهاتی گردیده اید که ذکرش را خالی از فایدت نمیدانیم وجسته وگریخته اشارهٔ گذرا وشتابزده می نما ییم : باید علاوه شود که اعلامیه یی جهانی حقوق بشر شامل یك مقدمه وسی ماده میباشد که بعضی ماده های آن از چند جزء فر عی تشکیل گردیده است ، بصورت مثال مادهٔ یازدهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشررامیخوانیم:

ماده ۱۱(۱) هر متهم به بزهکاری بی گناه محسوب خواهد شد تاوقتی که در جریان‌یك دعوای عمومی،که درآن تمام تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر ا و قانونا محرز (احراز شده، گرفته شده)گردد.

(۲) هیچکس برای کردن یا نکردن عملی که در موقع ارتکاب به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی شده است ، محکوم نخواهد شد . همچنین مجازاتی شدید تراز آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت در بارهٔ کسی اعمال نخواهد شد . »

دو ست عز یز ! در ماده دوم چنین نگاشته اید : «کلمات وعبارات این سندفقط دربارهٔ یك فرد بشر صورت حقیقت دارد » وبالاخره ما ندانستیم که این فرد بشر، که منظور اعلامیه‌یی جهانی حقوق بشر است ، کیست ؟ وچرا تنها شامل حال یك‌فرد باشد؟ بهرحال، اگر مواد اعلامیه‌یی جهانی حقو ق بشربه «یك فرد بشر» تعلق وبستگی میداشت بیك روپیه نمی ارزید . وهیچکس زمزمهٔ آنرا سر نمی داد وبه هیچش می پنداشت ، امااینگونه نیست . از اعلامیه‌یی جهانی حقوق بشر بامقدمه وسی ماده آن «هرکس میتواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصا از حیث نژاد ،رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌سیاسی یاهر عقیده‌ی دیگر وهمچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، ... بهره مند گردد . »

بانظر داشت مطالب بالا، ازنشر گزیده‌ی «نکات جالب از اعلامیه حقوق بشر» صرف‌نظر می کنیم وانتظار مطالب دیگر شمارامی بریم که خالی از عیب ونقص باشد . اگر جواب مارابه انتقاد خویش خوانده باشید حداقل از پشیمانی نجات می یابید وباما همنوا میشوید، مگرباآنهم بخاطر رعایت نظرشما ، مجلهٔ ژوندون را آدرس زدیم که ببینیم به این آدرس ، چه مطلب میفرستید ..؟ راست میگویید «صرف‌بین ماوخودت‌بود» ولی‌من آنرا به ملای عام انداختم، معذرت میخواهم، خدا حافظ دوست عزیز ..

دوست مهربان ا.س . جنبش !

ماهم سلام میگوییم، کاش که از دوسال به اینطرف همکارما می بودید ومطالب جالب وخواندنی میفرستادید ومجلهٔ خودرا رنگ و روغن بیشتری میزدید .

دوست عزیز ! اطلاع مطالب فرستاده یی تانرا از شماره (۴۷) بگیرید که ذکرش ، باردگر زاید می نماید ...

دونامه ارسالی دیگر تان راکه هردوحاوی حل سوالات صفحه سر گرمیها و مسابقات است به متصدی صفحهٔ سرگرمیها ومسابقات سپردیم که جوابات شمارا، ارزیابی کند و آنگاه نام وفوتوی شما همکار عزیز ما را به نشر رساند، موفق باشید .

دوست ارجمند عزیزه رسولی !

سلام میگوییم . مضمون ارسالی شمازیر نام «محرونابودی کامل بیسوادی وظیفهٔ هر انسان بشردوست است» به اداره رسید و خرسندیم که همکاری قلمی خویش را ادامه میدهید . دریکی از شماره های آینده نوشتهٔ شمارابه نشر میرسانیم . به امید همکاریهای دیگرتان، کامگار باشید .

رفیق عزیزنادر، ازجواهری درملتون !

پارچه شعر ارسالی شما رسید وآنرا سپردیم به متصدی صفحه دوستان که با در نظرداشت نوبت بچاپش اقدام ورزد .

دوست گرامی بشیراحمد ، ازکارته‌پروان!

داستانگونه یی شمارا که بنام «زندگی» نوشته اید ، خواندیم. درداستان شما اصول واسلوب داستان نویسی مراعات نگردیده است وقصه‌یی عشق دو درس خوان مکتب رو به شکل یك گفتگوی روزنامه یی باقی مانده است که باید چنین نمی بود وبایست ازشرح وبیان هنریی برخوردار می بود ... مشوره بی مادراین زمینه‌اینستکه کتابهای قصه وداستان، قصه‌نویسان وداستانسرایان بزرگ ادبیات‌را بخوانید وبعدا سری به کتابهای داستان ـ نویسی بزنید. عجالتا در باب همینگونه داستانها، در چند شماره قبل مجله، درصفحه جواب به نامه ها، نکاتی چند گفته ایم که خواندنش بکار شما آید . یك بار به‌خواندن بگیرید ش ... خدا مددگار تان .

دوست عزیز نعمت‌الله نیك بین متعلم صنف دوازدهم لیسهٔ رستاق !

سلام علیکم، نامه پر لطف شمارسید و آرزومندیم که همکاری خودرا با ما ادامه دهید . غم نداشتن استاد را دردل نگیرید و زمانه را استاد برحق وسزاوار خود بگیرید که بسیار پند میدهد وبسیار می آموزاند .

هرکه ناموخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

دو مطلب ارسالی شمارابه عناوین «زندگی چیست ؟» و «ترانه خلق قهرمان» از نظر گذراندیم وبه خلق ایمان آوردیم که همه چیز است وبه نا باوری افتیدیم که «خلق برگشت ناپذیر است» یعنی چه ؟ این‌چه‌معنی میدهد؟ وچرابه اظهار این مطلب پا بفشاریم که «خلق سنگ است» . مگر این تعریف هاآیا القای درست معنی میکند ؟ از این‌نوع شعار گویی لب بربندید وفقط آثار با ارزش اجتماعی را بخوانید تا معلومات شما بیشتر گردد ووسعت نظر شما عمیقتر .. زمانیکه اززندگی حرف میزنید این چنین نگویید که «زندگی ارباب ورعیتی نیست، زندگی مرگ نیست ، زندگی عشق نیست ...» یاری به اجتماع قدم گذارید ، میان مردم زندگی کنید، ودردها راپیداکنید وازمردم بیاموزید.. به این ترتیب دیده میشود که این گونه شعار ها بدرد زندگی نمی خورد واین گفتنی ها شمارا شاعر نمی سازد. به انتظارنامه های دیگرتان .

دوست گرانقدر عبدالحی غروب !

بپذیرید سلام مارانیز . خیلی خرسندیم که همکاری را با مجله ژوندون آغازیده اید. یکی از آرزو های ما آنستکه علاقمندان‌مجله آنچه میخواهند به مراددل ومقصد برسند .

اگر مادرین مامول موفق بوده باشیم دست کم نیم‌کار را انجام داده ایم . دوست عزیز جدول متقاطع شمارا مرور کردیم وجهت ارزیابی برای نشر در مجله ، آنرابه‌متصدی صفحه سر گرمیها و مسابقات سپردیم که از نظر بگذراند وهرچه زودتر در نشرش بکوشد وشمارا از مایوسی نجات بدهد . به آرزوی همکاری تان .

دوست مهربان یارپور !

«تمثیلی ازیك انسان فریب خورده» ر ا

دقیقانه مطالعه کردیم واین چند نکته راعلاوه میکنیم که در نگارش داستان وبکار برد کلمات داستانی، دست درازی داریدکه بسیار میتوانید از این توانایی استفاده برید و به داستان رنگ هنری بزنید . چیزیکه مورد خرده گیری وانتقاداست متن وسبك نگارش داستان است که درست انتخاب نگردیده است . داستان از مقطع گنگ زندگی یك شخص غیر نمونه وتیپك شروع میشود و بدون منطق داستانی ، داستان پرورش می‌یابد وقهرمانان داستان از آغاز تا انجام قصه غیر مشخص اند وخواننده با آنها آشنایی ودرد دلی پیدا نمیکند وحتی روشن نیست که خواننده از کدام پرسوناژ حمایت ودفاع‌کند وعلیه کدام ضدقهرمان برخیزد ودشمنی‌ورزد. درداستان شما اصلا پیامی وجود ندارد که به خواننده پیشکش شود ویا خواننده خود از متن قصه بیرون بیاورد ... داستان شمابیشتر به یك حکایت وروایت میماند منتهی با این تفاوت که پرسوناژ قصه‌ی شمابی پدر وبی ـ مادر اند، نه زمانی داردنه مکانی .. وبالاخره نه روابط وضوابطی . در داستان شما مردی مرمی را بخوابگاهٔ مرمی می خواباند تامردی رانقش زمین کندو ... ولی خواننده ازاینکار کوچکترین آگاهی نمی برد که چرا او را میکشد وبرای چه به جنگش می شتابد ... وازاین گفته ها بسیار .

انیس
ژوندون

مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاری وات،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه